اطلاعات

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ ـ ۲۱ رجب ۱۴۳۵ ـ ۲۱ مه ۲۰۱٤ ـ شماره ۲۵۸۷۸ ـ ۱٦ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

رشد تولید ناخالص داخلی و کاهش تورم در ایران

* موسسه بیزینس مونیتور: تولید ناخالص داخلی ایران از منفی ۲/۹ درصد پارسال به مثبت ۲/۸ درصد در سال ۲۰۱۴ می‌رسد
* نرخ تورم ایران امسال به ۲۲ درصد و سال آینده به ۱۶ درصد خواهد رسید

صفحه ۴

نیروهای ویژه ارتش لیبی به ژنرال «حفتر» پیوستند

* ژنرال حفتر: هدف از عملیات نظامی، پاکسازی لیبی از تندروها و اعضای اخوان است
* سخنگوی ارتش لیبی: دولت کنونی سقوط کرده است
* نتایج اولیه شمارش آرای انتخابات مصری‌های خارج‌نشین از پیشتازی «سیسی» حکایت دارد

صفحه ۱۶

سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ شد

تاکید رهبر انقلاب بر افزایش امید به زندگی سلامت و توانمندسازی جمعیت کشور

* رئوس سیاست‌های کلی جمعیت:
- ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری
- تحکیم بنیان و پایداری خانواده و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی
- ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی
- باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت متناسب با ظرفیت زیستی
- حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان
- تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان
- تقویت مؤلفه‌های هویت بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی سیاست های کلی «جمعیّت» را که براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، ابلاغ کردند.

متن ابلاغیه رهبرانقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

با عنایت به اهمیّت مقوله جمعیّت در اقتدار ملّی و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیّت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیّت و نرخ باروری

بقیه در صفحه ۲



استقبال از رئیس جمهوری در شانگهای

* دکتر روحانی امروز در اجلاس «سیکا» دیدگاه‌های دولت ایران را برای تعامل و اقدام‌های اعتمادساز آسیا تشریح می‌کند

صفحه ۲

پرداخت تسهیلات بانک جهانی به ایران از سر گرفته می‌شود

* معاون وزیر اقتصاد: در چند ماه گذشته برای نخستین بار دو هیات از بانک جهانی برای بررسی طرحهای ایران به تهران سفر کردند
* دکتر علیشیری: تسهیلات بانک جهانی برای طرحهایی از جمله افزایش ایمنی جاده‌ها مقابله با آلودگی هوای تهران و کلانشهرها و احیای دریاچه ارومیه است

تاکنون دو گروه از بانک جهانی برای انجام رایزنی در حوزه فنی و مشاوره ای به ایران سفر کرده اند و برنامه کاری هم در این زمینه تدوین شده است.

بهروز علیشیری معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی از آغاز رایزنی ها برای دریافت تسهیلات جدید از بانک جهانی پس از چهار یا پنج سال اخیر خبر داد و با بیان آنکه بانک جهانی در چهار یا پنج سال گذشته به ایران تسهیلات جدیدی ارایه نکرده است، افزود: با وجودی که ایران در چند سال گذشته نتوانسته از بانک جهانی تسهیلات جدیدی دریافت کند و تاکنون دلایل آن از سوی مسئولان این بانک اعلام نشده اما غیر مستقیم احساس می شود که این امر به دلیل وجود تحریم ها بوده است.

رئیس سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران، با اشاره به اعتراض ایران و ارسال نامه ای از سوی علی طیب نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی به گروه ۲۴ در خصوص عدم اعطای تسهیلات

بقیه در صفحه ۴

استقبال شخصیت‌های سیاسی از اظهارات اخلاق‌مدارانه سرلشکر فیروزآبادی

* حجت‌الاسلام مجید انصاری: اگر رسانه‌ها نقد سازنده و مشوقانه دارند، از تخریب، تهمت، بداخلاقی سیاسی و دروغپردازی به‌طور جدی خودداری کنند
* آشنا مشاور رسانه ای ریاست جمهوری: شاید سخنان ریاست ستاد کل نیروهای مسلح تذکر نیست، فرمان است
* نقوی حسینی سخنگوی کمیسیون سیاست خارجی مجلس: حمایت آقای فیروزآبادی از دولت و شخص رئیس جمهوری از بعد منافع ملی انجام شده است
* حجت‌الاسلام اکرمی دبیر شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری: سخنان آقای فیروزآبادی نشان داد میان نیروهای مسلح و دولت فاصله‌ای نیست

صفحه ۲

میزان سموم باقیمانده در محصولات کشاورزی نگران کننده است

دکتر زالی رئیس سازمان نظام پزشکی: در شرایط تحریم روغن‌های بی‌کیفیتی وارد بازار ایران شد که سلامت مردم را به خطر انداخت

* وجود سموم نباتی در محصولات کشاورزی موجب بروز سرطان و مشکلات دیگر می‌شود

صفحه ۱۳

محاک — خوش بود گر محک تجربه آید به میان — ابوالقاسم قاسم‌زاده

مبارزه سیاسی بعداز انتخابات مجلس عراق

صفحه ۲

گزارش

نگاهی به مشکلات کودکان موسوم به یتیمان ایدز

از من دوری نکنید!

صفحه ۵



نظرها و اندیشه ها

نگاهی به حیات علمی و اجتماعی آیت الله غلامرضا دهشت

اسوه مجاهدت در تبلیغ و خدمت

علیرضا نوروزی

صفحه ۶



اقتصادی

هفته معدن وارتقای جایگاه و توسعه فرهنگ معدنکاری

صفحه ۷



حماسه پایداری

فتح خرمشهر اوج سربلندی ملت ایران

صفحه ۱۱

اطلاعات ویژه کرمان – دلفان

ضمیمه رایگان اطلاعات امروز از دکه های مطبوعاتی در استان مربوطه بخواهید



ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک
خوش بود گر محک تجربه آید به میان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

مبارزه سیاسی بعد از انتخابات مجلس عراق

نتایج انتخابات مجلس عراق اعلام شد. براساس آن هیچ حزب و یا تشکیلاتی در این انتخابات اکثریت مطلق را به دست نیاورده است. بالاترین رتبه را نوری مالکی و گروه‌های همراه او به دست آوردند که ۹۶ کرسی مجلس را از آن خود کردند. بعد از آقای نوری مالکی، دو گروه اصلی دیگر از شیعیان عراق، گروه «الاحرار» به رهبری مقتدی صدر و «المواطن» متعلق به سیدعمار حکیم با نسبت بسیار پائین تر از ائتلاف «دولت قانون» به ریاست آقای مالکی قرار گرفته‌اند. براساس اعلام ستاد مرکزی انتخابات عراق؛ حدود ۶۰ درصد از واجدین رأی در این انتخابات مشارکت کردند. این آمار اقبال عمومی مردم عراق به انتخابات مجلس را نشان می‌دهد. گروه‌های ناظر داخلی و خارجی برگزاری انتخابات را سالم خوانده‌اند و نتایج به دست آمده را تأیید کرده‌اند.

مبارزه گروه‌های سیاسی برای به دست آوردن ائتلاف و انتخاب نخست‌وزیر عراق بعد از انتخابات کلید خورده است. دو شعار در صحنه سیاسی امروز عراق دیده می‌شود. آقای نوری مالکی و همراهان او شعار تشکیل «دولت اکثریتی» را می‌دهند. در مقابل، گروه‌های دیگر که در انتخابات کرسی کمتری را در مجلس در اختیار دارند، شعار تشکیل «دولت ائتلافی» را می‌دهند و خواهان دولتی ائتلافی متشکل از همه گرایش‌ها و احزاب هستند. نوری مالکی می گوید؛ عراق بعد از چندین سال تجربه دولت ائتلافی و عبور از بحران‌های گوناگون، امروز نیاز مبرم به دولت اکثریتی دارد تا قاطعانه در اجرای برنامه‌های خود بخصوص در دو بخش؛ استقرار امنیت پایدار در عراق و دوم، خدمات‌رسانی به مردم، موفق گردد. با تشکیل دولت ائتلافی، بجای کار، تقابل سیاسی و دیدگاه‌های متفاوت مانع از اجرای برنامه‌ها می گردد. اما، گروه‌هایی که خواهان تشکیل دولت ائتلافی هستند بر مشارکت همه اقوام و گرایش‌های سیاسی، مذهبی برای تشکیل دولتی ملی در عراق تأکید می کنند. مجلس عراق ۳۲۸ کرسی نمایندگی دارد و آقای مالکی در انتخابات ۹۶ کرسی از آن را بدست آورده است. برای تشکیل دولت اکثریتی نیازمند ۱۶۸ کرسی است. ائتلاف با دو گروه دیگر مسیر برای نخست‌وزیری و تشکیل دولت جدید «دولت اکثریتی» را فراهم می‌آورد. در حالی که اگر گروه مقتدی صدر و سیدعمار حکیم با چند گروه دیگر ائتلاف کنند، انتخاب نخست‌وزیر جدید را در مجلس مشکل خواهد کرد. تا اینجای کار و با نگاه به نتیجه انتخابات در داخل و خارج عراق، همه نخست‌وزیری نوری مالکی را حتمی می‌دانند. اگر گروه‌های سیاسی دیگر بخواهند با آقای مالکی ائتلاف کنند، به ناچار به نظرهای او باید تمکین کنند. آقای مالکی مشهور است به سیاستمداری، که به سختی امتیاز می‌دهد و چندان اهل مماشات نیست. توده مردم عراق قاطعیت مدیریت او را قبول دارند در حالی که رقبای سیاسی او در دیگر احزاب چندان راضی از صلابت سیاسی و رفتاری آقای مالکی نیستند.

عراق یکی از ثروتمندترین کشورهای عربی است که جامعه بسیار پیچیده‌ای به لحاظ گرایش‌های قومی، مذهبی، ناسیونالیستی و سکولار دارد. بافت قومی در این کشور در چگونگی شاکله دولت و اعمال سیاست‌ها بسیار مؤثر است. تا آنجا که رضایت عمومی در عراق را بجای ارزیابی مجموعه جمعیتی، باید در معیارها، مقیاس‌ها و تفاوت‌های قومی جستجو کرد. همین امر تحلیل سیاست در عراق را دو چندان مشکل می‌سازد. وجود اقوام کُرد، ترکمن، مسیحی و آشوری، شیعه و سنی و تفاوت‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای، بافت گوناگون و پیچیده‌ای از عراق یکپارچه و ثروتمند ساخته است. تجزیه عراق همواره خطر بزرگ و بالقوه‌ایست که این کشور را تهدید می کند و همه سیاستمداران در بغداد به آن واقفند. در چنین شرایطی نوری مالکی قدرتمندترین چهره شناخته شده سیاسی در عراق است که در یک انتخابات آزاد ۹۶ کرسی نمایندگی از مجموعه ۳۲۸ نفر نمایندگان مجلس ملی عراق را بدست آورده است. اگرچه دولت عربستان از انتخاب مجدد مالکی به نخست‌وزیری چندان راضی نیست، اما مخالفت آشکار با آن را نیز در جهت منافع خود نمی‌بیند. ایران مخالفتی با آقای مالکی ندارد و از تشکیل دولت ملی به ریاست آقای مالکی در عراق حمایت می کند. روابط آقای مالکی با آمریکا خوب است و دولت اوباما از موفقیت او در انتخابات خوشحال است. این مجموعه نشان می‌دهد که در مبارزه سیاسی بعد از انتخابات، آقای مالکی همچون دوره انتخابات موفق خواهد شد تا شعار تشکیل دولت اکثریتی در عراق را تحقق بخشد. مخالفان سیاسی او در عراق بجای مقابله، راه مصالحه را در پیش خواهند گرفت تا در تشکیل دولت آینده سهم خود را داشته باشند. انتخابات مجلس عراق که در آرامش و امنیت برگزار شد، یک پیروزی ملی برای این کشور است و مسیر را برای تنظیم روابط دو و چندجانبه عراق با همسایگان و دیگر کشورهای منطقه فراهم می‌سازد، همچنان که در صحنه بین‌المللی دریچه‌های روابط را با عراق بازتر خواهد کرد. با اینهمه، با تشکیل دولت جدید در عراق همچنان مشکلات و بحران داخلی و در کناره مرزها مشکلات و بحران‌های پیشین با ترکیه، سوریه، عربستان و اردن باقی است، که آینده، نتایج آن را مشخص می‌سازد.

جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم (ص) شنبه در تهران آغاز می شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: «جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم(ص)، شنبه آینده با سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از فرهیختگان داخلی و خارجی در تالار سوره حوزه هنری آغاز خواهد شد و فیلم‌ها و آثار برتر به مدت دو روز در سالن‌های حوزه هنری به نمایش درخواهد آمد.»

به گزارش خبرنگار ما، حجت الاسلام اختری دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) با اعلام این مطلب در جمع خبرنگاران، افزود: همچنین همایش بین‌المللی پیامبر اعظم(ص)، سینما و ادبیات جهانی، ساعت ۱۶ شنبه سوم خرداد در هتل لاله تهران آغاز می شود و یکشنبه چهارم خرداد در دو نوبت صبح و بعد از ظهر نشست‌هایی با حضور پیروان ادیان مختلف در دفاع از حضرت رسول(ص) و مقابله با موج تقدس‌زدایی و دین‌زدایی برگزار خواهد شد. وی اعلام کرد: مراسم پایانی جشنواره جایزه بزرگ پیامبر اعظم(ص) هم ساعت ۱۷ دوشنبه پنجم خرداد با سخنرانی دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس در تالار وحدت برگزار می شود و به ۱۵ نفر از برترین نویسندگان، فیلمسازان، فیلمنامه نویسان و مستند سازان به مناسبت پانزدهمین قرن ظهور اسلام جوایزی اهدا خواهد شد. وی خاطرنشان کرد: ۸۹۸ اثر در مجموع به دبیرخانه این جشنواره رسیده که از میان آن ها ۲۵۴ حلقه فیلم کوتاه داستانی، ۱۷۸ حلقه فیلم کوتاه مستند، ۷۰ حلقه فیلم پویانمایی و ۳۸۵ عنوان فیلمنامه است. همچنین در بخش کتاب ۳۸ اثر به دبیرخانه رسیده که ۲۴ عنوان آن داخلی و ۱۴ عنوان خارجی و تمامی آن ها به زبان انگلیسی است. دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) در ادامه از ناشناخته ماندن شخصیت پیامبر(ص) در جهان علم و رسانه ابراز تأسف کرد و گفت: هنر، بهترین وسیله برای معرفی رسول اکرم(ص) به دنیا است. اختری اشاره به این که بعثت پیامبر اکرم(ص) سرآغاز تحول و دگرگونی ریشه‌ای و بنیادی براساس حرکت بشر به شمار می‌رود، گفت: اسلام توانست یک نظام نوین برای بشر به ارمغان آورد و مفهوم زندگی بشری را در قالب ارتباط با خداوند بیان کند.

وی افزود: حضرت محمد(ص) به عنوان آخرین فرستاده الهی حق بسیار بزرگی بر جامعه بشری دارند و با یک تحلیل عقلی، منطقی و منصفانه به زندگانی پیامبر(ص) و آورده‌های وحی به این نتیجه می رسیم که دین مقدس اسلام و پیامبر عظیم‌الشان ارزنده‌ترین ارزش‌ها را به انسان هدیه دادند که بالاترین آن ها قرآن کریم است.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت(ع) با اشاره به این که دین اسلام دو بال علم و تربیت و اخلاق و ایمان را برای انسان به ارمغان آورده است، تصریح کرد: نخستین آیات قرآن کریم در زمینه علم و دانش بر پیامبر(ص) نازل شده، لذا نگاه پیامبر و اسلام به علم نگاه ویژه‌ای است که هیچ مکتبی نمی تواند ادعا کند برتر از این برای انسان خواسته است.

اختری یادآور شد: متاسفانه در جهانی که دنیای علم، دانش و رسانه است شخصیتی مانند نبی مکرم اسلام(ص) که الگو و اسوه مهربانی، رافت، گذشت، فداکاری، صلح و انسان‌دوستی هستند ناشناخته مانده است و شاید بسیاری از مردم جهان نام ایشان را نشنیده باشند و به هیچ یک از آموزه‌ها و ارزش‌هایی که ایشان برای آن مبعوث شدند اطلاع نداشته باشند و این جای تاسف دارد. وی با تاکید بر این که ظلم‌ستیزی و صلح‌دوستی یکی از بزرگترین افتخارات پیامبر اسلام است، گفت: ایشان حتی قبل از بعثت و در سن ۲۵ سالگی پیمان فضول را پایه گذاری کردند که پیمانی برای مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم بود. بنابراین آن حضرت ندای صلح و مقابله با ظلم را سر دادند.

رئیس جشنواره بین‌المللی پیامبر اعظم(ص) خاطرنشان کرد: باید ببینیم چرا چنین شخصیتی مورد اهانت و اساءه ادب قرار گرفته‌اند و افرادی به خود اجازه می دهند که علیه ایشان فیلم و کاریکاتور بسازند و اهانت کنند. این ها به خاطر ناشناخته ماندن شخصیت والای رسول خدا(ص) است. اختری در ادامه به تشریح اهداف و برنامه‌های این جشنواره و همایش پرداخت و افزود: ستاد جشنواره پیامبر اعظم(ص) تلاش می کند تا این ناشناخته ماندن شخصیت پیامبر(ص) را از بین ببرد و آن حضرت را در میان غیرمسلمانان معرفی کند. بنابراین ما وظیفه داریم که معارف زیبای دین اسلام و ارزش‌های پیامبر اسلام را به بیش از چهارمیلیارد انسان بشناسانیم. وی مهمترین راه برای رسیدن به این هدف را بهره‌گیری از ابزار هنر، ادبیات، فیلم و سینما اعلام کرد و گفت: باید منشورات دنیاپسند و مخاطب جذب کنی داشته باشیم تا بتوانیم به این هدف برسیم. بنابراین درنخستین جشنواره تلاش کردیم از عنوان سینما و ادبیات جهانی استفاده کنیم. اختری از برگزاری دومین جشنواره پیامبر اعظم(ص) و قرآن‌کریم در سال آینده خبر داد و گفت: باید تلاش کنیم که نگاه حقیقی و واقعی اسلام به زندگی و انسان را برای بشر امروزکه گرفتار در ظلم و استبداد قدرت‌های بزرگ است و حقایق برای آن ها وارونه معرفی می‌شود، ارائه کنیم تا مهربانی‌ها و ارزش‌های زیبای پیامبر اسلام به صورت صحیح به آن ها برسد و امیدواریم بتوانیم با زبان هنر پیامبر(ص) را در دنیا معرفی کنیم.

تاکید رهبر انقلاب بر افزایش امید به زندگی سلامت و توانمندسازی جمعیت کشور

بقیه از صفحه اول

در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیّت ابلاغ می‌گردد.

با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیّت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیّتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقّت، سرعت و قوّت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود.

سیّدعلی خامنه‌ای
۳۰/اردیبهشت/۱۳۹۳

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
«سیاست‌های کلی جمعیّت»

۱ـ ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیّت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی.

۲ـ رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.

۳ـ اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذیربط.

۴ـ تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی در باره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ـ ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری.

۵ـ ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی.

۶ـ ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیّت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست محیطی و بیماری‌ها.

۷ـ فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان درخانواده و پیش‌بینی سازو کارلازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب.

۸ـ توانمندسازی جمعیّت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی ـ حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولّد.

۹ـ باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیّت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیّتی

۱۰ـ حفظ و جذب جمعیّت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیّتی به ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی..

۱۱ـ مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیّت با تدوین و اجرای ساز و کارهای مناسب.

۱۲ـ تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه گذاری و بهره گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان..

۱۳ـ تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور.

۱۴ـ رصد مستمر سیاست‌های جمعیّتی در ابعاد کمّی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیّتی و توسعه انسانی.

استقبال از رئیس جمهوری در شانگهای

رئیس جمهوری دیروز پیش از عزیمت به شانگهای با اشاره به سمت و سوی روابط اقتصادی ایران به شرق از جمله به کشورهای چین، هند و ژاپن تصریح کرد که روابط با پکن برای ما حائز اهمیت است.

دکتر "حسن روحانی" که در فرودگاه مهرآباد با خبرنگاران صحبت می‌کرد، اظهار داشت: این سفر به دعوت رئیس جمهوری چین برای شرکت در کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادسازی آسیا(سیکا) انجام می‌شود.

رئیس جمهوری ادامه داد: حضور ایران در این کنفرانس برای ما اهمیت دارد، چرا که روز به روز جایگاه کنفرانس‌های قاره‌ای و منطقه‌ای در جهان از لحاظ تاثیرگذاری بر صلح و ثبات منطقه و تعامل میان کشورها افزایش می‌یابد.

دکتر روحانی انجام دیدارهای دوجانبه و گفتگو با مقام‌های جمهوری خلق چین برای گسترش روابط تهران ـ پکن را از دیگر برنامه‌های این سفر برشمرد و افزود: روابط ایران با چین در بخش انرژی، صنایع و تکنولوژی خوب است، اما باید این روابط هر چه بیشتر توسعه یابد.

رئیس جمهوری همچنین با اشاره به این که چین از اعضای گروه ۵+۱ است و در زمینه موضوع هسته‌ای ایران با این کشور در حال مذاکره هستیم، گفت: اجلاس سران سیکا با حضور ۲۲ کشور برگزار می‌شود که در جریان این اجلاس، با سران دیگر کشورها نیز ملاقات‌ها و مذاکراتی خواهیم داشت.

دکتر روحانی را در این سفر سه روزه، وزیران امور خارجه، نفت، راه و شهرسازی و محمد نهاوندیان (رئیس دفتر رئیس جمهوری)و برخی از معاونان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی همراهی می‌کنند.

مراسم بدرقه رسمی رئیس جمهوری برای شرکت در چهارمین نشست سران تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا (سیکا) در شانگهای با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری و اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری انجام شد.

طرح ایجاد سران تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا (سیکا) در اکتبر ۱۹۹۲ میلادی در چهل و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سوی نور سلطان نظربایف رئیس جمهوری قزاقستان به منظور ارتقای روابط دو جانبه و همکاری میان کشورهای آسیایی با هدف ایجاد ثبات و برقراری امنیت در منطقه مطرح و این سازمان در سال ۱۹۹۶ رسماً تشکیل شد.

ایران، قزاقستان، افغانستان، پاکستان، کره جنوبی، چین، روسیه، هند، فلسطین، مغولستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و تایلند از جمله اعضای سازمان سیکا هستند.

نشست سران سیکا هر ۴ سال یک بار و اجلاس وزرای خارجه هر ۲ سال یک بار برگزار می‌شود.

این سازمان ۲۲ عضو دارد و در برگیرنده ۱۲ عضو ناظر مشتمل بر سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری در اروپا، اتحادیه عرب و شماری از کشورها از جمله مالزی، اندونزی، ویتنام، ژاپن، اوکراین و آمریکاست. اولین و دومین اجلاس سران سیکا در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ در شهر آلماتی پایتخت قزاقستان و اجلاس سوم در سال ۲۰۱۰ در استانبول ترکیه برگزار شد.

دکتر روحانی وارد چین شد

دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران به منظور شرکت در چهارمین نشست سران تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا (سیکا) عصر دیروز وارد شانگهای چین شد و در بدو ورود از سوی معاون وزیر خارجه چین، مقام‌های شهر شانگهای، سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین و دیگر مقامات ارشد محلی مورد استقبال قرار گرفت.

معاون اول رئیس جمهوری: انضباط مالی بر کشور حاکم است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: جشن ملی توانمندی و خودکفایی ۱۲۰هزار خانوار تحت پوشش کمیته امداد روز گذشته برگزار شد. در این مراسم که معاون اول رئیس جمهوری و جمعی از نمایندگان مجلس حضور داشتند، از دستاوردهای کمیته امداد در اشتغالزایی برای ۱۲۰هزار خانوار در مدت دو سال و نیم رونمایی شد.

به گزارش خبرنگار ما، در این مراسم معاون اول رئیس جمهور ی با بیان این که ایران شایستگی قرارگیری در میان ۲۰قدرت برتر دنیا را دارد، گفت: دولت همچنانکه در عرصه اقتصادی ثبات و آرامش را در کشور برقرار کرده در بخش بین المللی هم ثبات و آرامشی را ایجاد کرده است که در سایه آن کشورهای جهان به این باور رسیده اند نمی توان با مردم ایران به زبان زور و تهدید صحبت کرد.

اسحاق جهانگیری گفت: دولت در چارچوب قوانین و منابعی که در اختیار دارد حرکت می کند و به معنای واقعی کلمه انضباط مالی بر کشور حاکم است.

او ادامه داد: دولت بانک مرکزی را بانک خود نمی داند که به منابع آن دست درازی کند، بیش از بودجه مصوب مجلس هزینه نخواهد کرد و اگرچه هزینه های اضافه بر بودجه می تواند برخی را راضی و خشنود کند، اما به قیمت فشار بر جامعه و اقتصاد کشور تمام می شود. بنابراین دولت بنا دارد کاملا بر مبنای قوانین حرکت کند.

معاون اول رئیس جمهوری اشتغال را یکی از چالش های پیش روی نظام دانست و گفت: در ۸سال گذشته در ازای مشاغل جدیدی که ایجاد شده، شغل منفی هم به وجود آمده است و عده زیادی شغل خود را از دست داده اند. انتظار جمعیت جوان کشور از حکومت این است که شغل پایدار، آبرومند و مولد برای مردم فراهم کند.

او ادامه داد: یکی از ویژگی های اقتصاد امروز ایران، تورم بالا ست که دولت تمامی تلاش خود را برای کنترل آن به کار بسته است، به طوری که تورم نقطه به نقطه از ۴۰درصد در سال گذشته به حدود ۱۷درصد در فروردین ماه امسال رسید.

جهانگیری به دو برنامه اقتصادی دولت یازدهم اشاره کرد و گفت: بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب که امسال را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی نامگذاری کرده اند، با همکاری مردم و مدیریتی خستگی ناپذیر، علمی و چارچوب دار برای ایجاد اشتغال و خروج از رکود قدم خواهیم برداشت.

او شرط خروج از رکود را استفاده مطلوب از ظرفیت های شکل گرفته در کشور دانست و گفت: با فعال کردن واحدهای تولیدی موجود، توجه به مشاغل و صنایع پیش برنده مثل خودروسازی، نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، مس و آلومینیوم و...، به این اهداف دست پیدا خواهیم کرد.

جهانگیری همکاری فعالان اقتصادی با دولت را شرط پویایی و پایداری توسعه اقتصادی دانست و گفت: فعالان اقتصادی باید منافع کشور را به منافع شخصی و گذرا ترجیح دهند و در این مسیر، کنترل تورم، ثبات در فضای بین المللی، ثبات در فضای اقتصاد کلان می تواند موجب اعتماد سازی شود.

معاون اول رئیس جمهوری همچنین با تقدیر از فعالیت های کمیته امداد در ایجاد اشتغال و خودکفایی گفت: این خودکفایی، یک جشن ملی واقعی است و نشان می دهد هر کدام از ما می توانیم تولید کننده باشیم و زندگی مستقل و عزتمندی بسازیم؛ حتی اگر تا امروز تحت پوشش سازمان های حمایتی بوده باشیم.

نتیجه خدمات کمیته امداد در اجتماع دیده می شود

حسین انواری سرپرست کمیته امداد هم دراین مراسم با بیان این که نتیجه خدمات کمیته امداد در صحنه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، گفت: کمیته امداد علاوه بر اشتغالزایی و خودکفایی افراد تحت پوشش خود، نوعی از فعالیت ها را هم در زمینه ایجاد اشتغال های کوچک انجام می دهد که هدف اصلی آن ایجاد طراوت، پیشگیری از بیکاری و افسردگی در قشر سالمند، ناتوان و معلول است و سود این نوع اشتغال در پیشگیری از فساد و آسیب های اجتماعی دیده می شود.

او از آمادگی کمیته امداد برای ایجاد ۵۰۰ هزار فرصت شغلی جدید در کشور خبر داد و گفت: کمیته امداد در نظر دارد امسال بر مشاغل دانش بنیان، حوزه آی تی، آموزش فنی حرفه ای و بازاریابی و فروش محصولات تمرکز بیشتری داشته باشد.

محمد امید، معاون اشتغال و خودکفایی کمیته امداد هم با اشاره به این که تاکنون۱۱۹ هزار و ۷۸۹ خانوار در طرح توانمندی و خودکفایی این کمیته شرکت داشته اند گفت: مدت زمان خودکفایی هر طرح به طور متوسط ۲۸ ماه بود و هر طرح برای ۱/۸ نفر اشتغالزایی کرده است.

او همچنین به کمک ۲میلیون تومانی این کمیته به هر خانوار تحت پوشش اشاره کرد و گفت: با خودکفایی ۱۲۰هزار خانوار، شاهد صرفه جویی ۲۴۰ میلیارد تومانی در هزینه های این نهاد هستیم.

محمد امید با بیان این که ۳۴ درصد از کارآفرینان زیر پوشش کمیته امداد زنان خانواده های زن سرپرست بوده اند، گفت: ۶۵۰ هزار طرح فعال در زمینه توانمندسازی و خودکفایی توسط کمیته امداد مدیریت می شود و متوسط درآمد خانواده های خودکفا شده در سال گذشته ۱۱میلیون و ۷۰۰هزار تومان بوده است؛ این در حالی است که هر خانواده بسته به نوع فعالیت، از سرانه وام ۵ تا ۳۰ میلیون تومانی برخوردار شده است.

در این مراسم که با حضور سفرای خارجی و نمایندگان سازمان های مردم نهاد بین المللی برگزار شد، معاون نماینده سازمان ملل در ایران با اشاره به این که فعالیت های کمیته امداد بر پایه توسعه پایدار ایجاد شده است گفت: در فرهنگ واژگانی ما پیشرفت کمیته امداد در توانمندسازی ۱۲۰هزار مددجو «رشد منحصر به فرد و استثنایی» نام دارد و چنین رشد و توسعه ای نیازمند مشارکت همه افراد جامعه است.

او ادامه داد: کمیته امداد اعتماد مردم را جلب کرده و آنچه ما را به همکاری با این کمیته تشویق می کند، تمرکز آن بر کاهش فقر در خانواده ها ست.

در ادامه مراسم، ضمن تجلیل از کارآفرینان برتر زیر پوشش کمیته امداد، از سامانه نظارت هوشمند به عنوان یگانه سامانه مونیتورینگ شغلی کشور رونمایی شد.

نامه رئیس کل بانک مرکزی به رئیس مجلس درباره چگونگی تامین ارز کالاهای اساسی

رئیس کل بانک مرکزی در نامه ای به رئیس مجلس با ارائه توضیحاتی درباره چگونگی تامین ارز کالاهای اساسی، نوشت: ارز تفاهمنامه معادل ۶۵۰ میلیون یورویی برای واردات کالاهای اساسی توسط یک واردکننده پرداخت نشده است.

به گزارش ایرنا، دکترولی الله سیف خطاب به دکترعلی لاریجانی تاکید کرد: اگر اطلاعی دارند سند ارز پرداخت شده براساس تفاهم نامه را ارائه کنند.

در این نامه آمده است: بنابر وظایف بانک مرکزی در تامین ارز برای انجام واردات و سایر تعهدات دولت طبق قانون نظام پولی و بانکی کشور وبرای تامین نیاز بودجه عمومی به ریال با توجه قانون بودجه سالانه کشور، این بانک ملزم به فروش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و سایر فرآورده های آن پس از دریافت از وزارت نفت، در قالب گشایش اعتبار ، بروات اسنادی، حواله و غیره است.

از این حیث الزام فروش ارز حاصل از درآمدهای نفتی تکلیفی است برای تامین ریال و رفع نیاز کشور به واردات کالا که باید توسط بانک مرکزی صورت پذیرد و طبق بند ب ماده ۸۱ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، پذیرش تعهد ارزی برای دولت و بانک مرکزی تا سقف مقرر هم مجاز بوده لذا بانک مرکزی به دو روش مختلف می تواند در قبال دریافت ریال و تقاضا های واصله، تامین ارز و قبول تعهد ارزی کند و این اقدام وجاهت قانونی دارد.

وزارت صنعت، معدن و تجارت که به موجب قانون، وظیفه تامین، ذخیره سازی و واردات کالاهای اساسی را دارد، مرجع اعلام اولویت تامین ارز کالاهای اساسی به بانک مرکزی است و بانک مرکزی مکلف به تامین و تدارک به موقع ارز مورد نیاز با رعایت مهلت های قابل تامین است. در این چارچوب نه تشخیص کالا و نه میزان و نه تعیین شخص وارد کننده هیچیک به عهده بانک مرکزی نیست و ورودی هم در این موضوع ها ندارد. لذا تامین ارز که با معرفی وزارتخانه و به صورت تعهد مدت دار و به نرخ روز تحویل و زمان سررسید صورت گرفته به دلیل این که قیمت ارز، نوع ارز و محل تامین آن از پیش مشخص نیست، تصویر پیش فرض علم و اطلاع برای منفعت رساندن به وارد کننده را منتفی می کند. از طرف دیگر وزارت صنعت، معدن و تجارت صراحتا نیاز کشور به کالاهای مورد اعلام واردکننده موضوع نامه را احراز کرده و با تعیین مقدار حدود ۴۵ کشتی که در فهرست پیوست تفاهم نامه روشن شده، احصاء گردیده است و ورود کالاهای مذکور به مبادی گمرکی هم اعلام شده، بنابراین بانک مرکزی به مسئولیت قانونی خود صرفا در چارچوب تامین ارز عمل کرده است. کارگروه تنظیم بازار و توزیع کالاهای اساسی هم به موجب مصوب شماره ۹۲/۰۸/۲۶ تامین ارز مورد نیاز واردات کالای اساسی مذکور را به بانک مرکزی اعلام کرده است. بانک مرکزی بنابراین تقاضا متناسب با امکانات خود، تفاهمنامه تامین ارز را در سررسید براساس امکانات موجود و بدون تعهد به نوع ارز حسب بند ۱ و ۲ به صورت روش برات اسنادی بدون تعهد پرداخت و بدون تعیین کسور و نوع ارز پرداخت برای ارزهای یورو، یو ان چین و یا سایر ارزهای در دسترس قابل تامین و فروش خواهد بودرا پذیرفته است، یعنی این که تصور برخی نمایندگان مبنی بر پرداخت به یورو، اساسا واقعیت خارجی ندارد بلکه واقعیت امر تعهد تامین ارز مطابق یکی از ارزهای فوق در هر زمان که پرداخت آن برای بانک مرکزی مقدور خواهد بود، است. مطابق تفاهمنامه و در چارچوب انجام نیازهای کشور به کالاهای اساسی مطابق اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت و کارگروه تنظیم بازار و شرایط نامناسب ذخایر کالاهای اساسی، بانک مرکزی فقط به وظایف قانونی خوددر برای تعهد تامین ارز عمل کرده است، لذا نه فرصتی را خلق و نه فرصتی را در اختیار کسی قرار داده است. تصور خلق فرصت، ناشی از تفکری است که آن را می پروراند و متعاقبا به جای فراهم شدن امکان خدمت و رفع مشکلات موجب اتلاف وقت مسئولان در امری که واقعیت خارجی ندارد می شود و این شبهه ایجاد می شود که این فضاسازی برای الزام بانک مرکزی به تامین فرصت برای کسانی است که مورد نظر هستند. در بخش دیگری از این نامه، سیف به لاریجانی اعلام کرده است: کالاهای مورد نظر به کشور وارد، توزیع و موجب ثبات لازم در بازار شده ولی به علت این که بانک مرکزی تعهد پرداخت به ارز یورو به گونه ای که نماینده اعلام داشته را نپذیرفته است و سایر ارزهای موجود هم مورد قبول واردکننده قرار نگرفته، هیچ ارزی تاکنون توسط این بانک پرداخت نشده است. این در شرایطی است که ریال مورد نظر توسط واردکننده به بانک عامل پرداخت شده است. با این توضیحات بانک مرکزی چه ارزی پرداخت کرده است تا رانت باشد؟ لطفا بفرمایید اگر اطلاعی دارند سند ارز پرداخت شده براساس تفاهم نامه را ارائه کنند.

این در حالی است که احمد توکلی نماینده مردم تهران در مجلس در نشستی خبری گفته بود: "دیوان محاسبات کشور به عنوان نخستین دستگاه نظارتی که موضوع رانت های واردات کالا را به آن ارجاع داده بودم، گزارش خود را ارائه کرده که همین نشانه این است که کارهای ضد فساد در کشور قابل پیگیری است. دیوان محاسبات در پاسخ به نامه من درباره رانت ۶۵۰ میلیون یورویی، رانت وزارت صنعت به یک شرکت خاص را تأیید کرد."

فرمانده معظم کل قوا :بالندگی سپاه از برکات توکل، اعتماد به نفس و جرأت اندیشیدن و اقدام است

فرمانده کل قوا در بازدید از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه طی دستخطی بالندگی در سپاه را از برکات توکل، اعتماد به نفس و جرأت اندیشیدن و اقدام دانستند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سپاه، در بازدید اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معظم له طی دستخطی از تلاش عناصر مومن و کارآمد این نیرو قدردانی و برای آنان توفیق روزافزون مسألت کردند.

متن دستخط فرمانده معظم کل قوا بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

بار دیگر نشانه‌های روشن بالندگی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از برکات توکل و اعتماد به نفس و جرأت اندیشیدن و اقدام است، در نمایشگاه هوا ـ فضا مشاهده شد. خدای بزرگ را بر نعمت وجود این عناصر مومن و کارآمد و نتایج سعی و عمل آنان سپاس می گویم و توفیق روزافزون آنان را از خالق اندیشه و استعداد مسألت می کنم.

مهم آن است که رشته‌ی کار بزرگ و حساس خود را رها نکنید و پیشرفت در کیفیت و نیز در کمیت را با توکل و اخلاص دنبال کنید. خدا یار و نگهدارتان باد.

سید علی خامنه‌ای

آیت الله العظمی جوادی آملی: ملتی که تهیدست باشد، زبانش به چاپلوسی باز می‌شود

آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی گفتند: اقتصاد کشور را نباید به دست لرزانِ افرادِ سفیه و بی عُرضه سپرد.

به گزارش ایسنا ، این مرجع تقلید در دیدار مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران و هیات همراه، با بیان این که «مال در فرهنگ قرآن، عامل قیام و قوام یک ملت است» گفت: مال به عنوان قیام یک ملت است و برای این که بتواند بر روی پای خود بایستد، به آن نیاز دارد و لذا اقتصاد مقاومتی وقتی محقق می‌شود که ملت دستشان پر باشد وگرنه ملتی که دستش خالی باشد قدرت قیام ندارد.

ایشان با تاکید بر این که «ثروت مملکت را نباید به غیر مدیران و سفیهان داد» بیان کردند: این ستون را نباید به دست لرزان افرادِ سفیه و بی عُرضه سپرد؛ مدیر سفیه و مدبّر لرزان، خود را نمی‌تواند تأمین کَند؛ خَودایستادگی را فرا نگرفته، چهَ رسد به این که بتواند ستون ملت و مملکتی را نگهداری کند.

این مرجع تقلید با تاکید بر ایجاد اشتغال و فقرزدایی در کشور، تصریح کردند: کسی که گداست و چیزی ندارد به او نمی گویند فقیر، بلکه به او می گویند فاقد؛ یعنی مال ندارد. ملتی که جیبش خالی است، دستش تهی است، این ملت زمینگیر و فقیر است. ملتی که شغل نداشته باشد، بدهکار باشد، قدرت قیام ندارد.

ایشان در ادامه با بیان این که «ملتی که دستش تهی باشد، زبانش به چاپلوسی باز می‌شود» بیان کردند: قرآن کریم از آن کسی که ندارد به «املاق» یاد کرده است و املاق به معنای چاپلوسی کردن است. کسی که جیبش خالی و بدهکار است دهانش به چاپلوسی باز است و این فرد اهل نقد و اعتراض نیست. این مرجع تقلید با بیان این‌که «املاق زدایی و فقرزدایی از وظایف مسئولان کشور است» اضافه کردند: وقتی از املاق پرهیز می کنیم که بتوانیم تولید و اشتغال داشته باشیم و از جامعه خود فقر زدایی کرده باشیم و این از وظایف مسئولان کشور است.

آیت الله العظمی جوادی آملی در پایان به منابع سرشار استان مازندران اشاره کردند و خواهان استفاده بهینه از این منابع برای بخش تولید و اشتغال در استان و کل کشور شدند.

اعلام برنامه های مراسم گرامیداشت یاد آیت الله العظمی سید محمد باقر شیرازی(قدس سره)

حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی شیرازی فرزند و مسئول دفتر آیت الله العظمی سید محمد باقر شیرازی(قده) در مصاحبه با سایت معظم‌له در باره مراسم بزرگداشت آن مرجع عالیقدر در روزهای آینده و در شهرهای مختلف اعلام کرد: علاوه بر مراسمی که تاکنون در مشهد مقدس برگزار شده است ،طبق هماهنگی های به عمل آمده آیین هایی به قرار ذیل در روزهای آتی منعقد خواهدشد :

ـ چهارشنبه ۱۳۹۳/۲/۳۱ اصفهان ـ مدرسه علمیه جوادیه ـ ۸ الی ۱۰ صبح

ـ چهار شنبه ۱۳۹۳/۲/۳۱ شیراز ـ حرم مطهر سید علاء الدین حسین(ع) ـ ۱۶/۳۰ الی ۱۸/۳۰

ـ پنج شنبه ۱۳۹۳/۳/۱ مشهد مقدس ـ بیت آیت الله العظمی شیرازی(قدس سره) و مؤسسه حضرت صاحب الزمان(عج) ۱۰ـ خیابان آیت الله شیرازی ـ شیرازی ۱۷ـ ۱۰ الی ۱۲

ـ پنج شنبه ۱۳۹۳/۳/۱ قم ـ مسجد اعظم ـ بعد از نماز مغرب و عشاء

ـ جمعه ۱۳۹۳/۳/۲ تهران ـ مسجد حجت بن الحسن العسکری(عج) خیابان سهروردی شمالی ـ ساعت ۱۸ الی ۲۰

ـ یک شنبه ۱۳۹۳/۳/۴ یزد ـ روضه محمدیه (حظیره) ـ ۸ الی ۱۰ صبح

ـ یک شنبه ۱۳۹۳/۳/۴ اراک ـ مسجد سیدها ـ بعد از نماز مغرب و عشاء

ـ یک شنبه ۱۳۹۳/۳/۴ اصفهان ـ بازار بزرگ ـ مسجد نو بازار ـ ۱۰ صبح تا اذان ظهر

استقبال شخصیت‌های سیاسی از اظهارات اخلاق‌مدارانه سرلشکر فیروزآبادی

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: مجید انصاری معاون پارلمانی رئیس جمهوری گفت: رسانه های منتسب به نیروهای مسلح در اخلاق مداری سزاوارترند زیرا این‌ها تحت امر ولی فقیه قرار دارند. طبیعی است وقتی ایشان تدبیری در امور دارند و از سوی جانشین خود در ستاد کل نیروی مسلح ابلاغ می کنند هم انضباط درون تشکیلاتی و هم اخلاق و مصالح ملی اقتضا می کند که این مسائل به خوبی رعایت شود. وی با بیان این که مقام معظم رهبری هم همواره در این مساله تاکید داشته‌اند که حفظ اخلاق ، شرع و قانون در فضای رسانه ای و همچنین حمایت کلی از دولتی که با حماسه سیاسی مردم روی کار آمده و شخصیت انقلابی همچون آقای روحانی روی کار آمده است امری ضروری در شرایط فعلی کشور است، افزود: با انتخاب آقای روحانی در سراسر کشور و در عرصه جهانی، بین حامیان انقلاب اسلامی وحدت به وجود آمده است. دولت به خواست و اراده مردم برای حل مشکلات وارد عرصه شده است، شرط انصاف، عقل و منافع ملی اقتضا می کند که دولت مورد حمایت قرار گیرد و اگر نقدی وجود دارد و رسانه ها نقد سازنده و مشوقانه دارند از تخریب، تهمت، بداخلاقی سیاسی و دروغ پردازی به جد پرهیز کنند زیرا این ها دستورات دین و قانون مطبوعات کشورماست.

انصاری یادآور شد: دولت بدون حمایت عمومی رسانه ها و نیروهای مسلح نمی تواند در اهداف بزرگ و بلند خود موفق باشد، امیدواریم اظهارات سرلشکر فیروزآبادی سرآغاز یک رفتار اخلاق مدارانه در عرصه رسانه ای باشد. حسام‌الدین آشنا ، مشاور فرهنگی رئیس جمهوری هم در واکنش به اظهارات رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سخنان وی را یک فرمان دانست.

به گزارش ایسنا وی تاکید کرد: شاید سخنان ریاست ستاد کل نیروهای مسلح تذکر نیست، فرمان است.

کاظم جلالی رئیس فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت مجلس هم در این باره گفت: مواضع فیروزآبادی مواضعی منطقی و دلسوزانه است و کسانی که دلسوز مملکت هستند باید این مواضع را مورد توجه قرار دهند. وی با بیان این که تردیدی در این نیست که نظر مقام معظم رهبری همواره حمایت از دولت‌ها بوده است، تاکید کرد: به نظر می‌رسد رویکرد کمک کردن به دولت‌ها و همین طور دولت فعلی باید نهادینه شود؛ البته کمک کردن معنایش صرف حمایت نیست.

رئیس فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت با تاکید بر این که در کنار حمایت، نقد هم می توان کرد، افزود: نقد مشفقانه و منصفانه برای اصلاح امور می‌تواند وجود داشته باشد، ولی به نظر می‌رسد بعضی از نقدهایی که وجود دارد نقدهای منصفانه‌ای نیست و باید در رویکرد آنها تغییراتی اعمال شود.

حجت‌الاسلام سیدرضا اکرمی دبیر شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری هم با اشاره به صحبت‌های سرلشکر فیروزآبادی و حمایت وی از دولت گفت: این صحبت‌ها نشان داد که بین نیروهای مسلح و دولت و رئیس جمهوری فاصله‌ای نیست و اگر خدای ناکرده برخی این تصور را می کردند، تصورشان اشتباه است. وی افزود: بعد از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و پیروزی آقای دکتر روحانی در این انتخابات، ایشان تاکنون سه مصاحبه داشتند و در مورد دکتر روحانی گفته‌اند که ایشان فرد شناخته شده‌ای است و در طول انقلاب برای انقلاب زحمت کشیده و خدمت کرده‌اند. آقای فیروزآبادی در این مصاحبه‌ها با صراحت و شفافیت بر حمایت و تقویت دولت تاکید کردند و اظهارات پریروز ایشان تازگی ندارد و تاکنون بعد از انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ چندین بار تکرار کرده اند.

اکرمی گفت: در شرایط کنونی باید همه در راستای حمایت و تقویت دولت اقدام کنیم و در واقع این حمایت و تقویت به این معنا نیست که نقد نباشد. خود دکتر روحانی با صراحت تاکنون چندین بار گفته‌اند که دولت مصون از خطا و اشتباه نیست و باید نقد انجام بگیرد. البته این نقد باید براساس آگاهی لازم، خیرخواهی و نصیحت باشد و اگر کسی نقدی می کند، پیشنهاد مناسب تری هم ارائه کند.

بنا به این گزارش امیر حبیب الله سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش هم با تاکید بر افزایش سطح تعامل این نیرو با دولت، گفت: نداجا تعامل بسیار خوبی با دولت دارد و هم اکنون درباره توسعه سواحل مکران ،جلساتی را با دولت برگزار می کنیم که امیدواریم برگزاری این جلسات به پیشرفت سواحل مکران منتج شود.

اظهارات سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

همچنین سیدحسین نقوی حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ، صحبت‌های اخیر سرلشکر فیروزآبادی در حمایت از دولت را بسیار بجا و درست دانست و اظهار داشت: درست است که رسالت رسانه‌ها، طرح دیدگاه‌ها، نظرات و انتقادات است اما اکنون در عرصه بین‌المللی وارد صحنه مهمی از مذاکرات شدیم که تیم مذاکره‌کننده در خط مقدم این مذاکرات ایستاده است. بنابراین فضای رسانه‌ای باید به شکلی پیش رود که پشتیبان تیم مذاکره‌کننده باشد تا این تیم احساس پشت‌گرمی و دلگرمی از جامعه داشته باشد.

این عضو فراکسیون اصولگرایان رهروان ولایت تاکید کرد: رسانه‌ها باید مرز تخریب و نقد را تشخیص دهند. طرح نقد منصفانه خیلی خوب است و به تیم مذاکره‌کننده کمک می کند ولی اگر خدای ناکرده به سمت تخریب و تضعیف تیم مذاکره‌کننده برویم به نفع منافع ملی کشور نیست. نقوی‌حسینی در مورد بخشی از صحبت‌های سرلشکر فیروزآبادی درباره عملکرد رسانه‌های منتسب به نیروهای نظامی گفت: رسانه‌های مربوط به نیروهای مسلح ارگان یک تشکیلات هستند که باید از سیاست‌های تشکیلات خود پیروی کنند.

وی افزود: براین اساس ارگان این تشکل‌ها و سازمان‌ها مثل رسانه‌های دیگر نیستند که بگویند به هر شکلی بخواهیم می‌نویسیم بویژه این که ارگان سازمانی نظامی هستند و سازمان‌های نظامی هم در مواضع خود چارچوبی دارند که باید رعایت کنند.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ادامه گفت: گاهی اوقات جریان و گروه‌های سیاسی تلاش می کنند تا با استفاده از این رسانه‌ها آنها را به بلندگوی جناح و جریان خود تبدیل کنند لذا توصیه آقای فیروزآبادی این بود که این جریانات از رسانه‌های نظامی بهره‌برداری سیاسی نکنند. نقوی‌حسینی با بیان این که حمایت فیروزآبادی از دولت و شخص رئیس جمهوری از بعد منافع ملی کشور انجام گرفته است، یادآور شد: وقتی که دولت یا دستگاه دیپلماسی ما در عرصه بین‌المللی حضور پیدا می کند، نماینده ملت ماست و باید از منافع ملی کشور دفاع کند، در این مورد هم طبیعی است که آقای فیروزآبادی از دولت حمایت کردند.

گفتنی است رئیس ستاد کل نیروهای مسلح پریروز در جمع دانش آموختگان دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی در سخنانی حمایت از دولت را امری واجب دانست و توجه به این موضوع مهم را خواستار شد.

این دیدگاه فرمانده عالی نیروهای مسلح در حالی با بازتاب گسترده ای در افکار عمومی مواجه شد که وی پیش از این هم بر این موضوع تاکید کرده بود که به نظر می رسد به دلیل بی توجهی به این موضوع، سردار فیروزآبادی بار دیگر به طرح موضوع پرداخته است.

از سویی دیگر سخنان وی را می توان به نوعی حمایت بی‌سابقه این مقام ارشد نظامی از دولت یازدهم توصیف کرد، دولتی که با رای قاطع مردم و نمایندگان مجلس کار خود را آغاز کرده است ولی مدام با انتقادهایی از جنس تخریب روبرو است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در مراسم یاد شده ،گفت: ما با روش مردم‌سالاری دینی ، انتخاباتی را برگزار کردیم و یک رئیس جمهوری تعیین شده که روحانی و تحصیلاتش دینی است و دکتری در سطح بین‌المللی هم دارد و در دوران مبارزات انقلابی و ۳۵ ساله بعد از انقلاب خدمت کرده است. ما باید به این رئیس جمهوری افتخار کنیم و شکرگزار وجود ایشان باشیم

وی همچنین گفت: متاسفانه یک مقدار بازی‌های رسانه‌ای موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود. یک مقدار در گوشی حرف زدن‌های غلط و یک مقدار جوسازی‌های سیاسی و یک مقدار هم نابسامانی احزاب و گروه‌های سیاسی در کشور سبب نابسامانی رسانه‌ها و تحلیل ها در کشور می‌شود. باید منافع حزبی، گروهی، دسته‌ای، سیاسی، تبلیغاتی، انتخاباتی، همه باید کنار برود و همت برای ساختن کشور و کمک به دولت برای پیشرفت کشور، وجهه همت همه قرار بگیرد.

سردار فیروزآبادی البته در ادامه به برخی از افراد درباره ادامه کارهای ناشایست هشدار داد و تاکید کرد: بعضی اخبار، بی‌ارزش و تفرقه‌انگیز هستند، بعضی‌ها هم شایعه، تهمت و بی مبنا هستند. من خطی و سیاسی عرض نمی کنم، حتی رسانه‌هایی که به نوعی به نیروهای مسلح مرتبطند خطا می کنند. برابر مشی و منویات رهبری حرکت نمی کنند. باید روششان را اصلاح کنند ،در غیر این صورت ما با آنها برخورد می کنیم.

یونسی:صدا و سیما به وظیفه ملی اش در قبال دولت عمل کند

"متاسفانه صدا و سیما در جایگاه رسانه اپوزیسیون نسبت به دولت عمل می کند و به وظیفه ملی خود در قبال دولت توجهی ندارد."

حجت الاسلام و المسلمین علی یونسی، دستیار ویژه رئیس جمهوری در گفتگوباسایت جماران در مورد عملکرد صدا و سیما در انعکاس اخبارمربوط به دولت و رئیس جمهوری با بیان این مطلب افزود: صدا و سیما باید در انعکاس نظرات و فعالیت های دولت و پوشش خبری سخنرانی ها و سفرهای رئیس جمهوری کوتاهی نکند.

وزیر اسبق اطلاعات گفت: متاسفانه صدا و سیما در جایگاه رسانه اپوزیسیون نسبت به دولت عمل می کند. این در حالی است که جایگاه رسانه ملی، جایگاه یک رسانه اپوزیسیون نیست. اصولاً صدا و سیما باید حامی رئیس جمهوری باشد و در عین حال نظر مردم را در رابطه با دولت منعکس کند.

دستیار ویژه رئیس جمهوری تصریح کرد: دولت نسبت به رفتار صدا و سیما در قبال خود نقدهای جدی دارد. شخص رئیس جمهوری و ارکان دولت هم منتقد رفتارها و عملکرد صدا و سیما در قبال دولت هستند.

وی در ادامه گفت: علاوه بر شبکه های سراسری، در استان ها هم، صدا و سیما عملکرد مناسبی در قبال دولت و سفرهای استانی رئیس جمهوری ندارد. در سفر رئیس جمهوری به استان ایلام همراه ایشان بودم. اصولا در آن روز مهمترین خبر استان ایلام سفر رئیس جمهوری و تعداد زیادی از اعضای هیات دولت به ایلام بود. ولی وقتی تلویزیون استان ایلام را می دیدم متوجه شدم که به طور عجیبی به مسائل فرعی و طنزآلود می پردازد و سفر دکتر روحانی و هیات دولت را پوشش مناسب نمی دهد ،طوری که انگار هیچ اتفاقی در این استان روی نداده است.

دستیار ویژه رئیس جمهوری با انتقاد از عملکرد صدا و سیما در مورد برنامه های تبلیغی انصراف از یارانه ها گفت: عملکرد صدا و سیما در موضوع انصراف از یارانه ها کاملا جهت دار بود. اینها وقتی دلشان می خواهد فضا را چنان آماده می کنند که جامعه با تمام وجود پای کار می آید و وقتی هم که مایل به همراهی با موضوعی نیستند طوری عمل می کنند که باعث واکنش منفی مردم می شوند. یکی از مواردی که صدا و سیما عملکرد مناسب ملی نداشت، موضوع انصراف از یارانه ها بود. یونسی در ادامه در پاسخ به سئوالی در مورد چگونگی حل معضل نیروهای خودسر در بر هم زدن مراسم‌ها و سخنرانی‌ها اظهار داشت: قبل از این که نقدی بر سایرین داشته باشیم یادآوری می کنم که دولت مسئول برقراری امنیت در کشور است و در سطح استان ها، استانداری ها و فرمانداری‌ها باید در برقراری امنیت در برابر نیروهای خودسر درست عمل کنند. وی در پایان گفت: اگر اراده جدی در برخورد با گروه های خودسر وجود داشته باشد این مساله می تواند با همکاری وزارت اطلاعات، وزارت کشور و نیروی انتظامی و برخورد قاطع دولت کاملا حل شود و دیگر با این اتفاق ها که گروهی خودسر سخنرانی کسی را بر هم بزنند و ایجاد نا امنی کنند، مواجه نشویم.

دکتر صالحی: رصد کتاب های دینی نیاز امروز جامعه است

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: امروز نیاز به رصدهای متنوع کتاب به ویژه در حوزه دین داریم که این مساله، ضرورتی برای تمدن سازی و پایش فرهنگ است.

به گزارش ایرنا، دکتر سیدعباس صالحی عصر دوشنبه در پنجمین جشنواره کتاب دین و پژوهش های برتر گفت: جشنواره ها می توانند در حد تقدیر پدیدآورندگان محدود بمانند و می توانند افق های بیشتری را پیش رو داشته باشندکه یکی از افق های مورد انتظار رصد و پایش کتاب هایی است که در حوزه دین قرار دارد.

وی افزود: این رصدها چه در زمینه کمی و چه در زمینه کیفی از اهمیت ویژه ای برخوردارند ولی اینگونه جشنواره ها فرصتی را برای رصدکردن کتاب ها به وجود می آورند. معاون وزیر ارشاد اضافه کرد: جشنواره های کشوری در حوزه کتاب این امکان را دارند که سکانی را در حوزه کتاب دین برای پایش از منظر کمی و کیفی آماده کنند.

وی افزود: اگر دبیرخانه‌های جشنواره‌هافرصتی رابرای برنامه‌ریزی عرصه مکتوب دینی ایجاد کنند اتفاقی در مسیر تمدن سازی خواهد افتاد چون فکر های مختلف در حوزه کتاب متبلور می شود. صالحی همچنین گفت: اگر باور داریم دین، روح فرهنگ انسان است ضرورت این پایش بیش از پیش احساس می شود.

وی همچنین با تاکید بر انواع رصدهای کمی درحوزه کتاب به آماری از کتاب های منتشر شده از ابتدای امسال تا چهارم اردیبهشت و نسبت کتاب های دینی با سایر حوزه‌ها اشاره کرد.

پنجمین جشنواره کتاب دین و پژوهش های برتر با معرفی ۱۳ اثر برگزیده شایسته تقدیر با حضور دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی محمدرضا مخبر دزفولی، حجت‌الاسلام سیدمهدی خاموشی رییس سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشگران و صاحبنظران دینی عصر دیروز به کار خود پایان داد.

تشییع پیکر حسین پرتوی درخانه هنرمندان

پیکر حسین پرتوی عکاس معروف دیدار همافران با امام خمینی (ره) در جریان انقلاب اسلامی دیروز با حضور علی ربیعی وزیر کار، رفاه و امور اجتماعی، احمد مسجدجامعی، علی مرادخانی معاون امور هنری وزیر ارشاد و حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی– در خانه هنرمندان تشییع شد.

پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی به یاد عکسی که پرتوی از همافران در دیدار با امام(ره) گرفت از میهمانان ویژه مراسم بودند.

علی قلم‌سیاه –عکاس پیشکسوت– که به عنوان مجری مراسم صحبت می کرد، گفت: امروز به بدرقه شخصیتی آمده‌ایم که در دوران زندگی خود هنر انسان بودن،عشق ورزیدن، دوست‌داشتن و گزارش به تاریخ را به میدان عرصه مطبوعات کشور آورد. حسین پرتوی نامی جاودان در تاریخ فرهنگ کشور خواهد ماند. امروز عزاداران فقط خانواده او نیستند بلکه همه کسانی که با او بزرگ شدند و از او هنر دیدن از پشت دوربین را آموختند، عزادار هستند. او آنقدر برای همه مهربانی داشت که امروز فقط می توان برای بدرقه او اشک ریخت.

او خطاب به خانواده پرتوی افزود: غمگین نباشید، حسین پرتوی در تاریخ و فرهنگ مطبوعات کشور جاودانه می‌ماند. کلمات وصف او را نمی کنند. او با هنر مشاهده خود تاریخ را ساخته است. عکس معروف او آنقدر موثر بود که توانست ارکان نظام پهلوی را متزلزل کند به طوری که آن را دست‌کاری شده و مونتاژ اعلام کردند. در آن روز نظام فهمید ارتشی که برایش خیلی مهم است در خدمت انقلاب خواهد بود و جوششی که از پیوستگی همافران به امام (ره) به راه افتاد به پیروزی انقلاب مقدس ما منجر شد.

علی ربیعی وزیر کار، رفاه و امور اجتماعی که مهمان ویژه این مراسم بود، درباره حضورش در مراسم تشییع این عکاس گفت: من برای ادای احترام به مرحوم پرتوی به اینجا آمده‌ام. این عکاس دو شخصیت فردی و اجتماعی داشت که برای همه ما درس‌آموزی دارد. شخصیت اجتماعی او را با عکاسی و کار بزرگی که در این زمینه انجام داده می‌شناسیم. عکسی که او گرفت نگه‌دارنده و تداوم‌دهنده لحظه‌ای از لحظات مهم تاریخ است. اغلب نمادها در یک لحظه ثبت می شوند اما به راستی که تداوم‌دهنده آن لحظه در تاریخ ملت هستند.

در بخش دیگری از این مراسم احمد مسجدجامعی با اظهار تأسف از درگذشت حسین پرتوی گفت: امروز یکی از عزیزترین چهره‌های هنری و رسانه‌ای و دوست‌داشتنی کشور را از دست داده‌ایم. چهار نسل از نویسندگان و عکاسان مطبوعات امروز اینجا جمع شده‌اند؛ جمعی که کمتر پیش می‌آید در چنین مناسبت‌ها و چنین مکان‌هایی گردهم بیایند. همکاران او و شاگردانش همگی به نیکی، خوبی، درستی، صداقت و صفای باطن حسین پرتوی اذعان دارند. من که با این جامعه زندگی کرده‌ام می‌دانم که او برای وطن، مردم و کشورش دلسوز بود.

او افزود: مهم ترین ویژگی حسین پرتوی که برای همه اصحاب هنر و رسانه مهم است، بی‌حاشیه بودن او بود. او در زندگی جز دوستی، نیکی و پاکی چیزی نمی‌دید. عکسی که او از بیعت همافران با امام(ره) گرفت اتفاقی نبود. شجاعت و درون‌مایه گرفتن این عکس نمی تواند بدون مقدمه در وجود هنرمند این چنین بخشی از تاریخ را به تصویر بکشد که در طول سال‌ها تکرار شود. هیچ واقعه‌ای را نداریم که هر ساله به مناسبت آن چنین فضایی تشکیل شود.

در بخش دیگری از مراسم تشییع حسین پرتوی، علی مرادخانی –معاون هنری وزیر ارشاد– با بیان خاطراتش از دوستی با این عکاس گفت: سال‌های ۵۹ تا ۶۵ که من مدیرکل تولید فیلم وزارت ارشاد بودم، حسین پرتوی هرازگاهی به دیدن من می‌آمد و درباره عکس و عکاسی با هم صحبت می‌کردیم. مهمترین ویژگی او مهربانی و نگاه زیبا و شفافش به جامعه بود. خیلی وقت‌ها که صحبت می‌کردیم با اینکه یکی از بزرگترین کارها را در دوره انقلاب انجام داده بود اما در حرف‌هایش هیچ ادعایی نمی‌دیدم و همین بی‌ادعایی او را روز به روز بزرگ‌تر […]

[…] زهرا (س) برای خاکسپاری تشیع شد.

جایزه امام خمینی (ره) دانشگاه آزاد امروز رونمایی می‌شود

همزمان با سی‌ودومین سالگرد تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، از جایزه ویژه این دانشگاه که به نام امام خمینی (ره) نام‌گذاری شده است، رونمایی می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، معاون پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی بابیان این مطلب گفت: هدف از در نظر گرفتن این جایزه علمی، تشویق دانش پژوهان به انجام کار برتر در سطح ملی و بین‌المللی است و داشتن مقالات پراستناد در سطح بین‌المللی، مشارکت در پروژهای بین‌المللی، دارا بودن آثار بدیع علمی و نوشتن پایان‌نامه‌هایی با ایده‌های نو از ویژگی های دریافت‌کنندگان آن است.

دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی بابیان این‌که گزینش از میان پژوهشگران بسیار سخت است، گفت: این جایزه امسال به ۳ نفر از پژوهشگران اعطا می‌شود و جایزه ایشان به دست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، بنیانگذار دانشگاه آزاد اسلامی به آنان اعطا می‌شود.

به گفتهٔ دبیر دومین جشنواره فرهیختگان، در این مراسم همچنین واحدهای برتر دانشگاه آزاد معرفی می‌شوند و از ٤٦ نفر از دانشجویان، استادان و نویسندگان دانشگاهی دارای مقاله برتر، طرح پژوهشی برتر و رساله برتر از مهر ۱۳۹۱ تا مهر ۱۳۹۲ در ۱۹ بخش تجلیل خواهد شد و جوایز آنان به دست رئیس دانشگاه آزاد اعطا می‌شود.واشقانی فراهانی با تأکید بر آثار مثبت دانشگاه آزاد اسلامی گفت: نگاه تیز بینانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در زمانی که هنوز نه یونسکو و نه بانک جهانی موضوع آموزش عالی همگانی را مطرح نکرده بودند، موجب ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی در دور افتاده‌ترین نقاط کشور شد.

وی با برشمردن دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی گفت: این دانشگاه موجب دسترسی همگانی به امکان کسب علم شده است و با تحویل بیش از ۵ میلیون دانش آموخته به جامعه به توسعه فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور کمک کرده است.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی گفت: نهال این دانشگاه که امروز از سوی مراجع بین‌المللی به عنوان الگوی توسعه فرهنگی مطرح شده است، با اندیشه بلند آیت‌الله رفسنجانی و حمایت امام خمینی (ره) شکل گرفت، با همت دکتر جاسبی پس از ۳۲ سال به درخت تنومندی در عرصه علم کشور تبدیل شده است.جشن سی‌ودومین سالگرد تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی امروز با حضور اعضای هیأت مؤسس و نسل اول این دانشگاه، معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور، وزیران علوم و بهداشت، اعضای هیأت امنای استانی، رؤسای واحدها در سراسر کشور و رؤسای دانشگاه‌های بزرگ در تهران، در واحد علوم و تحقیقات این دانشگاه برگزار می‌شود و همزمان با آن نمایشگاه دستاوردهای فناوری و پژوهشی دانشجویان و پژوهشگران بازگشایی می‌شود.

انتشار اسناد مجلس سنا تا پایان بهار

رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی از انتشار اسناد مجلس سنا تا پایان فصل بهار خبر داد.

به گزارش مهر محمد رجبی رئیس کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی عصر سه‌شنبه ۳۰اردیبهشت در پنجمین همایش تخصصی تاریخ مجلس که با موضوع بررسی مجالس نوزدهم و بیستم شورای ملی در سالن مشروطه برگزار شد، در سخنانی با اشاره به آنچه استقبال زیاد پژوهشگران از این نشست تخصصی خواند، گفت: تعداد مقالات رسیده هم تعداد مقالات انتخاب شده دور از حد انتظار ما بود و این مایه سرافرازی است که این میزان توجه به تاریخ معاصر ایران از سوی پژوهشگران وجود دارد.

وی افزود: همایش تخصصی تاریخ مجلس درمدت ٤ سال اخیر جریان داشته و توانسته توجه محققان را نسبت به موضوع های تخصصی تاریخ معاصر ایران جلب کند.رجبی سپس به انتشار اسناد اولین دوره مجلس شورای ملی تا آخرین روز این مجلس در دوره پهلوی به صورت دیجیتالی از سوی این مرکز خبر داد و با اشاره به قابلیت های دیجیتالی این لوح های فشرده، از محققان خواست نسبت به بهره برداری از این اسناد همت کنند.مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین از انتشار اسناد مجلس سنا تا پایان فصل بهار خبر داد و گفت: این اسناد با همان کیفیت اسناد مجلس شورای ملی عرضه خواهند شد و بنده مایلم که استادان رشته های تاریخ و دانشجویان این حوزه و نیز رشته های علوم سیاسی از این گنجینه بهره ببرند.

در این همایش علی طَطری دبیر پنجمین همایش تخصصی تاریخ مجلس، با اشاره به چهار دوره پیشین این همایش، این نشست ها را زمینه ساز نهادینه شدن تحقیق و پژوهش در زمینه نهاد پارلمان در ایران خواند و در عین حال گفت: متاسفانه تاریخ نگاری درباره مجلس در ایران تاکنون مغفول بوده و این در حالی است که نهاد مجلس در ایران با ۱۵۰ سال سابقه بعد از مجلس ژاپن، دومین مجلس باسابقه در آسیا است.

بزرگداشت مرحوم حاج شیخ عبدالله نورانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

در آستانه سومین سال رحلت مرحوم حاج شیخ عبدالله نورانی مدرس و نسخه‌شناس توانا و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، مجلس بزرگداشتی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار می‌شود.

این مراسم شنبه سوم خرداد از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در تالار اجتماعات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی واقع در خیابان ولی‌عصر، پل امیربهادر، خیابان سرگرد بشیری، پلاک ۷۱ برگزار می‌شود.

انتشار ۲ اثر از دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی

«به کوتاهی آه به بلندای ماه» و «صلیب نخل» عنوان دو اثر تازه از دکتر سید علی موسوی گرمارودی است.

«به کوتاهی آه...» زندگی نامه خاتون کبریا، حضرت زهرا سلام‌الله علیهاست که دکتر گرمارودی به طریقی ویژه نگاشته است، یعنی متن اصلی به روش کتاب دیگر او «داستان پیامبران» است و علاوه بر متن اصلی، مباحثی تاریخی در آغاز کتاب و چند «پی‌نگاشت» با قلمی پژوهشی و نه داستان‌واره، در توضیح مطالب متن اصلی در پایان کتاب گنجانده است.

دکتر گرمارودی در بخشی از «سرسخن» این کتاب آورده است: «... خشن‌ترین کردارهای بی‌قاعده، در بلاد اسلامی، هر روز خون امت‌های اسلامی و مردم دیگر را به نام اسلام و سنت اسلامی می‌ریزند و فاجعه‌آمیزتر آنکه قرائت مشئوم خود از اسلام را بهترین قرائت می‌دانند و نمی‌دانند که نمی‌دانند و با جهل مرکب، تخم نفرت از اسلام را در دل مردم جهان می‌کارند. در جهانی چنین رسوا، من برآنم که از زیباترین نمونه پاکی و عصمت، مظلومیت و شکیب، وقار و شجاعت؛ آزادگی و عطوفت سخن بگویم. آن هم با زبان و دهانی که در همین دنیا نفس کشیده و با قلمی که در همین جهان بالیده و برآمده است و سیه‌روی‌تر از خود کسی نمی‌بیند و ...» این کتاب در تیراژ ۲۲۰۰ نسخه و بهای ۹۵۰۰ تومان از سوی انتشارات قدیانی به بازار نشر عرضه شده است.

صلیب نخل

«صلیب نخل» محصول دفتر نشر فرهنگ اسلامی مجموعه داستانهای واقعی است که در منابع حدیث یا تاریخ اسلامی و اغلب به زبان عربی، آمده بوده است و دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی، آنها را با قلم خویش و بدون آنکه در اساس وقایع داستانها تغییری بدهد، نوشته است. پیشتر، همه بار، بار نخست و دوم از سوی همین ناشر و با نام «در مسلخ عشق» به چاپ رسیده است. در چاپ سوم (به وسیله انجمن قلم) و چاپ حاضر (دوباره دفتر نشر) با نام صلیب نخل، نشر می‌یابد زیرا آن نام پیشین را دیگری بر کتابی از خود نهاده بود (بی‌آنکه از کتاب حاضر مطلع باشد) مولف در چاپ حاضر، مقدمه‌ای تحقیقی و استادانه با نام قصه در قرآن افزوده است و چاپ چهارم این مزیت را نیز دارد که ویراست دوم مؤلف است.

رونمایی از «سایه سرو» بزرگداشت دکتر احمد مهدوی‌دامغانی درشهر کتاب

مراسم بزرگداشت علامه احمد مهدوی‌دامغانی همراه با رونمایی از کتاب «سایه سرو» که به تازگی چاپ شده، با پیامی از سوی پروفسور فضل الله رضا پنجشنبه اول خرداد در موسسه فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود.

علامه دکتر احمد مهدوی‌دامغانی، بیش از شصت سال نگاهبان کاخ رفیع زبان و ادب فارسی و تاریخ و تمدن ایران و اسلام بوده و تمام عمر خود را صرف اندیشیدن به فرهنگ ایران و اسلام و تعالی نام بزرگ آن کرده است. با این‌که نزدیک به ۳۰ سال است در دانشگاه‌های پنسیلوانیا و هاروارد آمریکا به تدریس مشغول است ولی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی و فرهنگی ایران حضور داشته و شاگردان و علاقه‌مندانش یاد او را در ایران گرامی می‌دارند.

کتاب «سایه سرو» شامل مقالاتی در بزرگداشت احمد مهدوی‌دامغانی به تازگی به اهتمام میثم کرمی و به همت انتشارات حکمت چاپ شده است.

نشست ویژه شهر کتاب پنج‌شنبه اول خرداد، از ساعت ۱۶ به مراسم رونمایی از کتاب «سایه سرو» و بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی و اخلاقی استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی اختصاص دارد که با حضور اصحاب علم، فرهنگ و اندیشه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود و استادانی چون سید محمد موسوی بجنوردی، محمدجواد حجتی کرمانی، فتح‌الله مجتبایی، مهدی محقق، جلال خالقی مطلق، علی‌اشرف صادقی، نصرالله پورجوادی، بهاءالدین خرمشاهی و میثم کرمی درباره استاد مهدوی‌دامغانی و خدمات علمی و فرهنگی وی سخنرانی خواهند کرد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این نشست به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم، مرکز فرهنگی شهر کتاب مراجعه کنند.

بانوان فعال قرآنی هفتم خرداد تجلیل می‌شوند

سرویس سیاسی – اجتماعی: ١٤ بانوی فعال در عرصه های قرآنی هفتم خرداد همزمان با برپایی سی و یکمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی در محل سالن اجلاس سران قدر دانی می شوند.

به گزارش خبرنگار ما، معصومه فرزانه دبیر پنجمین همایش تجلیل از بانوان قرآنی درنشستی خبری با اعلام این مطلب گفت: هدف از برگزاری این همایش شناسایی و تقویت روحیه نوآوری بانوان در رشته های قرآنی در شهرها و روستا های کشور است.

وی گفت: این بانوان در عرصه های ایثارگری و فداکاری، حفظ قرآن، پژوهش های قرآنی، چاپ مقاله در مجلات قرآنی، ترجمه و تفسیر قرآن، انجام فعالیت های قرآنی متناسب با نیاز های روز، ترویج، تبلیغ و مدیریت قرآنی، خطاطی، طراحی و صفحه بندی و آثار هنری قرآنی فعالیت دارند که از برترین ها قدر دانی خواهد شد.

فرزانه در ادامه با اشاره به این که حائزان رتبه اول تا سوم به بنیاد ملی نخبگان معرفی خواهند شد، راهکار درمان خلاءها و چالش های فرهنگی در کشور مان را انس با قرآن و معرفی چهره های قرآنی به جامعه دانست تا دیگران از آن ها الگو بگیر ند.

کوتاه فرهنگی

نیما وارسته نوازنده و تنظیم کننده موسیقی پاپ درگذشت

نیما وارسته نوازنده و تنظیم‌کننده پرمخاطب موسیقی پاپ به‌علت نارسایی قلبی درگذشت.

نیما وارسته آهنگساز، تنظیم کننده و نوازنده مطرح موسیقی پاپ ایران و متولد ۱۳۵۷ از اولین کسانی بود که در ایران استودیو دیجیتال راه انداخت. از جمله فعالیت‌های او می‌توان به اجرا در کنسرت گروه ساعت(نوازنده ویولن)همراهی با گروه آریان،صدابردار آلبوم تا بی‌نهایت گروه آریان،انتشار آلبوم بنیامین ۸۵،میکس و مسترینگ و نوازنده ویولن و سینتی سایزر آلبوم جای تو خالی پیمان فلاحی،نوازنده ویولن آلبوم سونامی مهدی مقدم، تنظیم آهنگ منو ببخش از آلبوم یادگاری ناصر عبداللهی، نوازندگی،تنظیم و همکاری با حمید عسگری، فرهاد جواهر کلام، پیام صالحی، بنیامین بهادری، رضاصادقی و خشایار اعتمادی و ...اشاره کرد.

گشایش نمایشگاه عطاالله ذی نوری در گالری شکوه

نمایشگاه نقاشی های آبرنگ عطا الله ذی نوری نقاش پیشکسوت، عصر جمعه ۲٦اردیبهشت با حضور چهره های شاخص هنری نظیر دکتر حسین الهی قمشه ای، علی اکبر صادقی، علی شیرازی، عنایت الله نظری نوری و ... در گالری شکوه آغاز به کار کرد.

ذی نوری در این نمایشگاه ٣٦اثر آبرنگ با ابعاد متفاوت از هم را در معرض دید عمومی قرار داده است. سوژه آثار تازه ذی نوری همچون گذشته متفاوت از هم هستند و بناهای سنتی، خانه های تاریخی، گل، میوه و... را شامل می شوند.او در مورد انتخاب سوژه آثار تازه اش گفت: سعی کرده ام به سوژه هایی توجه کنم که اغلب بی تفاوت از کنار آن ها می گذریم و هنرمندان معمولاً آنها را کار نمی کنند. برای مثال می توانم به نقاشی دسته سبزی ریحان که در روزنامه پیچیده شده و یا کارتن میوه اشاره کنم که سعی کرده ام آن را با جزییات دقیقی به تصویر بکشم.

او در مورد بناهای تاریخی که در آثارش به تصویر کشیده است گفت: من از گذشته به بناها و خانه های قدیمی علاقمند بودم. شاید این بخاطر یادمان و خاطراتی است که از گذشته نسبت به این بناها دارم و با آنها عجین شده و در آن مکان ها زندگی کرده ام.بیست و هفتمین نمایشگاه انفرادی عطاالله ذی نوری تا ۳۱اردیبهشت در گالری شکوه واقع در چهارراه فرمانیه، بلوار شهید اندرز گو، خیابان سلیمی شمالی، کوچه امیر نوری، شماره ۱۹ دایر خواهد بود.

چهل و ششمین پاتوق هنری خانه عکاسان امروز برگزار می‌شود

بررسی آثار پر رمز و راز و پیچیده «پیتر ویتکین» با حضور عکاسان صاحب سبک در خانه عکاسان برگزار می شود.به گزارش خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری، چهل و ششمین پاتوق هنری خانه عکاسان ایران با موضوع «روانکاوی تصاویر عکاسانه جویل پیتر ویتکین» برگزار می شود. در این پاتوق علی آذرنیا، زهرا رنجبر و رسول اولیازاده به بررسی آثار پر رمز و راز پیتر ویتکین می پردازند.چهل و ششمین پاتوق هنری خانه عکاسان ایران امروز چهارشنبه ۳۱اردیبهشت ساعت ۱۷ در گالری شماره ۲ خانه عکاسان برگزار می شود.

کوتاه آموزشی

تعیین شهریه مدارس غیردولتی براساس هزینه‌های تمام شده

مدیرکل سازمان مدارس غیر دولتی آموزش و پرورش با بیان آنکه حداقل شهریه مدارس غیر دولتی برای سال تحصیلی جدید ۱۰ درصد افزایش دارد، گفت: افزایش شهریه مدارس غیر دولتی، براساس هفت سرفصل تعیین شده از سوی اداره کل مدارس غیر دولتی، متناسب با برنامه‌ها و فعالیت های پرورشی و در قالب فرمول ابلاغ شده به مدیران مدارس غیر دولتی اعمال می شود.

مجتبی زینی وند در گفتگو با مهر گفت: سرانه پرداختی به دبیر، مدیر و عوامل اجرایی، اجاره بهای مدرسه، فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، شرایط منطقه ای و تورم از جمله سرفصل هایی است که مدیران می توانند براساس آن افزایش شهریه را بین ۱۰ تا ۳۰ درصد اعمال کنند.به گفته مدیر کل سازمان مدارس غیردولتی آموزش و پرورش، در این الگو همچنین ۳ درصد افزایش شهریه به منظور کیفیت بخشی آموزشی و انجام فعالیت های آموزشی و پرورشی در نظر گرفته شده است.وی با بیان اینکه هشت گروه تیم بازرسی روزانه از ۱۲ هزار مدرسه غیر دولتی سراسر کشور بازدید می کنند، ادامه داد: تمامی موسسان و مدیران مدارس غیر دولتی موظفند نرخ شهریه مصوب را در محل دید اولیای دانش آموزان قرار دهند اما با این وجود اگر والدین نیز تخلفی را مشاهده کردند می توانند به ادارات کل مدارس غیر دولتی در منطقه مربوطه مراجعه کرده یا به صورت غیر مستقیم به سایت مدارس غیر دولتی www.dmgh.medu.ir مراجعه و تخلف مدرسه را ثبت کنند.

پرداخت کمک هزینه تحصیلی به کودکان کار

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی به اعلام جزئیات طرح باسواد کردن کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۲۰ ساله که عمدتا در سه گروه کودکان کار، کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و معلولان جسمی جای می گیرند، پرداخت و گفت: برای باسوادی هر کودک کار مشوق مالی و کمک هزینه تحصیلی حدود یک میلیون ریالی در نظر گرفته‌ایم.

علی باقرزاده در گفت‌وگو با ایسنا، در این باره اظهار کرد: این طرح هفته گذشته توسط وزیر آموزش و پرورش به استان‌ها ابلاغ شده لذا با جدیت دنبال می‌شود.وی افزود: جمعیت ۱۰۸ هزار نفره در بانک‌های اطلاعاتی به عنوان بیسواد ثبت شده‌اند، اما هدفگذاری نهضت برای سوادآموزی حدود ٦۰ هزار کودک و نوجوان است، زیرا حدود ٤۰ هزار نفر از آنها به عنوان برادران و خواهران دانش آموزان شناسایی شده‌اند و در طرح سوادآموزی اولیای دانش آموزان، آموزش می‌بینند.

اعلام جزییات آزمون کارشناسی ارشد پزشکی

رئیس مرکز سنجش آموزش پزشکی اعلام کرد: آزمون کارشناسی ارشد رشته‌های علوم پزشکی طی روزهای ۲۲ و ۲۳ خرداد ماه به صورت همزمان در کشور برگزار می‌شود. دکتر پورکاظمی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: این آزمون در دو نوبت صبح و بعد از ظهر در روزهای ۲۲ و ۲۳ خرداد در ۳۰ مرکز استان به صورت هماهنگ برگزار خواهد شد.به گفته وی، اطلاعیه این آزمون و دفترچه راهنمای مربوطه امروز چهارشنبه روی سایت سنجش آموزش پزشکی به نشانی www.sanjeshp.org قرار داده خواهد شد.

پورکاظمی با اشاره به اینکه دانشجویان می توانند از ۱۷ تا ۲۱ خردادماه از طریق سایت سنجش آموزش پزشکی رشته محل موردنظر خود را انتخاب کنند، افزود: کارت ورود به جلسه این داوطلبان نیز در همین تاریخ روی سایت سنجش آموزش پزشکی قرار داده خواهد شد.

دانشجویان نگران درج عنوان «علمی و کاربردی» در مدارک‌شان نباشند

رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای با تکذیب خبر ادغام این دانشگاه با دانشگاه علمی و کاربردی و تبدیل آن به مهارتکده، گفت: دانشجویان نگران درج واژه های «علمی و کاربردی» در مدارک خود نباشند؛ چرا که واژه «علمی و کاربردی» مربوط به گروه‌های درسی وزارت علوم است و این مساله هیچ ارتباطی با دانشگاه جامع علمی کاربردی ندارد.

دکتر مسعود شفیعی در گفت‌وگو با ایسنا گفت: باید توجه داشته باشیم که در کشور ما دو مقوله کاملا متفاوت از یکدیگر به نام دانشگاه فنی و حرفه‌ای و جامع علمی و کاربردی وجود دارد که هر دو مستلزم توجه و کار بیشتری است، چرا که به بازار کار و اشتغال متصل هستند و نیروهای مورد نیاز بازار را تربیت می کنند.وی با تاکید بر اینکه ٦۰ درصد نیروهای فنی و حرفه‌ای جذب بازار می‌شوند، گفت: این موضوع در برخی رشته‌ها بیشتر و در برخی کمتر است، اما متوسط ٦۰ درصد است.شفیعی با بیان اینکه مشخص نیست موضوع ادغام در کجا مطرح شده است، گفت: ممکن است سیاست‌هایی مطرح شده باشند تا هم افزایی رخ دهد، اما به هیچ عنوان ادغام مطرح نیست.

آیین‌نامه تشکیل کلاس‌های چند پایه تصویب شد

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش گفت: آیین‌نامه تشکیل کلاس‌های چند پایه پس از ۳ جلسه بررسی در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد.

مهدی نوید ادهم در گفت‌وگو با فارس و با اشاره به جدیدترین مصوبه این شورا، اظهار داشت: در آخرین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، معاون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر ضرورت همکاری و هماهنگی دو وزارت آموزش و پرورش و علوم تأکید کرد تا با ایجاد همسویی و هماهنگی بیشتر محتوایی و اجرایی بین دو وزارتخانه، زمینه ارتقای کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت در نظام آموزشی فراهم آید.

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش با اشاره به اینکه شورا پس از ۳ جلسه بحث و گفت‌وگو، آیین‌نامه تشکیل کلاس‌های چند پایه را به تصویب رساند، تصریح کرد: بر اساس این آیین‌نامه وزارت آموزش و پرورش موظف است برای تشکیل و مدیریت کلاس‌های چند پایه جهت ارتقای کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت با تأکید بر مناطق روستایی و عشایری تدابیری اتخاذ کند.

کوشک جلالی با «روبینسون و کروزو» به حوزه هنری می آید

تماشاخانه مهر حوزه هنری از یکشنبه ۲۸ اردیبهشت میزبان نمایش «روبینسون و کروزو» نوشته «نینا دینترونا» و «جیاکومو راویچیو» با ترجمه و کارگردانی علیرضا کوشک جلالی است.

به گزارش صحنه، روبینسون و کروزو داستان دو سرباز را روایت می کند که برای تصاحب جزیره‌ای با هم در حال جنگ هستند اما آرام آرام متوجه نقاط مشترکشان شده و با هم مشغول بازی می‌شوند.

برخورد دو فرهنگ و احترام به جهان‌بینی دیگران از جمله تم‌های اساسی این نمایش محسوب می‌شود.کوشک جلالی پیش از این، نمایش روبینسون و کروزو را در سی و دومین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر فجر در شهر مشهد به صحنه برده بود که به عنوان نمایش منتخب تماشاگران مورد تقدیر قرار گرفت.

علیرضا کوشک جلالی نویسنده و کارگردان مقیم کشور آلمان است که بیش از ٤۰ نمایش در آلمان و ۱۰ نمایش را در ایران کارگردانی کرده و جوایز متعددی از جشنواره‌های مختلف بین‌المللی دریافت کرده است.

در این نمایش سیروس مصطفی و حامد رسولی به عنوان بازیگر و هومن جلالی به عنوان دراماتورژ، کارگردان را همراهی می‌کنند.

نمایش "روبینسون و کروزو" با کارگردانی علیرضا کوشک جلالی در ساعت‌های ۱۸ و ۱۹ و ۳۰دقیقه در تماشاخانه مهر حوزه هنری– در تمام روزهای هفته، حتی شنبه‌ها–به صحنه می‌رود.

تماشاخانه مهر حوزه هنری در خیابان حافظ، نبش خیابان سمیه واقع است.

چینی ها اعتبار ساخت بزرگترین کارخانه فولاد چهارمحال را تأمین کردند

قرارداد تامین مالی (فاینانس) برای طرح فولاد سپیددشت چهارمحال و بختیاری بین شرکت ملی فولاد ایران و شرکت MCC چین در تهران امضا شد.

به گزارش خبرنگار ما چینی ها تاکنون تامین یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو منابع مالی را برای احداث هفت طرح فولادی بزرگ در ایران شامل: طرح فولاد میانه (آذربایجان شرقی)، قائنات (خراسان جنوبی)، شادگان (خوزستان)، نی ریز (فارس)، بافت (کرمان)، سبزوار (خراسان رضوی) و سپید دشت (چهارمحال و بختیاری) را متعهد شده اند که با امضای این قرارداد کارخانه فولادسازی به روش احیاء مستقیم به ظرفیت سالانه یک میلیون تن با سرمایه گذاری ۳۴۷ میلیون دلار در سپیددشت چهارمحال و بختیاری احداث می شود.

براساس قرارداد امضا شده، طرف چینی ۸۰ درصد منابع لازم را در اختیار پیمانکاران ایرانی به منظور تامین تجهیزات مورد نیاز این کارخانه فولادی قرار می دهد و ۲۰ درصد بقیه را شرکت چینی نامبرده، صرف خرید تجهیزات با کیفیت مورد قبول طرف ایرانی می کند.

طرح فولاد سپیددشت چهارمحال وبختیاری در بخش احیاء پیشرفت حدود ۸۰ درصدی دارد و در زمینه فولادسازی حدود ۳۷ درصد پیشرفت کرده است.

از سوی دیگر راه اندازی طرح فولاد سپیددشت اشتغال مستقیم یک هزار نفر و غیرمستقیم ۱۰ هزار نفر را در پی خواهد داشت.

محمد خانداداش پور مدیرعامل شرکت ملی فولاد ایران در مراسم امضای این قرارداد به خبرنگاران گفت: ظرف مدت ۲۰ روز امکان برداشت منابع پیش بینی شده برای این طرح فراهم می شود و روند ساخت این مجتمع در چهارمحال و بختیاری سرعت می گیرد.

آغاز اصلاح اطلاعات یارانه ای خانوارها

اصلاح اطلاعات یارانه نقدی خانوار از امروز در مراکز پلیس + ۱۰ امکان پذیر شد.

بنابر اعلام سازمان هدفمندسازی یارانه ها، متقاضیانی که در مرحله دوم اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها ثبت نام کرده و به دلیل یکی از وقایع چهارگانه تولد، فوت، ازدواج و طلاق متقاضی دریافت این تغییرات در سامانه رفاهی به نشانی www.refahi.ir هستند می توانند از ۳۱ اردیبهشت ۹۳ با در دست داشتن اسناد و مدارک معتبر با مراجعه به دفاتر پلیس +۱۰ نسبت به ثبت تغییرات مزبور اقدام کنند.

همچنین آن دسته از هموطنانی که به دلایل مختلف از جمله محجوریت، فقدان سرپرست، عدم صلاحیت سرپرست خانوار و غیره متقاضی تغییر سرپرست خانوار خود جهت ادامه دریافت یارانه نقدی هستند، می توانند پس از مراجعه به فرمانداری محل سکونت خود و طی مراحل قانونی نسبت به تغییر سرپرست خانوار در دفاتر پلیس + ۱۰ اقدام کنند.

پرداخت تسهیلات بانک جهانی به ایران از سر گرفته می‌شود

بقیه از صفحه اول

به کشورمان، اظهار داشت: در بیانیه پایانی اجلاس گروه ۲۴ آمده که از بانک جهانی می خواهیم در رابطه با مسایل فنی و مالی از مداخلات و گرایشات سیاسی پرهیز کند.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی تصریح کرد: طی چند ماه اخیر برای نخستین بار دو هیات بانک جهانی وارد ایران شدند که چندین پرونده و طرح توسط این هیات ها بررسی و ارزیابی شده است.

وی ادامه داد: پرداخت تسهیلات با هدف افزایش ایمنی جاده های ایران، مقابله با آلودگی هوا در تهران و کلانشهرها، احیای دریاچه ارومیه و مبارزه با شیوع امراض صعب العلاج (سرطان) از جمله طرح های مورد بررسی از سوی هیات بانک جهانی در ایران است.

علیشیری افزود: از کارشناسان فنی و بین المللی بانک جهانی برای بررسی وضعیت دریاچه ارومیه دعوت کرده ایم و امیدواریم ظرف یک ماه آینده در این خصوص به نتایج مطلوبی دست یابیم.

وی اظهار داشت: بانک جهانی برای ارایه تسهیلات، کشورها را به سه گروه تقسیم بندی کرده است، به طوری که براساس این تقسیم بندی، این بانک به کشورهای با درآمد بالا همانند آمریکا و اروپا تسهیلات پرداخت نمی کند.

رییس سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران، کشورهای با درآمد سرانه متوسط و پایین را جزو گروه های دوم و سوم تقسیم بندی بانک جهانی عنوان کرد و افزود: کشورهای با در آمد متوسط مانندایران مشمول دریافت تسهیلات این بانک می شوند.

علیشیری تاکید کرد: کشورهای با درآمد پایین یا کمتر توسعه یافته از موسسه مالی وابسته به بانک جهانی بنام ایدا تسهیلات با نرخ های ترجیحی و درازمدت دریافت می کنند.وی با تاکید بر اینکه بانک جهانی رفتاری متفاوت با کشورها برای ارایه تسهیلات ندارد، گفت: وضعیت تسهیلات دهی به کشورهای طبقه متوسط یکسان بوده و تسهیلات براساس رویکردی با محوریت بخشی ارایه می شود، ضمن آنکه بانک جهانی براساس برنامه های توسعه ای و زیربنایی وام پرداخت می کند.علیشیری ادامه داد: طرح های عام المنفعه و زیربنایی مشمول دریافت تسهیلات بانک جهانی می‌شوند،این درحالی است که‌این بانک وام های تجاری پرداخت نمی کند.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: بانک جهانی تاکنون تسهیلاتی را برای سیستم فاضلاب شهرهای شمالی کشور، شهر زلزله زده رودبار و سایر طرح های توسعه ای به ایران اعطا کرده است.

وی با بیان آنکه، نرخ سود تسهیلات پرداختی از سوی بانک جهانی به کشورها ثابت است، اظهار داشت: تسهیلات بانک جهانی دارای سه نوع هزینه است به نحوی که در ابتدا رقمی معادل یک درصد و سپس ۷۵ صدم درصد را به عنوان تعهد از کشورها دریافت می کند و در نهایت نیز نرخ کارمزد کلی لایبر با سود حاشیه بسیار کم و شش ماه بعد از بهره برداری طرح دریافت می شود.

رییس سازمان سرمایه گذاری و کمک های فنی و اقتصادی ایران گفت: ایران هم اکنون نه تنها بدهی به بانک جهانی ندارد بلکه اقساط شش ماه آینده خود را پرداخت کرده است.

وی درباره بروز برخی مشکلات در گذشته برای پرداخت اقساط تسهیلات ایران به بانک جهانی، افزود: بازپرداخت اقساط تنها در یک یا دو قسط به تاخیر افتاد که دلیل آن نیز تعلل بانک کارگزار ژاپنی برای واریز پول کشورمان به دلیل تحریم بوده است.

علیشیری تصریح کرد: با رایزنی های صورت گرفته از سوی بانک جهانی با خزانه داری آمریکا، ایران توانست تمام بدهی های خود را به این بانک پرداخت کند.

التهاب قیمت ها در بازار خودرو

سرویس اقتصادی - بازار خودرو این روزها در کوران شایعات مختلف برای تغییر قیمت هاست و انتشار اخبار ضدو نقیض پیرامون تصمیم شورای رقابت برای افزایش قیمت خودرو باعث برهم ریختن تعادل بازار شده است.

به گزارش خبرنگار ما پریروز اخباری مبنی بر برگزاری جلسه ای در شورای رقابت برای افزایش قیمت خودرو منتشر شد که در آن خودروسازان و مسئولان سازمان استاندارد، سازمان بازرسی کیفیت و شورای رقابت برای افزایش قیمت خودرو تا کمتر از ۲۰ درصد توافق به توافق رسیده اند، اما دیروز یکی از اعضای شورای رقابت چنین توافقی را تکذیب کرد.

نادر قاضی پورعضو ناظر شورای رقابت گفت: هرچند جلساتی تاکنون در زمینه تجدیدنظر در قیمت خودروهای تولید داخل برگزار شده اما هنوز توافقی در این خصوص صورت نگرفته است.

رضا شیوا رییس شورای رقابت نیز اعلام کرد: تاکنون چندین جلسه عادی با خودروسازان جهت دریافت اطلاعات برگزار کرده ایم و هیچ گونه توافقی برای افزایش قیمت خودرو صورت نگرفته است.

به گفته شیوا قیمت کنونی خودرو براساس فرمول اعلام شده در اردیبهشت ۹۲ است و فعلا تغییری نخواهد کرد.

با این وجود احمد نعمت بخش، رییس انجمن خودروسازان در باره نشست شورای رقابت با مسئولان سازمان استاندارد و سازمان بازرسی کیفیت و توافق آنها در مورد افزایش نرخ خودرو گفت: با افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی نرخ خودرو، خودروسازان از شرایط زیان خارج می شوند البته ما خواستار افزایش نرخ خودرو نیستیم و در صورتی که دولت همانند صنایع شیر به ما هم کمک زیان بپردازد نیازی به افزایش نرخ خودرو نیست.

وی افزود: طی دو سال گذشته صنعت خودرو ۶ هزار میلیارد تومان زیان داده و دولت هیچ اقدامی در این راه نکرده است.از طرفی ۴۰ درصد عواید فروش یک خودرو در اختیار خودروساز نیست و به جیب خودروساز نمی رود، یعنی از یک خودروی ۲۰ میلیون تومانی ۸ میلیون تومان آن صرف موارد دیگر می شود.

به گزارش ایلنا نعمت بخش گفت: ۳ درصد هزینه شماره گذاری، ۲ تا ۳ درصد هزینه بیمه شخص ثالث، ۶ تا ۷ درصد هزینه گمرکی، ۸ درصد ارزش افزوده و ۲۰ درصد تسهیلات بانکی قطعه ساز و خودرو ساز از جمله هزینه های جانبی خودرو محسوب می شود.نعمت بخش در پاسخ به این پرسش که چرا خودروسازان عرضه خودرو را محدود کرده‌اند، گفت: این اتهامی است که اغلب به خودروسازان می‌زنند این در حالی است که مصوبه ۱۷ فروردین دولت برای تخصیص ارز مبادله ای به خودروسازان و اعطای مهلت به آنها برای ارتقای استانداردها ۱۰ اردیبهشت ابلاغ شد و یک هفته هم طول کشید تا پلیس اجازه شماره گذاری را صادر کند و در این بین ۳۰ تا ۴۰ هزار خودرو آماده فروش بود و نوبت مردم هم گذشته بود و خودروها شماره گذاری نشده بودند و همه اتهامات متوجه خودروساز بود که عرضه را کم کرده‌اند تا قیمت‌ها را افزایش دهند!علی مددی عضو شورای رقابت هم به فارس گفت: قیمت جدید خودرو امروز (چهارشنبه) تعیین می شود.وی گفت: با مکانیزم و فرمولی که شورای رقابت برای تعیین قیمت خودرو تعیین کرده تنها ۳ تا ۴ درصد افزایش در قیمت خودرو را شاهد خواهیم بود.مددی در عین حال قیمت کنونی خودرو را حبابی اعلام کرد و گفت: قیمت کنونی خودرو قیمت واقعی نیست و قیمت حبابی است که خودروسازان آن را بوجود آورده‌اند و این قیمت‌ها باید تثبیت شود.

مددی خودروسازان را موظف به تمکین قیمت خودرو تعیین شده توسط شورای رقابت کرد و گفت: باید قیمت حبابی کنونی شکسته و خودرو با قیمت واقعی به مصرف کننده عرضه شود

گزارش خبرنگار ما می افزاید: باوجوداین اظهارات،تاخیر تولیدکنندگان داخلی در عرضه خودرو به بازار، باعث تشدید فعالیت دلالان و بالارفتن قیمت ها شده و متاسفانه هیچ دستگاهی پاسخگوی بالارفتن قیمت خودرو در بازار نیست.البته گروه خودروسازی سایپا تصمیم دارد از امروز به مناسبت فرا رسیدن سوم خرداد و سالروز آزاد سازی خرمشهر اقدام به فروش محصولات خود کند.حسن فروزان مهر مدیر بازاریابی و فروش گروه خودرو سازی سایپا با تایید این خبر گفت: سبدی متنوع از انواع محصولات گروه خودرو سازی سایپا در این شرایط فروش در نظر گرفته شده و متقاضیان از امروز می توانند برای ثبت نام به نمایندگی های فروش سایپا در سراسر کشور مراجعه کنند.

گزارش خبرنگار ما حاکیست در حال حاضر قیمت محصولات داخلی در بازار نسبت به یک ماه پیش حدود ۵ تا ۱۵ درصد بالا رفته است، بطوری که هم اینک هر دستگاه وانت بار دو ۱۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، سمند LX یورو ۴ حدود ۲۹ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان، پژو ۴۰۵ GLX دو ایربگ ۳۲ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان، پژو پارس دوگانه سوز ۴۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، پژو ۲۰۶ تیپ ۵ حدود ۳۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، رانا ۳۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، تندر E۲۴۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، پراید ۱۳۲ SL۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، پراید ۱۳۱ SE۲۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، تیبا EX ۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به فروش می رسد. از طرف دیگر در روزهای اخیر قیمت برخی از انواع خودروهای خارجی موجود در بازار به نحو قابل توجهی افزایش یافته که فعالان بازار دلیل آن را افزایش تقاضای خرید و کمبود عرضه اعلام می کنند.

هم اینک قیمت لیفان ۶۲۰ در بازار نسبت به بهای مشابه در ابتدای اردیبهشت حدود ۵ میلیون تومان بالا رفته و به ۴۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. جک J۵ اتوماتیک هم ۶۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان معامله می شود.همچنین بهای ولستر حداقل ۱۱ میلیون تومان بالاتر از بهای نمایندگی های فروش و به قیمت ۱۳۴ میلیون تومان رسیده است.

فاصله زیاد صنعت فرودگاهی ایران با کشورهای منطقه

سرویس اقتصادی:فرودگاه دوبی در بین ۲۰ فرودگاه برتر جهان مقام دهم را دارد، اما ایران با اینکه فعالیت فرودگاهی خود را همزمان با دوبی در سال ۱۳۴۵ آغاز کرد، در بین ۱۲ کشور همسایه، مقام یازدهم را داراست.

علی محمد نوریان قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در امور هوانوردی و هواشناسی در همایش حمل و نقل هوایی ایران، آسیب‌شناسی و چالش ها گفت:فرودگاه استانبول هم مقام بیستم را در جهان داراست. دو کشور ترکیه و دوبی برای رسیدن به مقام سوم و چهارم در سال ۲۰۱۶ برنامه‌ریزی کرده‌اند.

وی با اشاره به اینکه ما از جهت وضع فرودگاهی در جهان چه جایگاهی داریم، افزود: در منطقه ۲۷ کشور وجود دارد که ما با ۱۲ کشور همسایه مقام یازدهم را در منطقه داریم، یعنی از تمامی کشورهای اطراف عقب‌تر هستیم.

نوریان خاطرنشان کرد: از جهت جابجایی بار، دوبی در منطقه اول، دوحه در قطر دوم و استانبول مقام سوم را داراست. دوبی و ترکیه برای افزایش حجم مسافر در فرودگاه‌های خود سرمایه‌گذاری‌های کلان کرده‌اند و استانبول برای رسیدن از ۴۴ میلیون مسافر به ۱۵۰ میلیون، حدود ۷ میلیارد یورو در نظر گرفته‌است.

وی خاطرنشان کرد: ما برای رسیدن از رقم ۶ میلیون مسافر در فرودگاه امام به ۲۰ میلیون مسافر، ۶ هزار میلیارد تومان بودجه و اعتبار نیاز داریم، در صورتیکه در سال‌های گذشته کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار هزینه کردیم که فاصله معناداری با نیازمان دارد.

قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در امور هوانوردی و هواشناسی با اشاره به اینکه رشد سالانه صنعت هوایی در دنیا ۲/۹ درصد بوده و در کل، صنعت هوایی جهان حرکت زیان‌ده داشته است، ادامه داد: فراز و نشیب‌های صنعت هوایی در مجموع تحت تأثیر اقتصاد جهانی است. کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در این مجموعه سرمایه‌گذاری عظیمی می کنند و ما هم اکنون در این زمینه فاصله معناداری با منطقه پیدا کرده‌ایم.

وی اضافه کرد: ما مزیت نسبی به جهت سوق‌الجیشی و وضع جغرافیایی داریم، به این معنا که پروازهای آسیا به اروپا از آسمان ایران ۲۰ دقیقه نزدیکتر است و برای ایرلاین‌ها صرفه اقتصادی دارد، اما ما به دست خود این مزیت را از بین بردیم و هم‌اکنون اکثر این نوع پروازها از روی کشور عراق انجام می‌شود. نوریان با تأکید بر اینکه برای رفع این نوع مشکلات در حال برنامه‌ریزی و پیگیری هستیم، افزود: داشتن یک برنامه منسجم در این زمینه ضروری است و ما شورای عالی برنامه‌ریزی راهبردی در صنعت هوانوردی را تعریف کردیم تا برنامه‌های موجود را بازنگری و برنامه‌های بلند مدت‌تری تهیه کنیم، زیرا یکی از مشکلات، تغییر برنامه‌ها در طول زمان است.

وی با اشاره به اینکه ایجاد سازمان ملی ایمنی و حمل و نقل هوایی را در حال پیگیری در دولت هستیم، ادامه داد: یکی از مزیت‌های کشور ما جابجایی بار و ترانزیت است، زیرا اغلب همسایه‌های شمالی ما به آب‌های آزاد راه ندارند، اما از این مزیت هم نتوانستیم استفاده کنیم و نگرش ما با اطرافمان به جای تعامل، حرکت‌های برخوردی بوده است. برای رفع این معضل هم راهبرد انعقاد قراردادهای چند جانبه حمل و نقلی براساس منافع مشترک تجاری ـ حمل و نقلی و توسعه کریدورهای ترانزیتی از قلمرو کشور را در دست تهیه داریم.

قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی اظهار داشت: شرکت فرودگاه‌های کشور ۹۰ فرودگاه را در زیر مجموعه خود دارد که ۵۶ فرودگاه به طور مستقیم تحت پوشش و ۴ فرودگاه در حال ساخت است. ۱۸ فرودگاه هم متعلق به دستگاه‌های دیگر و ۱۲ فرودگاه، نظامی است. از تمامی این تعداد فقط هفت فرودگاه خودکفا و بقیه زیان‌ده است.

از سوی دیگر اغلب این فرودگاه‌ها تجهیزات مناسب ندارند و با کمترین بدی آب و هوا، پروازشان قطع می‌شود. امیدواریم با کمک مجلس بتوانیم راهکار جدیدی برای فرودگاه‌های کوچک ایجاد کنیم تا مشکل این فرودگاه‌های محلی حل شود. وی با اشاره به اینکه مقوله ایمنی و سلامت پرواز، و امنیت آن دو مقوله جدا از هم است، گفت: اگر امنیت پرواز را رها کنیم، ممکن است ایمنی به خطر بیفتد و اشیاء ممنوعه و خطرناک وارد پرواز شود، از طرف دیگر اگر فشارها را بیشتر کنیم، ممکن است نارضایتی در مردم ایجاد شود. انجام این کار و تأمین امنیت پرواز ظرافت خاصی می طلبد.

۲ کارخانه بزرگ کنسانتره مس راه‌اندازی می‌شود

ظرفیت تولید مس درایران سال آینده به ۲۸۰ هزار تن، سال ۹۵ به ۳۰۰ هزار تن، سال ۹۶ به ۳۵۰ هزار تن و در سال ۹۷ به ۳۸۰ تا ۴۰۰ هزار تن خواهد رسید.

احمد مراد علیزاده مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران در گفتگو با خبرنگاران ضمن بیان این مطلب افزود: امسال با راه اندازی طرح توسعه فاز ۲ معدن سونگون در استان آذربایجان شرقی و طرح توسعه فاز ۲ معدن سرچشمه در استان کرمان، میزان ۳۰۰ هزار تن به ظرفیت تولید کنسانتره مس کشور افزوده می شود که معادل ۷۰ هزار تن مس خالص محتوا خواهد بود.

وی اظهار داشت: در سیستان و بلوچستان معدن مس چهل کوره تا پایان سال آینده راه اندازی می شود که سالانه ۱۶ هزار تن کنسانتره معادل ۵۰۰۰ تن مس محتوا، تولید خواهد کرد.

رشد تولید ناخالص داخلی و کاهش تورم در ایران

موسسه تحقیقاتی بیزنس مونیتور اینترنشنال (BMI) در آخرین گزارش خود از ایران، پیش بینی کرد رشد تولید ناخالص داخلی کشور در مقایسه با منفی ۲٫۹ درصد در سال ۲۰۱۳ به مثبت ۲٫۸ درصد در سال ۲۰۱۴ صعود خواهد کرد در حالیکه تورم قیمت مصرف کننده در همین مدت از ۲۷ به ۲۲ درصد کاهش پیدا می کند.

به گزارش ایسنا، این موسسه در گزارش خود به تاثیر مثبت بهبود روابط ایران با غرب بر اقتصاد کشور اشاره کرد با این همه خاطرنشان کرد ابهام در مورد نتایج مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران، مخاطرات برای دورنمای اقتصادی کشور را بالا نگه داشته است.

بیزنس مونیتور به دلیل بهبود وضع، نرخ مورد پیش بینی برای رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در سال ۲۰۱۵ را مورد بازبینی قرار داد و به ۲/۹ درصد افزایش داد و نرخ تورم مصرف کننده را ۱۶ درصد پیش بینی کرد.طبق برآورد بیزنس مونیتور، رقم تولید ناخالص داخلی ایران از ۴۶۴/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۵۷۲/۱ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بر اساس این گزارش، بهبود روابط ایران با غرب به همراه اصلاحات اقتصادی کلان کمک می کند اقتصاد کشور به رشد بازگردد و دورنمای صادرات و اعتماد تجاری و مصرفی بهبود پیدا کند.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۲/۷۷ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۹/۴۱ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۶/۴۳ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۹۱/۱۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۸۷۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۸۸۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۴۹۶۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۹۱۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۰۳۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۰۷۶۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۵۵۳/۹ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر بانکی)	۳۳۰۰ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۵۰۲ تومان
یورو(نرخ غیر بانکی)	۴۵۳۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۲۹۵/۳ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر بانکی)	۵۵۴۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۹۵/۳ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۹۰۲ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

نصب تلفن همگانی رایگان در اماکن عمومی

به منظور ارتقاء هر چه بیشتر خدمات در حوزه تلفن شهری در استان تهران و البرز، تمامی اماکن عمومی مجهز به تلفن های همگانی رایگان شهری می شوند.

به گزارش روابط عمومی شرکت مخابرات استان تهران، محمدرضا بید خام معاون تجاری شرکت مخابرات استان تهران ضمن اعلام این مطلب گفت: تمامی اماکن عمومی از قبیل آسایشگاه معلولین، سالمندان، بیمارستان های دولتی، خصوصی، درمانگاه های خیریه، کلانتری، دادگاه ها و غیره در صورت وجود درخواست مجهز به تلفن های همگانی رایگان شهری می شوند.

وی افزود: متقاضیان می توانند با مراجعه به مناطق مخابراتی مربوطه و ارائه درخواست از تسهیلات شرکت مخابرات استان تهران استفاده کنند.

قیمت محصولات لبنی ۲۰ درصد افزایش می یابد

در صورت افزایش قیمت شیرخام بر اساس مصوبه ستاد تنظیم بازار، محصولات لبنی ۲۰/۸ درصد افزایش قیمت خواهد داشت.

رضا باکری دبیر انجمن تولیدکنندگان فرآورده‌های لبنی در گفتگو با ایسنا با اشاره به اینکه هنوز مصوبه‌ای در زمینه تعیین قیمت ۱۴۴۰ تومانی شیر از سوی ستاد تنظیم بازار و هیات وزیران به این انجمن به صورت مکتوب ابلاغ نشده است، گفت: درنهایت دولت درباره تعیین قیمت شیرخام تصمیم گیری خواهد کرد.

باران و رعد و برق در ۱۲ استان تا پایان هفته

براساس نقشه‌های پیش‌یابی طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه بویژه در ساعات بعدازظهر و اوایل شب افزایش ابر، رگبار و رعد و برق و وزش باد در پاره‌ای از نقاط کشور پیش‌بینی می‌شود.

امروز در استانهای آذربایجان‌شرقی، اردبیل، گیلان، قزوین، البرز، تهران، سمنان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی و خراسان رضوی این پدیده دیده می‌شود.فردا در استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، سمنان، گلستان، خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی ادامه می‌یابد.شایان ذکر است که بارش باران گاهی با رگبار می‌تواند موجب سیلابی شدن مسیل‌ها گردد. بنابراین توصیه می‌شود توقف در حاشیه رودخانه‌ها و مسیل‌ها با احتیاط لازم همراه باشد.همچنین دیروز به دلیل بارش برف، محورشمشک به دیزین بسته شد.

انتصاب رئیس جدیدستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت

معاون اجرایی رئیس جمهور در حکمی علیرضا فیض‌بخش مدیر صادرات گروه صنعتی ایران خودرو را به عنوان مدیر جدید ستاد مدیریت حمل و نقل و مصرف سوخت منصوب کرد.

پیش از وی دکتر مجتبی شفیعی عهده دار این سمت بود.

نگاهی به مشکلات کودکان موسوم به یتیمان ایدز - بخش نخست

از من دوری نکنید!

***کودکانی که والدین‌شان مبتلا به ایدز هستند، ممکن است به هر دلیلی ویروس «اچ.آی.وی» را از مادر دریافت نکرده باشند. ولی به هر حال در معرض از دست‌دادن زودهنگام والدین بیمار خود هستند و ایدز است که آنان را یتیم می‌کند**

***خسرو منصوریان - موسس انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی: رسانه‌ها نباید از بیماری ایدز با عنوان طاعون قرن نام ببرند. باید آگاه‌سازی کرد و این بیماری را به افراد جامعه شناساند. باید بدانند که بیماری با تماس و صحبت کردن با افرادی که «اچ.آی.وی مثبت» هستند، منتقل نمی‌شود. انگ‌های اجتماعی از کودکان مبتلا به ویروس ایدز باید زدوده شود**

***اگر کودکان «اچ.آی.وی مثبت»، سالم زندگی کنند و رفتارهای پر خطر نداشته باشند و به دور از استرس و فشار به زندگی ادامه دهند، طول عمر شان مانند هر انسان دیگری خواهد بود. البته آنان باید تا پایان زندگی، دارو مصرف کنند**

***دکتر مهدی صدق آذر - پزشک و مددکار مرکز مشاوره رفتاری: هر روز با کودکانی کار می‌کنم که هنوز سن و سالی ندارند، اما باید روزی ۵ نوع قرص مصرف کنند. از من می‌پرسند تا کی این قرص‌ها را باید بخوریم و جواب این است که تا پایان عمر!**

بیمارنـد، نـه از آن بیمارانی کـه دائم قربان صدقه شان می‌روند و مثل پروانه دورشان می‌چرخند و همه هوایشان را دارند. نه! از آن نوع بیمارانی نیستند که آدم‌ها کمکشان می‌کنند و در مدرسه با آنان مهربان ترند و به دلیل بیماری، کمتر به آنان سخت می گیرند. بیشتر از همه بیماران مورد شماتت واقع می‌شوند، طرد می‌شوند، تنها می‌شوند و سختی‌های بیشتری می‌کشند. علاوه بر مریضی باید همه نوع نگاه تحقیرآمیز و همه نوع آسیبی را هم تحمل کنند.

همه اش به خاطر این اسم: «ایدز!» همه مشکلات از همینجا شروع می‌شود. از وقتی که این اسم را بر زبان می‌آورند و از آن لحظه است که آدم‌ها یک شکل دیگری نگاهشان می‌کنند. یک طور دیگری با آنان رفتار می‌کنند.

ازشان دور می‌شوند و کار را به جایی می‌رسانند که کودک بینوا، آرزویش می‌شود لحظه‌ای دست در دست هم کلاسی‌اش گذاشتن و قسمت کردن خوراکی‌هایشان با هم.

تازه همه این‌ها در صورتی است که مدیر مدرسه، با ثبت نام کودک موافقت کند، وگرنه که آرزویش باید مدرسه رفتن باشد. آرزویش باید نشستن روی نیمکتی کنار دیگر بچه‌ها باشد. آرزویش باید باشد که برای لحظه‌ای بیماری‌اش را فراموش کند.

همه اش از همین کلمات کذایی شروع می‌شود: اچ.آی.وی مثبت!

از آن لحظه‌ای که مادر، فرزندش را به دنیا می‌آورد و کودک مبتلاست. به همین سادگی. مادر و فرزند، هر دو «اچ.آی. وی مثبت» هستند و پدر که منشاء بیماری بوده، خود از دنیا رفته است. پدر که در بیشتر موارد، اعتیاد داشته و با سرنگ تزریقی آلوده، مبتلا به ایدز شده است، دیگر نیست تا فاجعه‌ای را که خود به بار آورده است، ببیند.

فاجعه‌ای که کودک یتیم‌اش با آن درگیر است. نه تنها این کودک، مبتلا به ویروس «اچ. آی. وی» است و نه تنها مادرش هم مبتلاست و نه تنها که از اجتماع طرد می‌شود و در فامیل و میان دوستان و هم سن و سالانش جایی ندارد و نه تنها که فقیر است و نه تنها... دیگر چه چیزی می‌ماند؟ هیچ! جز اینکه به او بقبولانیم و به این باور برسانیمش که با ایدز هم می‌شود زندگی کرد. بچگی کرد. بزرگ شد. درس خواند و حتی ازدواج کرد.

به این شرط که باورهای غلط ما، به عنوان جامعه اطراف این کودک، مانعی بر سر راه زندگی و پیشرفت‌اش نباشد. به شرط آن که ما برایش تبدیل به درد بزرگتری نشویم.

روز جهانی یتیم ایدز

هفتم ماه می - مصادف با ۱۷ اردیبهشت، روز جهانی یتیمان ایدز است که دولت‌ها و جامعه مدنی را فرا می‌خواند تا برای مراقبت از تمامی کودکان مبتلا یا متاثر از ایدز، اقدام کنند. «از حرکت تا جنبش» به عنوان شعار این روز تعیین شده است. در واقع این شعار می‌خواهد دیگران را به شنیدن صدا و حمایت از این کودکان تهییج کند.

طبق تعریف جهانی سازمان ملل متحد، «یتیم» به کودکی گفته می‌شود که یک یا هر دو والدین خود را از دست داده باشد.

تخمین زده می‌شود که در سراسر جهان ۱۷,۸ میلیون کودک زیر ۱۸ سال بر اثر بیماری ایدز یتیم شده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۱۵ میلادی این رقم به ۲۵ میلیون نفر برسد.

وقتی «اچ.آی.وی» با مبتلا کردن یکی از پدر و مادر یا هر دویشان وارد محیط خانواده‌ای می‌شود، زندگی کودک این خانواده از هم می‌پاشد.

میلیون‌ها نفر از این کودکان در خانه با کسانی زندگی می‌کنند که بیمار یا در حال مرگ هستند و تاثیرات این مریضی در همه جنبه‌های زندگی آنان شهود پیدا می‌کند. کودکانی که والدین‌شان مبتلا به ایدز هستند، ممکن است به هر دلیلی ویروس «اچ.آی. وی» را از مادر دریافت نکرده باشند، ولی به هر حال در معرض از دست‌دادن زودهنگام والدین بیمار خود هستند.

ایدز است که آنها را یتیم می‌کند. از منظر احساسی، ایمنی فیزیکی و ذهنی و به طور کل سلامت عمومی در خطر قرار دارند. بسیاری از دختران و پسران در این خانواده‌ها مجبورند خیلی زود مدرسه را رها کنند، مراقب خواهر و برادران‌شان باشند و در حقیقت نان آور خانواده شوند.

این کودکان ممکن است در میان قربانیان خشونت قرار بگیرند و در محیط کار مورد سواستفاده واقع شوند یا برای به دست آوردن پول، به خیابان‌ها کشانده شوند.

از دیگر سو کودکانی هم هستند که نه فقط به واسطه ابتلای والدین‌شان به این بیماری تحت تاثیر آن قرار دارند، بلکه خودشان هم به ویروس «اچ.آی.وی» مبتلا شده اند. طبق گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ میلادی حدود ۲,۵ میلیون کودک در دنیا مبتلا به این ویروس بوده‌اند. ویروسی که میزان ایمنی بدن‌شان را پایین می‌آورد و می‌تواند در مرور زمان به مرگ آن‌ها منجر شود. البته امروز با داروهای جدیدی که وجود دارد، طول عمر افراد «اچ.آی.وی مثبت» خیلی بیشتر شده است و حتی بزرگسالانی هستند که در کودکی به این ویروس مبتلا شده‌اند، اما سال‌های سال زندگی کرده‌اند.

ایجاد فرصت‌های برابر

خسرو منصوریان - موسس انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی (احیای ارزش‌ها) در گفتگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات اظهار می‌دارد: که همه این کودکان «اچ.آی.وی مثبت» از مادران خود به این ویروس مبتلا شده اند. مادری که حامل این ویروس باشد، در صورت زایمان طبیعی، فرزند خود را هم به آن مبتلا می‌کند. اما در طول دوره حاملگی احتمال اینکه ویروس از مادر به فرزند منتقل شود، خیلی پایین است.

به خصوص اگر مادر، تحت نظر پزشک باشد و دارو مصرف کند به احتمال ۹۹ درصد، فرزند سالمی به دنیا خواهد آورد. البته به این شرط که بعد از به دنیا آمدن هم، نوزاد از شیر مادر تغذیه نکند. چرا که این ویروس از طریق شیر مادر هم منتقل می‌شود.

وی در مورد این که آیا کودکان «اچ. آی.وی مثبت»، عمری طولانی خواهند داشت، می‌گوید: اگر این افراد سالم زندگی کنند و رفتار پر خطر نداشته باشند و به دور از استرس و فشار به زندگی ادامه دهند، عمرشان مانند هر انسان دیگری خواهد بود. البته آنان باید تا پایان عمر، دارو مصرف کنند.

رسانه‌ها نباید از این بیماری با عنوان طاعون قرن نام ببرند. باید آگاه سازی کرد و این بیماری را به افراد جامعه شناساند. باید بدانند که با بغل کردن افراد مبتلا به «اچ. آی. وی» به این ویروس، آلوده نمی‌شوند. باید انگ‌های اجتماعی را از این بچه‌ها بردارند. این ویروس فقط از طریق برقراری رابطه جنسی با فرد آلوده، استفاده از سوزن مشترک با فرد آلوده، انتقال از مادر آلوده به جنین داخل رحم، هنگام زایمان یا طی دوران شیردهی منتقل می‌شود.

آقای منصوریان سپس تاکید می‌کند: این جمله را حتماً بنویسید که باید برای این کودکان فرصت‌های برابر در جامعه ایجاد شود، تا از حقوق شهروندی در شرایط مساوی بهره مند شوند. یعنی موقع استخدام نگویند چون این فرد «اچ. آی. وی مثبت» است، پس جایی در این شرکت ندارد. یا در سربازی به دلیل بیماری به آن‌ها معافیت ندهند. افراد فامیل ظرف غذای‌شان را جدا نکنند. مدیر مدرسه آن‌ها را ثبت نام کند و پدران و مادران مانع حضور این بچه‌ها در کنار فرزندان شان نشوند.

زندگی با ایدز

دریا دختر ۱۹ ساله است که از بدو تولد مبتلا به ویروس «اچ.آی. وی» بود. پدر و مادرش را خیلی زود به دلیل ابتلا به ایدز از دست داد. می‌گوید: وقتی کودک بودم، هیچ کدام از بچه‌های فامیل با من بازی نمی‌کردند.

مدیر اولین مدرسه‌ای که فهمید من به این ویروس مبتلا هستم، اجازه ثبت نام نداد و در دومین مدرسه، دیگر این موضوع را پنهان کردم. به کسی نگفتم تا دومین مدرسه‌ای نباشد که از ثبت نام من سر باز می‌زند.

خیلی خوب است که خاطرات فراموش نمی‌شود. چرا که وقتی دردی را تجربه کرده باشی و دلت شکسته باشد دیگر نمی‌خواهی کسی آن درد را تجربه کند و جلوی چشم همه خرد شود.

دریا می‌گوید: از وقتی یادم می‌آید پیش عمه‌هایم بزرگ شدم.

تا به یکی از آن‌ها عادت می‌کردم باید بار و بندیلم را می‌بستم و پیش آن یکی می‌رفتم. خب، خودشان خانه و زندگی داشتند و من بچه واقعی‌شان نبودم.

بعد با انجمن احیاء ارزش‌ها آشنا شدم که هر چهارشنبه آنجا کلاس داشتند و همه چیز هم رایگان بود. جایی که همه بچه‌ها مثل من که «اچ. آی.وی مثبت» بودند به آنجا می‌رفتند و خیلی راحت به همه می‌گفتیم که من بیمارم، اما مریضت نمی‌کنم. بغلم می‌کنی، با من بازی می‌کنی؟

حالا که آن دوران سخت گذشته است، دریا می‌خواهد ادامه تحصیل دهد و پزشک شود.

می‌گوید با یک فرد «اچ.آی.وی مثبت» مثل خودم آشنا شده‌ام و می‌خواهیم ازدواج کنیم. دکتر می‌شوم و اجازه نمی‌دهم هرگز کودکی مثل من با «ایدز» به دنیا بیاید.

من پدر و مادرم را انتخاب نکردم، نمی‌خواستم پدرم در زندان خالکوبی کند و آلوده به «اچ. آی. وی» شود که مادرم را هم مبتلا کند و مادر هم من را رها کند و برود.

اما این انتخاب را دارم که دوستان خوبی داشته باشم. از همه بخواهم که مراقب خودشان باشند و بگوییم با ایدز هم می‌شود زندگی کرد.

تفکیک زباله

نامش گل صفا است. یکی از بیماران مبتلا به ویروس «اچ. آی. وی».

می‌گوید ۷ سال است که با این بیماری زندگی می‌کند. جوان است و فرزندی ۵-۶ ساله دارد. می‌گوید: الان حدود ٤ سال است که در شهرداری کار می‌کنم. شغل من جدا کردن زباله‌های خشک از بقیه زباله‌هاست.

او هم یکی دیگر از مادرانی است که ویروس را از شوهر معتادش گرفته است. و حالا می‌داند که علاوه بر «اچ.آی.وی» به هپاتیت سی هم مبتلاست. هر دوی این بیماری‌ها را از همسرش گرفته است.

وی که حالا به همراه فرزندش تنها زندگی می‌کند، می‌گوید: هیچ کس را ندارم و به جز خدا تنها دار و ندارم در زندگی همین فرزندم است. حتی پیش آمده که روزهایی را در بیمارستان بستری بوده ام و کسی را نداشتم که کودکم را به او بسپارم و همین «انجمن احیای ارزش‌ها» بود که مثل یک خانواده از فرزندم نگهداری کرد.

در سال‌های اولی که بیمار بودم، شوهرم در خانه را قفل می‌کرد و خودش می‌رفت پی مواد مخدر و شیشه. پزشکم، آقای دکتر صدق آذر، دارو را می‌آورد از روی دیوار برایم پرت می‌کرد! دارو نباید حتی یک جلسه هم قطع می‌شد. شوهرم از طریق سرنگ مشترک در زندان مبتلا شده بود و با اینکه از بیماری‌اش آگاه بود، این مساله را به من نگفت و من از طریق رابطه جنسی این ویروس را گرفتم. کار به جایی رسیده بود که دکترم داروها را در سطل زباله برایم می‌گذاشت تا شوهرم آن را پیدا نکند و من در موقعیت مناسب می‌رفتم و آن را برمی داشتم.

گل صفا، زن ریز نقشی است که با اعتماد به نفس کامل و بدون هیچ واهمه‌ای از زندگی خود صحبت می‌کند. می‌گوید حالا شغل آبرومندی دارم و با همین شغل جدا کردن زباله‌ها، زندگی را می‌چرخانم. او حالا که به همراه کودکش تنها زندگی می‌کند، هم اجاره خانه می‌دهد و هم با هر دو بیماری اش کنار می‌آید.

دکتر مهدی صدق آذر - پزشک و مددکار یکی از مراکز مشاوره رفتاری می‌گوید: هپاتیت سی از ایدز هم بدتر است. هپاتیت سی یک نوع بیماری است که می‌تواند منجر به بیماری مزمن کبدی و در صورت پیشرفت، باعث سیروز (فرسودگی کبد) و در گروه بسیار کوچکی باعث سرطان کبد شود، اما گل صفا با هر دوی این بیماری‌ها زندگی می‌کند.

وی ادامه می‌دهد: در بحث بیماری، شاید مسائل مالی هم مهم باشد، اما با اهمیت‌ترین مشکل، مسائل روحی است. در برنامه ایدز، مردان خیلی زود از دور خارج می‌شوند. یا از دنیا می‌روند یا خانه و زندگی را رها می‌کنند و در آخر فقط یک زن باقی می‌ماند که هر کس به او یک انگ و برچسب می‌زند. از مادر شوهر و برادر شوهر بگیرید تا مادر و پدر خودش. همه آنان به چشم دیگری به او نگاه می‌کنند و این زن را با تمامی مشکلاتی که دارد و حالا که بیش از همیشه نیازمند کمک عزیزانش است، تنها می‌گذارند. یک زن تنها با فرزندی که او هم «اچ.آی.وی مثبت» است.

من با این افراد زندگی می‌کنم و می‌دانم چه مسائلی دارند. هر روز با کودکانی کار می‌کنم که هنوز سن و سالی ندارند، اما باید روزی ۵ نوع قرص مصرف کنند. از من می‌پرسند تا کی این قرص‌ها را باید بخوریم؟ و جواب این است که تا پایان عمر! بزرگسالان ممکن است که خوردن دارو را دیرتر شروع کنند و حتی چند سال از ابتلا به ویروس بگذرد، اما نیازی به مصرف دارو نباشد، اما در کودکان این مساله متفاوت است و آن‌ها باید از همان روزهای ابتدایی ابتلا به «اچ. آی.وی»، مصرف دارو را آغاز کنند.

راه امیدواری

مهدیه یکی دیگر از زنانی است که ٦ سال است به ویروس« اچ .آی. وی» مبتلا شده است و او هم مثل همه زنان دیگر، بیماری را از شوهرش گرفته است. شوهری که به دلیل ایدز از دنیا رفته و مهدیه را با دو فرزندش و خانواده شوهر تنها گذاشته است. می گوید همسرم فوت کرد و من متوجه شدم خودم و هر دو فرزندم به این ویروس مبتلا هستیم، من مانده بودم و خانواده شوهری که حتی برای مرگ فرزندشان من را مقصر می‌دانستند. وقتی به منزلشان می رفتیم ظرف و لیوان و غذای ما را از خودشان جدا می کردند. سعی می کردند فاصله شان را با ما حفظ کنند و همین رفتارها و تحقیرها باعث شد رابطه ام را با آنان قطع کنم. من هیچ کس را نداشتم. نه شغلی و نه پولی. بعد از کلی رفت و آمد کمیته امداد قبول کرد به بچه های بی سرپرستم ماهی ۲۵ هزار تومان بدهد. با این پول قرار بود زندگی ما بچرخد! برای کار به جایی مراجعه کردم، شیرینی را با دستمال گرفتند و به من دادند...

گریه اش می گیرد. می گوید هیچ پناهی نداشتم و وقتی این رفتارها را دیدم، تصمیم گرفتم خودم را از این زندگی خلاص کنم. با قرص برنج خودکشی کردم، اما یک معجزه من را نجات داد. همسایه ها من را به بیمارستان رساندند و باید جراحی می شدم. معده ام سوراخ شده بود. به آن ها گفتم که « اچ. آی. وی» مثبت هستم اما حتی پزشکان هم وقتی فهمیدند از جراحی من امتناع می کردند و آن قدر دست به دست شدم تا بالاخره یک نفر قبول کرد. بعدش از همان جا به موسسه احیای ارزش ها معرفی شدم. قبل از آن افسردگی داشتم. خودم را در خانه حبس می کردم و بچه هایم را به حال خودشان رها کرده بودم. اما حالا کار یاد گرفته ام و آن قدر امید به زندگی ام بازگشته که همه جا با اعتماد به نفس اعلام می کنم « اچ. آی. وی» مثبت هستم.

خانم مهدی زاده هم از مادران « اچ آی. وی» مثبت است که دو پسر دارد. می گوید سال ها پیش که « اچ. آی. وی» گرفتم فکر می کردم روزهای آخر زندگی ام است. اما حالا چند سال است که با این بیماری زندگی می کنم و مشکلی ندارم. من دستفروش هستم. جمعه ها هم در یک تالار پذیرایی کار می کنم. حتی برای اینکه مردم را از این بیماری آگاه کنم و به آنها بگویم که کسانی که « اچ .آی. وی» دارند به راحتی می‌توانند در کنار مردم دیگر زندگی کنند و با آنها ارتباط داشته باشند به تلویزیون رفتم. همه جا با شهامت از بیماری ام صحبت و اعلام می کنم که بله من « اچ. آی. وی» دارم و با همین بیماری دو پسرم را بزرگ کرده ام و به سامان رسانده ام. چند وقتی است که با چند نفر از دوستان در اینجا تئاتر تمرین می‌کنیم و به زودی یک اجرا هم خواهیم داشت. آنهایی که هیچ بیماری ندارند در زندگی‌شان چه کار کرده‌اند و چه قدر برای خودشان مفید بوده اند؟ من فکر می کنم زندگی‌ام از خیلی‌ها بهتر بوده است.

شبنم سید مجیدی

جدول

۲۲۲۷۰

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

عمودی:

حل جدول ۲۲۲۶۹



نگاهی به حیات علمی و اجتماعی آیت الله غلامرضا دهشت

اسوه مجاهدت در تبلیغ و خدمت

علیرضا نوروزی

ولادت و تحصیلات

آیت الله شیخ غلامرضا دهشت در سال ۱۳۱٦شمسی در خانواده‌ای مذهبی در مشهدمقدس به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۵ وارد حوزه علمیه مشهد شد و دروس ادبیات را نزد برادر خود مرحوم حاج شیخ مسلم حائری که از علمای مشهد و از شاگردان برجسته آیت الله حاج میرزا مهدی اصفهانی بود، فراگرفت.

ایشان در دروس سطح و سطوح عالیه فقه و اصول از محضر آیات حاج میرزا احمد مدرس یزدی و حاج شیخ هاشم قزوینی کسب فیض نمود و به همراه هم‌بحثان خود آیات حاج سید جعفر سیدان، حاج سید محمود مجتهدی سیستانی، حاج سید جواد بختیاری و شهید دکتر صادقی سالیان متمادی از محضر آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی در فلسفه و دروس معقول استفاده نمود و مدتی نیز از دروس معارف و اخلاق آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی و آیت الله میرزا حسنعلی مروارید تلمذ نمود.

آیت‌الله دهشت سپس به همراه هم‌بحث و دوست دیرین خود مقام معظم رهبری در درس شرح منظومه آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی شرکت کرد و دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام حاج سید محمدهادی میلانی و حاج آقا حسن قمی فرا گرفت. ایشان مدتی نیز به نجف اشرف رفت و از دروس خارج آیات عظام خوئی، حکیم و حاج شیخ حسین حلی استفاده نمود؛ اما پس از چند ماهی به مشهد مقدس بازگشت و به ادامه فعالیتهای مورد علاقه خود پرداخت.

وی که از اوایل طلبگی تدریس در حوزه را آغاز کرده بود، در طول بیش از نیم قرن، کلیه دروس حوزوی (مانند ادبیات، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه، شرح منظومه، شرح تجرید، فلسفتنا و اقتصادنای شهید آیت‌الله صدر) را مکرر تدریس کرد و شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود و در کنار دروس رسمی، سالیان متمادی به برگزاری جلسات آموزش مناظره، تفسیر قرآن، شرح نهج‌البلاغه، عقاید، اخلاق و معارف در مدارس مختلف حوزه علمیه اهتمام داشت.

ایشان در مسائل اعتقادی متأثر از استاد خود مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مجتبی قزوینی بود و بر روش تعقل گرایی مبتنی بر مدارک وحیانی و مکتب اهل بیت(ع) تاکید داشت.

خدمات فرهنگی و تبلیغی

آیت الله دهشت از دوران جوانی نسبت به امر تبلیغ و رسیدگی به مردم محروم در روستاها دغدغه داشت و بر این اساس با یاری جمعی از فضلای مشهد مقدس، «گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان» را در سال ۱۳٤٤شمسی پایه‌ریزی نمود تا در ایام تبلیغی و به خصوص در شبهای جمعه در محدوده روستاهای اطراف مشهد مقدس مبلغان اعزام شوند و ضمن تبلیغ و حضور در جمع مردم، نسبت به خدمات رفاهی و بهداشتی در روستاها اقدامات لازم صورت گیرد.

این حرکت از سوی علمای وقت حوزهٔ علمیه مشهد حمایت گردید و بزرگان بسیاری در شکل گیری و گسترش این فعالیت و حمایت مادی و معنوی آن نقش به سزایی داشتند که از آن میان به آیات حاج شیخ مجتبی قزوینی، حاج میرزا حسنعلی مروارید، حاج میرزا جواد آقا تهرانی و بخصوص مقام معظم رهبری می توان اشاره کرد.

آیت‌الله دهشت در گفتگویی جریان شکل گیری گروه تبلیغی و فعالیتهای آن را چنین بیان می کند: «در دوران حکومت پهلوی، از طرف رژیم یک زن و یک مرد برای آموزش و باسواد کردن مردم به روستاها می رفتند. این برنامه ما را به فکر فرو برد و خیلی به ما برخورد که ما در مشهد هستیم و هیچ کار تبلیغی مناسبی صورت نمی گیرد و با خود گفتیم که لااقل در چهارفرسخی اطراف مشهد باید تبلیغ داشته باشیم؛ لذا با کمک افرادی مثل حاج آقای نوروزی گروه تبلیغی را راه‌اندازی کردیم و اساسنامه‌ای در هشت ماده نوشتیم که طبق آن روحانیون و طلاب هر هفته شبهای جمعه و گاهی در اعیاد و شهادتها به روستاهای چهارفرسخی اطراف مشهد جهت تبلیغ اعزام می شدند و هر کس را برای تبلیغ می‌فرستادیم، لازم بود این اساسنامه را بخواند و امضا کند. از جمله مفاد این اساسنامه آن بود که وابسته به کسی نباشیم و از کسی ترویج نکنیم و برای تبلیغ از مردم پول گرفته نشود و تا جایی که امکان دارد، مزاحمت برای مردم پیش نیاید.

ما به همراه حاج آقای نوروزی از قبل مسیر و منطقه را شناسایی می کردیم و به اهالی اطلاع داده می شد و شبهای جمعه هر ۸ نفر در یک مسیر جهت تبلیغ اعزام می شدند. سعی می کردیم بهترین و نخبه‌ترین افراد را انتخاب کنیم و با برنامه ویژه‌ای تبلیغ صورت گیرد و تقید داشتیم که در این برنامه وابسته به کسی نباشیم و نمی گفتیم از چه کسانی کمک می گیریم و من سعی می کردم علما با این طرح مخالفت نکنند؛ چون معتقد بودم به کار لطمه می خورد. همچنین مراقب بودیم ساواک و رژیم مانع کار نشوند.

از جمله کسانی که در این برنامه به ما کمک می کردند، یکی مرحوم آیت‌الله مروارید بودند و یکی آیت‌الله خامنه‌ای و به قول خودشان نخودی هم ایشان در آش می انداختند...»

این برنامهٔ تبلیغی که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به صورت گسترده‌تری آن هم در سطح کل استان خراسان ادامه یافت. پس از اینکه به تدریج نهادهای تبلیغی مثل دفتر و سازمان تبلیغات اسلامی تأسیس شد، حاج آقای دهشت به دیدار مقام معظم رهبری رفت و با ایشان در مورد استمرار برنامه مشورت کردند و معظم‌له فرمودند: «این برنامه را تعطیل نکنید و چون کار مردمی است، ادامه پیدا کند.»

مقام معظم رهبری که از بدو شکل گیری این برنامه حامی مادی و معنوی آن بودند، در جلسه‌ای به آیت‌الله واعظ طبسی فرمودند: «از وجود دو نفر در مشهد استفاده کنید: یکی حاج آقای دهشت و یکی حاج آقای نوروزی و قدر ایشان را بدانید.» در جای دیگری نیز فرمودند: «آقای دهشت گوهری گرانبها در مشهد است، از وجودشان استفاده کنید.»

بر این اساس و با تأکیدات مقام معظم رهبری و سایر علمای مشهد همچون آیات مروارید، میرزا جواد آقا تهرانی، فلسفی، حاج‌آقا حسین شاهرودی و روحانیان دیگری مثل حاج آقای سیدان، حاج آقای موسوی‌نژاد و حاج آقای نبوی، گروه تبلیغی حوزه علمیه خراسان در محل طبقهٔ فوقانی مسجد بناها (شهدا) مشهد به طور رسمی برنامه‌های خود را ادامه داد که تا زمان حال نیز استمرار دارد.

آیت الله دهشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار تدریس و تبلیغ در حوزه علمیه، مدیریت مدارس عالی شهید مطهری را در مشهد مقدس بر عهده داشت و از این طریق با جوانان ارتباط برقرار نمود و نقش به سزایی در تربیت طلاب و دانشجویان علوم اسلامی ایفا نمود.

ایشان در تأسیس و راه اندازی امور خیریه و عام المنفعه اهتمام فراوانی داشت و در ایجاد حدود ۲۰ بنیاد خیریه مانند مؤسسه خیریه بیماران آسیب‌پذیر توس، انجمن حمایت از معلولین و شورای درمانگاهها نقش ارزنده ای ایفا نمود. وی عضو مؤسس و از هیأت امنای خیریه‌هایی مانند انصار المهدی(عج)، الهادی، ام الائمه و صندوقهای امام جواد(ع)، میثاق الحسین(ع) و مدارس علمیه علی ابن ابیطالب(ع) و نریمانی بود و با بسیاری از هیئآت مذهبی مشهد ارتباط داشت.

ویژگیهای اخلاقی و اجتماعی

آیت الله دهشت عالمی مردمی، زاهد، متواضع، آزاداندیش، شهرت گریز و برخوردار از مناعت طبع بود و با قشر نوجوان و جوان ارتباط صمیمی داشت. زندگی‌اش ساده و بی آلایش بود و هیچ گاه از خدمت به مردم و کمک مادی و معنوی به طلاب و قشر مستضعف دریغ نداشت.

ایشان نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی متعهد بود و هم جهت با مقام معظم رهبری به مبارزه با طاغوت و خدمت به نهضت اسلامی پرداخت و در اعتراض به سیاستهای رژیم وقت، چندین بار همگام با مدرسین مشهد درس خود را تعطیل نمود. وی همچنین در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۵۷ شمسی با صدور اطلاعیه ای ورود امام خمینی(ره) را به ایران گرامی داشت.

آیت الله شیخ غلامرضا دهشت پس از پیروزی انقلاب در مسیر نهضت امام خمینی(ره) تلاش فراوان کرد و در دوران دفاع مقدس چندین بار به جبهه‌های نبرد رفت و اولین ستاد کمک رسانی به جبهه‌ها را در مسجد بناهای مشهد تأسیس نمود و ضمن ارسال کمک و اعزام روحانی به جبهه‌ها، خود گاهی به عیادت از مجروحان و خانواده‌های شهدا می‌رفت.

وی ارادت خاصی به اهل بیت(ع) داشت و همه ساله در ایام شهادت حضرت امام موسی بن جعفر(ع) در منزل خود مجلس سوگواری برپا می نمود. در بسیاری از محافل مشهد و شهرهای دیگر به وعظ و سخنرانی اشتغال داشت و روضه‌خوانی را افتخار خود می دانست.

ارتحال

این عالم ربانی سرانجام پس از عمری خدمت و تلاش علمی و عملی، در ایام نزدیک به شهادت حضرت امام موسی کاظم(ع) پس از یک دوره طولانی بیماری در روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ در بیمارستان امام رضا(ع) مشهد دار فانی را وداع گفت.

یاد و نامش گرامی

بلاغت در ادب فارسی

دکتر جلیل تجلیل — بخش اول



پژوهش در سیر هنرهای بلاغی و سخنوری که با شکار معانی و نشاندن آنها در ساختارهای سخن سر و کار دارد، از روزگاری کهن، توجه ارباب نقد و اندیشه را برانگیخته و در ایران پیش از اسلام نیز نشانه‌هایی از این توجه به گفتار پیراسته و نیک وجود داشته است. در این نوشتار ما بلاغت در ادب فارسی را از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهیم: سیر هنرهای بلاغی و سخنوری در ایران؛ و چشمه های بلاغت در شعر فارسی.

الف) سیر هنرهای بلاغی و سخنوری در ایران

آمادگی و شایستگی فطری ایرانیان موجب گسترش دامنه تحقیقات بلاغی و ادبی گردیده و آثاری بس ارزنده و پایدار تقدیم جهان ادب نموده‌اند. تألیفات و ترجمه‌های گرانبهای عبدالله بن مقفع (روزبه پسر دادویه) از یک سو موجب شد تا آثار مهمی در ادب و تاریخ و داستانهای ملی و امثال و حکم ایرانی به عربی ترجمه شود و فرهنگ ایرانی به شیوایی گسترش یابد، و از دگر سو، آشنایی ایرانیان و مسلمانان با علوم ادبی یونانی و سریانی و مباحث شعری و بلاغی آنان، از جمله دیدگاههای ارسطو و پیروانش در مسایل خطابی و شعری، استفاده از تحقیقات ادبی را تنوع و گسترش بخشید و ایرانیان در شاخه‌های گوناگون ادب به تحقیق و تألیف پرداختند.

در علم نحو که در آغاز منحصر به اِعراب و دگرگونی اواخر کلمات بود، تألیفهای متعدد، این دانش را شکوفایی و بسط داد و نویسندگان و دانشمندان ایرانی به کار شدند، از جمله: ابوعمرو بن العلا (درگذشته سال ۱۵٤ق) و شاگرد او خلیل بن احمد بصری (۱۰۰ـ۱۷۰ق) و شاگرد او ابوبشر عمرو بن عثمان، مولی بنی‌الحارث، سیبویه فارسی (د۱۸۳ق) به تألیف و طرح مسایل پرداختند. این دانشمند اخیر، «الکتاب» را در نحو نوشت که بعدها شاگردش اَخفش آن را شرح کرد و آسمان ادب به فروغ این ستارگان آراسته گردید. در سده‌های نخستین اسلامی نویسندگان به نقد و ارزیابی آثار ادبی پرداخته، اصول و قواعد بلاغت و فن بیان را پایه‌ریزی کردند و اندک اندک علوم بلاغی به سوی کمال سیر کرد و تدوین شد.

در دوره بنی عباس نخست تحقیق در دلایل اعجاز قرآن و کشف امتیازهای ادبی آن پیشرفت داشت و سخن‌شناسان در قوت و ضعف ادیبان مسلمان کندوکاو می‌کردند. دنباله این موشکافی‌ها سبب پیدایش سه دانش جدید به نامهای «معانی»، «بیان» و «بدیع» گردید که نمونه این بحثها را در کتاب «مجازالقرآن» ابوعبیده معمر بن مثنی ـ شاگرد خلیل بن احمد ـ و در کتاب «الفصاحه» اثر ابوحاتم سجستانی و کتاب «اعجازالقرآن» جاحظ و «نقدالشعر و نقدالنثر» ابوالفرج قدامه بن جعفر و کتاب «الشعر و الشعراء» ابن قتیبه دینوری و کتابهای «الکامل و البلاغه» مُبَرّد می توان دید. هر یک از این دانشوران، مباحثی به بازار سخنوری عرضه کردند و راهی برای آیندگان گشودند.

سیر دانشهای بلاغی و ادبی در سده چهارم و آغاز سده پنجم هجری به موازات گسترش دیگر دانشها رونق و کمال یافت و شیوه‌های بحث در این مباحث چنین بود که کلام فصحا را مطرح کرده، در فواید لغوی و نحوی و دقایق بیانی آن سخن می گفتند و با استشهاد و استناد از آیه‌های قرآن و نیز شعر شاعران و بلغا اصولی را کشف می‌کردند. گاه استادی این مطالب را املا می‌کرد

*** صورتگری بلاغی و هنری نشان‌دهندهٔ داده‌هایی است که بخشی از آنها را سازه‌ها و قالبهای رسمی بلاغی در اختیار مشتاقان قرار داده و بخش عظیم این صورتگری آفریده ذهن و اندیشه خود شاعران است که استدلالهای دشوار را در قالب تشبیه و استعاره ریخته‌اند**

و دانشجویانش آنها را انشا و املا می‌کردند و از همین رهگذر کتابهای «اَمالی» پدید آمدند که از آن میان کتاب «الأمالی» ابوعلی قالی معروف است. برخی از مشاهیر و بزرگان علوم بلاغی که از ایران برخاستند، اینان بودند:

۱ـ ابوبکر محمد بن دُرَید (۲۲۳ـ۳۲۱ق) کتابهای «الجَمْهَره» را در لغت و «المقصوره والأشتقاق» را نوشت.

۲ـ ابوسعید حسن بن عبدالله سیرافی (د ۳٦۵ق) از بزرگان نامی نحو و لغت و فقه و حدیث و علوم قرآن و کلام که سیره حفظ روایات داشت و شاگردش حسن بن احمد فارسی از روش قیاس بهره می گرفت.

۳ـ صاحب کافی اسماعیل بن عَبّاد (د ۳۸۵ق) وزیر مشهور دیلمیان و نویسنده بزرگ و از سرآمدان علمای لغت و نحو و نویسنده کتاب «المحیط».

٤ـ ابومنصور محمد بن احمد اَزهری هروی (د ۳۷۰ق) از بزرگترین دانشمندان ادب روزگار که کتاب «التهذیب» را در موضوع لغت نوشت.

۵ـ اسماعیل بن حَمّاد جوهری فارابی (د حدود ٤۰۰ق) صاحب کتاب «الصّحاح» در لغت.

تألیف کتابهای لغت و پژوهشهای زبان‌شناختی به دست دانشمندان ایرانی، که خود مقدمه تنوع و تخصص در این پژوهشها بود، سرانجام تحقیق در علوم بلاغت و آیین فصاحت و سخنوری را موجب گردید و بدین گونه علوم بلاغی در این روزگار مدارج والایی را پیمود. شرح چامه‌ها و قصاید در مجالس درس به گونه «املا» رواج یافت و دقتها و تحقیقات بیشتر را در زمینه بلاغت ممکن ساخت، تا بدانجا که به دست دانشمندان ایرانی، کتابهای اختصاصی در این قلمرو تدوین یافت، از آن جمله است: تحقیقات صاحب بن عَبّاد که در خرده گیری بر مُتنبّی و در نقد آثار این شاعر، رساله معروفی نوشت و شاگرد او ابوالحسن علی بن عبدالعزیز جرجانی که قاضی ری بود (۲۹۰ـ۳٦٦ ق)، در ادامه کار صاحب بن عباد، کتاب «الوساطه بین المتنبّی و خصومه» را تألیف کرد.

پس از این دانشمندان ایرانی بود که علامه بزرگ، عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی طرح نو آیین بلاغت خود را در کتابهای خویش به نامهای «اسرارالبلاغه» و «دلائل الأعجاز» پایه‌ریزی کرد و به جهان ادب عرضه داشت و فصل نوینی برای محققان بلاغت و نقد ادبی جهان گشود.

سیر این تحولها و پژوهشها در بلاغت ایران و اسلام، از اواسط سده پنجم تا اواخر سده هفتم هجری سیری زاینده و افتخارآمیز است؛ چه، در این دوره است که تأسیس بسیاری کتابخانه‌ها و مدارس و خانقاهها، به امر و تشویق بزرگان و وزیران و امیران دانش‌پرور، موجب روی آوردن طالبان علوم به ویژه علوم ادبی و شرعی گردید. مدارس بزرگی رونق و شهرت یافتند که در رأس آنها نظامیه خواجه نظام‌الملک بود و در زمینه علم تفسیر نیز که به همراه مسایل ادبی مطرح می‌شد، تفاسیری با محتوای کلامی و حکَمی با موضوعات و مسایل ادبی و خطابی تألیف یافت؛ از آن جمله: کتاب «مفاتیح‌الاسرار و مصابیح الابرار» اثر ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (د٥٤٧ ق) و کتاب «التنبیه علی بعض الاسرار المودّعه فی بعض سورالقرآن» از امام فخرالدین رازی (د٦۰٦ق) و تفسیر دیگر و مهمتر وی، کتاب «مفاتیح الغیب» معروف به «تفسیر کبیر». دنباله این تفسیر را کسانی چون ابن الخوئی (د٦۳۷ق) و سیوطی (د۹۱۱ق) پی گرفته و آن را تکمیل کرده‌اند. در اینجا نامیدن «تفسیر کشاف» اثر ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (د ۵۳۸ ق) بایسته است؛ چه، در این تفسیر، علاوه بر ذکر شأن نزول آیات و مسایل کلامی معتزله، ویژگیهای صرفی و نحوی و معانی و بیان آیه‌های قرآنی نیز مورد توجه و تفسیر قرار گرفته است.

در این عهد تفسیرهایی نیز به دست دانشمندان شیعه نگارش یافته که کتاب «التبیان» تألیف شیخ‌الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (د ٤٦۰ق) و تفسیر مهم دیگر تفسیر ابوالفتوح جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد رازی از آن جمله است. تفسیر مهم دیگری که در اینجا باید از آن یاد کرد، تفسیر «مجمع البیان» فضل بن حسن بن فضل طبْرِسی معروف به شیخ طبْرِسی (د٥٤٨ق) است که از تفسیرهای یاد شده مشهورتر است.

باری، چنان که اشاره شد، تحول عمده را در این روزگار در علوم بلاغت عبدالقاهر جرجانی با دو اثر مشهور خود «اسرارالبلاغه» و «دلائل الاعجاز» پدید آورد و طرحهای نوی ریخت. در اشاره به مقام ارجمند علمی و نقادی او کافی است که از تمجید و بزرگداشت فخر رازی در نهایه‌الاعجاز یاد کنیم: «امام عبدالقاهر جرجانی قواعد علم معانی و بیان را استخراج و برهانها و حجتهای آن را مرتب کرد و در کشف حقایق آن کوشش فراوان نمود.»

سعدالدین تفتازانی در مقدمه کتاب «مطوّل» چنین نوشت: «نکته‌های بی‌همتای اندیشه را از بستر تحقیقات بزرگان فراچنگ می‌آوردم و به آثار دانشمندان انگشت‌نما و شناخته‌شده دانش معانی و بیان همواره مراجعه می‌کردم، به ویژه دلائل الأعجاز و اسرارالبلاغه که نهایت کوشش خود را در تتبع و مطالعه آنها صرف کردم.»[1]

دیگر از دانشمندان علوم بلاغی این عصر، علامه سراج‌الدین ابویعقوب یوسف سکاکی خوارزمی است (۵۵۵ـ٦۲٦ ق) صاحب مفاتیح‌العلوم. این کتاب که در آن از ۱۲ علم از علوم ادبی بحث شده، از مآخذ عمده بلاغت است و شارحان بارها آن را تفسیر کرده‌اند.

اثر بزرگ دیگری که از مآخذ بلاغت و فراهم آمده این عصر است، اثر بزرگ و نفیس محمد بن عمر رادویانی است: «ترجمان‌البلاغه» را باید نخستین کتاب مهم در علوم بلاغی و صنایع ادبی به زبان فارسی به شمار آورد؛ زیرا گرچه پیش از وی، ابویوسف عروضی و ابوالعلاء شوشتری آثاری به زبان فارسی در بلاغت نوشتند، ولی کتاب رادویانی در جامعیت و ترتیب فصلها و بابها و تفصیل در این زمینه، از شهرگی و سودمندی بیشتری برخوردار است. خود او در مقدمه این کتاب گفته است:

*** سیر دانشهای بلاغی و ادبی در سده چهارم و آغاز سده پنجم هجری به موازات گسترش دیگر دانشها رونق و کمال یافت و شیوه‌های بحث در این مباحث چنین بود که کلام فصحا را مطرح کرده، در فواید لغوی و نحوی و دقایق بیانی آن سخن می‌گفتند**

«چنین گوید محمد بن عمر رادویانی که تصنیف‌ها بسیار دیدم مر دانشیان هر روزگاری را اندر شرح بلاغت و بیان حل صناعت و آنچه از وی خیزد و به وی آمیزد؛ چون: عروض و معرفت القاب و قوافی، همه به تازی دیدم و به فایده وی یک گروه مردم را مخصوص دیدم، مگر عروضی که ابویوسف و ابوالعلاء شوشتری به پارسی کرده‌اند. اما اندر دانستن اجناس بلاغت و اقسام صناعت و شناختن سخنان با پیرایه و معانی بلند کتابی ندیدم به پارسی که آزاده را مونس باشد و فرزانه را غمگسار و محدث بود... امروز هر گروهی مدعیان این نوعند و خویشتن را از این طبقه شمرند. چون دانش را به سنگ کردم، بیشتر اندر دعوی غالی دیدم و از معنی خالی... پس دانستم به یقین که از چنین تألیفی به سامان نیز هم نیکو راه نبرند و از دقایق و حقایق نظم و نثر به درستی و راستی نشان دهند...»[2]

بنا به تصریح خود رادویانی، ترتیب بابها و فصلهای این کتاب طبق «محاسن الکلام» خواجه امام نصر بن حسن بوده است: «... و عامه بابهای این کتاب را بر ترتیب فصول محاسن الکلام خواجه امام نصربن الحسن رضی‌الله عنه نهاده است، تخریج کردم و از تفسیر وی مثال گرفتم.» با خواندن این مقدمه آشکار می‌شود که انتساب ترجمان‌البلاغه به فرخی سیستانی نادرست است و نخستین بار، پروفسور احمد آتش مصحح این کتاب به این نکته توجه کرده که درخور ستایش است. از مزایای ترجمان‌البلاغه رادویانی داشتن شواهدی است از شاعران و گویندگان ایرانی با آوردن نام آنها که این خود موجب زنده شدن نام بسیاری از شاعران سده چهارم و اوایل سده پنجم شده است.

کتاب پر ارزش دیگری که به زبان فارسی در علوم بلاغی تألیف یافته، «حدائق السحر فی دقائق الشعر» تألیف ادیب بارع خواجه رشیدالدین وطواط (۵۷۳ ق) است که از کتاب رادویانی پرآوازه‌تر است. رشیدالدین وطواط سخن‌سنج پرمایه‌ای بوده که به بنیادهای بلاغت آشنایی کامل داشته و در کتاب خود درباره برخی چامه‌سرایان فارسی و شیوه گفتار و سبک چامه‌سرایی و قوت و ضعف شعرها اظهار نظر کرده است؛ از آن جمله: از شعرهای مسعود سعد و کمالی و قطران تبریزی و ازرقی و فرخی سخن گفته و آنها را به محک نقد کشیده است.[3] در مقام ادبی و سخن‌سنجی او بزرگانی همچون یاقوت حموی و خاقانی شروانی و بسیاری دیگر از بزرگان ادب فارسی و عرب، از توانایی و سخنوری او به بزرگی یاد کرده‌اند. به نوشته یاقوت حموی: «رشید در آن واحد یک بیت از بحری به عربی نظم می کرد و بیتی دیگر به فارسی به بحری جداگانه می سرود و هر دو را با هم املا می کرد!»[4] خاقانی نیز در قصاید خود از او به بزرگی یاد کرده. از جمله در قصیده‌ای به این مطلع:

مگر به ساحت گیتی نماند بوی وفا
که هیچ انس نیامد ز هیچ انس مرا

که در پاسخ قصیده رشیدالدین وطواط سروده و نظم و نثرش را پروین و بنات‌النعش دانسته است:

سزد که عید کنم در جهان به عزّ رشید
که نظم و نثرش عید مؤبّد است مرا
اگر به کوه رسیدی روایت سخنش
«زهی رشید» جواب آمدی به جای صَدا
زنظم و نثرش پروین و نعش خیزد و او
به هم نماید پروین و نعش در یک جا
عبارتش همه چون آفتاب و طرفه‌تر آن
که نعش و پروین در آفتاب شد پیدا[5]

ب) چشمه‌های بلاغت در شعر فارسی

حافظ می گوید: «آب حیوانش ز منقار بلاغت می چکد؟ زاغ کلک من بنامیزد چه عالی مشرب است» و با استفاده از بحر مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (بحر مضارع مثمّن اخرَب مکفوف محذوف) چنین می فرماید:

آمد بهار خرم و رحمت نثار شد
سوسن چو ذوالفقار علی آبدار شد
اجزای خاک حامله بودند زآسمان
نه ماه گشت حامله، زان بی‌قرار شد
گلنار پر گره شد و جوبار پر زره
صحرا پر از بنفشه و دکه لاله‌زار شد
اشکوفه‌لب گشاده‌که هنگام بوسه گشت
بگشاد سرو دست که وقت کنار شد
گلزار چرخ چونک گلستان دل بدید
در رو کشید ابر و ز دل شرمسار شد
زنده شدند بار دیگر کشتگان دی
تا منکر قیامت بی‌اعتبار شد...

در میان وزنهای عروضی، بحر هزج مسدّس مقصور یا محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) بستر مناسبی برای پذیرفتن پیامهای بزمی و عاشقانه و وصف مناظر زیبای طبیعت و طرح تمنیات دوستی و غیره است که نمونه زیبای آن «خسرو و شیرین» نظامی و مثنویهایی است که به تقلید آن سخنسرای نامی سروده شده است و در غزل و قصیده هم بهره‌گیران از این آهنگ کم نیستند. حافظ در نمونه زیرین حکایت بلبل را با صبا و نوازش نسیم صبحگاهی را از شب‌نشینان و بشارت توبه را از زهد و ریا در این آهنگ ریخته است:

سحر بلبل حکایت با صبا کرد
که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد
خوشش باد آن نسیم صبحگاهی
که درد شب‌نشینان را دوا کرد
بشارت بر به کوی میفروشان
که: حافظ توبه از زهد و ریا کرد

لیکن درد و داغ، هجر و رثا، غمها و سوکها، آهنگهای بلند و هجاهای کشیده را می طلبد و هماهنگی و تقارن این معانی با هجاهای بلند موسیقی درون چامه‌ها را به خوبی تأمین می کند و گویی سرنوشت بشریت که آدمی را به اندیشیدن و تأمل وا می‌دارد، اقتضای آرامش و آهستگی دارد و این را با هجاهای بلند همراهی می کند. فردوسی این معانی را در وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» به خوبی تلفیق می کند و به عنوان نمونه مرگ را به یاد می‌آورد و خرد را به دستگیری می خواند و سرانجام، بستر آدمیان را خاک تیره می داند:

همه مرگ راییم برنا و پیر
به رفتن خردمان بود دستگیر
بد و نیک بر ما همی بگذرد
چنین داند آن کس که دارد خرد
سرانجام بستر بود تیره خاک
بپرّد روان سوی یزدان پاک

ادامه دارد

(برگرفته از: وبسایت شورای گسترش زبان فارسی)

پی‌نوشتها:

۱ـ نگاه کنید به: خطیب دمشقی، مطوّل علی التلخیص، به شرح تفتازانی، استانبول، ۱۳۳۰ق، برگ ٤: «والتقطتُ فرائدالفکر مِنْ مطارح الأنظار و بذلتُ الجُهد فی مراجعه الفضلاء المُشار الیهم بالبنان و مُمارَسَه الکتب المصنَّفه فی فنّ البیان لاسیّما دلائل الأعجاز و أسرار البلاغه و نقد تناهَیتُ فی تصفحهما غایه الوُسع و الطاقه».
۲ـ محمد بن عمر رادویانی، ترجمان البلاغه، به کوشش احمد آتش، استانبول، ۱۹٤۹ م، برگهای ۲ و ۳.
۳ـ رشیدالدین وطواط، حدائق السّحر، به کوشش عباس اقبال، تهران، کتاب خانه کاوه، برگهای ۱۵، ۸۲، ۳۲، ۹، ٤۲ و ۸۷ (به ترتیب شاعران مذکور).
٤ـ یاقوت حموی، معجم الأدباء، ج ۷ برگ ۹۱.
۵ـ ابراهیم خاقانی شروانی، دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، کتابخانه زوار، برگ ۳۰.

انتحال، آفتی آرمیده بر ساحت قلم

احمد راسخی لنگرودی — بخش دوم

جلال آل احمد چه خوب بیزاری خود را از این مدارک پرطمطراق و وسوسه‌انگیز، اما بی محتوا به رشته قلم می کشاند: «یکی از موفقیت‌های بزرگ من این بود که خداوند وسوسه دکترا گرفتن را از دانشکده ادبیات در دل من کشت و برای همین هم هست که ادبیات را در دلم زنده نگه داشت!» به مصداق این سخن مارک تواین: «بهتر است شایسته مقامی باشیم و آن را نداشته باشیم، تا اینکه آن را داشته باشیم و شایسته‌اش نباشیم.»

دیگر کم مانده است نویسندگان «اشباح» در بنگاههای فرهنگی، کتاب هم بنویسند و برای متقاضیان جویای نام و تشنه عنوان، کتاب‌سازی کنند و شهرت و حق تالیفی که احتمالا نصیبشان گردانند و بر جلال و جبروتشان کمی بیشتر بیفزایند.

باز صد رحمت به آن دزدان راهزن که دست به سرقت داشته‌های غزالی بردند؛ اما دست در انبان دست‌نوشته‌های او که «برای شنیدن و نوشتن و دانستنش رنج سفر و دشواری‌ها بر خویشتن هموار کرده بود»، نکردند، بنابه خواسته، در اختیارش نهادند؛ تازه پندی هم دادند که: «چگونه به دانستن آنها ادعا می کنی، درحالی که چون از تو گرفته شد، دانایی خود را از دست دادی و بی‌دانش شدی؟» و این سخن پندآموز رئیس دزدان، غزالی را در کار دانش اندوزی چقدر روشنگر و عبرت‌آموز بود؛ کاری کرد که برای همیشه در خاطرش ثبت شد: «چون به طوس رسیدم، سه سال به تأمل پرداختم و با خویشتن خلوت کردم تا همه تعلیقه‌ها را به خاطر سپردم، و چنان شدم که اگر بار دیگر دچار راهزنان گردم، از دانش اندوخته خود بی‌نصیب نمانم.»[11]

تداول و رواج قلم‌دزدی و پخته‌خواری، امروزه آن‌چنان است که گاه در قالب شکوه و شکایت و درد دل از سوی اهل فن جلوه‌گر می‌شود و گاه نیز قالب تذکر و نصیحت به خود گرفته و به مرتکبان آن گوشزد می گردد؛ امری که متاسفانه تضییع حقوق نویسندگان و ناشران را درپی داشته و به رغم خیل شکایات و تذکرات، همچنان جریان عادی خود را طی می نماید و سایه سنگین خود را بر عرصه قلم و نویسندگان واقعی تحمیل می‌دارد.

نمونه‌های فراوانی را در دنیای نشر، امروزه می توان شاهد آورد که هر یک به نوعی به انواع سرقتهای ادبی و اقسام کامهای باز انتحال و به خودبستن آثار اشاره دارد؛ از آن جمله است: سرقت بخش عمده‌ای از کتاب «مستطاب آشپزی» نوشته نجف دریابندری توسط یکی از ناشران، آنهم بدون ذکر نام و منبع، و نیز اشاره دکتر زرین‌کوب در کتاب «حکایت همچنان باقی»، که: «در این شهر مرد نازنینی است که من هر چه می‌نویسم، زیر و رو می کند و نام مبارک خود را بر آن می نهد و روانه بازار می کند!» همچنین ماجرای پخته‌خواری که توسط یکی از ناشران و مولفان بر روی کتاب «زبان حال» نصرالله پورجوادی رفته است و زبان شکوه‌آمیزی که روزی سر از مطبوعات باز کرد و بسیاری از نمونه‌های دیگر که در این فصل پی گرفته می‌شود.

دکتر نصرالله پورجوادی در نشریه «گزارش میراث» طی گزارشی کتاب «زبان حال» خود را از زمره قربانیان پدیده انتحال به شمار می‌آورد: «آقای شریفی کتابی ... درآورده‌اند به نام فرهنگ ادبیات فارسی و همان طور که در مقدمه آن گفته‌اند، از کتاب «زبان حال» من به منزله یکی از «منابع اصلی» خود استفاده کرده‌اند و بسیاری از مدخلهای این اثر برگرفته از کتاب من است، بدون اینکه مأخذ ذکر شود.

من این مطلب را تلفنی به مؤلف گفتم و تذکر دادم که شما آمده‌اید و مطالبی را که من مدتها برای تحقیق آن زحمت و مرارت کشیده‌ام، برداشته‌اید و به اسم خودتان چاپ کرده‌اید و از منافع آن هم بهره می‌برید. پس اجر زحمات من چه می‌شود؟ صرف نظر از منافع مادی، شما باید می‌گفتید که فلان مطلب را از کجا گرفته‌اید تا حقوق معنوی من حفظ شود و این کار را هم نکرده‌اید و تازه این کار را با کتابهای دیگران هم کرده‌اید. درواقع ناشر و مولف پخته‌خواری کرده‌اند.

در پاسخ به من گفت: «من می خواستم منابع و مآخذ خود را ذیل هر مدخل ذکر کنم، ولی آقای ویراستار قبول نکرد، چون می گفت کتاب قطور می‌شود!» استدلالی که در دنیای قلم اساساً جایگاهی نداشته و بسا سنگین می آید؛ آنچنان فاقد جایگاه است و سنگین می آید که مؤلف را بر می آشوبد: «من نمی فهمم این چه استدلالی است که بیایند مطالب دیگران را بردارند و بعد بگویند اگر ما بگوییم از کجا گرفته‌ایم، کتاب قطور می شود! ولی دلیل اصلی این نیست.»[12]

سید ابراهیم سیدعلوی در نشریه «گزارش میراث» طی گزارشی به نمونه‌هایی از سرقت در زمینه کتابهای مذهبی اثر خود اشاره دارد که هر سه خواندنی می آید: «در جوانی کتابی نوشتم در عصر خود تقریباً ابتکاری به نام جهان‌بینی و جهان‌داری علی(ع). این کتاب بی تاریخ و تقریباً در حدود سال ۱۳٤٤ ش و ظاهراً دوبار توسط انتشارات فراهانی چاپ شد. زمان گذشت و در سال ۱۳٦۰ ش، کتابی به نام حکمت الهی و نهج البلاغه منتشر شد. این کتاب درواقع بخش اول همان کتاب من بود؛ با تغییر نام و حذف اسم مؤلف و حذف صفحه اول و شانزدهم که نام من در آنها آمده بود؛ یعنی حتی حروفچینی مجدد نشده بود و به عنوان تز دکتری با استاد مشکات گذرانده شده بود که باید گفت: شکر الله مساعی الاساتذه الکرام! به عللی از این موضوع هم گذشتیم و سکوت کرده و اغماض نمودیم و داوری را به روزی که لاریب فیه به حکمیت عدل الهی وانهادیم. نعم الحکم الله.»[13]

سیدعلوی در «گزارش میراث» همچنین به دو نمونه دیگر از سرقت ادبی بر روی کتاب دیگر خود اشاره دارد که بدین شرح است: «حقیر چهار رساله مقاله‌گونه به عنوان جامع «بعثت و پیامبران» (۱. زمینه‌های بعثت ۲. بعثت و نظام صالح ۳. وحی منبع فکری و قانونگزاری ٤. اخلاق و سیره پیامبران) نوشتم و دیدگاههای نهج‌البلاغه را مطرح ساختم که در سال ۱۳٦٦ چاپ و پخش شد. در سال ۱۳۷۵ در نمایشگاه کتاب، کتابی دیدم به نام «از علی آموز»، چاپ سوم در پنج هزار نسخه. این چهار مقاله یا رساله هم در آن گنجانده شده بود با حذف نام و مشخصات نگارنده و به هوس شهرت و مال یک جوان درس ناخوانده و البته بدون مشورت با من. از این هم به سبب آشنایی با پدر او گذشتم: و اذا مرّوا باللغو مروا کراما.»[14]

استفاده از مطالب دیگران در قالب مقالات بدون ذکر منبع و نتیجتاً بی‌نصیب گذاشتن حظ حق‌شناسی مؤلف، از مصادیق بارز انتحال و به خود بستن محسوب می گردد. استاد محیط طباطبایی از یک دستبرد ادبی در قالب تز دکتری بر روی یکی از مقالات خود داد سخن می‌راند: «یکی از پزشکان عالی‌مقام کشور که فعلا به عالم دیگر رخت برده است، برای استفاده در تز دکتری خود به وسیله شادروان سعید نفیسی رونوشتی از آن فراهم کرد؛ ولی شنیده نشد که از این استفاده و مأخذ آن ذکری کرده باشد!»[15]

نمونه‌ای دیگر:

حقیر بر اثر مطالعات موضوعی نهج‌البلاغه کتابچه‌ای با عنوان «ارکان اسلام» تألیف کردم که در همان ایام به عربی هم ترجمه و تحت عنوان «ارکان الدین» در لبنان و ایران چاپ و به سال ۱۳٦٦ منتشر شد. این کتاب با حذف نام مولف و مقدمه او و تغییرات کلی در جلد و صفحه اول با همان نام توسط انتشاراتی در قم چاپ و نشر شد و بارها با تیراژ چهل و چهار هزار، شصت هزار و پنجاه هزار توسط معاونت وزارت آموزش و پرورش محترم، مکرر طبع گردید!

حقیر پس از آگاهی توسط آقای شکیبا تعقیب کردم. سوگمندانه بایع و فروشنده، در عین حال که معلوم بود، مشخص نگردید و مرد محترم پارسایی پادرمیانی کرد و احقاق حق نمود و داوری به نفع من کردند، مسئله فیصله یافت. بعد از آن، مسئول بنیاد با نام و نشان حقیر تجدید چاپ نمودند، هرچند در همه با قید «چاپ نخست»![16]

موضوع انتحال و به خود بستن آثار ادبی چنان که گفته شد، به دو یا سه نمونه محدود نمی‌شود، از این دست فراوان می توان فهرست نمود که به زمان گذشته و حال مربوط می‌شود؛ توگویی این موضوع گذشته و حال نمی‌شناسد. محسن ذاکرالحسینی در کتاب ماه ادبیات و فلسفه، گزارشی از سرقت یک تالیف ارائه می دهد که تأسف‌برانگیز است: «در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از تالاری که دو سوی آن قفسه‌های کتاب است، شتابان به سوی گنجینه نسخ خطی روانه بودم. ناگهان از میان هزاران کتاب، عطف کتابی نگاهم را به خود معطوف کرد که روی آن نوشته شده بود: شجره‌نامه شاعران گمنام. بی‌اختیار از حرکت بازایستادم. تصور موضوع و محتوای کتاب و تطبیق آن با حجم کلان و نام وهم‌انگیز کتاب برایم دشوار بود. از سر کنجکاوی و حرص به اطلاع از تحقیقات گمنام و ناشناخته، آن را برداشتم، بر روی جلد نوشته شده بود: «شجره نامه شاعران گمنام به کوشش: ... مصحح: ...»

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱۱. ابوحامد غزالی طوسی، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوجم، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰
۱۲. پورجوادی، نصرالله، انواع سرقت ادبی و حقوق مولفان، گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره دو، تیرماه ۱۳۹۱، ص ۷٤ـ۷٦
۱۳. گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره دو، تیرماه ۱۳۹۱، سیدابراهیم سیدعلوی، سه نمونه از سرقت در زمینه کتابهای مذهبی
۱٤. همان
۱۵. محیط طباطبایی، محمد، دستبرد قلم، خواندنی‌ها، شماره ۲۹، سال ۳۳، ۲ دی ۱۳۵۱
۱٦. همان

معرفی کتاب

به سوی خلق یک فضای شهری پایدار
سیدعلی اکبر موسوی، مونا حاجی‌بنده
ناشر: علم نو
چاپ اول: ۱۳۹۲
۱۰٤ ص ـ ۵٤۰۰ تومان

طراحی شهری را باید فرصت کشف فضاهای گمشده و بازآفرینی و احیای ارزشها و ظرفیتهای فضاهای شهری دانست. مطالعه و طراحی میدان امام حسین(ع) در چارچوب تعریف طرحهای موضعی، در تداوم طرحهای تفصیلی مناطق مختلف پیرامونی، فرصتی را برای مهندسان مشاور خود آوند مهیا کرد تا با رویکردی همه‌جانبه و دقیق و با جستجوی ارزشها در میان متنها و اسناد تاریخی شهر تهران و در اذهان و خاطرات مردمان، دست به کاری بزنند که اینک با نام «پلازا» قابل شناسایی است.

ایجاد فضاهای عمومی و بازشهری با تسلط پیاده در پهنه‌های عملکردی مستعد در شهر تهران، یکی از تجربیاتی بوده است که از میان راهبردها و سیاستهای توسعه پایدار برای پایتخت استنتاج شده است. این میدان تا تابستان ۱۳۹۰ شاهد دگرگونی مختلف بود. با پیشنهاد ایجاد پلازا و تصویب این طرح، یکباره کل فضای میدان آزاد شد و در اختیار عابران پیاده قرار گرفت؛ فضایی که تا پیش از آن تحت تسلط جریان مستمر حرکت سواره قرار داشت و تنها سهمی کمتر از پانزده درصد از سطح کل میدان به عابران پیاده اختصاص داشت.

کتاب حاضر در چهار فصل، ضمن مروری بر ادبیات نظری مرتبط با موضوع پلازا و ارتقای کیفیت زندگی در فضاهای شهری، از یک سو، سابقه فضاهای پیاده در ایران و جهان را بررسی می کند و از سوی دیگر، با اعتقاد به تعریف ماهیت طراحی شهری به عنوان یک فعالیت حرفه‌ای و با تکیه بر این اصل که طراحی شهری به ارتقای کیفیت عرصه عمومی شهرها و مکان‌های شهری می‌پردازد، فرآیند طراحی شهری میدان امام حسین(ع) را مورد بررسی قرار می‌دهد و به معرفی میدان و بیان اهداف، چشم‌انداز و شکل گیری ایده پلازا در تبیین فرایند طراحی و نظارت و اجرای پروژه می‌پردازد. در بخش پایانی که «نقد و پند» نام دارد، با مروری بر نهضت پیاده‌راه‌سازی در تهران که زمینه شکل گیری ایده پلازا را نیز فراهم کرد، به نکاتی اشاره می‌شود که تجربه خلق نخستین پلازای شهری را در تهران برای مدیریت شهر، متخصصان و مردم در پی داشته است.

یادی از بودها
خاطرات علی‌اکبر رفوگران
ناشر: کومش
چاپ دوم: ۱۳۹۰
۲٤۰ ص ـ ۷۵۰۰ تومان

«یادی از بودها» خاطرات علی‌اکبر رفوگران مؤسس کارخانه‌های خودکار بیک، مداد سوسمار و عطر بیک است. نویسنده در این خاطرات داستان زندگی پرفراز و نشیب خود، و چگونگی موفقیتش را، مو به مو شرح می‌دهد تا برای نسل امروز و در راه اعتلای صنعت کشور مفید واقع شود.

این کتاب در عناوین زیر سامان یافته است: برای نبیره‌ها و ندیده‌ها، زندگی در تهران، هماوایی با تاج اصفهانی، دعوا بر سر مال دنیا، پلوی شبهای جمعه، حادثه حمام، چلوخوری همراه با اردنگ، انتقام از همسایه، عشق مهدی، جنگ با اسلحه گرم، جانی و جانی بالفطره، داستانی شگفت‌انگیز، عجیب‌ترین خاطره بچگی، کمک برادر به برادر، گناه و تابوت، اولین عشق من، داستان سرقلیان، یک نصفه مداد و دوستی ابدی، گناهی که توبه‌اش مورد قبول نیست، صدای شیپور در تئاتر، در سازمان جوانان حزب توده، عشق دختر روستایی، در بازار تهران، مناقصه شهرداری، اسماعیل آقا، حاجی شمشیری، اولین سرمایه کار، آخرتم را به دنیای تو نمی‌فروشم، کسب سرمایه با دعانویسی، نمایندگی خودکار بیک، تجربه ارزان به دست نمی‌آید، زندگی دانشجویی، اولین ملاقات با بارون بیک، تشکیل شرکت صنعتی و ...

بخشی از یکی از خاطرات این کتاب را می‌خوانیم: «غالباً غذای روزامه ما آبگوشت بود و شبها به اصطلاح حاضری می‌خوردیم که عبارت از نان و حلوا ارده و ماست و پنیر و سبزی خوردن و از این قبیل بود. بچه‌ها برق‌آسا سفره را از بار موجودی خالی می‌کردند و به نفرین بزرگترها گرفتار می‌شدند. فقط شبهای جمعه پلو تهیه می‌شد که غالباً هم عدس‌پلو بود. ناآرامی و اشتیاق فراوان ما برای رسیدن شب جمعه قابل وصف نیست...»

شناخت و مدیریت کودک تا یک سالگی
سوفی بوزل
ترجمه و تدوین: گوئل کهن
نشر دیدار
چاپ اول: ۱۳۹۲
۱٤۳ ص ـ ۸۰۰۰ تومان

اثر حاضر مجموعه‌ای کاربردی در روان‌شناسی کودک و مادر است که در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول نخستین مرحله از شناخت متقابل نوزاد پیش از تولد تا واکنشهای اولیه کودک به زندگی و توصیه‌ها و راهکارهای مناسب در آن شرایط را مطرح می‌سازد. در فصل دوم دوره دشوار شش هفته اول پس از تولد با همه زیر و بم‌هایش مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم شامل مباحث مربوط به مرحله رشد کودک از سه‌ماهگی تا شش ماهگی است که به نوبه خود نیازمند مهارتها و مسئولیت‌پذیری‌های جدید از سوی والدین است.

در این مرحله، همچنان که کودک آماده می‌شود تا روابط عمیق‌تر و معنادارتری را با آنان برقرار سازد، مرحله «فکر کردن برای خود» را آغاز می‌کند؛ به این معنی که می‌تواند از تنها شدن لذت ببرد.

در فصل چهارم با بررسی گامهایی که نوزاد در خلال دوره شش ماهگی تا یک سالگی طی می‌کند، درمی‌یابیم که کودک در این دوره، رفته رفته به سوی احساس نوعی خوداتکایی گرایش می‌یابد.

سرانجام در فصل پنجم با چگونگی کنار آمدن با مرحله جدایی و رسیدن به مرز یک سالگی کودک و پایان دوره شیرخواری آشنا می‌شوید. به واقع، او در یک سالگی زمینه تبدیل شدن به یک کودک نوپا را برای خود فراهم می‌سازد.

این کتاب نه تنها مناسب همه مادران و پدرانی است که برای نخستین بار صاحب فرزند می‌شوند، بلکه می‌تواند به عنوان منبعی جدید، سطح آگاهی دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و دستیاران تخصصی کودکان را نیز ارتقا بخشد.

نگاه سنتی به بخش معدن و صنایع معدنی باید تغییر کند

درکشورهای توسعه‌یافته‌استفاده درست ازمنابع معدنی ودرآمدهای آن موجب توسعه انسانی و اقتصادی نشده و در بسیاری از کشورها صرفاً تبدیل به یک منبع درآمد برای دولت شده است.

پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در بخش معدن ایران، با توجه به اینکه کشور ما در مسیر کمربند مواد معدنی فلزی وغیرفلزی از طلا و مس تا سنگهای تزئینی و خاکهای صنعتی و غیره قرار دارد، باعث شکوفایی این بخش خواهدشد.

مهندس محمدرضابهرامن نایب رییس خانه معدن ایران می گوید: رمز اصلی و اجرایی اقتصاد مقاومتی خودباوری و اتکا به توانمندی در حوزه های مختلف به ویژه بهره گیری از صنایع غربی کشور خصوصا بخش معدن و صنایع معدنی است.

نایب رئیس خانه معدن ایران اعتقاد دارد که سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری فرصتی استثنایی را برای تکامل معادن و صنایع معدنی فراهم ساخته و موجب رشد و تقویت تولید می شود.

به گفته وی اقتصاد مقاومتی در واقع حکم راهبرد کلی برای دولت یازدهم را به دنبال دارد و موجب بازنگری در فرهنگ تولید و مصرف کشور با رویکرد تقویت تولید و اشتغال خواهد شد. باید توجه داشت که بحران اقتصادی کنونی کشور، منشا داخلی دارد و با تمرکز راهبردی بر سرمایه گذاری صنعتی و گسترش این بخش با تکیه بر منابع معدنی و ذخایر عظیم نفت و گاز می توان گامهای رو به جلو برداشت، البته با محوریت بخش خصوصی این مهم قابلیت اجرا دارد.

بهرامن می گوید: ایران به عنوان یکی از ۱۰ کشور شاخص جهان در بخش معادن معرفی شده، اما تاکنون بخش ناچیزی از مساحت کشور از نظر ذخایر معدنی مورد شناسایی قرار گرفته و گسترش فعالیت در این عرصه، نیاز به مشارکت جدی بخش خصوصی دارد.وی تامین نیازهای کشور از طریق بخش معدن را به عنوان یک برنامه اصولی می داند که باید توسط مسئولان در دستور کار قرار گیرد و پشتیبانی های لازم از آن به عمل آید.

بهرامن سهم حدود ۳۰ درصدی محصولات معدنی در صادرات غیرنفتی کشور را بسیار مهم ذکر می کند و می گوید: امنیت سرمایه گذاری پیامد رشد صادرات غیرنفتی را به دنبال خواهد داشت.وی در ادامه یادآور می شود : در کشورهای توسعه یافته استفاده درست از منابع معدنی ودرآمدهای آن موجب توسعه انسانی و اقتصادی نشده و در بسیاری از کشورها صرفاً تبدیل به یک منبع درآمد برای دولت شده است.به گفته بهرامن ؛ جایگاه ایران از لحاظ ذخایر معدنی در خاورمیانه بی نظیر و ارزش ذخایرمعادن کشورطبق آخرین اطلاعات موجودبیش از ۷۷۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

نایب رییس خانه معدن ایران در بخش دیگری از سخنان خود می گوید: برنامه سیاست های اقتصاد مقاومتی گامی بزرگ برای رسیدن به استقلال اقتصادی است،زیراکه داشتن مزیت های دیگری همچون تأمین انرژی راحت، همچنین برخورداری از مواد خام معدنی فراوان در کشور، در این بخش می تواند راهگشای تحقق اهداف این طرح مهم اقتصادی باشد.

وی در ادامه تصریح می کند: رقابت پذیر کردن معادن و صنایع معدنی ایران در بازار داخلی و جهانی همچنین افزایش سهم ایران در تولید و صادرات محصولات معدنی و فلزات اساسی در جهان از مهمترین اقداماتی که می بایست بطور سریع اجرایی شود.بهرامن با اشاره به اینکه آهنگ رشد منفی ارزش افزوده بخش معدن و صنایع معدنی در سال جاری نسبت به سال قبل کمتر بوده است، می گوید: نگاه سنتی به بخش معدن وصنایع معدنی کشور باید تغییر کند و سرمایه گذاری ها در این بخش مهم اقتصادی می بایستی منجر به تصاحب بازارهای جهانی شوند.

نایب رییس خانه معدن ایران معتقد است: برای رسیدن به قدرت اول اقتصادمعدنی درمنطقه باید تلاش مضاعفی را انجام دهیم و کلان نگر باشیم از سوی دیگر مدیر کل دفتر امور اکتشاف از ابلاغ شیوه نامه اجرایی تعیین امتیاز صلاحیت فنی و مالی اشخاص حقوقی در بخش معدن خبرداد.

اسدالله کشاورز باحقیقت، با بیان اینکه پیش از این اشخاص حقوقی می بایست به منظور اخذ مجوز فعالیت معدنی و تعیین صلاحیت فنی و مالی تمام مدارک مربوطه را به سازمان های صنعت، معدن و تجارت ارائه می نمودند،می افزاید: از این پس تعیین امتیاز صلاحیت فنی و مالی اشخاص حقوقی برای انجام فعالیت های معدنی توسط سازمان نظام مهندسی معدن استان‌ها بصورت یک فرآیند یکپارچه انجام می شود.

وی در ادامه با اشاره به اینکه این شیوه نامه در رابطه با امضای تفاهم‌نامه مشترک بین دفتر امور اکتشاف و سازمان نظام مهندسی معدن ایران ابلاغ شده است، می گوید: از تاریخ صدور این بخشنامه، تمام اشخاص حقوقی متقاضی فعالیت های معدنی موظفند اسناد و مدارک مندرج در شیوه نامه را برای تعیین امتیاز صلاحیت فنی و مالی به سازمان های نظام مهندسی معدن استان محل ثبت شرکت و یا استان های همجوار ارائه و گواهی لازم را دریافت کنند.

وی می افزاید: در این زمینه سازمان های صنعت، معدن و تجارت استان ها، ضمن خودداری از تعیین امتیاز اشخاص حقوقی، ملزم به پاسخگویی و راهنمایی مراجعه کنندگان به سازمان های نظام مهندسی معدن خواهند بود.

بر اساس این بخشنامه، ارائه گواهی یاد شده برای متقاضیان درخواست اکتشافی، شرکت در مزایده و..... الزامی است. ضمنا متقاضیان می توانند جهت اطلاع از مفاد بخشنامه به قسمت «من یک معدنکارم» در بخش معاونت امور معادن و صنایع معدنی پورتال وزارت صنعت، معدن و تجارت مراجعه نمایند.رئیس سازمان نظام مهندسی معدن کشور هم با اشاره به حضور موثر زنان درعرصه های مختلف اقتصادی کشور می گوید: بانوان توانسته اند در بخش معادن از خود حضور مناسبی را نشان دهند.هرمز ناصرنیا با اشاره به اینکه بانوان با کمک توانمندیهای خود توانسته اند در عرصه معادن به خوبی ظاهر شوند تصریح می کند: در حال حاضر حدود ۳۰ هزار نفر در سراسر کشور عضو سازمان نظام مهندسی هستند که از این میزان حدود ۸ هزار نفر یعنی ۲۷ درصد از این اعضاء را بانوان شامل می شوند.

از این تعداد هزار نفر مهندس معدن، ۶ هزار و ۵۰۰ نفر مهندس زمین شناسی و مابقی نیز در سایر رشته ها مثل نقشه برداری و متالورژی می باشند.ناصرنیا ، تعداد پروانه های اشتغال معدنی که تا کنون صادر شده است را بالغ بر ۷ هزار فقره دانسته می گوید: هزارفقره از پروانه های اشتغال معدنی به بانوان تخصیص دارد که حدود ۱۴ درصد را به خود اختصاص داده است .وی میزان ارجاع کار بانوان را بالاتر ارزیابی کرده اضافه می کند: به رغم اینکه تعداد پروانه های اشتغال خانمها کمتر از آقایان است اما از ارجاع کار بالاتری برخوردارند و به کار بیشتری مشغول شدند که حدود ۲۵ درصد ارجاع به کار را از آن خود کرده اند.

هفته معدن و ارتقای جایگاه و توسعه فرهنگ معدنکاری

***هفته معدن با حضور دست اندرکاران و فعالان بخش معدن از یکم تا هفتم خرداد برگزار می شود**

***در حال حاضر دو درصد از ۵۰۰۰ معدن فعال در کشور توسط دولت مورد بهره برداری قرار می گیرد**

***ارتقای جایگاه و توسعه فرهنگ معدنکاری و ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش معدن از اهداف برگزاری هفته معدن است**

ذخایر معدنی جزو ثروت های گرانقدر این مرز و بوم هستند که استفاده مطلوب از آنها موجب رشد اشتغال و افزایش درآمدهای ملی می شود.

از طرف دیگر در حال حاضر دو درصد از ۵هزار معدن فعال در کشور توسط دولت مورد بهره برداری قرار می گیرد که ۳۵ درصد تولیدات معدنی کشور را در برمی گیرد.

قرار است مراسم بزرگداشت هفته معدن با حضور دست اندرکاران و فعالان بخش معدن از یکم تا هفتم خرداد برگزار شود.

سعید میرزایی، دبیر کمیته برگزاری هفته معدن در گفتگو با ایسنا، می گوید: ما برای این هفته، همایش‌ها و نشست‌های تخصصی را با حضور صاحب نظران و فعالان بخش معدن کشور برگزار می کنیم و همچنین سعی ما این است تا جوانب و موضوعات مربوط به بخش معدن را به بحث و گفتگو بگذاریم و از پیشکسوتان و زحمت کشان بخش معدن کشور تجلیل و قدردانی کنیم.

وی با اشاره به سهم قابل ملاحظه معدن در توسعه و اقتصاد کشور، ضرورت رسیدگی و توجه بیشتر به این بخش را خواستار شد و افزود: بزرگداشت این هفته به منظور ارتقای جایگاه و توسعه فرهنگ معدنکاری و همچنین ایجاد انگیزه سرمایه گذاری در بخش معدن کشور انجام می‌شود.

وی از برگزاری افتتاحیه هفته معدن در سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور در روز ۳۱ اردیبهشت خبر داد و افزود: روز اول خرداد پنجشنبه است و به دلیل تعطیلی در این روز مراسم افتتاحیه را در روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت برگزار می کنیم.

میرزایی با اشاره به نامگذاری روزهای این هفته در کمیته گرامیداشت، اظهار کرد: روز اول به عنوان «معدن، زمین شناسی و اکتشاف»، روز دوم به نام «روز معدن و اخلاق حرفه‌ای»، روز سوم به نام «معدن، محیط زیست و توسعه پایدار»، روز چهارم به عنوان «معدن و صنایع معدنی»، روز پنجم با عنوان «معدن، آموزش و پژوهش»، روز ششم با عنوان «معدن و تشکل های معدنی» و روز هفتم با عنوان «معدن، کارآفرینی و اشتغال» نامگذاری شده است.

دبیر کمیته برگزاری هفته معدن همچنین از مشارکت انجمن مهندسی معدن، سازمان نظام مهندسی معدن،سازمان‌زمین‌شناسی‌واکتشافات معدنی،سازمان‌توسعه‌ونوسازی‌معادن‌وصنایع معدنی (ایمیدرو)، خانه معدن، جامعه مشاوران، انجمن زمین شناسی، جهاددانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه‌ها در برگزاری هفته معدن خبر داد و افزود: برگزاری نشست‌های تخصصی با مشارکت ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط و همچنین برگزاری نشست‌های خبری و مصاحبه با رسانه‌های گروهی از دیگر برنامه‌های جانبی این هفته است.

معدن ثروتی گرانقدر

ذخایر معدنی جزو ثروت های گرانقدر این مرز و بوم هستند که استفاده مطلوب از آنها موجب رشد اشتغال و افزایش درآمدهای ملی می شود.

از طرف دیگر در حال حاضر دو درصد از ۵هزار معدن فعال در کشور توسط دولت مورد بهره برداری قرار می گیرد که ۳۵ درصد تولیدات معدنی کشور را در برمی گیرد.

بهروز برنا معاون سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور با بیان اینکه ایران در مسیر کمربند مواد معدنی فلزی و غیرفلزی از طلا و مس تا تراورتن و نفلین سینیت قرار دارد، می گوید: اما اقتصاد معدنی کشور هنوز تکمیل نشده است. میزان مواد معدنی استخراج شده در سال ۱۳۹۱ بالغ بر ۳۷۰ تا ۳۹۰ میلیون تن بود و قرار است تا پایان ۱۳۹۴ این رقم به ۵۷۰میلیون تن برسد.

به گفته وی امروز در کشور ۷۰ نوع ماده معدنی شناسایی شده و ۱۰ نوع ماده معدنی، ایران را در جمع برترین کشورهای معدنی دنیا مانند مس و سنگ آهن و غیره قرار داده است.

معاون سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشورمی افزاید: لازم است همه فرایندهای تبدیلی و تکمیلی و تولید ۱۰۰ درصد ارزش افزوده را در داخل کشور ایجاد کنیم که در آن صورت درآمدهای حاصل از بخش معدن می تواند، منابع حاصل از بخش نفت را پشت سر بگذارد.

برنا می گوید: طراحی نقشه های زمین شناسی برای تکمیل زیرساخت ها در چند مرحله انجام شده و نقشه ها در مقیاس یک ۲۵ هزار تهیه شده است. سه درصد از ذخایر شناخته شده معدنی جهان در ایران قرار دارد و باید اکتشاف همه مناطق را برنامه ریزی کرد.

وی با بیان اینکه میزان ذخایر معدنی ایران ۵۷ میلیارد تن ثبت شده که از این رقم حدود ۳۷ میلیارد تن ذخیره قطعی و بقیه احتمالی است، می گوید: آمارهای غیررسمی، شمار اشتغال مستقیم بخش معدن کشور را ۱۱۴ هزار نفر و شاغلین غیرمستقیم را ۶۱۷ هزار نفر ذکر کرده اند.شایان ذکر است که استان‌های کرمان، یزد و اصفهان دارای بیشترین حجم ذخایر معدنی ایران هستند که بهره برداری صحیح از آنها نیازمند سرمایه گذاری و بستر سازی حقوقی است.

به رغم وجود فرصت های بسیار در بخش معادن، موانع زیادی هم در این زمینه وجود دارد که باعث عدم توسعه این بخش شده است.

پروژه های بخش معادن از هزینه و ریسک بالایی برخوردار است. این پروژه ها هم در مرحله اکتشاف و هم در مرحله بهربرداری محتاج سرمایه گذاری مالی بالاست.

ایران از ظرفیت های مالی لازم برای پیگیری چنین پروژه هایی برخوردار نیست و به همین علت محتاج سرمایه گذاری خارجی است. این سرمایه گذاری ها امکانات مالی لازم را برای راه اندازی پروژه های معادن تامین می کند و فن آوری پیشرفته ای را در اختیار کشور قرار می دهد. بطور قطع بکار گیری این سرمایه ها بازده استخراج و فراوری مواد معدنی را افزایش می دهد. اما برای رسیدن به این مهم، باید ابتدا موانع موجود در مسیر سرمایه گذاری خارجی بخش معادن رفع شود.

بر اساس یک نظر سنجی که از مدیران ۴۲ شرکت بزرگ معدن به عمل آمده، عدم تصمیم گیری به موقع مقام های مسئول، مانع اصلی برای سرمایه گذاری شرکت های خارجی در بخش معادن است. تعلل مسولان در تصمیم گیری به افزایش مخارج اولیه برای بررسی عملی بودن پروژه های معادن می انجامد. قوانین و مقرراتی که حقوق حفاری و استخراج را محدود می کنند هم از دیگر موانع اصلی سرمایه گذاری در بخش معادن ایران است. نباید فراموش کرد که شرکت هایی که به سرمایه گذاری در ایران می اندیشند اولویت های مشخصی دارند. این شرکت ها باید مطمئن شوند که حقوق شان در رابطه با استخراج و بهره بردار از معادن محفوظ می ماند. ثبات در قوانین و مقررات دولتی در بخش معادن هم از اهمیت زیادی برخوردار است. البته روشن است که امکان دریافت سود و انتقال آن به کشورهای مربوطه نیز یکی از اولویت های اصلی شرکت های خارجی در ایران است.

از طرف دیگر تحریم ها هم مانع مهم دیگری برای گسترش سرمایه گذاری خارجی در بخش معادن کشور است. تحریم ها به طور مستقیم صنایع معدنی نامرتبط با برنامه اتمی را هدف قرار نمی دهند ولی باید توجه داشت که فشارهای بین المللی فضایی پر مخاطره برای سرمایه گذاری ایجاد کرده است و بسیاری از شرکت های خارجی تمایلی به سرمایه گذاری در ایران ندارند. در همین حال شرکت های معدن هم به طور خاص نسبت به وضعیت ایران نگران هستند. نامعلوم بودن زمان لازم برای بهره برداری از پروژه ها، چشم انداز فعالیت های اکتشافی، ضوابط زیست محیطی حاکم بر فعالیت ها در بخش معادن و نیز قیمت مواد معدنی در بازارهای بین المللی باعث می شود سرمایه گذاری در صنعت معدن ایران از سویی غیر قابل پیش بینی باشد و از دیگر سو در برابر بی ثباتی اقتصادی و سیاسی آسیب پذیر گردد. نباید از یاد برد که محدودیت ها در تبادلات بین المللی هم مانع صادرات مواد معدنی است و باعث افزایش مخارج تولید در این بخش شده است.هم اکنون چین خواستار سرمایه گذاری در بخش معادن ایران است. هر چند ما نیازمند سرمایه گذاری خارجی هستیم ولی باید در رابطه با مشارکت چین محتاطانه عمل کنیم. شرکت های معدن چینی که در خارج از این کشور فعالیت می کنند از شفافیت لازم در پرداخت های خود برخوردار نیستند و سابقه فساد اداری دارند.

عزیز میرزائیان عضو هیات مدیره خانه معدن ایران معتقد است: اگر چه قانون معادن محور عملکرد در این بخش محسوب می شود، اما مجریان برداشت های سلیقه ای خود را از آن به مورد اجرا می گذارند که با محتوای آن همخوانی ندارد.

وی می گوید: براساس قانون، وزارتخانه ذیربط به منظور جلوگیری از بلوکه شدن محدوده های معدنی، موضوع حق الارض را مطرح ساخته، اما مصادیق باید به روشنی تفسیر شود.

جعفر سرقینی معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت در بهمن ۹۲ گفته بود، بهترین کار برای جلوگیری از بورس بازی محدوده های معدنی، افزایش رقم حق الارض این محدوده ها است.

پیشتر معدنکاران بابت هر کیلومتر مربع از زمینی که برای انجام فعالیتهای معدن خود، در اختیار می گرفتند ۱۲۰ هزار تومان به خزانه باید پرداخت می کردند، اما به پیشنهاد معاونت یادشده و تصویب شورای عالی معادن، این رقم به دو میلیون تومان رسیده است.

میرزائیان‌می گوید:امروزمسئولان‌موضوع حمایت از جلب و جذب سرمایه گذاری در معادن را مورد تاکید قرار می دهند، اما موضوع حق الارض، موجب دافعه می شود.

به گفته وی سرمایه گذار برای اکتشاف هزینه بالایی را متقبل و ریسک بالایی را هم می پذیرد، آنگاه با اعمال حق الارض، بهره بردار را جریمه هم می کنیم.

عضو هیات مدیره خانه معدن ایران با طرح این پرسش که چنانچه بهره بردار سرعت عملکرد خوبی برای استخراج مواد معدنی داشته باشد، وزارت صنعت، معدن و تجارت با او چگونه برخوردار خواهد کرد، می گوید: آیا بهره بردار مشمول حق الارض خواهد شد؟

به گفته وی استخراج مواد معدنی که در عمق قرار دارد، با سطحی قابل مقایسه نیست و فعالیت گسترده و زمان زیادی را طلب می کند، بنابراین دریافت حق الارض مفهومی ندارد.

پیشتر محمدجعفر صادقی پناه عضو هیات مدیره خانه معدن ایران گفته بود: افزایش هزینه حق الارض، فعالیت معادن را به مخاطره انداخته و آنها را در آستانه تعطیلی قرار داده است. در واقع حق الارضی که به محدوده های معدنی تعلق می گیرد، بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان بود، این رقم امروز به دو میلیون تومان افزایش پیدا کرده است.

افزایش قیمت حق الارض در حالی صورت گرفته که پیش از ابلاغیه های جدید، حق الارض پس از اتمام زمان کشف به معدن دار تعلق می گرفت و تنفس یک تا سه ساله شامل حال کسانی بود که محدوده های معدنی را در اختیار داشتند، اما حالا از بدو ثبت محدوده معدنی، این حق الارض باید پرداخت شود.

دولت در اخذ حق الارض، بسیار ضرب‌الاجلی عمل کرده و اجازه نداده فعالان با این قوانین جدید خود را وفق دهند و از تمام کسانی که محدوده های معدنی در سال ۹۲ ثبت کرده‌اند، خواست تا پایان اسفند بر طبق ابلاغیه جدید حق الارض خود را پرداخت کنند.

میرزائیان با اشاره به این مساله پیشنهاد می دهد:هنگامی که متقاضی درخواست ثبت محدوده معدنی ارایه می کند، حداقل سه ماه باید به او فرصت داده شود و پس از بررسی های کارشناسی، بتواند کار را اجرایی کند.

به اعتقاد میرزائیان، راهکار رونق بخشیدن به فعالیت معادن، اخذ وجوه سنگین در قالب حق الارض و دیگر مطالبات دولت از این بخش نیست، بلکه بسترسازی برای جریان یافتن سرمایه ها به این بخش است.

معاون توسعه مدیریت منابع و امور استان‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت هم می گوید: بیش از ۵۰۰۰ معدن فعال در کشور وجود دارد.

علی یزدانی در گفتگو با ایسنا، بیان می کند: بالغ بر ۷۵ هزار واحد تولیدی در سطح کشور پروانه بهره‌برداری دارند که ۵۰ درصد این واحدها تعطیل یا نیمه تعطیل هستند.وی با بیان اینکه ۵۶۰۰ معدن فعال در کشور وجود دارد، اظهار می دارد: ایران درمجموع ۷۰۰۰ معدن تعطیل و فعال دارد.وی در باره حل مشکلات معادن تصریح می کند: سازمان توسعه مدیریت منابع و امور استان‌ها در نظر دارد که به وضع تک تک ۱۳۰۰ طرح و واحد دارای پروانه بهره‌برداری را رسیدگی کند.

شناسایی ۱۷۶۱ میلیارد ریال سود خالص تامین سرمایه

شرکت تامین سرمایه بانک ملت با سرمایه یک هزار و ۵۵۰ میلیارد ریالی، در حالی مجمع عادی سالیانه خود را به منظور تصویب صورت‌های مالی برگزار کرد که در حال ثبت سرمایه دو هزار میلیارد ریالی است.

به گزارش ایسنا، در این مجمع علی قاسمی مدیرعامل تامین سرمایه ملت اعلام کرد که شرکت تامین سرمایه بانک ملت در سال مالی که گذشت به تعهد پذیره‌نویسی ۲۴ هزار و ۸۸۱ میلیارد ریال اوراق بهادار مبادرت کرده است. همچنین حجم کل معاملات اوراق بهادار آن ۷۶ هزار و ۹۶۰ میلیارد ریال عنوان شد. از سوی دیگر حجم اوراق بهادار تحت مشاوره عرضه ۵۲ هزار و ۲۳ میلیارد ریال بوده است.به گفته مدیرعامل شرکت تامین سرمایه بانک ملت؛ کل خدمات اوراق بهادار این شرکت در سال مالی گذشته از جمع ۱۵۳ هزار و ۸۶۴ میلیارد ریالی برخوردار بوده است.

وی در جمع صاحبان سهام شرکت اعلام کرد: این عملکرد منجر به شناسایی ۱۷۶۱ میلیارد ریال سود عملیاتی و ۱۳۶۸ میلیارد ریال سود خالص در سال ۹۲ شده است. بر این اساس، این شرکت همانند دوره مالی قبلی، رکورد بیشترین حجم خدمات اوراق بهادار، میزان درآمد و سودخالص در صنعت بانک‌داری سرمایه‌گذاری کشور را که به نام خود ثبت کرده بود را ارتقاء داد. این امر حاکی از رشد برنامه‌ریزی شده در این وضعیت اقتصادی و بازار رقابتی است.

وی ادامه داد:سود عملیاتی این شرکت از ۱۹۰ میلیارد ریال در پایان شهریورماه ۹۰ به ۴۹۱ میلیارد ریال در پایان شهریور ۹۱ افزایش یافت. پس از تغییر سال مالی این شرکت، این سود عملیاتی در دوره شش ماهه منتهی به پایان اسفند ۹۱ به ۶۲۷ میلیارد ریال ارتقاء یافته است.مدیرعامل شرکت تامین سرمایه ملت نرخ بازده دارایی های این شرکت را ۳۱ درصد و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام آن را ۴۹ درصد ذکر کرد و افزود:با توجه به دارایی ۶۰۶۱ میلیارد ریالی، این شرکت همانند دوره قبلی، بیشترین میزان دارایی در صنعت بانکداری سرمایه گذاری کشور را به نام خود ثبت کرده است.با توجه به برخورداری شرکت تامین سرمایه بانک ملت از سه صندوق بادرآمد ثابت، در مجمع مذکور اعلام شد که بطور میانگین این صندوق های سرمایه گذاری از بازدهی بیش از ۲۵ درصدی برخوردار بوده اند.برگزاری دو همایش بین المللی و حمایت و سخنرانی در بیش از ۱۰ کنفرانس، انتشار دو کتاب و انتشار ده ها بولتن تحلیلی، برگزاری ۲۵ کارگاه آموزشی در شرکت و حمایت ویژه از طرح ملی آموزش حفظ محیط زیست برای ۲۷ هزار دانش آموز استان خراسان رضوی با همکاری یونسکو از جمله فعالیت های این شرکت در سال مالی گذشته نام برده شد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۶۶۳۴/۴	۷۶۶۶۶/۶	۷۶۵۰۴/۳	۱۰۵/۵	۰/۱۴
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۶۵۳/۲	۳۶۵۵	۳۶۴۷/۸	۳/۴	۰/۰۹
شاخص آزادشناور	۸۸۷۱۴/۳	۸۸۷۴۴/۶	۸۸۴۶۴/۵	۲۱۳/۲	۰/۲۴
شاخص بازاراول	۵۷۱۲۶/۷	۵۷۱۴۸/۸	۵۷۰۴۵/۸	۵۶/۴	۰/۱
شاخص بازاردوم	۱۴۶۳۷۰/۹	۱۴۶۴۴۲/۶	۱۴۰۲۸/۹	۳۱۶/۹	۰/۲۲
شاخص صنعت	۶۴۳۳۰/۲	۶۴۳۳۵/۹	۶۴۲۶۲/۷	۳۸	۰/۰۶

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۳/۲/۳۰)

مجموع حجم معاملات	۷۳۴/۴۰۶/۰۳۲ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۹۲۹/۹۲۸ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۷۸۵۷۶ معامله
ارزش بازار	۳/۶۸۴/۶۹۶ میلیارد ریال

توقف عرضه نفت خام در بورس انرژی

عرضه نفت خام بدلیل انجام تعمیرات دوره‌ای در محل پالایش نفت تبریز و نبود امکان عرضه و تحویل این محصول، تا اطلاع ثانوی متوقف شد.

به گزارش ایسنا، بابک باقری معاون نظارت بر ارزیابی بورس انرژی درباره توقف معاملات نفت خام در بورس انرژی گفت: هیچ گونه مشکلی در زمینه عرضه نفت خام در بورس انرژی وجود ندارد اما به دلیل تعمیرات در پالایش نفت تبریز که نقطه تحویل بشکه‌های نفت است، فعلاً امکان معامله نفت وجود ندارد.وی افزود: عرضه نفت خام بعد از تعمیرات پالایش نفت تبریز و یا آماده شدن نقطه تحویل دیگری مانند پالایش نفت شیراز ، دوباره در بورس انرژی از سر گرفته می‌شود.باقری هرگونه مشکل در زمینه عرضه و تقاضا نفت خام در بورس انرژی را تکذیب کرد و گفت: عرضه نفت خام بعد از رفع مشکلات تحویل محموله‌ها، دوباره انجام می‌شود.

فهرست شرکت های قابل واگذاری در سال ۹۳

فهرست ۸۳ شرکت دیگر از ۱۸۶ شرکت قابل واگذاری در سال ۹۳ منتشر شد.

به گزارش ایسنا سازمان خصوصی سازی با اعلام نام ۸۳ شرکت در قالب شرکت‌های متوسط و خرد، فهرست ۱۸۶ شرکت دولتی قابل واگذاری در سال ۱۳۹۳ را کامل کرد.

۸۰ درصد سهام پالایش نفت پترو فیلد (پارس فرآیند شیراز)؛ ۱۰۰ درصد سهام گسترش صنایع بلوچ (فراگیر بافت بلوچ)؛ ۹۵ درصد سهام پالایش نفت خوزستان؛ ۱۰۰ درصد سهام صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک؛ ۱۰۰ درصد سهام ذغال‌سنگ البرز شرقی (املاک)؛ ۴۹ درصد سهام پالایش نفت کاسپین؛ ۹۲,۰۳ درصد سهام نساجی قائم‌شهر؛ ۴۰ درصد سهام عمران و مسکن سازان ثامن؛ ۱۰۰ درصد سهام ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز؛ ۲۰,۸۲ درصد سهام عمران و مسکن سازان ایران؛ ۱۹,۸۷ درصد سهام پتروشیمی دهدشت؛ ۱۹,۷۸ درصد سهام پتروشیمی کازرون؛ ۱۰۰ درصد سهام شرکت نوسازی صنایع ایران (کشتی‌سازی خلیج فارس)؛ ۳۶,۴ درصد سهام مقره‌سازی ایران؛ ۳۲ درصد سهام پتروشیمی هگمتانه؛ ۵,۰۱ درصد سهام سرمایه گذاری رنا؛ ۴۹ درصد سهام گسترش زیست فن‌آوری (گسترش صنعت علوم زیستی)؛ ۴۹ درصد سهام مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب؛ ۱۰۰ درصد سهام سنگ‌آهن شرق ایران؛ ۱۰۰ درصد سهام سازمان چاپ و انتشارات؛ ۹۷,۱۴ درصد سهام تولید و بسته‌بندی فرآورده‌های گوشتی زیاران؛ ۹۵ درصد سهام مرکز ملی شماره گذاری کالا و خدمات؛ ۴۹,۹ درصد سهام مهندسین مشاور نیرو؛ ۴۹,۸۶ درصد سهام عمران و مسکن سازان استان فارس؛ ۴۹ درصد سهام گسترش مواد پیشرفته؛ ۴۹ درصد سهام توسعه صنایع نفت و گاز سرو؛ ۴۹ درصد سهام انتشارات علمی و فرهنگی ایران؛ ۴۰,۲۷ درصد سهام تولید کاشی و گرانیت زهره کاشمر؛ ۴۰ درصد سهام عمران و مسکن سازان شمال‌غرب؛ ۲۰ درصد سهام مجتمع پتروشیمی ابن‌سینا و ۱۳ درصد سهام پتروشیمی فیروزآباد.

۱۰۰ درصد سهام توسعه ایرانگردی و جهانگردی؛ ۴۹ درصد سهام خدمات کیفیت آریا SGS؛ ۴۳,۵۲ درصد سهام بین المللی مهندسی ایریتک؛ ۴۰ درصد سهام پیمان‌کاری عمومی گسترش انرژی نوین؛ ۳۰ درصد سهام عمران و مسکن سازان منطقه شرق؛ ۱۰ درصد سهام مجتمع پتروشیمی دهلران سپهر؛ ۳۲,۸۳ درصد سهام فولاد زاگرس؛ ۴۹ درصد سهام بهره‌برداری از سد و نیروگاه شهید عباسپور؛ ۴۹ درصد سهام مدیریت تولید برق ری؛ ۴۹ درصد سهام مدیریت تولید برق اهواز نیروگاه رامین؛ ۴۹ درصد سهام مدیریت تولید برق نکاء؛ ۴۹ درصد سهام مدیریت تولید برق هرمزگان؛ ۴۹ درصد سهام مدیریت تولید برق شهید رجایی؛ ۴۲,۶۵ درصد سهام توسعه صنایع گاز لنگرود؛ ۴۰ درصد سهام مؤسسه تحقیقات و کاربرد مواد معدنی؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق اصفهان؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق شازند؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق بعثت؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت بهره‌برداری نیروگاه طرشت (مدیریت نیروگاه طرشت)؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق نیروگاه‌های استان سیستان و بلوچستان؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق یزد؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق شهید بهشتی لوشان؛ ۴۰ درصد سهام مدیریت تولید برق شهید مفتح؛ ۳۰,۲۷ درصد سهام پاک مایه کرمانشاه؛ ۱۷ درصد سهام عمران و مسکن سازان استان گلستان؛ ۴۰ درصد سهام تولید برق زاگرس؛ ۳۱ درصد سهام بهره برداری از شبکه آبیاری میناب‌رود؛ ۲۸,۱۷ درصد سهام کشت و صنعت شهریار؛ ۲۶,۸ درصد سهام گسترش چراغ دانش؛ ۲۳,۸۶ درصد سهام نساجی مازندران و ۱۵,۸ درصد سهام الکتریک ایران رشت.

۷,۰۷ درصد سهام بانک صادرات؛ ۴,۶۶ درصد سهام بانک ملت؛ ۴,۴۸ درصد سهام بانک تجارت؛ ۳ درصد سهام کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲,۹۱ درصد سهام مخابرات ایران؛ ۲,۸۹ درصد سهام بیمه البرز؛ ۲,۵۲ درصد سهام بیمه آسیا؛ ۱,۲۶ درصد سهام سایپا و ۰,۰۱ درصد سهام پست بانک.

۱۰,۲۴ درصد سهام جامکو؛ ۹,۶۳ درصد سهام اسفنج شیروان؛ ۸,۶۵ درصد سهام صنایع فراساحل (صف)؛ ۴,۳۸ درصد سهام روغن نباتی جهان؛ ۶,۲۵ درصد سهام تندر؛ یک درصد سهام عمران و مسکن سازان استان گیلان؛ ۰,۰۹ درصد سهام کاغذسازی قائم‌شهر؛ جام جهان‌نما (درصد سهام ناچیز)؛ مخمل ابریشم کاشان (درصد سهام ناچیز)؛ سیمان شمال (درصد سهام ناچیز)؛ کیمیدارو (درصد سهام ناچیز) و لبنیات پاک (درصد سهام ناچیز).بر اساس این گزارش؛ پیشتر سازمان خصوصی سازی نام ۲۷ شرکت را در قالب شرکت‌های بسیار بزرگ و ۷۶ شرکت را در قالب شرکت‌های بزرگ منتشر کرده بود که در مجموع فهرست شرکت‌های قابل واگذاری در سال ۹۳ شامل ۱۸۶ شرکت دولتی می‌شود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۵,۷۲۰	۱۰۴۵	پارس دارو	۳۹,۷۷۰	۱۵۰۳	گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۳,۱۷۸	-۱۳۲
پشم‌شیشه‌ایران	۶,۹۸۰	۱۱۸۵	ایران‌دارو	۶,۲۶۶	۲۴۱	خوراک دام پارس	۱۲,۳۲۰	-۴۸۲
ایران تایر	۴,۸۳۶	۷۸۵	کالسیمین	۴,۲۸۰	۴۷	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲,۹۶۸	-۱۲۳
داروسازی امین	۱۰,۵۶۰	۱۱۴۹	فولاد مبارکه اصفهان	۴,۲۵۲	۲۷	فروسیلیس ایران	۳,۹۵۰	-۲۶
داروسازی‌زهراوی	۴۷,۵۳۱	۱۸۲۸	کربن ایران	۳,۳۰۰	۱۶	سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۶۴۱	-۲۵
داروسازی فارابی	۱۱,۵۴۵	۴۴۴	سیمان‌ارومیه	۷,۱۳۶	۲۷۴	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۲۶۰	-۳۸
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۱۹۲	۳۱۵	لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۷,۵۰۷	۲۸۸	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۸۳۶	۳۹
داروسازی کوثر	۴,۴۵۴	۱۷۱	صندوق سرمایه‌گذاری صنوین-مختلط	۱۰,۶۴۰	۵۷	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۲۴۳	۱۹
سامان گستراصفهان	۱,۹۰۳	۷۳	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۰,۵۹۰	۱۸۸	توسعه‌معادن‌وفلزات	۳,۵۶۹	-۵۱
پلی‌اکریل	۱,۳۹۳	۵۳	گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۲۰۱	۵۰	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۶۴۴	-۱۸
تراکتورسازی‌ایران	۳,۵۹۹	۸۱	س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۴,۸۹۰	-۷	تأمین مواد اولیه فولاد صبانور	۱۴,۰۲۶	-۵۴۷
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۳,۸۱۶	۱۴۶	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۴۸۱	۲۷	قطعات اتومبیل ایران	۲,۹۸۸	۲۹
گروه صنعتی بارز	۹,۲۷۰	۳۵۶	مارگارین	۵,۱۹۴	۶۸	شهد	۱۶,۴۵۹	-۶۶
صنایع آذرآب	۲,۸۶۱	۱۱۰	بانک پاسارگاد	۲,۸۰۲	۶	نیروکلر	۷,۱۳۰	-۲۹۷
لامپ پارس شهاب	۱۱,۵۲۱	۴۴۳	قند شیرین خراسان	۵,۶۲۰	۹	پالایش نفت تبریز	۲۰,۱۲۱	-۶۰۹
حمل‌ونقل‌توکا	۳,۲۵۹	۱۲۵	بیمه پارسیان	۲,۸۹۹	۸۶	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۳۰۱	-۴۲
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۵۱,۷۹۰	۱۹۹۱	قنداصفهان	۶,۶۲۰	-۳۴	معدنی املاح ایران	۹,۲۵۶	-۲۸۷
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۳۴۰	۵۱	توسعه معادن روی ایران	۲,۳۶۵	۵	س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۸۴۲	-۵۷
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۹۲۹	۶۹	گروه مینا (سهامی عام)	۷,۵۵۰	-۵۰	صنعتی بهشهر	۷,۵۳۰	-۳۳
ایران ترانسفو	۶,۰۹۸	۲۳۴	داروپخش (هلدینگ	۱۷,۵۰۰	-۷۲	ذغال‌سنگ نگین طبس	۴,۰۰۰	-۱۷
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵,۰۰۴	۱۹۲	پتروشیمی فناوران	۲۹,۷۰۰	۲۸	تهران شیمی	۱۶,۱۱۰	-۶۵۸
پلاسکوکار	۱,۳۹۴	۵۳	گلتاش	۸,۸۲۰	۲۴	سایپا دیزل	۹۱۲	-۱۲
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۶۳۶	۶۲	بانک تجارت	۱,۱۷۹	۸	پاکسان	۵,۰۸۰	۱
پارس سرام	۶,۲۷۴	۲۴۱	قند لرستان	۳۸,۱۱۰	۲۹۹	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۳,۵۵۰	-۱۲۵
تولیدی‌مهرام	۷,۱۶۲	۲۷۵	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۱۵۰	۸	سرمایه‌گذاری‌ملت	۷۰۰	-۳
سیمان کارون	۸,۳۳۹	۳۲۰	دشت مرغاب	۶,۹۷۷	۲۶۸	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۲,۱۰۰	-۳۷
سیمان دورود	۱۷,۰۳۵	۶۵۵	نوش‌مازندران	۴,۳۰۴	۱۶۵	ماشین سازی اراک	۵,۲۵۰	-۱۳۵
قند نیشابور	۵,۱۱۶	۱۹۶	فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۷۵۶	۳۳۶	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۹۸۴	۳
صنایع شیمیایی فارس	۵,۳۶۶	۲۰۶	نوردوقطعات فولادی	۵,۰۱۹	۱۹۳	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۲,۰۷۶	-۶۴
سیمان تهران	۵,۵۳۵	۲۱۲	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۶۶۱	۱۳	صنایع لاستیکی سهند	۸,۶۴۷	-۱۱۳
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۸۷۰	۶۱	ملی صنایع مس ایران	۳,۱۷۵	۲۴	نفت پارس	۳۳,۳۳۳	-۸۶۰
کارتن ایران	۴,۸۷۵	۱۸۷	کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۹۳۰	-۱۶	سیمان‌مازندران	۲۲,۸۰۰	۳۸۱
لیزینگ ایرانیان	۱,۹۳۱	۷۴	بانک انصار	۲,۹۶۹	-۱۳	ح . ایران خودرو	۱,۷۸۱	-۷۸
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۲۱,۱۷۱	۸۱۴	سیمان آرتا اردبیل	۱۴,۹۹۸	۵۵۲	قند مرودشت	۶,۹۸۲	-۲۶۵
مهرکام‌پارس	۲,۴۸۳	۹۵	بیمه دانا	۱,۳۳۱	-۵	سرمایه گذاری پردیس	۱,۲۵۰	-۴
لبنیات پاک	۴,۹۲۴	۱۸۹	پارس‌سویچ	۴,۱۰۰	-۳۱	گروه‌بهمن	۲,۱۸۰	-۳۰
سیمان داراب	۳,۳۷۱	۱۲۹	کارخانجات‌داروپخش	۹,۲۴۰	۳۵۴	کابل البرز	۲,۲۲۶	-۹۲
سیمان‌سپاهان	۲,۵۳۱	۹۷	بیمه آسیا	۱,۵۴۰	۵۹	تکنوتار	۲,۰۶۳	-۲۸
شکرشاهرود	۲,۴۴۴	۹۴	شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۷,۰۰۰	۹۴	سپنتا	۱۱,۱۲۴	-۴۶۲
لیزینگ رایان سایپا	۲,۳۶۳	۹۰	معادن‌منگنزایران	۵,۷۷۵	۳	پتروشیمی آبادان	۱۴,۸۸۷	-۶۲۰
سیمان فارس و خوزستان	۴,۱۳۹	۱۵۹	پتروشیمی‌فارابی	۳۲,۹۹۱	۱۲۵۷	آبسال	۴,۹۹۲	-۴۰
فیبر ایران	۴,۹۹۰	۱۱۸	بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۳۰	-۱	گروه صنعتی پاکشو	۱۲,۵۱۸	-۲۰۷
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۲۸۴	۸۷	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۲۲۰	۲۵	سالمین	۳,۰۵۲	-۱۲۷
پارس مینو	۵,۶۴۸	۲۱۷	گلوکوزان	۳۵,۳۹۹	۱۳۶۱	فولاد آلیاژی ایران	۳,۲۶۳	-۱۳۴
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۶,۱۲۰	۲۰۵	داروسازی روزدارو	۵,۸۳۰	۲۲۴	ایران‌یاساتایرورابر	۱۸,۶۴۰	-۷۱۳
داده‌پردازی‌ایران	۲,۵۵۱	۹۸	سیمان خزر	۵,۸۸۱	۲۲۶	باما	۱۰,۱۰۰	-۱۳۴
لبنیات‌کالبر	۲,۹۳۲	۱۱۲	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۶۵۳	۱۴	بیمه ملت	۲,۰۱۱	-۸۳
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۴,۹۱۸	۱۸۹	افست	۸,۸۴۰	-۳۶۸	سیمان قائن	۲۸,۲۴۹	۲۴۰
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۵,۱۲۲	۱۹۷	نساجی بروجرد	۹۵۸	۳۶	ایران خودرودیزل	۸۳۰	-۴
لعابیران	۸,۵۷۵	۲۰۲	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴,۴۰۷	-۱۸۳	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۷,۷۵۰	-۱۴۴
سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۰۷۷	۱۱۸	صنعتی آما	۷,۳۳۱	-۳۰۵	نیرو محرکه	۲,۲۴۰	-۶۶
زامیاد	۱,۷۳۰	۴۴	کشت و صنعت چین چین	۱۵,۰۲۸	۰	مهندسی‌نصیرماشین	۴,۴۸۰	-۱۴۲
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۵۷۳	۶۰	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۱۵۶	-۱	نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۱۸۶	-۱۳۲
سیمان کردستان	۶,۷۸۹	۲۶۱	سرمایه‌گذاری سپه	۲,۲۷۱	۳	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳,۸۹۰	-۱۳۶
سیمان‌غرب	۷,۰۹۸	۲۷۳	مخابرات ایران	۲,۶۶۶	-۲	کنتورسازی‌ایران	۹,۶۰۰	-۳۱۳
الکتریک خودرو شرق	۲,۲۰۵	۷۰	بانک صادرات ایران	۹۴۵	-۳	محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۵۹۰	-۵۴
تامین ماسه ریخته‌گری	۶,۵۲۱	۱۹۸	پارس پامچال	۳۰,۴۶۲	-۱۲۶۹	تولیدموادا‌ولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۴۵۰	-۹۷
فولاد خوزستان	۸,۱۲۰	۱۵۵	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۳۷۶	-۸	شیشه همدان	۱۰,۶۵۰	-۱۵۲
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۵۰۷	۳۲	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۱۵,۹۶۱	-۶۶۵	فنرسازی‌زر	۱,۸۲۰	-۵۹
پتروشیمی خارک	۴۰,۱۲۰	۱۴۵۳	پمپ سازی ایران	۴,۴۵۵	-۱۸۵	ایران خودرو	۲,۸۳۰	-۹۵
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۵,۹۰۰	-۸۰	صنایع سیمان دشتستان	۴,۰۵۳	-۱۶۸	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۷,۰۰۰	-۲۶۸
کارت اعتباری ایران کیش	۶,۵۹۰	۱۳۳	سرما آفرین	۳,۷۸۵	-۱۵۷	کمک‌فنراینداامین	۲,۴۱۲	-۱۰۰
البرزدارو	۱۰,۵۱۵	۴۰۴	پتروشیمی پردیس	۱۷,۰۵۰	-۱۲۳	شیمی داروئی داروپخش	۷,۷۳۰	-۳۲۲
پست بانک ایران	۷,۴۳۰	-۵	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۸,۳۷۰	-۱۲۷	سایپا	۲,۶۶۰	-۱۰۷
ح.سرمایه گذاری خوارزمی	۷۹۴	۲۰	بانک کارآفرین	۲,۷۴۳	-۶۴	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۵۸۱	-۱۰۵
سرمایه گذاری شاهد	۲,۱۲۰	۱۶	سیمان صوفیان	۴,۳۵۰	۱۳۸	داروسازی اکسیر	۲۲,۹۲۱	-۹۵۵
تولیدموادا‌ولیه‌داروپخش	۱۹,۷۹۹	۷۶۱	قندهگمتان	۴,۸۱۰	۱۷۶	لنت ترمزایران	۳,۴۰۰	-۶۲
بانک ملت	۲,۳۹۰	۴۷	دارویی رازک	۲۶,۵۲۰	-۸۷	درخشان تهران	۳,۵۵۰	۵۰
چینی ایران	۶,۰۴۶	۲۳۱	بیمه البرز	۱,۲۴۱	۱۵	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۱,۵۲۴	-۴۸۰
سیمان‌شاهرود	۵,۷۴۱	۲۲۰	پتروشیمی‌شیراز	۸,۰۵۵	-۲۵۵	لامیران	۲,۶۲۴	-۱۰۸
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۴۰۰	۴۶	سیمان ایلام	۸,۸۲۰	۳۱۳	پارس خودرو	۲,۵۹۶	-۱۰۸
سرمایه گذاری دارویی تامین	۶,۳۷۴	۴۷	بانک‌پارسیان	۳,۷۱۰	-۴۶	ایرکا پارت صنعت	۳,۰۹۹	۲۰
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۴۶۰	۳۰	بیسکویت گرجی	۸,۴۹۷	۱۴۹	پارس الکتریک	۲,۸۳۲	-۷۳
دارویی لقمان	۴,۵۴۶	۱۷۴	موتوژن	۷,۳۰۰	-۱۲۱	رینگ‌سازی‌مشهد	۲,۲۵۱	-۹۳
کیمیدارو	۶,۹۵۷	۲۶۷	داروسازی سینا	۱۶,۴۰۰	۱۲۰	فراورده های نسوزایران	۱۸,۷۰۰	-۶۸۶
داروسازی جابرابن‌حیان	۹,۱۴۵	۳۵۱	صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۷۵۰	-۶۱	دوده صنعتی پارس	۳,۹۵۲	-۱۵۹
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۸۹۰	۱۹	پالایش نفت بندرعباس	۱۲,۲۹۴	-۶۰	سایپاآذین	۳,۷۰۱	-۱۵۴
عمران‌وتوسعه‌فارس	۳,۰۳۰	۱	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۷۲۹	۷	شهد ایران	۲,۸۲۵	-۱۱۷
شیشه و گاز	۶,۴۵۰	۷	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۶۴۶	-۱۷	توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۹۲۲	-۷۹
ایران‌ارقام	۲,۴۹۹	۳۰	سرمایه گذاری اعتبار ایران	۲,۰۵۱	-۲۴	ح . پمپ سازی ایران	۳,۱۰۰	-۲۴۶
فولاد امیرکبیرکاشان	۹,۳۰۵	۳۵۷	کاشی پارس	۹,۶۰۰	۲۹۷	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۰۶۱	-۱۹۲
کارخانجات قند قزوین	۳,۹۲۰	۱۳۳	حفاری شمال	۵,۸۳۳	-۱۰۷	ح.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۵۸۱	-۴۱۹
سیمان‌هگمتان	۶,۸۹۳	۲۶۵	نفت بهران	۲۵,۹۳۵	-۳۹۶	بین المللی محصولات پارس	۵,۰۵۰	-۵۲۲۰
لیزینگ‌ایران	۲,۲۳۰	۳۵	حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۳,۲۶۴	-۱۳۵			

اخبار کوتاه

جراحی تومور حجیم جمجمه جوان نیشابوری

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: جوان ۲۶ ساله‌ای که دچار تومور حجیم و نادر قاعده جمجمه (نوروفیبروما) شده بود، در بیمارستان دولتی ۲۲ بهمن نیشابور تحت عمل جراحی پیشرفته جراحی مغز و اعصاب قرار گرفت.

این عمل جراحی پیچیده که به صورت مشترک توسط دکتر راستی و تیم جراحی مغز و اعصاب و ستون فقرات بیمارستان یاد شده و با مشارکت دکتر محمد انوری انجام شد، حدود سه ساعت به طول انجامید و طی آن تومور به طور کامل تخلیه و از بدن بیمار خارج شد.

دکتر مسعود راستی، جراح مغز و اعصاب بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور در این باره به خبرنگار ما گفت: این نوع تومور از موارد نادر است که با توجه به حجیم بودن آن، ضعف اندام‌ها و ناتوانی در راه رفتن را برای بیمار ایجاد می‌کند.

وی نتیجه عمل را رضایت‌بخش اعلام کرد و پس از عمل جراحی علایم و مشکلات بیمار برطرف شد.

مبارزه با آفت غلات در زرندیه

زرندیه ـ خبرنگار اطلاعات: طرح مبارزه شیمیایی با آفت سن مادر غلات در سطح ۵۸۰۰ هکتار از مزارع گندم و جو شهرستان زرندیه (استان تهران) انجام شد.

احمد قره‌بیگلو، مدیر جهاد کشاورزی زرندیه با بیان مطلب بالا، افزود: ریزش سن گندم از ۲۸ اسفند پارسال و عملیات مبارزه شیمیایی با این آفت از ۱۲ فروردین امسال آغاز شد.

او اضافه کرد: آفت سن گندم در ۲ مرحله به مزارع خسارت وارد می‌کند که شناخت و مبارزه به موقع، موجب پیگیری از خسارات خواهد شد.

او با بیان اینکه شیوع آفت یاد شده در هر سال به شروع گرمای هوا بستگی دارد، افزود: در صورتی که با این آفت مبارزه لازم انجام نشود، می‌تواند محصولات گندم و جو را تا ۱۰۰ درصد از بین ببرد. قره‌بیگلو اضافه کرد: قبل از اجرای عملیات مبارزه با آفت غلات، کانون‌هایی که احتمال وجود سن در آنها است، شناسایی و سپس با امکانات لازم، سن‌زدایی انجام می‌گیرد. مدیر جهاد کشاورزی زرندیه اظهار داشت: عملیات کنترل و مبارزه با علف‌های هرز در ۴۹۵۵ هکتار از مزارع گندم و جو این شهرستان انجام شد که این مبارزه و کنترل با علف‌های پهن برگ در ۳۶۳۰ هکتار و با علف‌های نازک برگ در سطح ۱۳۲۵ هکتار بود.

او ادامه داد: این شهرستان دارای ۶۰۰۰ هکتار گندم آبی، ۸۰۰۰ هکتار گندم دیم و ۶۴۰۰ هکتار جو آبی است.

رهاسازی ۲۵ کبک زنده‌گیر شده در طبیعت ایلام

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: ۲۵ کبک زنده‌گیر شده توسط مأموران محیط زیست ایلام از یک شکارچی کشف و در طبیعت رها شدند.

مدیرکل محیط زیست استان ایلام با اعلام این خبر افزود: پیرو گزارش‌های مردمی مبنی بر زنده‌گیری و نگهداری ۲۵ قطعه کبک توسط یک متخلف در منزل، مأموران یگان حفاظت اداره کل با هماهنگی مقامات قضایی به بازرسی از منزل متهم پرداختند.

غلامحسین کاظمی گفت: تخلف یاد شده در روستای «پاکل گراب» از توابع شهرستان ایلام صورت گرفته بود که پس از بازرسی منجر به کشف ۲۵ قطعه کبک شد. وی با اشاره به این‌که متهم برای رسیدگی به پرونده تخلف به مقامات قضایی تحویل شده است، افزود: با عنایت به قانون شکار و صید زنده‌گیری، شکار، خرید، فروش، حمل، نگهداری و صدور پرندگان شکاری جرم محسوب می‌شود. وی اضافه کرد: مأموران یگان حفاظت محیط زیست «آبدانان» حین گشت‌زنی در منطقه برگشتی «آب سد کرخه ـ دو آب فتح»، موفق به دستگیری یک نفر متخلف در حین صید غیرقانونی ماهی شدند که ۲۰ قطعه انواع ماهیان رودخانه‌ای از وی کشف و ضبط شد و پس از پرداخت مبلغ ۲ میلیون ریال جریمه ضرر و زیان محیط‌زیست، تحویل مقامات قضایی شد.

خرید گندم از کشاورزان در رامهرمز

رامهرمز ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره جهاد کشاورزی رامهرمز گفت: ۵ مرکز خرید گندم در شهرستان رامهرمز آماده خرید گندم کشاورزان است.

تورج نوروزی افزود: رامهرمز یکی از قطب‌های کشاورزی استان خوزستان است که محصولات کشاورزی و صیفی جات آن در تمامی فصول سال به سراسر استان و خارج از استان صادر می‌شود.

او ادامه داد: با توجه به فصل برداشت گندم ۵ مرکز خرید این محصول در رامهرمز و حومه فعال شده‌اند. وی افزود: ۴۴ دستگاه کمباین بومی و حدود ۶۰ دستگاه کمباین مهاجر، برداشت گندم در این شهرستان را انجام می‌دهند.

وی اضافه کرد: آماده‌سازی و ضدعفونی کردن کمباین‌های بومی شهرستان نیز انجام شده و برداشت را در نقاط مختلف آغاز کرده‌اند.

خرید تضمینی گندم، جو و کُلزا در مراکز خرید به صورت شبانه روزی خواهد بود تا مشکلی برای کشاورزان به وجود نیاید.

رئیس سازمان دانش‌آموزی:

مأموریت اصلی سازمان دانش آموزی تربیت اجتماعی است

یـزد ـ خبرنـگار اطلاعـات: ماموریت اصلی سازمان دانش‌آموزی تربیت اجتماعی دانش آموزان است که با تشکل‌سازی و میدان گشایی قابل اجرا است.

داوود روستایی، رئیس سازمان دانش‌آموزی کشوری با بیان این مطلب در آیین تکریم و معارفه مدیر سازمان دانش‌آموزی استان یزد افزود: سازمان دانش آموزی بازوی معاونان پرورشی در سطح کشور است و تک‌نوازی در آن معنا و جایگاهی ندارد، بلکه هم‌نوا و همراه با سایر برنامه‌های پرورشی است.

وی گفت: اگر جایگاه سازمان دانش‌آموزی مشخص نباشد، این سازمان نمی‌تواند وظایف و رسالت‌های خود را آنگونه که باید، به انجام برساند.

او افزود: سازمان دانش‌آموزی، یک واحد یا کمیته و شورا نیست، بلکه یک سازمان و دارای هویت اجتماعی غیردولتی است.

روستایی ادامه داد: وزیر آموزش و پرورش و معاونت پرورشی، برای سازمان دانش‌آموزی جایگاهی در شأن این سازمان لحاظ کرده‌اند و ما در تلاش برای تسری بخشیدن به این دیدگاه در استان‌های مختلف هستیم تا سازمان دانش‌آموزی بتواند وظایف و رسالت‌های خود را به خوبی انجام دهد.

او افزود: سازمان دانش‌آموزی مولود و زیرمجموعه معاونت پرورشی است و همه برنامه‌های این سازمان به طور هماهنگ برگزار می‌شود و نگاه ما در سازمان دانش‌آموزی، یک نگاه برنامه‌ای نیست، بلکه نگاه ما جریان‌سازی است زیرا سازمان دانش‌آموزی، تشکیلاتی تربیتی برای تربیت تشکیلاتی و مدیریت حاکم بر این تشکیلات نیز جهادی است.

روستایی با بیان اینکه در کشور ۱۲ میلیون دانش‌آموز داریم که ٤ میلیون از این تعداد عضو بسیج و ۵۰۰ هزار نفر عضو انجمن اسلامی دانش‌آموزان هستند، افزود: باید برای بقیه دانش‌آموزان نیز فکر و برنامه داشته باشیم زیرا به طور قطع، همه یک سلیقه ندارند و همه در یک راستا قدم برنمی‌دارند.

وی گفت: در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ٦ ساحت تربیتی برای دانش‌آموزان تعریف شده که شامل عبادی و اعتقادی، زیستی و بدنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوری و هنری و زیباشناختی است. هر یک از معاونت‌های آموزش و پرورش نیز وظیفه تقویت یکی از این ٦ ساحت را دارد و وظیفه سازمان دانش‌آموزی، تقویت تربیت اجتماعی دانش‌آموزان است و بقیه موارد بنا به تخصص معاونت‌های مختلف وزارت آموزش و پرورش، برعهده آنهاست و معاونت‌ها همگی در راستای تقویت یکدیگر قدم بر می‌دارند اما قرار است هر معاونت، وظیفه خود را به شکل تخصصی انجام دهد.

احمد شیرزاد مدیرکل آموزش و پرورش یزد نیز گفت: مهم‌ترین وظیفه سازمان دانش‌آموزی تربیت اجتماعی دانش‌آموزان است و باید زمینه مشارکت در ابعاد مختلف برای دانش‌آموزان ایجادکند.

وی گفت: ایجاد روحیه تعاون، نیکوکاری وسبقت در انجام کارهای پسندیده و همچنین مهارت‌آموزی، ازسوی سازمان در دانش‌آموزان باید نهادینه شود.

شیرزاد افزود: سازمان دانش‌آموزی باید در همه برنامه‌ها اولویتش نگاه به مدرسه باشد زیرا هر فعالیتی از مدرسه دور شود، به موفقیت نمی‌رسد.

او با اشاره به نزدیک شدن پایان سال تحصیلی و فرارسیدن اوقات فراغت دانش‌آموزان گفت: آموزش و پرورش و سازمان دانش‌آموزی در این ایام مسئولیت سنگینی را برعهده دارند زیرا تعطیلات در کشور ما پشت سر هم و طولانی است و این امر نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و ارائه آموزش‌های غیررسمی به دانش‌آموزان در این فرصت است.

وی از مهمترین اولویت‌های این سازمان را نگاه به مدرسه، دانش‌آموز محوری، محل رفت و آمد فرهیختگان، فراهم کردن زمینه مشارکت گرایش‌های مختلف و همچنین تعامل سازنده با سایر تشکلها بیان کرد.

گفتنی است که در این مراسم، از تلاش‌های سیدکاظم دشتی، قدردانی به عمل آمد و حسینعلی ملانوری به عنوان رئیس سازمان دانش‌آموزی استان یزد معرفی شد.

طرح ساحل سبز در بابلسر به اجرا درمی آید

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: اعضای شورای اسلامی شهر بابلسر در نشستی با خبرنگاران، نقش شوراها را در کنار شهرداری‌ها، مفید و برای ایجاد تحوّلات شهری، بسیار مؤثر دانستند.

رئیس شورای شهر بابلسر در این نشست شورای اسلامی شهر را کمک‌یار شهرداری توصیف کرد و افزود: اگر شورا نباشد، شهرداری دارای آسیب‌پذیری‌های فراوان خواهد بود بنابر این شورا برای خدمت‌رسانی به شهروندان در کنار شهرداری است. مسلم حسین‌زاده اضافه کرد: پیش‌بینی بودجه ما در سال ۹۲ برای بابلسر ۱۵ میلیارد تومان بود، در حالیکه این مبلغ با ۳۷ میلیارد تومان افزایش تحقق یافت و ۹۰ درصد آن هم در شش ماهه دوّم سال هزینه شد.

وی گفت: پیش‌بینی بودجه ما در سال ۹۳ نیز مبلغ ۲۲ میلیارد تومان است که ٤٦ درصد نسبت به سال گذشته رشد نشان می‌دهد.

رئیس شورای اسلامی شهر بابلسر همچنین توضیح داد: بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان پروژه‌های تعریف شده در سطح شهر بابلسر در دست اجراست که با تمام شدن آن تحوّلات زیادی در سطح شهر بابلسر ایجاد خواهد شد و تا پایان سالجاری نیز استخر دوقلو بابلسر به بهره‌برداری خواهد رسید. به گفته وی با افتتاح جاده ۳۵ متری میدان معلم بابلسر به بلوار شهید علیزاده ٤۰ درصد از ترافیک شهری کم خواهد شد.

حسین‌زاده ادامه داد: با توجّه به اینکه شهر بابلسر در تابستان با حدود ۱۰ میلیون و پانصد هزار نفر مسافر از سراسر کشور مواجه است و حل مشکل ترافیک یکی از موارد ضروری در برنامه شهری است، بنابر این انتقال ترمینال مسافربری بابلسر به بابل به بیرون شهر نیز در دست بررسی و اقدام است.

طرح ساحل سبز تا پارکینگ ۹ و احداث آب‌نما در رودخانه شهر در سالجاری از دیگر برنامه‌های این شورا است که رئیس شورای شهر به آن اشاره کرد.

به گفته حسین‌زاده از این پس از برپایی چادر مسافرتی در پارک ساحلی بابلسر همانند حاشیه‌های رودخانه بابلسر و جلوگیری و محدوده استفاده از چادرهای مسافرتی در شهر تعیین خواهد شد.

رئیس شورای اسلامی شهر بابلسر ضمن اعلام رضایتمندی اعضای این شورا از عملکرد مهندس رنجبر، شهردار پرتلاش بابلسر به مبلمان و زیباسازی بابلسر اشاره کرد و افزود: در نظر است تا کیوسک‌های مطبوعاتی بابلسر با کمک و همیاری شورای شهر و شهرداری بابلسر، زیباسازی و یکنواخت شود.

وی گفت: با واگذاری ۷۰۰ متر مربع زمین به ارزش بیش از ۱/۵ میلیارد تومان در بهترین منطقه شهر، هلال احمر شهرستان بابلسر با نصب کانکس‌های اداری رسماً کار و فعالیت خود را در این شهر آغاز کرد.

همچنین مقرر شد یک ساختمان ده طبقه برای هلال احمر و اسکله مناسب امداد نجات دریایی در رودخانه مقابل آن احداث شود.

در ادامه مراسم دیگر اعضا شورا، مهندس صادق شفقت، محجوب پروین، عبداله‌پوربابا، ابراهیم آقایی، منصور رمضان‌نژاد و خانم بهار هر کدام در موضوع‌های مختلفی مانند حضور و تلاش خبرنگاران در شناساندن بابلسر و زیباسازی و مبلمان شهری، نکات زیست‌محیطی، تفکیک زباله، انتقال محل دفن زباله به خارج از شهر و پذیرش نظرات و راهکارهای ارائه شده مردم به شورا برای بهبود بخشیدن به امور شهری، سخنرانی کردند.

تولید مته حفاری چاه‌های نفت در شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: هزینه بومی‌سازی و ساخت قطعات موردنیاز صنعت نفت توسط سازندگان داخلی ۹۲ میلیارد تومان برآورد شده است.

مطلب بالا را مهندس حمید بورد، مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در حاشیه نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی اعلام کرد و گفت: تولید مته حفاری که کار بسیار پیچیده‌ای است، شروع شده است که امیدواریم برای سازندگان، بازار خوبی به دنبال داشته باشد.

وی با بیان اینکه وجود مدیریتی با عنوان تدارکات و امور کالا در شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب بدون همکاری شرکت‌ها و سازندگان داخلی در این شرایط غیرممکن است، اضافه کرد: در سال‌های اخیر شرکت‌های داخلی تأمین‌کننده قطعات موردنیاز صنعت نفت از فرصت تحریم‌های بین‌المللی به خوبی استفاده کرده‌اند و توانسته‌اند توانمندی‌های خودرا به شرکت‌های دولتی نشان دهند.

مدیرعامل شرکت ملی نفتخیز جنوب با اشاره به خریداری بیش از ۱۴۰۰ قلم کالای موردنیاز صنعت نفت از سازندگان داخلی در این شرکت گفت: توربین‌های گازی مدل TA1750 و TA1500 قطعات و تجهیزات حفاری تا ۱۰ هزار پی‌اس‌آی، انواع روتورهای توربین‌های گازی و توربین‌های گازی از جمله کالاهای مهم بومی‌سازی شده در کشور هستند که سازندگان داخلی در بخش فناوری ساخت این گونه تجهیزات و کالای پیشرفته هیچگونه مشکلی ندارند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

سئوالات بی‌پاسخ مردم در مورد مجرمان خطرناک

اخباری مانند دستگیری بزرگترین قاچاقچی کوکائین برای هفدهمین بار، بررسی سوابق آدم‌ربایی و سرقت‌های مکرر از یک زورگیر و اخبار مشابه، مانند همیشه انبوه سوالاتی بی‌پاسخ را در اذهان عمومی باقی می‌گذارد که مسئولان ذی‌ربط چرا نسبت به مجازات لازم و بازدارنده این قبیل متهمان خطرناک، کوتاهی می‌کنند و اصلاً چرا باید رأفت اسلامی درخصوص این متهمان اجرا شود که بهای آن، به خطر افتادن جان، مال و امنیت روانی مردم باشد؟

تلفن‌های مشابه به خط ارتباطی

مبنای محاسبه حقوق از کار افتادگی

پیش از دی ماه سال ۸۵ که از کار افتاده شدم، ماهانه ٤۰۰ هزار تومان از سازمان تأمین اجتماعی مقرری دریافت می‌کردم. اما با از کارافتادگی، این سازمان، ۱۸۰ هزار تومان مقرری ماهیانه برایم در نظر گرفته است در حالی که براساس قانون، حقوق از کارافتادگی باید سه ـ چهارم حقوق بیمه شده پیش از آن باشد.

مستمری بگیر از کار افتادگی تأمین اجتماعی

در آمیختگی مطالب تاریخی با خاطرات

در مطلب، رمز گشای تاریخ، در روزنامه اطلاعات، مطالب تاریخی و ادبی را با خاطرات شخصی در هم آمیختند تایاد بودی ارزشمند از مرحوم استاد باستانی پاریزی ارائه کنند. از خواندن مقاله بسیار لذت بردم.

ارومیه ـ خانم استاد تاریخ دانشگاه

پیشنهادی در مسیر آبادانی کشور

با توجه به سخنان رئیس جمهوری در مراسم بزرگداشت روز مددکار مبنی بربستن کمربندها و ساختن کشور، پیشنهاد می‌کنم تمامی وزرای دولت به صورت خود جوش مبلغی از حقوق ماهیانه‌شان را کسر کنند تا همین مبالغ اندک در اقدام مشابه سایر مدیران و مسئولان، صرف آبادانی کشور شود.

خانم هموطن

پله برقی خراب خیابان تهران نو

پله برقی واقع در خیابان تهران نو، تقاطع زیر پل خاقانی و خیابان باباطاهر، خراب است. البته گهگاه تعمیر کاران به طور موقت آن را تعمیر می‌کنند که پس از ۲ یا ۳ روز استفاده بار دیگر از کار می‌افتد.

از ساکنان خیابان تهران نو

اولویت‌های شهرداری

بودجه شهرداری خرج ساخت و ترمیم پیاده‌روهایی می‌شود که در کنار همان پیاده‌روها، خانه‌های فرسوده‌ای قرار دارند که تقریباً غیرقابل سکونت هستند. اولویت آن است که شهرداری همین بودجه را به تسهیلات نوسازی بافت‌های فرسوده اختصاص دهد، چون در شرایط فعلی مردم قادر نیستند سودهای کلان این تسهیلات را بپردازند.

از ساکنان بافت فرسوده شهری

پرداخت سود سهامداران

بانک پارسیان سال گذشته به سهامداران خود وعده داده بود که بخشی از سود سهام آن‌ها را در قالب اوراق جدید سهام به آنان واگذار می‌کند. اما با گذشت یک سال این امر محقق نشده است. بانک پاسارگاد نیز سال گذشته حدود ٤۰ درصد از سود سهامداران را با عنوان اندوخته مرکزی کسر کرده است. این عملکردها در نهایت باعث نارضایتی سهامداران بانک‌ها می‌شود.

کرج ـ یک سهامدار

کلاهبرداری از طریق معرفی شماره‌های رُند!

عده‌ای کلاهبردار با معرفی خود به عنوان کارکنان شرکت مخابراتی «رایتل» در تماس تلفنی با مردم شماره‌های رند را اعلام می‌کنند که پس از خریداری و ارسال آن‌ها با پیک مشخص می‌شود که برچسب‌ها و شماره‌ها قلابی است. از شرکت رایتل انتظار می‌رود با بررسی و توجه‌های لازم، اجازه ندهند کلاهبرداران از حسن اعتماد مردم سوءاستفاده کنند.

تلفن به خط ارتباطی

نام‌نویسی ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر برای دریافت دفترچه بیمه سلامت ایرانیان

تنکابن ـ خبرنگار اطلاعات: تاکنون ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر افراد واجد شرایط برای دریافت دفترچه بیمه سلامت ایرانیان ثبت‌نام کردند.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مدیرعامل سازمان بیمه سلامت کشور در حاشیه بازدید از بیمارستان شهید رجایی تنکابن گفت: از ابتدای اردیبهشت ماه امسال ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر برای دریافت دفترچه بیمه سلامت ایرانیان، ثبت‌نام کردند که بیشتر آنان را حاشیه‌نشینان شهرها و روستائیان تشکیل می‌دهند.

دکتر انوشیروان محسنی بندپی افزود: از ابتدای خرداد صدور و تحویل دفترچه‌های بیمه این افراد آغاز می‌شود و اگر کسانی موفق به دریافت آن نشده‌اند، از طریق نمایندگان بیمه سلامت مستقر در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی و حتی در حین درمان نیز می‌توانند اقدام به درخواست و صدور دفترچه بیمه کنند. وی گفت: هدف دولت، عدالت و کاهش پرداختی هزینه‌های سلامت از سوی مردم است که این مسئله از جمله دغدغه‌های مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری است. مدیرعامل بیمه سلامت کشور اظهار داشت: حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال صرف اجرای طرح تحول نظام سلامت می‌شود و این اعتبار از محل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تأمین و در میان بیش از ۵۷۰ بیمارستان کشور توزیع می‌شود.

وی بیان داشت: این طرح با توجه به نارضایتی مردم و پزشکان باید از مدت‌ها قبل اجرا می‌شد که دولت تدبیر و امید در شرایط نامناسب اقتصادی آن را اجرا کرده است. محسنی بندپی اظهار داشت: در ادوار گذشته سهم پرداختی هزینه‌های بستری بیماران در بیمارستان‌های دولتی حدود ۴۰ درصد بود، اما این رقم با اجرای این طرح در شهرها حدود ۱۰ درصد و روستاها نیز به حدود ۵ درصد کاهش یافت. وی تصریح کرد: علاوه بر آن حدود ۹۰ درصد هزینه‌های بستری تخت، معاینات، خدمات داخلی، جراحی، داروها، تجهیزات، عکسبرداری و آزمایش‌ها در بیمارستان‌ها باید از سوی دولت پرداخت شود. وی رایگان شدن حدود ۳۵۰ قلم دارو برای بیماران سرطانی و صعب‌العلاج را از دیگر ویژگی‌های این طرح اعلام کرد.

مدیرعامل بیمه سلامت کشور در ادامه گفت: هرچند اجرای این طرح در مراکز درمانی کار آسانی نیست، اما باید تمامی مسئولان نهادهای ذیربط دولت را در این بخش یاری دهند تا شیرینی این طرح مبارک بر کام مردم بنشیند.

دکتر محسنی بندپی افزود: برای حل بسیاری از مشکلات درمانی بیش از هر چیزی باید در این حوزه فرهنگ‌سازی کنیم، چرا که با فرهنگ‌سازی و پیشگیری از بروز بیماری‌ها بسیاری از این هزینه‌ها کاسته و یا حذف می‌شوند.

۳۰ درصد از مدارس نهاوند تخریبی است

نهاوند ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس آموزش و پرورش نهاوند با اشاره به اینکه این شهرستان ۱۱۴ شهید دانش‌آموز و ۹ شهید را تقدیم انقلاب اسلامی کرده است، گفت: ارزش هر انسان به اندازه همتی است که دارد و همه می‌توانند با نیت خیر، فردی نیکوکار باشند.

علیرضا تکلو، همچنین از ساخت ۲ مدرسه به وسیله بنیاد برکت و نیز کلنگ‌زنی یک مدرسه به وسیله یکی از بانک‌ها در آینده خبر داد و افزود: ۲۰ درصد از دانش‌آموزان نهاوند در فضاهای آموزشی که توسط خیرین مدرسه‌ساز احداث شده است، تحصیل می‌کنند. وی اضافه کرد: بیش از ۵۰ تن از خانم‌های خانه‌دار به صورت ماهانه مبالغی را به مجمع خیرین مدرسه‌ساز کمک می‌کنند و عده‌ای از فرهنگیان نیز بخشی از حقوق ماهانه خود را به مدرسه‌سازی اختصاص داده‌اند. رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز شهرستان نهاوند نیز با اشاره به اینکه مجمع یاد شده در ۱۶ سال فعالیت خود در راستای ارتقای سطح تعلیم و تربیت مسیری رو به رشد را طی کرده است، گفت: آنچه که در این سال‌ها ساخته شده، حاصل سخاوتمندی، ایثار و مسئولیت‌پذیری خیرین بوده است.

اعظم هادیان با قدردانی از خیرین نهاوندی داخل و خارج از کشور، که هنوز نهاوند را فراموش نکرده‌اند، گفت: اگر مرمت مدارس به موقع انجام نشود، شاهد استهلاک و ویرانی ساختمان‌های آموزشی خواهیم بود.

رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز همدان نیز در این مراسم با اشاره به اینکه در استان یاد شده ۶۰۲ خیر مدرسه‌ساز فعالیت می‌کنند گفت: ۱۴۲ نفر از این خیرین ۱۱۰۰ مدرسه با زیربنای ۱۲۰ هزار متر مربع ساخته‌اند.

علی فراهانی ادامه داد: تاکنون خیرین مدرسه‌ساز استان همدان بیش از ۱۱۸ میلیارد تومان تعهد کرده‌اند که ۷۰ میلیارد تومان آن محقق شده است.

در این جشنواره نصرتی، یکی از خیرین مدرسه‌ساز با بیان اینکه باید برای نهاوند با ۶۰۰۰ سال قدمت تاریخی کارهای در شأن انجام گیرد، گفت: در زمانه‌ای قرار گرفته‌ایم که باید برای فرهنگ و آینده کشورمان هزینه کنیم.

در این جشنواره از نقشه ساخت یک باب مدرسه ۱۵ کلاسه به وسیله یکی از بانک‌ها رونمایی شد و نیز ۴۰۰ میلیون تومان همراه با ۲ هزار و ۱۰۰ متر مربع زمین، برای ساخت خانه سالمندان توسط چند تن از خیرین نهاوند اهداء شد.

انتقال فناوری‌های نوین ساخت تجهیزات بندری به کشور

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین همایش آموزشی «بازسازی و ساخت بوم گنتری کرین‌های پست پاناماکس فانتزی» با حضور رؤسا و کارشناسان اداره تعمیر و نگهداری تجهیزات خشکی بنادر سراسر کشور در مجتمع بندرشهید رجایی برگزار شد.

معاون فنی و نگهداری اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان با اشاره به نصب و راه‌اندازی دو دستگاه بوم متعلق به جرثقیل‌های گنتری کرین، که به دست متخصصان داخلی در بهمن پارسال انجام پذیرفت، اظهار داشت: دوره آموزشی انتقال دانش و تجربیات حاصل از پروژه ملی ساخت بوم و بازسازی این نوع گنتری کرین، از همان زمان در دستور کار قرار گرفت.

محمدرضا پوررجبی افزود: این دوره با هماهنگی صورت گرفته با اداره کل تامین و نگهداری سازمان بنادر، واحد فنی و نگهداری (اداره نگهداری و تعمیرات تجهیزات خشکی) و اداره آموزش با حضور روسا و کارشناسان اداره فنی و نگهداری بنادر کشور، برگزار شد.

وی با اشاره به سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی گفت: ایجاد محیط مناسب برای توانمندسازی نیروی متخصص ایرانی و جلوگیری از خروج ارز در فعالیت‌های نگهداری، تعمیرات و بازسازی تجهیزات، بهره گیری از ظرفیت‌های موجود و افزایش ظرفیت ۲۰ درصدی ترمینال یک کانتینری بندر شهید رجایی در این سال از اهمیت بالایی برخوردار است.

پوررجبی از آمادگی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان برای انتقال دانش و فناوری بدست آمده از پروژه ساخت بوم تجهیزات مزبور به سایر بنادر منطقه خبر داد.

ایجاد زمینه مساعد برای انتقال فناوری‌های نوین ساخت تجهیزات بندری به کشور و بومی سازی آن را، از جمله نکات مثبت این پروژه دانست.

وی همچنین انجام پروژه در شرایط کاملاً ایمن و با رعایت تمامی استانداردهای کار و بدون هیچ گونه حادثه، صرفه جویی ارزی، اتمام پروژه در موعد مقرر و مستندسازی تمامی مراحل آن از طراحی تا ساخت بوم را از دیگر نکات قابل توجه این پروژه برشمرد.

روسا و کارشناسان سازمان بنادر امام خمینی(ره)، خرمشهر، بوشهر، چابهار، بندرانزلی، امیرآباد و همچنین کارشناسان شرکت‌های بخش خصوصی ذی‌ربط، در ۲ روز آموزش‌های لازم را برای بازسازی و ساخت بوم گنتری کرین‌های پست پاناماکس فانتوزی، فرا گرفتند.

۱۵۰ هزار تن سیب در آذربایجان غربی بدون مشتری مانده است

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرباغبانی جهاد کشاورزی آذربایجان غربی گفت: با گذشت نزدیک به ۲ ماه از آغاز سال جاری، هنوز ۱۵۰ هزار تن سیب در سردخانه‌های استان بدون خریدار مانده است.

عزیز امانی افزود: با اینکه آذربایجان غربی یکی از قطب‌های اصلی تولید سیب در کشور است، هنوز مقدار قابل توجهی از این محصول در سردخانه‌های استان، به فروش نرفته است.

امانی اضافه کرد: به رغم پیگیری‌های به عمل آمده، هیچ گونه گشایشی در بازارهای داخلی و خارجی برای صادرات و فروش این محصول حاصل نشده است و این رکود سبب نگرانی باغداران و صاحبان میوه در سردخانه‌ها شده است.

وی گفت: کیفیت بالا و برخورداری از سورت و بسته‌بندی مناسب، از ضروریات هر نوع کالای صادراتی است که این امر در محصولات استراتژیکی نظیر سیب تولیدی استان، باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

مدیر باغبانی جهاد کشاورزی آذربایجان غربی ادامه داد: امسال بیش از ۹۵۰ هزارتن سیب درختی از باغ‌های استان برداشت شده است که بیش از ۵۰۰ هزار تن این محصول نیز در سردخانه‌های استان ذخیره سازی شده بود.

وی با بیان اینکه یک سوم تولید سیب مورد نیاز کشور در آذربایجان غربی تولید می‌شود، افزود: سالانه ۳۰ درصد از کل سیب تولیدی استان جذب صنایع تبدیلی می‌شود، ۲۰ درصد به مصرف تازه‌خوری می‌رسد و ۵۰ درصد برای صادرات و مصارف شب عید در سردخانه‌ها نگهداری می‌شود.

وی افزود: قیمت عمده فروش سیب درختی در سردخانه‌ها ۴ تا ۱۰ هزار ریال است و کارخانه‌های صنایع تبدیلی نیز سیب درختی را به قیمت کیلوگرمی ۴۵۰۰ ریال می‌خرند.

۳۵ چشمه آبگرم معدنی شهرستان «نیر» به هدر می‌رود

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره آش‌های سنتی با هدف شناساندن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گردشگری شهرستان «نیر» از توابع استان اردبیل برگزار می‌شود.

یحیی نقی‌زاده، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل با بیان مطلب بالا در جلسه بررسی مشکلات صنعت گردشگری «نیر» افزود: یکی از موارد مهم توسعه استان اردبیل، اهمیت دادن به صنعت گردشگری است.

وی با بیان اینکه استان اردبیل از لحاظ جاذبه‌های طبیعی و آب‌های گرم معدنی در سطح کشور بی‌نظیر است، اضافه کرد: یکی باید بستر و زیرساخت‌های مناطق گردشگری استان از طریق دولت فراهم شود تا سرمایه‌گذاران به راحتی در این استان سرمایه‌گذاری کنند.

نقی‌زاده با تشریح اهمیت رفع موانع و مشکلاتی از جمله کاغذبازی‌های اداری، کمبود اعتبارات و ایجاد زیرساخت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاران در استان اردبیل افزود: اگر این موانع رفع شود، استان اردبیل در صنعت گردشگری شکوفا می‌شود و سرمایه‌گذاران زیادی برای سرمایه‌گذاری به استان می‌آیند.

او اضافه کرد: امسال میراث فرهنگی استان اردبیل در نظر دارد تمامی تجهیزات و امکانات خود را به بخش خصوصی واگذار کند تا بخش خصوصی بتواند جاذبه‌ها و مناطق گردشگری استان را به مسافران، بهتر بشناسانند. وی با بیان اهمیت توسعه مناطق گردشگری شهرستان به ویژه دهکده توریستی سبلان، آبگرم‌های «قینرجه» و «سقزچی» و منطقه توریستی «بولاغلار» تصریح کرد: با تهیه طرح‌های جامع گردشگری این مناطق به طور قطع به کمک سرمایه‌گذارانی که اعلام آمادگی کرده‌اند در این مناطق سرمایه‌گذاری کنند، شاهد توسعه و رونق صنعت گردشگری شهرستان «نیر» خواهیم بود.

فرماندار شهرستان «نیر» هم از اختصاص ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار برای توسعه زیرساخت‌های گردشگری این شهرستان خبر داد و گفت: شهرستان «نیر» نزدیک به ۳۵ چشمه آبگرم معدنی دارد که به صورت پرت آب‌های گرم معدنی، در حال هدر رفت است.

اکبر صمدی با بیان اینکه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای توسعه آب‌های گرم معدنی شهرستان «نیر» اعلام آمادگی کرده‌اند، خواستار تعیین تکلیف آبگرم «سقزچی» و طرح‌های جامع گردشگری، دهکده‌های توریستی سبلان و بولاغلار شد.

ایجاد بزرگترین سامانه پایش فشار آب کشور در اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: فاز نخست بزرگترین سامانه متمرکز پایش فشار خطوط شبکه توزیع آب شهری کشور، در اصفهان اجرایی خواهد شد.

معاون بهره‌برداری شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان با اعلام این خبر گفت: در این طرح که با هدف هوشمندسازی شبکه توزیع آب انجام می‌گیرد، بیش از ۱۳۰ ایستگاه فشارسنجی آنلاین در نقاط حساس شبکه توزیع آب شهر اصفهان نصب می‌شود.

قبادیان با بیان اینکه همه مراحل طراحی این سامانه مانند انتخاب بستر ارتباطی و تجهیزات، نحوه اجرا و تامین ملزومات در شرکت آبفا اصفهان انجام شده است، ادامه داد: این پروژه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان به لحاظ نوع و نحوه اجرا، به بهترین شکل ممکن طراحی و آماده اجرا شده است.

معاون بهره‌برداری شرکت آب و فاضلاب استان ادامه داد: در فازهای دیگر این سامانه، در همه شهرهای استان اجرا خواهد شد و ویژگی این گستردگی، متمرکز بودن نتایج در یک سامانه واحد در بستر GIS است.

او هدف از اجرای این پروژه را در اختیار داشتن اطلاعات فشار شبکه توزیع آب دانست و تصریح کرد: اجرا و راه‌اندازی این سامانه، مدیریت مطلوب توزیع آب، تعدیل فشار نقاط ناهمگون، کاهش مصرف و کم شدن هدررفت واقعی آب، کمک بزرگی خواهد بود.

برگزاری همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: همایش معرفی توانمندی‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مازندران با حضور فعالان بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران، خردادماه امسال در ساری برگزار می‌شود.

استاندار مازندران با اعلام این خبر افزود: این همایش فرصت استثنایی برای بهره‌گیری از توانمندی‌های بخش خصوصی در جهت رونق اقتصادی مازندران خواهد بود.

ربیع فلاح جلودار، با اشاره به اینکه بودجه‌های دولتی به تنهایی قادر به پیشبرد اهداف اقتصادی نخواهد بود و حتما باید سرمایه‌گذاران در عرصه تولید و اشتغال ورود جدی داشته باشند، افزود: باید با برنامه‌ریزی‌های دقیق و اصولی، نهایت بهره را ببریم و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مازندران را به خوبی معرفی کنیم. وی از همه دستگاه‌های اجرایی خواست تا با کار کارشناسی اصولی، فرصت‌های ناب را به سرمایه‌گذاران معرفی و زمینه را برای جلب مشارکت آنان، فراهم کنند. وی با اشاره به اینکه ۹۵ درصد کار تدوین آمایش سرزمین استان انجام شده است، خطاب به مدیران استان گفت: از اطلاعات موجود در این آمایش استفاده کنید و آن را در اختیار علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در مازندران قرار دهید.

استاندار مازندران ادامه داد: مازندران در حوزه‌های صنعت، معدن، کشاورزی، گردشگری و شیلات ظرفیت‌های بالایی دارد که با حضور فعال سرمایه‌گذاران در این عرصه‌ها، شاهد رونق اقتصادی و اشتغال جوانان خواهیم بود. فلاح تصریح کرد: متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم از اعتبارات صندوق توسعه ملی برای طرح‌های سرمایه‌گذاری مازندران استفاده کنیم.

برگزاری مسابقات قرآن و عترت دانشجویان در بندر دیر

بندر دیر ـ خبرنگار اطلاعات: مسابقات شفاهی قرآن و عترت با حضور دانشجویان و مسئولان بندر «دیر» در نمازخانه دانشگاه آزاد اسلامی این شهر برگزار شد.

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی مرکز ـ دیر با بیان این مطلب گفت: این مسابقات با شرکت ۱۷ قاری در رشته‌های ترتیل و تحقیق برگزار شد و آقایان عباس غلامی، احمد ابراهیمی و حجت‌الاسلام عبدالحسن ابراهیمی، این مسابقات را داوری می‌کردند.

عبدالعزیز بحرانی افزود: برای دانشگاهیان در محیط علمی فرصت مغتنمی برای مسابقات فرهنگی با محوریت قرآن و عترت در برنامه‌های راهبردی فرهنگی، لحاظ شده است.

وی گفت: در پایان ۶ نفر برتر مسابقات معرفی شدند و به رسم یادبود به همه شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این مسابقات لوح سپاس و هدایایی تقدیم شد.

اعزام ۲۰۰ نفر از اهالی بندردیر به مراسم سالگرد ارتحال ملکوتی امام خمینی(ره)

بندردیر ـ خبرنگار اطلاعات: مسئول اردویی، گردشگری و راهیان نور سپاه سیدالشهدا بندردیر گفت: همزمان با سالگرد ارتحال ملکوتی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران ۲۰۰ نفر از مردم انقلابی شهرستان «دیر» به مرقد مطهر امام خمینی(ره) اعزام می‌شوند.

سرگرد عبدالله میرزایی افزود: حضور گسترده، پرشور و حماسی مردم در آئین سالگرد ارتحال امام(ره) نشانه وفاداری مردم به بنیانگذار جمهوری اسلامی و اطاعت از رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

میرزایی ادامه داد: زیارت حرم‌های مطهر حضرت معصومه(س) و شاه عبدالعظیم(ع)، عزیمت به بهشت زهرا، امامزاده شهرضا، مسجد جمکران و اجرای مسابقه‌های فرهنگی سیره شهدا و مستندروح‌الله، از مهم‌ترین برنامه‌های این ستاد برای زائران حرم مطهر امام راحل است.

وی گفت: راه‌اندازی کتابخانه سیار، ختم قرآن برای شادی روح حضرت امام، زیارت عاشورا درجوار مزار شهید همت و توزیع محصولات فرهنگی، از دیگر برنامه فرهنگی کاروان اعزامی حرم مطهر امام خمینی(ره) است.

مسئول فرهنگی و اجتماعی سپاه شهرستان «دیر» خاطرنشان ساخت: برنامه‌ریزی‌های لازم برای اعزام این کاروان انجام شده و اقدامات و هماهنگی‌های لازم در این مورد صورت گرفته است.

میرزایی اظهارداشت: همچنین برنامه‌های مختلفی به صورت متمرکز در شهر، پایگاه‌های مقاومت و مساجد شهرستان «دیر» صورت می‌گیرد و در ۱۵ خرداد، مراسم ویژه‌ای در حسینیه انقلاب، شب شعر و ایستگاه صلواتی برپا می‌شود.

صنعت گردشگری کرمان متحول می‌شود

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ارتقای صنعت گردشگری و جذب گردشگر یکی از سیاست‌های توسعه‌ای استان کرمان است.

معاون گردشگری اداره‌کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان با تأکید بر ضرورت توسعه صنعت گردشگری، گفت: کرمان با توجه به داشته‌های فراوان در زمینه آثار طبیعی و تاریخی از مهمترین مقاصد گردشگری در کشور است.

محمدحسین تجلی افزود: برنامه‌ریزی‌ها به سمتی پیش می‌رود که با توسعه زیرساخت‌های گردشگری، در آینده شاهد تحول در این حوزه باشیم.

وی یکی از اقدام‌های معاونت گردشگری را نظارت جدی بر عملکرد فعالان این بخش اعلام کرد و گفت: در صورت خدمات رفاهی مطلوب به گردشگران، شاهد روند صعودی شمار گردشگران خواهیم بود.

تجلی یادآور شد: در دو ماه اخیر ضمن بیش از ۷۰۰ مورد بازدید از تأسیسات گردشگری استان اعم از هتل، مهمانپذیر، پانسیون، مراکز تفریحی، بین راهی و دفاتر خدمات مسافرتی استان، به ۳۱ واحد متخلف اخطار، ۹۳ واحد تذکر و یک واحد حکم تعلیق داده شد.

به گفته وی، بازدیدهای نظارتی اداره‌کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان با هدف ارائه خدمات مطلوب به مسافران انجام می‌شود و امید می‌رود واحدهای متخلف با رعایت قوانین و رفع کاستی‌ها بیش از پیش در خدمت گردشگران باشند.

گفتنی است که در حال حاضر ۲۶ هتل، ۳۳ مهمانپذیر، ۱۲۵ مجتمع پذیرایی و تفریحی و ۱۲۷ دفتر خدمات مسافرتی در استان کرمان فعالند.

فتح خرمشهر
اوج سربلندی ملت ایران

■ سرهنگ محمد احدی

اشاره: هشت سال دفاع مقدس ملت ایران از کیان اسلام و میهن اسلامی، نقطه عطفی در تاریخ ملت کشورمان و ملت‌های آزاده جهان است. رزمندگان اسلام در این حماسه ماندگار نه فقط برگ زرینی بر تاریخ پرافتخار ملت ایران افزودند بلکه کاری کردند که درسی برای همه ملت‌های آزاده جهان در دفاع از آب و خاک و ارزش‌هایشان باشد. اگر امروز پس از گذشت ۳۵ سال از عمر با برکت جمهوری اسلامی، استکبار جهانی با همه عزم و اراده خود علیه آن بسیج شده است، ناشی از ضرباتی است که از آن دریافت کرده و این که نتوانسته توفیقی در این اهداف شیطانی خود به دست آورد.

این که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به جوانان توصیه می‌کنند تا شرح عملیات بیت‌المقدس را با دقت بخوانند و ببینند چه اتفاقی افتاده است و جوانان ما در این عملیات چه کردند، بیانگر عظمت و آثار تاریخی این عملیات است که وظیفه نویسندگان و خبرگان حوزه دفاع مقدس را در فعالیت و تلاش بیشتر برای تبیین ابعاد و زوایای دفاع مقدس و عملیات‌های مهم آن مضاعف می‌کند.

هرچند لحظه لحظه هشت سال دفاع مقدس و جای جای جبهه ۱۵۰۰ کیلومتری جنگ در مقابل دشمن سرشار از ایثار و فداکاری و تلاش ملت ایران در دفاع از دین و کشور است، اما برخی فعالیت‌ها از جمله عملیات‌های گسترده‌ای که در طول جبهه‌ها طراحی و اجرا شد، از جمله عملیات بیت المقدس که از ابعاد مختلف نظامی، قدرت طرح‌ریزی، ایثار و فداکاری، الطاف خفیه الهی و... است، دارای برجستگی بیشتری برای درس گرفتن است. هرچند در مورد عملیات بیت‌المقدس ده‌ها کتاب و صدها مقاله منتشر شده است، اما جمع همه آنها فقط می‌تواند گوشه‌ای از این واقعه بزرگ را بیان کند و از طرف دیگر تکرار آن برای جوان‌های عزیز این مرز و بوم که شرایط دفاع مقدس را به واسطه سن‌شان تجربه نکرده‌اند، ضرورت دارد.

طرح ریزی عملیات

در واقع از بدو تجاوز دشمن به خاک میهن اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و طرحی که برای توقف پیشروی دشمن و تثبیت او در سال اول جنگ اجرا شد، طرح ریزی‌ها برای بیرون راندن مهاجم هم در دستور کار فرماندهان و قرارگاه‌های جنگ قرار گرفته بود و آنها لحظه‌ای از فکر پاکسازی مناطق اشغالی از دشمن غفلت نکرده بودند و در سال اول جنگ علاوه بر توقف و تثبیت دشمن، با اجرای ده‌ها عملیات، تجربیات ارزشمندی را هم کسب کردند و به ویژه سپاه پاسداران توانسته بود سازمان رزمی کاملی را بیابد و با آغاز نخستین دور از عملیات‌های گسترده، سازماندهی رزمی در سطح گردان، تیپ و سپس لشکر را تجربه و آن را عملاً در کنار نیروهای ارتش در عملیات‌ها بکار بگیرد. همراهی این دو لشکر الهی سبب شد پیروزی‌ها یکی پس از دیگری برای ملت ایران به ارمغان آورده شود.

پس از اجرای عملیات غرورآفرین و سرنوشت ساز ثامن الائمه(ع) (شکست حصر آبادان)، بیرون راندن مهاجم از خاک میهن اسلامی با توجه به اهمیت و جایگاه جبهه جنوب، در اولویت قرار گرفت و این جبهه به سه بخش شمالی (منطقه دزفول)، میانی (منطقه بستان) و جنوبی (منطقه خرمشهر) تقسیم شد. درباره اولویت اجرای عملیات در هر یک از این مناطق، بحث‌های زیادی در سطح فرماندهان و قرارگاه‌های عملیات ارتش و سپاه پاسداران انجام گرفت که بر همین اساس نتیجه این بحث‌ها منجر به طراحی سه عملیات طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس شد که به ترتیب در مناطق مذکور اجرا شدند. این که اجرای عملیات در منطقه خرمشهر به مرحله سوم محول شد، ناشی از سختی و پیچیدگی این عملیات بود.

پس از این که دو عملیات طریق القدس و فتح المبین با موفقیت کامل اجرا شدند، طرح ریزی عملیات بیت المقدس از دهه دوم فروردین ۱۳۶۱ آغاز و تا اواخر همین ماه تهیه و تکمیل و به یگان‌های شرکت کننده ابلاغ شد. یگان‌ها بر همین اساس برای عملیات، آمادگی‌های لازم را کسب کردند که البته فرصت زمانی قابل توجهی هم نبود.

در این طرح، علاوه بر قرارگاه مشترک کربلا، اجرای عملیات در سه محور به قرارگاه‌های فرعی که آنها هم مشترک بودند، به شرح ذیل محول شد:

۱ـ محور شمالی؛ قرارگاه قدس (با عبور از رودخانه کرخه).

۲ـ محور میانی؛ قرارگاه فتح (با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز ـ خرمشهر).

۳ـ محور جنوبی؛ قرارگاه نصر (با عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر).

اجرای عملیات

با خاتمه استقرار یگان‌ها در مناطق تعیین شده و پیش‌بینی‌های مهندسی رزمی، ساخت جاده‌ها و پل‌ها و برقراری قرارگاه‌ها و پاسگاه‌های فرماندهی مشترک ارتش و سپاه پاسداران همه چیز برای آغاز عملیاتی سرنوشت ساز آماده شد.

الف) آغاز عملیات و مرحله نخست: ساعت ۳۰ دقیقه بامداد جمعه ۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ با رمز یا علی بن ابی طالب(ع)، عملیات غرورآفرین بیت المقدس با شرکت رزمندگان دلیر ارتش و سپاه پاسداران، نیروهای مردمی و جهادسازندگی، همراه با نقش بی‌بدیل تیزپروازان هوانیروز و نیروی هوایی ارتش و مشارکت نیروی دریایی آغاز شد. البته چند ساعت قبل از ابلاغ رمز عملیات و در ساعات پایانی روز نهم اردیبهشت ماه تعدادی از یگان‌ها، عبور خود را از رودخانه شروع کرده بودند حتی تعدادی از گردان های سپاه پاسداران از قرارگاه فتح صبح همین روز از رودخانه عبور کرده و در ساحل غربی آماده حرکت بودند. دو ساعت قبل از عملیات و حدود ساعت ۱۰ شب عبور عمده قوای قرارگاه‌های فتح و نصر از رودخانه خاتمه یافت و این نیروها با استفاده از تاریکی با سرعت به سمت غرب به راه خود ادامه دادند تا پس از انهدام نیروهای تأمین دشمن خود را به جاده اهواز ـ خرمشهر برسانند. نیروهای قرارگاه قدس هم زیر آتش شدید و مقاومت دشمن از کرخه کور عبور کردند و به خاکریزهای دشمن یورش بردند. در منطقه نورد، قدس ۵ ـ خود را به مواضع توپخانه دشمن در دب سلیمان رساند.

نیروهای عراقی در شانه شرقی جاده اهواز ـ خرمشهر خاکریز بلندی را ایجاد کرده بودند که در صحنه عملیات علیه خود آنها به کار رفت. یگان‌های قرارگاه فتح پس از رسیدن به این خاکریز و درگیر شدن با دشمن مقاومت نیروهای عراقی را در هم شکستند و قبل از آن که آنان بتوانند از این خاکریز به عنوان یک موضع پدافندی سدکننده استفاده کنند آن را تصرف و از آن برای دفع پاتک‌های سنگین دشمن بهره‌برداری کردند. همزمان و همپای پیشروی رزمندگان اسلام، جهادگران پرتلاش جهادسازندگی هم زیر آتش سنگین دشمن خاکریزهای لازم را برای حفاظت دلاورمردان رزمنده فراهم می‌کردند به طوری که در نخستین شب از آغاز عملیات خاکریزی به طول ۱۶ کیلومتر در سراسر ضلع جنوبی سر پل متصرفی ساخته شد.

در نخستین مرحله از عملیات بیت المقدس اغلب یگان‌ها به اهداف از پیش تعیین شده دست یافتند و موفق شدند به سمت غرب پیشروی کنند. در این مرحله سر پل تأمین و یگان‌ها به یکدیگر ملحق شدند، ولی یگان‌هایی که از شمال به سمت جنوب عمل می‌کردند به علت وجود موانع طبیعی رودخانه کرخه و وجود مناطق آب گرفته و باتلاقی بودن بعضی از قسمت‌ها، موفق به پیشروی در محورهای واقع در جنوب اهواز و هویزه نشدند. اما ضربات شدیدی به لشکر ۳ عراق وارد آوردند و از کمک رسانی این لشکر به سایر مناطق جلوگیری کردند.

ب) مرحله دوم: مرحله دوم عملیات ساعت ۲۲ و ۱۵ دقیقه روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ با رمز یاعلی ابن ابیطالب(ع)، توسط قرارگاه فتح و نصر به منظور انهدام نیروهای دشمن در مقابل سر پل و رسیدن به خط مرز آغاز شد. نیروهای عراقی در مقابل هجوم سریع و توأم با غافلگیری نیروهای خودی، مقاومت اندکی از خود نشان دادند اما به زودی به حالت فرار، مبادرت به عقب نشینی کردند.

روز ۱۸ اردیبهشت، نیروهای دشمن از مناطق نیسان و کرخه و نورد، عقب نشینی کردند و رزمندگان قرارگاه قدس ضمن تعقیب نیروهای در حال فرار دشمن، خاکریزهای اول و دوم آنان را به اشغال خود درآوردند. با ترمیم بریدگی‌های جاده اهواز ـ خرمشهر، یگان‌هایی از قدس ۵ و قدس ۲ به پیشروی خود ادامه دادند و در ساعت ۱۴ پادگان حمید پس از ۹ ماه باز پس گرفته شد.

دشمن از این پس همه قوای خود را روی دفاع از جبهه شرق بصره و خرمشهر متمرکز کرد و به همین منظور دو لشکر خود را از منطقه کرخه کور به عقب کشید و در طول خط مرزی کوشک طلاییه با حفر کانال و ایجاد میادین مین و استحکامات صحرایی یک خط پدافندی به وجود آورد.

> * دستاوردهای عملیات غرورآفرین بیت المقدس بسیار چشمگیر و از نشانه‌های رحمت ولطف خداوند بر ملت ایران بود و شمار بالای اسرای دشمن هم شگفتی جهانیان را برانگیخت

پ) مرحله سوم و نهایی: دراجرای سومین مرحله از عملیات بیت المقدس با هدف آزادسازی خرمشهر رزمندگان اسلام که در قالب سه قرارگاه قدس، نصر و فتح سازماندهی شده بودند و متشکل از سه لشکر و چهار تیپ عملیاتی ارتش و دو لشکر و هفت تیپ عملیاتی سپاه پاسداران بود، عملیات را ادامه دادند.

ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه روز ۱۹ اردیبهشت قرارگاه نصر برای تأمین شلمچه و محاصره خرمشهر تک خود را آغاز کرد و به خطوط دشمن یورش برد.

پس از ۱۰ روز از آغاز تلاش برای فتح خرمشهر، سرانجام ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه روز یکم خرداد ماه ۱۳۶۱ و با رمز یا محمدبن عبدالله(ص)، عملیات اصلی برای آزادی خرمشهر آغاز شد. قرارگاه فتح ساعت ۳ و ۴۵ دقیقه بامداد روز دوم خرداد به جاده آسفالته خرمشهر ـ شلمچه رسید و به سوی پل شروع به پیشروی کرد و نیروهای عراقی تحت فشار خرد کننده رزمندگان نصر ۲ به حوالی نهر خین عقب رانده شدند وارتباط زمینی نیروهای مستقر در خرمشهر و منطقه شلمچه قطع شد.

ساعت ٦ و ۳۰ دقیقه قرارگاه فتح، خرمشهر را محاصره کرد و با رسیدن به پل نو به سوی رودخانه به پیشروی خود ادامه داد. ساعت دو بعدازظهر به رودخانه رسید و نصر ۳ هم جاده دژها را اشغال کرد و فتح به سواحل اروند دست یافت.

پس از موفقیت در این مرحله، قرارگاه مشترک کربلا به قرارگاه فتح مأموریت داد تا با ورود به خرمشهر این شهر را از لوث وجود نیروهای عراقی پاک کند. قرارگاه نصر هم مأموریت یافت تا در سمت غرب و شلمچه ضمن پدافند، نسبت به انهدام سرپل دشمن اقدام کند و مقابل پیشروی نیروهای دشمن به سمت شرق را سد کند. ساعت سه بامداد روز سوم خرداد ماه با نصب یک دستگاه پل شناور درمنطقه مارد، رزمندگانی از تیپ ۲۳ نیروهای ویژه هوابرد و تکاوران نیروی دریایی ارتش از کارون عبور کردند و به ساحل شرقی کارون وارد شدند. تعدادی از افراد دشمن با استفاده از قایق و عبور از اروند تلاش کردند تا با استفاده از تاریکی شب فرار کنند اما تعدادی از قایق‌های آنها زیر آتش تکاوران دریایی قرار گرفت و غرق شدند.

ساعت ۱۱ روز سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ و در حالی که درگیری شدید بین رزمندگان نصر ۲ و فجر ۳ در شمال نهر خین با نیروهای دشمن در جریان بود، یگان‌های قرارگاه فتح متشکل از رزمندگان ارتش و سپاه و بسیج مردمی از سمت غرب وارد خرمشهر شدند. دشمن در منطقه گمرک خرمشهر از خود مقاومت نشان می‌داد که به سرعت در هم شکسته شد و رزمندگان دلیر اسلام از شمال، غرب و شرق وارد شدند و سرانجام خرمشهر که ساعت ٤ بعدازظهر ٤ آبان ۱۳۵۹ پس از ۳۵ روز مقاومت به اشغال دشمن در آمده بود، پس از ۵۷۸ روز آزاد شد و به آغوش وطن اسلامی بازگشت و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی بر فراز گنبد مسجد جامع شهر برافراشته شد. دستاوردهای عملیات غرورآفرین و شگفت‌انگیز بیت المقدس هم بسیار چشمگیر و از نشانه‌های رحمت لطف خداوند بزرگ بر این ملت شهید پرور بود. به طوری که ضایعات و تلفات وارد شده بر نیروهای عراقی در طی این عملیات و شمار بالای اسرای دشمن، شگفتی جهانیان را برانگیخت. طی این عملیات، ۵۰۳۸ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده از جمله شهرهای خرمشهر و هویزه و همچنین پادگان حمید و جاده اهواز ـ خرمشهر آزاد شدند. همچنین ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی تأمین شد. طی این عملیات حدود ۱۹ هزار نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند و بالغ بر ۱۶ هزار نفر هم کشته و زخمی شدند.

بازتاب عملیات در رسانه‌های خارجی

در طول هشت سال دفاع مقدس، رسانه‌های خارجی در همراهی با سیاست‌های حمایتی قدرت‌های استکباری از رژیم بعث همواره اخبار جنگ را به طور جانبدارانه منعکس می‌کردند و تا زمانی که بیان واقعیات انکارناپذیر آنها را وادار نمی‌کرد، از بیان موفقیت‌های رزمندگان اسلام خودداری می‌کردند که عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر از آن جمله بود.

رادیو دولتی انگلیس که در شامگاه نهم اردیبهشت ۱۳۶۱ اعلام می‌کرد: «چنانچه ایرانیان درصدد بازپس گرفتن خرمشهر برآیند، سخت‌ترین «گردو» را برای شکستن برگزیده‌اند، سرانجام ناچار شد سکوت خود را بکشند و طی گفتاری در روز پنجم خرداد ماه سال ٦۱ یعنی دو روز پس از آزادسازی خرمشهر توسط رزمندگان اسلام، اعلام کرد: «از زمانی که خبرنگاران غربی از نیروهای عراقی در خرمشهر دیدن کرده و از روحیه خوب آنها گزارش داده‌اند، بیش از سه یا چهار روز نمی‌گذرد که ناگهان همه شهر از دست عراقی‌ها بیرون کشیده شد.» ساعت ۱۰ و ۵۵ دقیقه بامداد چهارشنبه، چهارم خرداد ٦۱ خبرگزاری‌های بین المللی، در گزارش‌هایی که با عنوان «بسیار مهم» از بغداد به سراسر جهان مخابره کردند، برای نخستین بار ضمن استناد به بیانیه نظامی بغداد اعلام کردند که عراق تلویحاً به شکست خود اعتراف کرده است. خبرگزاری رسمی عراق طی یک اطلاعیه کوتاه ضمن آن که از خرمشهر با عنوان «بندر خرمشهر» نام برد اعلام کرد: سخنگوی ارتش عراق اعلام کرده است بندر خرمشهر را ترک کرده و تا مرزهای بین المللی عقب نشینی کرده‌اند. این خبرگزاری افزود که عقب نشینی نیروهای عراقی، از روز یکشنبه اول خرداد ۱۳٦۱ آغاز شده است.» خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس در گزارش ارسالی خود از بیروت، سربازان عراقی را در حال فرار توصیف کرد و نوشت: «... سربازان در حال فرار عراق، سرگرم گریختن از خرمشهر و مناطق اشغالی هستند». رادیو دولتی صدای آمریکا پس از پنج شبانه روز سکوت و امتناع از انعکاس خبر فتح خرمشهر توسط نیروهای ایران، سرانجام در گزارش ویژه هشتم خرداد ۱۳٦۱ خود می‌گوید: «با وجود مشکلات تدارکاتی، ناآرامی‌های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروهای هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه‌ای اعجاب‌آور عمل کرد».

خرمشهر را خدا آزاد کرد

جمله معروف و فراموش نشدنی حضرت امام(ره) مبنی بر این که «خرمشهر را خدا آزاد کرد» را چگونه می‌توان تعبیر کرد؟ آیا واقعاً با این بیان زحمات و ایثار رزمندگان اسلام نادیده گرفته می‌شود؟ قطعاً این گونه نیست و سایر فرمایشات حضرت امام(ره) نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه نقش رزمندگان اسلام را در پیروزی‌ها در جبهه‌های نبرد مهم می‌دانستند اما چرا در مورد سایر عملیات‌ها که در آنها هم پیروزهای غرورآفرینی کسب شده همانند عملیات ثامن الائمه(ع)، عملیات طریق‌القدس که آن را فتح الفتوح نامیدند و عملیات بسیار بزرگ و تاریخی فتح المبین که کمر ارتش بعث را شکست، چنین تعبیری بکار نبردند؟

اولاً این جمله بیانگر عظمت این عملیات و تمایز آن با سایر عملیات‌هایی بود که تا آن تاریخ انجام شده بود و تأکیدی است بر این که بدون لطف و عنایت الهی چنین کار بزرگی قابل انجام نبوده است.

ثانیاً وقتی می‌گوئیم کاری را خدا کرد به معنای این نیست که عمل کننده‌ای در عالم مادی برای آن نبوده است.

ثالثاً به شرایط آن روز باید توجه کرد که رزمندگان اسلام به پیروزهای پیاپی دست یافته بودند و این شرایط می‌توانست موجب غرور رزمندگان و به ویژه فرماندهان جنگ که درگیر جزئیات عملیات‌ها بودند، شود. امری که می‌توانست خط پایانی بر پیروزی‌ها باشد.

نتیجه گیری

عملیات بیت‌المقدس همانند هر عملیات دیگری علاوه بر درس‌های تاکتیکی که به فرماندهان و رزمندگان داد، درس بزرگش که باید از کلیات دفاع مقدس آموخت و هیچ‌گاه فراموش نکرد، این است که با توکل بر خدا و ایمان به الطاف او می‌توان به اهدافی که در محاسبات عادی دست نیافتنی جلوه می‌کنند، دست یافت و بزرگی اهداف و سختی و پیچیدگی مسیر نباید یک ملت با اراده را در تصمیم گیری برای دستیابی به آن با تردید مواجه کند هرچند که تمامی ابعاد موضوع باید مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و شیوه‌های مناسبی اتخاذ شود.

درس دوم، نتیجه مطلوب همدلی و اتحاد آحاد رزمندگان اسلام و تمرکز افکار بر هدف بود که در این عملیات در سطوح مختلف فرماندهی و اجرایی نمایان بود.

درس سوم را حضرت امام(ره) با بصیرت الهی به رزمندگان و همه ملت ایران بود که غره از پیروزی‌های خود نشوند و همواره مددهای الهی را در چنین پیروزی‌هایی مد نظر قرار دهند و غافل نشوند.

با درود بی پایان به روان پاک شهیدان و به امید پیروزی نهایی اسلام بر تمامی جبهه کفر.

۱۰

در دومین مرحله تدوین طرح عملیاتی، چهار فروند هواپیمای شکاری مجهز به کد آلرت هم در پایگاه نهم شکاری در نظر گرفته شد که دو فروند از آن‌ها در مرحله نخست پیاده‌سازی طرح، ضمن حمایت از یکدیگر، با اشراف بر عملیات رهگیری و پیگیری روند آن، هدایت هواپیمای مسافربری را برای فرودی مطمئن و امن بر عهده داشته باشند. از طرف دیگر (احتمالاً به دلیل طولانی شدن عملیات)، به دستور فرمانده نیروی هوایی مقرر شد دو فروند هواپیمای کاملاً مجهز اف ٤ نیز به صورت خلبان آماده بر روی باند پرواز منتظر صدور فرمان پرواز و پیوستن به جمع شکاری‌های دیگر باشند.

علاوه بر آن از پایگاه‌های شکاری (تبریز)، شکاری (همدان)، شکاری (دزفول)، و شکاری (بوشهر) هم خواسته شد تا مجرب‌ترین خلبانان و عوامل پروازی خود را (مطابق با طرح عملیاتی پدافند هوایی و گشت و پوشش رزمی آسمان منطقه) به محل کار فراخوانند و ضمن مسلح کردن هواپیماها به کد آلرت، آن‌ها را در حالت آمادگی کامل قرار دهند. این تصمیم در واکنش به هرگونه عملیات احتمالی و مداخله‌جویانه نیروهای بیگانه اتخاذ شده بود.

در پایان هم قرار بر این شد هواپیماهای سوخت‌رسان بوئینگ ۷۰۷ و ۷۴۷ از منطقه هوایی مهرآباد تهران به پرواز درآمده و ضمن تقرب به نقاط ایستایی (موقعیت از پیش تعیین شده در مجاورت هواپیماهای رهگیر خودی) بر فراز آسمان آماده تحویل سوخت به هواپیماهای درگیر در عملیات باشند.

پایگاه نهم شکاری

ساعت ۲۳ و ۴۵ دقیقه سوم اسفند ماه سال ۱۳۸۸ بود، تلفن مستقیم و قرمز رنگ فرماندهی، در محل کار فرمانده پایگاه نهم شکاری به صدا درآمد.

فرمانده که پس از پشت سر گذاشتن فعالیت‌های روزانه عملیاتی آماده استراحت شبانه می‌شد، به سرعت گوشی را برداشت.

آن سوی خط صدای آشنای رئیس مرکز پست فرماندهی نیروی هوایی بود:

شب بخیر امیر! فرمانده محترم نهاجا می‌خواهند با شما درباره موضوع بسیار مهمی صحبت کنند.

این تلفن و این پیام برای او تازگی نداشت. او با روحیات فرمانده خود از نزدیک آشنا بود. پس از احوالپرسی مختصر و اندکی نگرانی در این فکر بود که چه چیز سبب شده است فرماندهی مستقیماً با او تماس بگیرد.

به نظر می‌رسید بار سنگین مسئولیت از تعارفات و تکلفات عادی روزمره کاسته است، زیرا فرمانده نیروی هوایی بسیار جدی و با لحن آمرانه‌ای صحبت می‌کرد. وی اصل موضوع را در قالب پیامی کوتاه ولی واضح مطرح کرد:

یک فروند هواپیما در ساعت نیم بامداد از فرودگاه دبی پرواز و به سمت بیشکک حرکت خواهد کرد و همانطور که می‌دانید از کریدور هوایی کشورمان خواهد گذشت. از شما می‌خواهم به هر صورت ممکن این هواپیما را رهگیری و وادار به فرود اجباری در فرودگاه بندرعباس کنید: تکرار می‌کنم، این هواپیما نباید از محدوده پروازی بندرعباس خارج شود.

دستور در نهایت اختصار، متضمن بار و فشار عملیاتی خاص خود بود.

بله قربان... دستور شما به دقت پیگیری و اجرا خواهد شد.

پایان تماس سرتیپ خلبان شاه‌صفی، برای فرمانده پایگاه نهم شکاری آغاز تازه‌ای از یک مأموریت شبانه بود. وی در اولین اقدام در تماسی با پست فرماندهی پایگاه خواستار اطلاع از مسیر ورودی همه هواپیماهای مسافربری و مسیرهای پروازی منتهی به فضای ایران از فرودگاه بین‌المللی دبی شد. پس از آگاهی از زمان تقریبی ورود هواپیمای هدف و در گام بعدی، دستور آمادگی آلرت را برای استارت جنگنده‌های اف‌ـ٤ و آمادگی برای پرواز و شروع عملیات رهگیری صادر کرد.

دستور بعدی او فراخوانی خلبانان وضعیت آلرت ۱۵ دقیقه‌ای و ۳۰ دقیقه‌ای برای آمادگی و استقرار در آلرت شبانه بود. این هواپیماهای شکاری باید در کمترین زمان ممکن جایگزین خلبانان اعزام شده به رهگیری شبانه شده و مجدداً در آلرت مستقر می‌شدند.

ادامه دارد

غرب و بازی با مهره طالبان

بخش اول

سرویس خارجی: آمریکا سعی می کند با مطرح کردن بحث مذاکره، به نوعی طالبان را توانمند نشان داده و نیز دولت آینده افغانستان را در مذاکره با آنان تحت فشار قرار دهد. «جیمز دابینز» نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان درباره گفتگو با طالبان تاکید کرد: «مذاکرات قبلی به علت اینکه طالبان حاضر به گفتگو نبودند، تعلیق شد. اگر طالبان علاقه مند به گفتگو باشند، ما آماده هستیم با آنها گفتگو کنیم.» او مدعی شد که قرار است به زودی افغان ها در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند. «دابینز» تاکید کرد: گروه طالبان مجبور است در مواضع خود بازنگری کند. او گفت آنها باید بدانند به گزینه نظامی نیازی ندارند. در تحلیل این بخش از سخنان «دابینز» باید گفت که چنین اظهاراتی از سوی یک مقام آمریکایی به نوعی، بیانگر این حقیقت است که آمریکا بیش از آن که به فکر مردم و دولت افغانستان باشد، دغدغه طالبان را در ذهن می پروراند و چندان راغب نیست که دولت مستقل و موردوثوق مردم در افغانستان تشکیل شود؛ مردمی که با حضور گسترده خود در انتخابات، نشان دادند که از طالبان و گروه‌های وابسته به آن بیزارند، آن هم در حالی که هنوز نتایج قطعی انتخابات مشخص نبود، اما نماینده آمریکادرامورافغانستان، از دور دوم انتخابات سخن گفت و از سوی دیگر، به دنبال تعیین تکلیف مساله‌ای است که اساسا به آمریکا ارتباطی ندارد؛ به ویژه که قرار است آمریکایی ها، ظاهرا تا پایان ۲۰۱۴ از افغانستان خارج شوند. اکنون که معلوم شده است طالبان بدون حمایت غربی‌ها و برخی از کشورهای منطقه، توان مقابله با نیروهای امنیتی افغانستان را ندارد، آمریکا سعی می کند با مطرح کردن بحث مذاکره، به نوعی طالبان را توانمند نشان دهد و نیز دولت را در مذاکره با آنان تحت فشار قرار دهد و به همین دلیل نیز بارها اعلام کرده که با خروج آمریکا و ناتو، اوضاع افغانستان به سمت آشوب خواهد رفت، درحالی که طی هفته های اخیر، ارتش و پلیس افغانستان توانسته‌اند حملات طالبان در استان‌های مختلف کشور را مهار کنند و با راه‌اندازی عملیات «عقاب» در مقابل حملات بهاری طالبان موسوم به عملیات «خیبر» ایستادگی کنند و بیش از صد نفر از گروه‌های وابسته به طالبان را از بین ببرند. وزارت کشور افغانستان طی بیانیه‌ای اعلام کرد که پلیس ملی این کشور با کمک ارتش، نیروهای سازمان امنیت ملی و نیروهای ائتلاف، عملیات پاکسازی را در ۱۲ ولایت افغانستان انجام داد که در جریان آن ۱۰۵ شبه نظامی مسلح طالبان کشته و تعدادی از آن‌ها زخمی و بازداشت شدند. «جیمز دابینز» همچنین در توکیو اعلام کرد که آمریکا با متحدانش در راستای مشورت‌دهی، تربیت و همکاری با ارتش افغانستان، ماموریت جدیدی را در دست دارند. وی در یک نشست خبری گفت: «امریکا فعلاً روی برنامه خروج سربازانش از افغانستان در پایان سال ۲۰۱۴ کار می کندو نتیجه آن یک یا دو ماه بعد معلوم خواهد شد که چه تعداد از سربازان امریکا در افغانستان باقی خواهند ماند.» دابینز گفت، درحال حاضر ۵۱ هزار سرباز سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به مدیریت امریکا در افغانستان مستقرند، اما در پایان سال ۲۰۱۴ میلادی، شماری زیادی از این سربازان از افغانستان خارج خواهند شد. او تاکید کرد، در سال ۲۰۱۴ سربازان خارجی افغانستان را ترک خواهند کرد، اما شماری از سربازان آمریکایی در این کشور باقی خواهند ماند. این اظهارات نیز نشان‌دهنده آن است که آمریکا نه تنها حاضر به ترک افغانستان نخواهد بود، بلکه در پایگاه‌های نظامی مستقر خواهد شد و حتی این پایگاه‌ها مجهزتر نیز می‌شوند. در واقع حضور آمریکایی‌ها در افغانستان برای سال‌های متمادی خواهد بود و به همین جهت سعی می کنند طالبان قابل کنترلی در افغانستان وجود داشته باشد تا حضورشان به بهانه تامین امنیت در افغانستان توجیه گردد. در یک اظهار نظر دیگری «پیتر کستنر» نماینده ارشد غیر نظامی آمریکا در شمال افغانستان که ماموریتش در این حوزه پایان یافته است، در یک نشست خبری در شهر مزارشریف از گفتگوی کشور متبوعش با نامزدان پیشتاز انتخابات برای رسیدن به یک راه حل مطلوب سیاسی سخن گفت. وی گفت که آمریکا با نامزدان پیشتاز انتخابات برای دریافت یک راه حل مناسب و مطلوب سیاسی که به نفع افغانستان باشد، در حال گفتگوست. با رسیدن انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم، نماینده آمریکا تاکید کرد که کشورش از این روند پشتیبانی می کند و هیچگاه از شخص معینی حمایت نخواهد کرد، اما همواره در تلاش برای حمایت پروسه ملی انتخابات افغانستان است. این مطالب از سوی وی در رابطه با پیمان امنیتی امریکا و افغانستان قابل تحلیل است. وی تاکید کرده است که «هر دو نامزد پیروزدور اول انتخابات وعده داده اند که در صورت برنده شدنشان، این پیمان را امضاء خواهند کرد. این پیمان هر قدر زودتر امضاء شود به نفع هر دو کشور و برای سیاست و برنامه سازی مقامات امنیتی آمریکا مهم است.» این اظهارات نیز نشان می‌دهد که جدا از بحث تشکیل دولت ائتلافی یا برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، آمریکا به دنبال امضا شدن قرارداد امنیتی از سوی نامزد پیروز انتخابات است؛ هر چند که گزینه مطلوب آمریکا بیشتر «اشرف‌غنی احمدزی» است که سال‌ها در آمریکا بوده و یک تکنوکرات مجری سیاست‌های آمریکا خواهد بود و اکنون هم آمریکایی ها به شدت منتظر آغاز روند دور دوم انتخابات هستند تا با تحریک احساسات قومی و تقلب، بتوانند اشرف غنی را به عنوان طرف پیروز انتخابات از صندوق‌ها خارج کنند. به هر حال، دخالت آشکار آمریکایی‌ها در امور افغانستان بر هیچکس پوشیده نیست و این انتظار که با پایان سال ۲۰۱۴، آمریکا در امور این کشور دخالتی نخواهد کرد، دور از واقعیت است. طی هفته های گذشته، مقامات سیاسی آمریکا در خصوص مذاکره با طالبان، گفتگو با نامزدان پیشتاز انتخابات برای تشکیل دولت ائتلافی، امضای توافقنامه امنیتی کابل – واشنگتن و حضور بخشی از نیروهای امریکا تا ۲۰۲۴، اظهاراتی کرده‌اند که به نوعی نشان می‌دهد این کشور دست از دخالت خود در افغانستان برنداشته و تنها به فکر منافع و اهداف خود در افغانستان است و به همین خاطر، برای ایجاد دولت ضعیف در افغانستان، نخست سعی دارد طالبان راقدرتمند نشان دهد و بحث مذاکره را مطرح می کند و از سوی دیگر، برتشکیل دولت ائتلافی و امضای قرارداد امنیتی تاکید دارد.

*** اظهارات «جیمز دابینز» نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان، مبنی براین که اگرطالبان علاقه مند به گفتگو باشند، ماآماده هستیم باآنها گفتگوکنیم، به نوعی بیانگراین حقیقت است که آمریکابیش ازآن که به فکرمردم ودولت افغانستان باشد، دغدغه طالبان رادارد وچندان راغب نیست که دولت مستقل وموردوثوق مردم درافغانستان تشکیل شود؛ مردمی که باحضور گسترده خوددرانتخابات، نشان دادندکه ازطالبان و گروه‌های وابسته به آن بیزارند**

*** پیامدهای حضور انگلیس در افغانستان**

نه فقط آمریکاومداخلاتش در تمامی امورسیاسی، نظامی، اجتماعی واقتصادی افغانستان، بلکه حضورنظامی سایرکشورهای غربی نیزدرطول سال‌های اشغال این کشور، پیامدهای عموما ناگواری برای افغان ها داشته است. به عنوان مثال، عملکرد انگلیس درحوزه نفوذ نظامی اش درافغانستان، نشان می دهد که فقط در سال ۲۰۱۳، بیش از ۲۰۹ هزار هکتار از زمین‌های زراعی افغانستان به کشت خشخاش و تولید مواد مخدر اختصاص یافته و به نوعی، زمینه را برای کشت تریاک توسط طالبان آزاد گذاشته است. «فیلیپ هاموند» وزیر دفاع انگلیس در سفری به افغانستان، رسما پایان فعالیت پایگاه نظامی «استرگا» واقع در ولایت هلمند افغانستان را اعلام کرد. با تعطیلی این پایگاه، نیروهای انگلیسی تنها در اردوگاه موسوم به «باستیون کمپ» و همچنین مناطق حومه کابل و قندهار مستقر خواهند بود. پایگاه «استرگا» در اوت سال ۲۰۱۳ با هدف جمع آوری اطلاعات و ارائه کمک به نیروهای آمریکایی و انگلیسی مستقر در منطقه راهبردی مرکز هلمند راه‌اندازی شد. این پایگاه در زمان اوج خود، ۱۸۰ پرسنل داشت، اما این افراد در زمان تعطیلی به ۹۰ نفر کاهش یافته بود. بنا بر اعلام وزارت دفاع انگلیس، تجهیزات مستقر در این پایگاه، در قالب بیش از ۱۰۰ محموله و از طریق هوا و جاده از منطقه خارج می‌شود. تمام ۱۳۷ پایگاه نیروهای نظامی انگلیس قرار است تا پایان سال جاری میلادی، که موعد خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان است، تعطیل شود. «فیلیپ هاموند» در جمع نیروهای انگلیسی در پایگاه «استرگا»، تعطیلی این پایگاه را یک گام مهم در راستای پایان عملیات نظامی انگلیس در افغانستان خواند و اعلام کرد که اعزام سرباز به افغانستان با وجود تلفات سنگین، ارزشش را داشته است.

همچنین تاکید کرد که ارتش انگلیس به طور کامل تا پایان سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک می کند، اما چند صد سرباز تا سال ۲۰۱۶ در این کشور باقی می‌مانند تا ارسال تجهیزات نظامی و تسلیحات را انجام دهند. بر اساس ارزیابی‌های وزارت دفاع، از یک تا ۲ میلیون پوند برای این عملیات هزینه خواهد شد. نیروهای انگلیسی پیشتر ۱۳۷ پایگاه در افغانستان داشتند. تنها پنج پرسنل از ۴۵۳ پرسنل نظامی انگلیس که در افغانستان کشته شدند، از پایگاه هلمند بودند که در ژانویه ۲۰۰۶ جان باختند. بنابراین، آخرین واحد نظامی نیروهای انگلیسی، قرارگاه فرعی خود در حومه شهر «لشکرگاه» مرکز استان هلمند افغانستان را ترک کرد و سربازان انگلیسی باقیمانده در این استان، در پایگاه اصلی آن نیروها یعنی اردوگاه باستیون مستقر هستند. انگلیس بعد از سقوط طالبان از قدرت درسال ۲۰۰۱، ابتدا در پایگاه هوایی «بگرام» مستقر شد و بعد از آنکه نیروهای آمریکایی وارد افغانستان شدند، نیرو های انگلیسی به هلمند رفتند تا از یک طرف به برقراری نظم و امنیت در این ولایت کمک کنند و از سوی دیگر، به بازسازی استان هلمند بپردازند، چون ماموریت جهانی مبارزه با مواد مخدر از سوی سازمان ملل به انگلیس سپرده شده بود و هلمند یکی از پایگاه‌های مهم و اساسی کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان به شمار می‌آمد. اما عملکرد انگلیس نشان می‌دهد که فقط در سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۰۹ هزارهکتار (در ۲۰۱۱ حدود ۱۵۵ هزار هکتار زیرکشت تریاک بودکه آمار ۲۰۱۳ نشان ازافزایش ۵۵ هزار هکتاری کشت تریاک و خشخاش در افغانستان حکایت دارد.) از زمین‌های هلمند به کشت خشخاش و تولید مواد مخدر اختصاص یافته و به نوعی زمینه را برای کشت تریاک توسط طالبان آزاد گذاشته است واین درحالی است که طالبان از درآمد مواد مخدردر جهت افراط گرایی وضربه زدن به امنیت افغانستان استفاده می کند. واقعیت این است که با خروج انگلیس از خاک افغانستان، انگلیسی‌ها سیاست‌های خود را در افغانستان به شکل دیگری پیگیری می کنند؛ نظیر ارتباط گیری با جریان‌های سیاسی و شخصیت‌های مهم افغانستان، انجام عملیات‌های جاسوسی یا امتیازدهی به گروه‌های طالبان. عملکرد نیروهای انگلیسی در هلمند نیز نشان می‌دهد که انگلیس بیشتر به کار استخباراتی و جاسوسی، رابطه گیری و امتیازدهی به برخی از گروه‌های طالبان پرداخته تا این که به حمله نظامی برای حل قضیه معتقد باشد.

به همین خاطر بطور مخفیانه با مخالفان دولت افغانستان مذاکره صلح را دنبال کرده و حتی برخی از مناطق هلمند را به طالبان واگذار کرده بودند. علت این که تلفات انگلیسی‌ها در این استان تنها ۵ سرباز بوده، به دلیل توافقاتی بود که با طالبان کرده بودند. انگلیسی‌ها نه تنها با طالبان نمی جنگیدند، بلکه گاه برای نیروهای افغان نیز دراین ولایت مشکل ایجاد کرده، یا سلاح و تجهیزات در اختیار طالبان قرار می‌دادند و حتی دربرخی گزارش‌ها عنوان شد که بخشی از جابجایی شبه نظامیان طالبان به شمال و مناطق آرام، توسط انگلیسی‌ها صورت می‌پذیرفت. نقش انگلیس درافغانستان پس از ۲۰۰۱، عمدتاهمراهی و حمایت از سیاست‌های آمریکا در افغانستان بوده است. اما رقابت و گاه اختلاف در سیاست‌های آمریکا و انگلیس نیز در افغانستان مشهود بود. پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی آمریکا به افغانستان با شعار مبارزه با تروریسم، اولین کشوری که در این خصوص با آمریکا همراهی کرد، انگلیس بود. اما با این حال، انگلیسی‌ها در چشم انداز برقراری صلح و امنیت در افغانستان، عموما با آمریکایی‌ها همسو نبوده و بیشتر به طیف‌ها و گروه‌های اسلامی در افغانستان توجه داشته و به نوعی، در طبقات و لایه‌های زیرین جامعه افغانستان به طور گسترده و عمیق نفوذ دارند. به ویژه که سابقه حضور انگلیس و سیاست‌های آن در افغانستان، محدود به دو دهه قبل یا پس از حمله نظامی امریکا به افغانستان در ۲۰۰۱ نیست.

این کشور فرامنطقه‌ای، از بیش از دو قرن پیش ودرزمان «شاه شجاع» درسال ۱۸۰۹ دخالت‌هایش را در افغانستان شروع کرد و افغانستان همواره ارزش استراتژیک زیادی برای انگلیس داشته است. انگلیسی‌ها طی این سال‌ها در افغانستان با اغلب جریانات و گروه‌های سیاسی کار کرده و در طول تاریخ معاصر افغانستان، چندین بار دولت‌های افغانستان را زیر و رو کرده است؛ هر چند که در جنگ با افغان‌ها سه بار شکست های تلخ خورده است. واقعیت این است که طی سال‌هایی که نیروهای انگلیسی عمدتا در استان استراتژیک هلمند حضور داشتند و مسئولیت مبارزه با مواد مخدر به این کشور سپرده شده بود، نه تنها کشت و تولید مواد مخدر کاهش نیافت، بلکه رشد چشمگیری را نیز تجربه کرد و در خصوص نحوه برخورد و مواجهه با طالبان، انگلیسی‌ها از سیاست معامله، مذاکره وحتی باج دهی استفاده کردند. در واقع ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان که یکی از ماموریت‌های کشورهای عضو ناتو اعلام شده بود، به صورت دیگری تفسیر و عملی می‌شد وانگلیسی ها اصولا به دنبال ریشه‌کنی کشت تریاک و مواد مخدر نبودند. شاید یکی از دلایل احساس رضایت وزیر دفاع انگلیس از حضورشان در هلمند، وقتی که اعلام کرد افغانستان ارزش این تعداد تلفات را داشته است، به همین دلیل باشد. اما آنچه روشن است، این که انگلیسی‌ها بیش از هر کشور اروپایی در افغانستان در کنار نیرو های آمریکایی باقی خواهند ماند و برای حفظ منافع منطقه‌ای خود، سخت به این حضور نیاز دارد. به همین جهت انگلیس درقدم اول، هلمندوافغانستان ودرقدم دوم، حضوردرمنطقه رااز دست نخواهدداد و به شکل دیگری، سیاست‌هایش رادنبال خواهد کرد. دراین بین، دولت انگلیس اعلام کرد که در حوزه‌های مختلفی از جمله تلاش های تحت رهبری افغان‌ها برای پیشرفت در یافتن یک راه‌حل سیاسی پایدار، ارتقای توان نیروهای امنیتی ملی افغان تا از قابلیت کافی برخوردارشوند و بتوانند شورش ها را مهار کنند، جلوگیری از ایجاد پناهگاه‌های امن برای تروریست‌های بین‌المللی و ایجاد یک حکومت پایدار در افغانستان، از دولت کابل حمایت می کند.

بنابراین به نظر می‌رسد با خروج نیروهای نظامی انگلیس از افغانستان، سیاست‌های این کشورهمچنان تداوم خواهد یافت. به هر حال انگلیسی هادرکنارامریکایی‌ها، دنبال منافع واهدافی هستندکه تاکنون تضمین کننده صلح، امنیت، ثبات وتوسعه‌افغانستان‌نبوده‌است. درواقع، انگلیسی هادارای اهداف متعدد سیاسی، اقتصادی، نظامی وحتی فرهنگی هستندوبه نوعی برای هریک از این جنبه‌هامی توان مولفه‌ها وشاخصه‌هایی بیان کرد. آنها با تغییر رویکرد خود، به تداوم حضور در افغانستان می‌اندیشند.

*** مذاکره با طالبان؛ بازی باخت – باخت**

افرط گرایی، تروریسم وپدیده طالبانیسم، صرفا گرفتاری افغانستان نیست وپاکستان نیزبه سهم خود، ازاین معضلات سهم دارد. بازیگران مختلف درصحنه سیاسی پاکستان، در رشد پدیده افراط دخالت جدی دارند و تلاش زیادی کرده‌اند تا جغرافیای افراط گرایی و تروریسم در سراسر این کشور، حتی در کشورهای منطقه و آسیای مرکزی گسترده شود. موضوع مذاکره دولت پاکستان با شبه‌نظامیان طالبان در مناطق قبایلی، پس از روی کار آمدن نواز شریف قوت گرفت و طی یک سال گذشته چندین دور گفتگو بین کمیته‌های صلح طرفین برگزار شد که حاصل آن، توافق بر سر توقف درگیری‌ها و اعلام آتش‌بس بوده است. اما پس از هر اعلام آتش‌بسی، طرفین همدیگر را به نقض این توافق متهم کرده‌اند.

نزدیک به سه ماه از تشکیل کمیته‌های گفتگوی صلح دولت و طالبان پاکستان می گذرد، اما به علت بی‌اعتمادی دو طرف، این مذاکرات تاکنون نتیجه بخش نبوده است. «شاهدالله شاهد» سخنگوی طالبان پاکستان، دولت نواز شریف را به کوتاهی در عمل به وعده‌هایش، از جمله عدم بازداشت سران طالبان و آزادی زندانیان این گروه متهم و در این باره اعلام کردکه در صورت عدم تغییر در مواضع دولت، این گروه دست به حملات گسترده علیه دولت و ارتش خواهد زد. چنین اظهاراتی، حاکی از آنست که قضیه صلح با شبه‌نظامیان، آنطور که تصور می‌شد، آسان نیست. شبه نظامیان طالبان فقط طی یک هفته، به بازار اسلام‌آباد حمله تروریستی کرده و شهر کراچی را نیزهدف حملات خود قرار دادند. انفجاری قوی نزدیک مسجدی دریک محله شلوغ این شهررخ داد که به کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن بیش از ۲۰ نفر منجر شد. همچنین طالبان به یک مقام بلند پایه پلیس به نام «شفیق تانولی» حمله انتحاری کردند که در مبارزه آشتی ناپذیر با طالبان شهرت داشت. هر دو عمل تروریستی توسط افراد مسلح تحریک طالبان صورت گرفت و مسئولیت قتل «شفیق» را افراد قوم «مومن» بر عهده گرفتند.

ادامه دارد

برگزاری مراسم بزرگداشت مرحوم آیت‌الله دِهشت در مشهد

سرویس شهرستان‌ها ـ مراسم بزرگداشت مرحوم آیت‌الله غلامرضا دهشت یکی از علما و اساتید شاخص در حوزه‌های علمیه مشهد دیروز در حرم مطهر امام رضا (ع) برگزار شد.

در این مراسم که با حضور تولیت آستان قدس رضوی؛ آیت‌الله امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران؛ امام جمعه مشهد و جمعی از علما؛ اساتید و طلاب حوزه‌های علمیه و زائران و مجاوران حرم حضرت ثامن‌الحجج (ع) در صحن جامع گوهرشاد حرم مطهر رضوی برگزار شد؛ امام جمعه نیشابور گفت: مرحوم آیت‌الله دهشت با الگو گرفتن از سیره و معارف اهل بیت (ع) در تبلیغ علوم و معارف دینی گام برداشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین اسماعیل مقری افزود: آن مرحوم همواره غصه افرادی را می‌خورد که به سوی معارف دینی و راه صحیح و درست مبتنی برارزش‌های اسلامی هدایت نشده و در ضلالت و گمراهی به سرمی‌بردند.امام جمعه نیشابور همچنین از مرحوم آیت‌الله دهشت به عنوان نماد یک عالم صادق، ناصح و دلسوز جامعه اسلامی یادکرد و گفت: این استاد فقید حوزه‌های علمیه مشهد هیچگاه در این راه به دنبال تأمین منافع مادی نبود؛ بلکه مهمترین دغدغه وی گسترش معارف دینی در جامعه بود.

وی اظهار داشت: آن مرحوم در شرایط کمبود امکانات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت خود را در زمینه نشر معارف اسلامی آغاز کرد و همواره با اندیشه خیرخواهانه در انجام کارهای خیر پیشقدم بود.آیت‌الله غلامرضا دهشت ۲۷ اردیبهشت‌ماه جاری بعداز یک دوره تحمّل بیماری قلبی در سن ۷۷ سالگی در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد دارفانی را وداع گفت.

دیدار رئیس شورای عالی قضایی عراق با دادستان کل کشور

سرویس خبر: رئیس شورای عالی قضایی عراق با دادستان کل کشور دیدار کرد.

محمدالمحمود همراه با هیأت بلندپایه قضایی در محل کاخ دادگستری با حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای دیدار و دو طرف برگسترش هرچه بیشتر روابط دو کشور دوست و همسایه تأکید کردند.

پدر شهیدان میرحسنی دعوت حق را لبیک گفت

شاهرود: پدر شهیدان سید کاظم و سید حبیب الله میرحسنی از شهدای گرانقدر شهرستان شاهرود دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

تشییع جنازه سید حسن میرحسنی دیروز از مسجد مدرسه قلعه شاهرود با حضور خانواده‌های معظم شهدا و آحاد مردم و مسئولان محلی انجام شد.

میزان سموم باقیمانده در محصولات کشاورزی نگران کننده است

رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران، با اشاره به حجم قابل توجهی از سموم باقیمانده در محصولات کشاورزی، خاطرنشان کرد: وجود سموم نباتی موجب بروز سرطان و مشکلات دیگر می‌شود.

به گزارش ایسنا، زالی در بیست و پنجمین کنگره پزشکان متخصص داخلی، با اشاره به تغییر سیمای بیماری‌ها در جامعه، راه حل این مساله را تغییر سبک زندگی مردم دانست و گفت: در سال های اخیر اتفاقات تلخی در حوزه سلامت رخ داده است.وی افزود: اجرای هدفمندی یارانه‌ها باعث کاهش ۲۲ درصدی سرانه مصرف لبنی در کشور شد، همچنین به دلیل تحریم، روغن‌های نسبتا ارزان و بی کیفیتی وارد کشور شد که دارای چربی‌های اشباع شده زیادی هستند و سلامت مردم را به خطر انداخته‌اند.

وی در ادامه به آلوده بودن میوه‌جات به سموم نباتی و وجود میزان فلزات سنگین در آن اشاره کرد و گفت: وجود سم نباتی موجب بروز سرطان و مشکلات دیگر می‌شود.

وی افزود: با مطالعات میدانی که صورت گرفته است، به طور جدی با میزان زیاد مواد آلاینده در محصولات کشاورزی رو به رو هستیم که نیاز است تا دانش کافی را در این زمینه به کشاورزان ارائه دهیم.

زالی در ادامه سخنانش به رو به رو شدن جامعه ایرانی با سالمندی اشاره کرد و گفت: ما هنوز آمادگی مقابله با مشکلات نظام سالمندی را نداریم.

سردار احمدی مقدم: کاهش سوانح و تلفات رانندگی درگرو مدیریت‌های ایمنی است

سرویس حوادث: مدیریت ایمنی ترافیک و مدیریت پس از صحنه تصادف امروز در کنار سه عامل دیگر چالش اصلی برای کاهش میزان تلفات سوانح رانندگی در کشورمان است وبهبود این دو می تواند تا ۵۰ درصد از حوادث وتلفات را کاهش دهد.

سردار احمدی مقدم رئیس پلیس کشور درپنجمین همایش ملی مدیریت ترافیک با بیان این مطلب با اشاره به این که رقم خسارت تصادفات در یک سال مساوی با ۶ درصد تولید ناخالص داخلی کشور است، گفت: این رقم در حالیست که خسارت‌های معنوی همچون میزان معلولیت و از دست دادن سرپرست خانواده‌ها قابل محاسبه نیست.

وی با بیان اینکه از سال ۷۸ به مدت پنج سال شاهد افزایش ۱۱/۳ درصدی کشته‌های ناشی از تصادفات بودیم گفت: بعد از جنگ تحمیلی شاهد افزایش ناگهانی خودروها بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌ها بودیم که این مسئله مشکلاتی را ایجاد کرد.

*** دنبال قانع کردن ما هستند**

رئیس پلیس کشور بااشاره به این که برخی از دستگاه‌ها در این حوزه اخلالگر شده‌اند گفت: مطمئن باشید اگر کوتاه بیاییم کیسه هوا و ترمز ضد قفل هم به حالت قبل برمی‌گردد و شاید بتوانم بگویم که پلیس تنها دستگاهی است که تا آخر می‌ایستد و جای تاسف دارد که بگویم حتی گاهی پلیس را زیر می گیرند! به گونه‌ای که دستگاهی با ما جلسه گذاشت و در مورد یک خودرو پرسانحه سعی داشت که ما را قانع کند که اینگونه نیست و این در حالیست که تمامی آمارهای ما نشان می‌دهد این نوع خودرو دارای بیشترین تصادفات است، اما در یک دستگاهی جلسه می گذارند که ما را قانع کنند!

وی گفت: قانون باید حداکثر شدت عمل را داشته باشد و افزایش قیمت جریمه‌ها در صورتی که در دولت مصوب شود گام مهمی در راستای بازدارندگی خواهد بود.

*** معاینه فنی متولی ندارد**

سردار احمدی‌مقدم با انتقاد شدید نسبت به بی‌سامانی و بلامسئول بودن بحث معاینه فنی در کشور، گفت: معاینه فنی در کشور بلامسئول است و حتی در اغلب نقاط کشور مرکز معاینه‌ای وجود ندارد و باید تمرکزی در راستای مدیریت معاینه فنی صورت گیرد.

وی با بیان این که ارتقای استانداردها باید سختگیرانه باشد گفت: نباید پلیس را مذمت کرد که چرا سختگیری می کند بلکه باید دیگران را به دلیل کوتاهی در امر استانداردها مذمت کرد.

وی با انتقاد از نبود مدیریت امدادی در صحنه سوانح، گفت: هیچ سازمانی متولی حوادث در جاده نیست و اورژانس و سازمان امداد هم با یک آمایش ناقص سعی در پوشش حوادث جاده‌ای دارند و مطمئنم اگر این مدیریت صحنه تصادف متمرکز شود گام مهمی در راستای کاهش تصادفات بر می‌داریم.

فرمانده نیروی انتظامی درحاشیه این همایش درجمع خبرنگاران گفت: تا دو سال باقی‌مانده از برنامه پنجم باید تعداد کشته‌های سوانح به کمتر از ۱۴ هزار نفر برسد که رسیدن به این عدد با اتخاذ یک سری تمهیدات کاملاً شدنی است.

وی به جلسات با رئیس جمهوری و ارائه آمار سوانح جاده‌ای کشور اشاره کرد و گفت: به اعتقاد رئیس جمهوری تعداد ۱۸ هزار کشته در سال گذشته بسیار زیاد است که باید برای کاهش آن گام‌های خوبی برداشته شود؛ در این خصوص جلسه‌ای با دستگاه‌های مسئول پیش‌بینی شده تا در این زمینه تصمیم‌گیری شود.

*** خودروهای ناایمن**

وی، سرعت را مهمترین عامل تصادف برشمرد و با اعلام این که اکثر خودروهای ما از ایمنی خوبی برخوردار نیستند، گفت:تفاوت تلفات خودروهای بسیار ایمن با خودروهای ناایمن، ده برابر است؛ حدود یک الی دو درصد خودروها از ایمنی خوبی برخوردار هستند اما ۹۸ درصد بدون ایمنی لازم هستند و تا زمانی که سطح ایمنی خودروها بهبود نیابد و در کنار آن راه‌ها متناسب با سرعت خودرو نشود، نباید برای افزایش سرعت خودروها صحبت کرد.

*** همراهی رئیس جمهوری**

سردار اسکندر مومنی رئیس پلیس راهور ناجادر پنجمین همایش ملی مدیریت ترافیک اظهار داشت: با اجرای برنامه ترافیکی پلیس می‌توانیم در ۳ تا ۴ سال آینده میزان حوادث و تلفات را ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش دهیم.

وی ادامه داد: خوشبختانه رئیس‌جمهوری دستورات خوبی را در خصوص اجرای این طرح دادند که بخش عمده مقدمات آن در حال پیشرفت است.

به گفته رئیس پلیس راهور در چند سال گذشته میزان تلفات رانندگی ۳۶ درصد نسبت به عدد مطلق کاهش یافته است به صورتی که میزان تلفات از ۲۸ هزار نفر در سال ۸۴ به کمتر از ۱۸ هزار نفر در سال گذشته رسید. بر اساس میزان خودروها به ازای هر ۱۰ هزار وسیله نقلیه میزان تلفات در ۸ سال گذشته ۷۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. در سال ۸۴ و ۸۵ به ازای هر ۱۰ هزار وسیله نقلیه ۲۵ نفر کشته می‌شدند که این آمار سال گذشته به کمتر از ۷ نفر رسید. هم اکنون وضع ایران از میانگین دنیا و آسیا بهتر است و ما تلاش می کنیم تلفات را به حداقل برسانیم.

***کاهش میانگین سرعت**

سردار مومنی با اعلام این که میانگین سرعت در کشور سال گذشته یک کیلومتر در ساعت کاهش یافته است افزود: میانگین سرعت در سال ۹۱ حدود ۸۱ کیلومتر در ساعت بود که سال گذشته به ۸۰ کیلومتر رسید. این در حالی است که در ۱۵ استان شاهد افزایش میانگین سرعت و در بقیه استان‌ها شاهد کاهش سرعت‌بودیم.

رئیس پلیس راهور ادامه داد: درباره رعایت نکردن فاصله طولی نیز میزان تخلفات در سال ۹۱ حدود ۱۳ درصد بود که سال گذشته به ۱۶ درصد افزایش یافت. استان‌های شمالی و شمال غرب کشور حجم این تخلف بیشتر بود.

وی با اعلام این که در مناطقی که میزان شدت تصادفات عابران پیاده بالا است ممنوعیت سرعت بیش از ۵۰ کیلومتر اعمال می‌شود تاکید کرد: سعی می کنیم در جاده‌ها طرح کانالیزه کردن همسطح عابران را با ایجاد معابر جدید و جالب اجرایی کنیم.

دراین همایش خانم تاویلا نماینده سازمان بهداشت جهانی هم از عملکرد پلیس کشورمان درتلاش برای کاهش سوانح قدردانی کرد و خواستار استمرار طرح‌های پلیس و امدادی شد.

صالحی: غرب راهی جز تعامل با ایران ندارد

سرویس شهرستان‌ها ـ معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: ایران در جایگاه بالای بین‌المللی قرار دارد و آینده ملت ایران تضمین شده است، بنابراین غرب چاره‌ای جز تعامل با ایران ندارد.

به گزارش ایرنا، علی اکبر صالحی در آئین بهره‌برداری از نخستین سامانه ملی پرتودهی چند منظوره گاما در بناب، از راه‌اندازی این طرح به عنوان جلوه‌ای از عزم ملی و پرتوی از مدیریت جهادی دانشمندان جوان نام برد و افزود: انقلاب اسلامی در سن ۳۵ سالگی به دستاوردهای بزرگ هسته‌ای دست یافته و این قابل افتخار و مباهات است.در این مراسم از ۱۵ نفر کارشناس و متخصص صنعت هسته‌ای که در طراحی و ساخت سامانه ملی پرتودهی چند منظوره گاما همکاری و تلاش کرده بودند؛ تجلیل شد.

وزیر اطلاعات: مسیر حرکت کشور باید با عقلانیت و اعتدال همراه باشد

سرویس شهرستان‌ها: امنیت پایدار و اسلام محور با همت علمای دین ایجاد می‌شود و با این امنیت، سرزمین ما شاهد شکوفایی اقتصادی و فرهنگی است.

حجت الاسلام و المسلمین علوی وزیر اطلاعات در جمع روحانیان کردستانی در مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور در سنندج با بیان این مطلب افزود: امروز به برکت وحدت اسلامی در استان کردستان شاهد امنیت و آسایش مردم هستیم که این زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت این استان است.

وی با بیان این که امروز رمز وحدت اسلامی در میان فرق اسلامی کشورمان حکمفرما است، گفت: نظام اسلامی با هر عاملی که سبب اختلاف میان مذاهب اسلامی شود، مقابله خواهد کرد.

وزیر اطلاعات افزود: آن چیزی که علمای مذاهب اسلامی با آن مشکل دارند، تکفیری گری است و این که عده‌ای فقط خود را مسلمان می‌دانند.

علوی گفت: امروز شاهدیم که عوامل تکفیری، علمای اهل سنت همچون ماموستا شیخ‌الاسلام را به مرگ محکوم می‌کنند و این یک تفکر انحرافی است که دنیای اسلام را تهدید می کند تا جایی که رژیم اشغالگر قدس سال ۲۰۱۳ را، سال امنیت و آرامش خود اعلام می کند.

وزیر اطلاعات افزود: باید آگاه بود که ما مسلمانان هر گاه در مقابل هم قرار گیریم دشمن نفسی راحت کشیده و جرات قرار گرفتن در برابر اسلام را به خود می‌دهد.

***اعتدال در حوزه امنیت**

وزیر اطلاعات با تاکید بر این که اعتدال باید در تمام زمینه‌ها رعایت شود، گفت: اعتدال در حوزه امنیت در دستور کار دولت یازدهم قرار دارد.

علوی در دیدار با نخبگان، فرهیختگان و دانشجویان دانشگاه‌های استان کردستان در سنندج، با اشاره به آیات متعدد قرآن کریم در مورد مشی اعتدال، به امنیت حاکم بر جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و از ملت ایران به عنوان بالاترین، بزرگترین و مطمئن‌ترین تولیدکنندگان امنیت ملی در جامعه یاد کرد و گفت: امنیت موجود در کشور ما محصول کارکرد امنیت‌ساز یکایک آحاد جامعه است و فقط اختصاص به کسانی که در این عرصه مسئولیت مستقیم دارند، ندارد، بلکه مسئولان، هماهنگ‌کننده این عرصه‌ها هستند و تولید کننده اصلی امنیت ما مردمند.

وزیر اطلاعات با اشاره به این که دین مبین اسلام بر اعتدال در اخلاق، اعتقادات و امنیت تاکید دارد، گفت: مسیر حرکت کشور نباید با احساسات افراطی و شعارهای تند و تیز همراه باشد بلکه باید با عقلانیت و اعتدال همراه باشد.

علوی گفت: وزارت اطلاعات خود را موظف به تولید امنیت برای مردم نه تولید امنیت بر مردم، تامین امنیت برای دانشگاه‌ها نه بر دانشگاه‌ها می‌داند تا اساتید و دانشجویان به راحتی بتوانند حرف بزنند.

وی با اشاره به اینکه دانشگاه یک محیط علمی است، گفت: نخبگان ما در دانشگاه‌ها باید احساس آرامش و آسایش کنند.

وزیر اطلاعات با اشاره به این که یک کشور و حاکمیت بدون پنجه آهنین و نیروهای مسلح و نیروهایی که امنیت حاکم بر جامعه را تامین و تضمین کنند، اداره نمی‌شود گفت: دستگاه اطلاعاتی هم باید پنجه آهنین داشته باشد اما این پنجه آهنین بر گلوی دشمنان شما فرو خواهد رفت و دست‌های ما یقه دشمنان را می گیرد نه یقه نیروهای خودی و مردم را، چون وظیفه وزارت اطلاعات، تامین آرامش و آسایش برای مردم است.

وزیر اطلاعات اظهار داشت: باید فضایی بوجود بیاوریم تا چهره‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی بتوانند خلاقیت‌های خود را شکوفا کنند و در این عرصه بتوانند نوآوری داشته باشند.علوی گفت: ما باید امنیت تمام حوزه‌ها و فعالان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را تامین کنیم و به روند توسعه تسریع بخشیم.وی گفت: امنیت حوزه اقتصادی می تواند به ایجاد شغل و بازار کسب و کار بیانجامد.

وزیر اطلاعات به سابقه آشنایی خود با مردم کردستان و این خطه از ایران اسلامی اشاره کرد و گفت: در دوران دفاع مقدس به کردستان رفت و آمد داشتم و در حوزه و دانشگاه نیز با دانشجویان این استان آشنایی داشته ام و از صفا و صمیمیت مردم این دیار لذت می‌برم.وی گفت: ذره‌ای احساس غربت و بیگانگی در سنندج ندارم و احساس می کنم در خانه خود هستم.

حضور در مزار شهدای سنندج، دیدار با نخبگان و فرهیختگان و حضور در جلسه شورای اداری استان کردستان از جمله برنامه‌های وزیر اطلاعات در سنندج بود.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان ، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

آسفالت نیمه‌تمام بلوار دکتر عبیدی

از شهرداری منطقه ۲۱ تقاضا می‌کنیم آسفالت نیمه‌تمام بلوار دکتر عبیدی واقع در تهرانسر را هر چه سریع‌تر به اتمام برساند. زیرا آسفالت نیمه‌تمام این بلوار، مشکلات زیادی را در رفت و آمد ساکنان ایجاد کرده است.

از ساکنان تهرانسر

هزینه غیرمعقول پارک خودرو در خیابان

افرادی با عنوان مأموران شهرداری در خیابان‌های اطراف پارک «آب و آتش» حضور دارند و از شهروندانی که برای تفریح به ویژه در روزهای تعطیل به این پارک مراجعه می کنند، بابت پارک خودروهایشان در خیابان از ۲ تا ۵ هزار تومان هزینه پارک دریافت می‌دارند و در صورت اعتراض نیز اعلام می‌کنند که در قبال خودروی مراجعان، هیچ مسئولیتی ندارند! در تماس با سامانه ۱۳۷ شهرداری نیز این اقدام غیرقانونی خوانده شده است، انتظار می رود مسئولان ذی‌ربط شهرداری به چنین تخلفاتی رسیدگی کنند.

خانم شهروند تهرانی

وظیفه دولت در قبال جوانان بیکار

با توجه به وظیفه دولت در قبال جوانان بیکار و ضرورت فراهم آوردن شغل برای آنان و افزایش روزافزون افراد بیکار، از رئیس جمهوری استمداد می‌طلبیم که با صدور دستور لازم، از ادارت و سازمان‌های دولتی و خصوصی بخواهند که تا حد امکان از به کارگیری افراد بازنشسته صرف‌نظر کنند و با استخدام نیروهای جوان، به آنان هم فرصت دهند تا با یافتن شغل به سوی آینده روشن‌تری حرکت کنند. ضمن آن که در این صورت به طور قطع آمار ناهنجاری‌های اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت.

خانم هموطن

نصب پل عابر در خیابان باب همایون

خیابان باب همایون واقع در جنوب میدان امام خمینی(ره) با این که یکی از شلوغ‌ترین و پر رفت و آمدترین خیابان‌ها است، پل عابر پیاده ندارد و شهروندان به ویژه سالمندان با دلهره از این خیابان گذر می‌کنند.

از کسبه خیابان

از نتایج ساخت و سازهای بی‌رویه

آنچه بیش از میزان بارش و نزولات جوی باعث بحران کم‌آبی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ شده، ساخت و سازهای بی‌رویه‌ای مانند پروژه مسکن مهر در اطراف شهرهای یاد شده و یا مجتمع‌سازی در داخل شهرها است. در غیر این صورت وضعیت بارش سال آبی گذشته به نسبت سال‌های خشکسالی که در خاطر شهروندان سالمند است، چندان هم بحرانی نبوده است.

شهروند سالمند تهرانی

لزوم تولید میان‌برنامه‌های آموزشی

برنامه‌سازان سیما باید بیش از پیش میان برنامه‌هایی بسازند که به طور غیرمستقیم به مردم آموزش دهد در کوچه و خیابان آشغال نریزند و از همه بدتر آشغال چیپس و پفک‌هایی را که در نتیجه تبلیغات گسترده همین رسانه خریداری می کنند، از خودروهایشان به بیرون پرتاب نکنند!

بیننده تلویزیون

همه ثبت‌نام کنندگان خوشحال!

من و همسرم هر دو بازنشسته‌ایم و با وجود حقوق اندک بازنشستگی و ۲ فرزند بیکار، از دریافت یارانه نقدی انصراف داده‌ایم تا طبق وعده‌های داده شده، یارانه‌ها فقط به نیازمندان واقعی تعلق گیرد. اما حالا می بینیم که همه ثبت‌نام‌کنندگان دریافت یارانه‌های نقدی خوشحالند، چون بدون هیچ راستی‌آزمایی یارانه گرفته‌اند و برای ثروتمندان متقاضی هم هیچ جریمه‌ای در کار نبوده است.

خانم شهروند تهرانی

سهم زنان در مجالس کشورهای همسایه

در انتخابات مجلس عراق، درصد قابل توجهی از کرسی‌های مجلس به زنان اختصاص دارد و البته این آمار در دیگرکشورهای همسایه مانند پاکستان و افغانستان نیز قابل ملاحظه است. بهتر است با توجه به تفکرات پیشرویی که در ساختار سیاسی کشورمان وجود دارد، سهم زنان تحصیلکرده از تمامی سلایق سیاسی در مجلس شورای اسلامی افزایش یابد تا زنان به ویژه قشر روشنفکر به عینه شاهد باشند که از حقوق آنان در مجلس دفاع می‌شود.

تلفن به خط ارتباطی

هزینه‌های شارژ کارت منزلت

برای شارژ کارت منزلت ۲۰ هزار تومان به حساب شهرداری برای استفاده در مترو، ۵ هزار تومان به کافی‌نت و ۵ هزار تومان هزینه پست پرداخت کردم. در خصوص این هزینه آخر گفته شد در صورتی که هزینه پست پرداخت نشود، متقاضیان باید مستقیم به مرکز مربوطه در خیابان امام خمینی(ره) مراجعه کنند. آیا ۳۰ هزار تومان برای شارژ کارت منزلت که پیش از این رایگان بود، روا است؟

خانم بازنشسته فرهنگی

پنجشنبه‌های تعطیل واحدهای دادگستری

عده‌ای از کارکنان برخی از واحدهای دادگستری شیراز پنجشنبه‌ها بر سر کار حضور نمی‌یابند که باعث به تعویق افتادن امور مردم می‌شوند. البته در تماس تلفنی با بعضی از واحدهای دادگستری تهران هم به نظر می‌رسد که این معضل وجود دارد، چون معمولاً کسی پنجشنبه‌ها پاسخگوی تلفن‌ها نیست. از مسئولان ذیربط تقاضای رسیدگی داریم.

شیراز ـ از اهالی

تحمیل کرایه‌های بیشتر به مسافران خط تجریش ـ فشم

نرخ جدید اعلام شده برای کرایه تاکسی‌های خطی میدان تجریش ـ فشم، ۴۸۰۰ تومان است.

ضمن آن که افزایش ناگهانی و چندباره کرایه طی یکی دو سال اخیر، فشار اقتصادی فراوانی به مسافران این مسیر وارد می‌سازد، اغلب رانندگان تاکسی برچسب کرایه خود را نصب نمی کنند و بعضی از آنها بدون توجه به نرخ مصوب، هر بار زودتر از آن که مبلغ جدید کرایه‌ها تصویب و اعلام شود، به شکل خودسرانه اقدام به دریافت مبالغ بیشتر، از مسافران می کنند و یا به بهانه نداشتن پول خرد، از پس دادن بقیه کرایه خودداری می کنند.

امیدواریم با نظارت و توجه بیشتر مسئولان تاکسیرانی این خط و اعضای شورای شهر فشم، از اقدامات مشابه جلوگیری به عمل آید تا بیش از این دریافت کرایه‌های بیشتر به مسافران فشم تحمیل نشود.

از مسافران خط تجریش ـ فشم

فریاد بی‌صدای درختان را بشنویم!

شورای شهر تهران بار دیگر راجع به تعرض به محیط زیست و از بین بردن فضای سبز، به شهرداری تهران هشدار داد، گرچه شهرداری خود در بسیاری از پارک‌های شهر به منظور ایجاد برج‌های اداری و تجاری و پارکینگ‌های طبقاتی، اقدام به قطع درختان کهنسال کرده است.

شکی نیست که اداره شهر تهران به هزینه‌های سنگینی نیاز دارد و به شیوه‌ای که در چند دهه اخیر مرسوم شده است، این هزینه‌ها از راه نابودی باغ‌ها و محلات قدیمی و دریافت حق تراکم برای ساخت برج‌ها و پاساژهای بی‌قواره تأمین می‌شود.

ای کاش برای یک بار هم که شده است، فریاد بی‌صدای درختان قطع شده به گوش مسئولان می‌رسید، چه بسیارند کسانی که این صداها را می‌شنوند، ولی بی‌تفاوت از کنار همه اینها می گذرند!

شهروند تهرانی

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران دربارهٔ تغییر مسیر تاکسی‌ها

با احترام، عطف به مطلب مندرج در آن روزنامه وزین مورخ ۹۳/۲/۱۷ خواهشمند است توضیحات زیر را جهت تنویر افکار عمومی چاپ فرمایید.

با تشکر از تماس شهروند محترم به آگاهی می‌رساند؛ موضوع تغییر مسیر تاکسی‌های سه راه افسریه‌ـ شهرری، توسط مدیر دفتر تاکسیرانی منطقه مورد اشاره پیگیری و با دعوت از ناظر خط مذکور در خصوص مشکل مطروحه و رعایت مسیر مصوب توسط رانندگان آن خط، تذکر لازم به ایشان داده شد.

محسن صالحی ـ سرپرست روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

وضع نابسامان ملی‌پوشان جوان وزنه‌برداری قبل از مسابقات جهانی

همه ملی‌پوشان وزنه‌برداری جوانان ایران، وضع نابسامانی دارند و به جای حضور در اردوی آماده سازی مسابقات قهرمانی جهان - ۲۰۱۴ روسیه، در شهرهای خود هستند و سرمربی تیم ملی جوانان در اردوی تیم ملی بزرگسالان است!

حسین توکلی، وقتی سکان هدایت تیم‌های ملی وزنه‌برداری نوجوانان و جوانان را در دست گرفت، نسبت به شرایط وزنه‌برداران جوان، چندان نگران نبود. حتی پیش از تعطیلات عید، از آمادگی خوب آنان صحبت کرد و در حالی که انتظار می‌رفت، وزنه برداران جوان با حضور در مرحله دوم اردوی آماده سازی، خود را برای مسابقات جهانی آماده کنند، آنان را به شهرهای خود فرستادند!

برگزاری اردوی تیم ملی وزنه‌برداری جوانان، دو بار به تعویق افتاد تا اینکه آنان در ۱۹ فروردین ۹۳ در کمپ تیم‌های ملی، واقع در مجموعه ورزشی آزادی تهران، اردو زدند. اما مدت زمان مرحله دوم اردوی تیم ملی وزنه‌برداری جوانان، فقط ۱۰ روز بود و ملی‌پوشان، دوباره به خانه و شهرهای خود بازگشتند. فدراسیون وزنه‌برداری، علت تعطیلی زودهنگام اردوی تیم ملی جوانان را در پیش بودن امتحانات درسی ملی‌پوشان عنوان کرد، حال آنکه در فروردین، هیچ دانش آموزی امتحان ندارد!

سپس فدراسیون اعلام کرد که اردوی تیم ملی وزنه‌برداری جوانان، از اواسط اردیبهشت ۹۳ برگزار خواهد شد و این اتفاق در حالی رخ داد که حسین توکلی، از وضع شاگردانش رضایت نداشت و معتقد بود، آنان آمادگی قبل از تعطیلات عید نوروز را ندارند. همچنین بحث مثبت شدن تست دوپینگ ملی‌پوشان جوان، مطرح شد که رییس فدراسیون به صراحت، آن را شایعه دانست و گفت: اردوی تیم ملی وزنه‌برداری جوانان، به دلیل در پیش بودن امتحانات(!) و ناآماده بودن برخی ملی‌پوشان تعطیل شده است.

نکته ای که در صحبت های رییس فدراسیون وزنه برداری وجود دارد، این است که امتحانات دانشگاه و مدارس، حتی با در پیش بودن جام جهانی فوتبال، زودتر از نیمه دوم اردیبهشت ۹۳ برگزار نخواهد شد؛ نکته‌ای که ملی‌پوشان در گفته‌هایشان بر آن صحه گذاشتند. اگر قرار است، وزنه‌برداران در شهر و خانه های خود تمرین کنند، پس فلسفه برپایی اردوهای آماده سازی تیم ملی چه می شود؟ مهمتر از آن، این است که وقتی وزنه‌برداری ایران، از ناحیه دوپینگ، ضربه‌های زیادی خورده است، اکنون که فدراسیون ملی‌پوشان را در اختیار ندارد، چطور می تواند، آنان را کنترل کند و بداند که در خانه، از چه مکمل هایی استفاده کرده‌اند؟

هر چند که فدراسیون وزنه‌برداری به طور رسمی اعلام نکرده است که تیم ملی جوانان ایران به مسابقات قهرمانی جهان اعزام نمی‌شود، ولی شواهد و قراین، از نرفتن به مسابقات قهرمانی جهان حکایت دارد. ملی‌پوشان جوان می گویند، هیچ کس پیگیر تمرینات آنان در مدت تعطیلی اردوها، نبوده است. اردیبهشت، نفس های آخر خود را می کشد و تا مسابقات جهانی روسیه، حدود یکماه فرصت باقی مانده است؛ بنابراین، برای آماده سازی وزنه‌برداران جوان، فرصت چندانی وجود ندارد.

اکنون که فدراسیون وزنه‌برداری، از آمادگی ملی‌پوشان و اینکه در این مدت چه داروهایی مصرف کرده‌اند، اطلاع ندارد، بهتر آن است که دلیل اصلی تعطیلی زودهنگام اردوی جوانان و تصمیم نهایی خود را در باره اعزام تیم جوانان به مسابقات قهرمانی جهان، اعلام کند تا حداقل ملی‌پوشان را از بلاتکلیفی در آورد.

البته تیم وزنه‌برداری جوانان ایران با توجه به نفراتی که دارد (علیرضا دهقان، امیرحسین فضلی، علیرضا سلیمانی و همایون تیموری)، شانس زیادی برای کسب یکی از سکوهای برتر جهان را داشت. بنابراین، بهتر است که فدراسیون، حقیقت ماجرا را بگوید تا دلایلی فکاهی مانند لغو اردو به خاطر امتحانات در فروردین، نقل محافل ورزشی نشود.

مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جوانان جهان، دوره قبل نیز در «لیما» پرو برگزار شد که فدراسیون کشورمان به دلیل دوری راه! و مشکلات مالی، تیم ملی جوانان را به پیکارهای جهانی، اعزام نکرد. حال باید منتظر ماند و دید که پشت خط ماندن جوانان در فدراسیون وزنه‌برداری، دو ساله می شود یا خیر.

برپایی اردوی تیم ملی کشتی فرنگی، بعد از رقابت‌های انتخابی



اردوی تیم ملی کشتی فرنگی ایران، بعد از رقابت های انتخابی و از اوایل تیر، برپا خواهد شد.

احد پازاج، سرمربی جدید تیم ملی کشتی فرنگی با بیان مطلب بالا، گفت: بعد از برگزاری رقابت های انتخابی تیم ملی، اردوی رقابت های جهانی و بازی های آسیایی کره جنوبی را برپا خواهیم کرد. با توجه به نزدیکی زمان این مسابقات به هم، کار سختی در پیش داریم.

او افزود: رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی ۲۹ و ۳۰ خرداد، برگزار خواهد شد و نفرات برتر این رقابت ها در اردوهای آماده سازی شرکت خواهند کرد.

پازاج با تاکید بر اینکه هنوز مشخص نیست، کدام نفرات به رقابت های جهانی و کدام نفرات به بازی های آسیایی اعزام خواهند شد، گفت: هر دو رقابت، برای ما مهم و با اهمیت است و سعی می کنیم، نفرات برتر خود را در دو مسابقه، تقسیم کنیم.

البته چون در شرایط فعلی، دو تیم قدرتمند نداریم، مجبوریم که برای کسب نتیجه مناسب، برنامه ریزی خاصی داشته باشیم.

او درباره دلیل کشتی نگرفتن حمید سوریان در رقابت های انتخابی وزن ۵۹ کیلوگرم، تصریح کرد: سوریان، یک نابغه در عالم کشتی فرنگی است و برای حفظ او به دلیل مصدومیت شدیدی که دارد، قرار شد تا در رقابت های انتخابی تیم ملی، کشتی نگیرد. البته فرآیند انتخاب ملی پوشان، برای او هم اجرا می شود.

قرار است که سوریان به همراه نفرات اول و دوم این وزن در یک تورنمنت بین المللی شرکت کند و هر کدام از آنان که نتیجه بهتری گرفت، انتخاب شود و دوبنده تیم ملی کشتی فرنگی را بر تن کند.

وی با بیان اینکه خودش کادر فنی تیم ملی کشتی فرنگی را انتخاب و معرفی کرده است، گفت: همکارانم را خودم به شورای فنی معرفی کردم و با تایید این شورا، از این به بعد آقایان ناصر نوربخش، سعید شیرزاد، مهرداد اسفندیاری فر، مهدی محمدی و مسعود هاشم زاده به عنوان مربی در اردوهای تیم ملی کشتی فرنگی، حضور خواهند داشت.

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی، اظهار امیدواری کرد که با حمایت های لازم، از عهده این مسئولیت سنگین برآید و شاهد تداوم افتخارآفرینی ملی پوشان کشتی فرنگی ایران در عرصه جهانی و بازی های آسیایی باشد.

انتخابی تیم ملی؛ ۲۹ و ۳۰ خرداد

مرحله نهایی رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی با حضور همه مدعیان پوشیدن دوبنده تیم ملی به جز حمید سوریان، ۲۹ و ۳۰ خرداد با یک هفته تاخیر، برگزار می‌شود.

شورای فنی کشتی فرنگی، اسامی نفرات واجد شرایط برای حضور در رقابت‌های انتخابی تیم ملی را در حالی اعلام کرد که همه مدعیان به جز حمید سوریان، ملزم به شرکت در این رقابت‌ها هستند.

اسامی نفرات شرکت کننده در مسابقات انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی به این شرح است:

۵۹ کیلوگرم: محمد نوربخش، شیرزاد بهشتی طلا، محسن حاجی پور (یادگار)، مصیب اکبری(مرحله اول)، سامان عبدولی (قهرمانی کشور) و محمد فقیری (شورای فنی)

٦٦ کیلوگرم: امید نوروزی (شورای‌فنی)،رامین‌طاهری(یادگار)، افشین بیابانگرد(جهانی)، وحید میر فتح الهی(انتخابی مرحله‌اول) و امین سوری (قهرمانی کشور)

۷۱ کیلوگرم: سعیدعبدولی، برومند اصلان، وحید بابائی جعفری (یادگار)، محمد کریمی (یادگار،قهرمانی کشور)و محمد جعفر توسلی(انتخابی مرحله اول)

۷۵کیلوگرم: فرشاد علیزاده (شورای فنی)، فرشاد رستمی کیا (نفر دوم قهرمانی کشور)، یوسف اخباری(انتخابی مرحله‌اول) وهادی علیزاده پورنیا(جام جهانی)

۸۰ کیلوگرم: حبیب اخلاقی (شورای‌فنی)،مهدی‌هدایی(یادگار) ، یوسف قادریان (یادگار) و میلاد خسروی(انتخابی مرحله اول)

۸۵کیلوگرم: طالب نعمت پور (جهانی)، مجتبی کریم فر (قهرمانی کشور یادگار)، سامان عزیزی (یادگار)، داود اخباری (یادگار) و حسین نوری(انتخابی مرحله اول)

۹۸کیلوگرم: قاسم رضایی (شورای فنی)، مهدی علیاری(جام جهانی)، داود عابدین زاده (یادگار، قهرمانی کشور)، علی علیاری (یادگار) ومهدی زود آشنا(انتخابی مرحله اول)

۱۳۰ کیلوگرم: بشیربابا جان زاده(شورای فنی)، بهنام مهدی زاده (یادگار،قهرمانی کشور)، امیر قاسمی منجزی(یادگار)، پارسا نظری(انتخابی مرحله اول) و امیر حسین شربیانی(قهرمانی کشور)

بدلیل شرایط خاص حمید سوریان، با حفظ قاعده برگزاری رقابت های انتخابی تیم ملی به عنوان مبنای اصلی پوشیدن پیراهن تیم ملی، بنا به تشخیص شورای فنی تیم های ملی کشتی فرنگی کشور، دو نفر برتر وزن ۵۹ کیلوگرم رقابت های انتخابی تیم های ملی، به اتفاق حمید سوریان در یکی از تورنمنت های بین المللی شرکت می کنند و رقابت نهایی انتخابی تیم ملی را برگزار خواهند کرد.

ملاک پوشیدن پیراهن تیم ملی در وزن ۵۹ کیلو گرم، برای رقابت های جهانی و بازی های آسیایی،نتایج وعملکرد کشتی گیران مذکور در یک تورنمنت بین المللی خواهد بود.

با توجه به این تصمیم، ضرورتی به برگزاری رقابت ۲ از ۳ بین نفرات برتر این وزن در انتخابی تیم ملی وجود ندارد و دو نفر برتر به همراه حمید سوریان به یک تورنمنت بین المللی اعزام می شوند و رقابت نهایی انتخابی تیم ملی کشتی فرنگی را در آن تورنمنت، برگزار خواهند کرد.

کناره گیری ناصر نوربخش

«تا زمانیکه تکلیف فدراسیون کشتی مشخص نباشد با تیم ملی کشتی فرنگی، همکاری نخواهم کرد.»

ناصر نوربخش، مربی ارشد تیم ملی کشتی فرنگی در جام جهانی، پس از انتخاب به عنوان مربی تمرین دهنده تیم ملی، گفت: کار کردن در چنین جوی، شان و شخصیت انسان را کوچک می کند. من پیش از جام جهانی به خاطر منافع ملی به تیم ملی آمدم تا به کشتی گیران، لطمه‌ای وارد نشود. اما در شرایط فعلی، ترجیح می‌دهم که در باشگاه خودم و در شهریار بمانم.

او افزود: با توجه به پیشینه‌ای که از فدراسیون کشتی سراغ داشتم و استفاده ابزاری که از وجودم شده بود، تصمیم گرفته بودم که زیاد نزدیک فدراسیون نیایم، ولی پیش از جام جهانی، شرایط اضطراری بود و به همین دلیل، قبول مسئولیت کردم. اما با شرایط فعلی، قصد همکاری با فدراسیون و تیم ملی کشتی فرنگی را ندارم.

نوربخش، تاکید کرد: متاسفانه هیچ ثباتی در کادر فنی کشتی فرنگی وجود ندارد و هر چند وقت یکبار، تغییرات پشت سر هم و تکراری انجام می‌شود. من متوجه نمی شوم که آیا این اتفاقات به خاطر شرایط خاص ترکیب نفرات در بین مربیان کشتی فرنگی است یا هدف خاصی پشت سر آن است.

در هر صورت، اگر ثباتی وجود نداشته باشد و کسی از وضع خود مطمئن نباشد، نمی تواند کار خاصی انجام دهد.

دستیار سابق محمد بنا، افزود: پیش از این، دو ماه و نیم با تیم ملی کشتی فرنگی کار کرده‌ام و پس از حضور در رقابت‌های باکو به یکباره دیدم، همه چیز عوض شد و کادر فنی تیم ملی، بدون اینکه صحبتی شود، تغییر کرد.

رسول خادم تا به حال، هیچ صحبتی با من نداشته است. مربیان هم نه ابلاغی دارند و نه حقوق مشخصی. فکر می کنم در چنین شرایطی، دور باطل نارضایتی مربیان، تکرار شود.

وی افزود: سرمربیگری تیم ملی، مسئولیت دارد و اگر تکلیف سرمربی مشخص نباشد به مشکل خواهد خورد. چون کشتی گیران و سایر مربیان، از سرمربی توقع دارند که مشکلات آنان را برطرف کند؛ همان توقعی که من از محمد بنا داشتم. متاسفانه دوباره این چرخه معیوب، تکرار شده است. مسئولان باید مشخص کنند که آیا ثبات در کشتی فرنگی را می خواهند یا نه. همچنین باید مشخص شود که کشتی فرنگی، چقدر بودجه دارد و چه کارهایی را می توان طبق واقعیات انجام داد.

نوربخش با تاکید براینکه رییس فدراسیون، باید تکلیف مربیان را مشخص کند و ابلاغیه و حقوق مشخص و شرح وظایف آنان را تعیین کند، گفت: در چنین شرایطی است که می توان به همکاری با فدراسیون فکر کرد. چونکه مربیان باید بدون هیچ ابلاغ و حکمی، کار و زندگی خود را رها کنند و به اردوی تیم ملی بیایند و بعد از مدتی، کنار گذاشته شوند و دوباره این دور باطل تکرار شود.

او با اشاره به اینکه ترجیح می دهد، فعلا به عنوان یک مربی سازنده در شهریار کار کند و از این راه به مردم خدمت کند، افزود: برای احد پازاج و کادر فنی جدید تیم ملی کشتی فرنگی، آرزوی موفقیت می‌کنم و امیدوارم که در رقابت‌های جهانی و بازی‌های آسیایی، نتایج مطلوبی کسب کنند.

۳ بازیکن جدید در اردوی تیم ملی «ب» والیبال

چهارمین مرحله از اردوی آماده سازی تیم ملی «ب» والیبال ایران که از ۲۷ اردیبهشت برپا شده است با ۵ تغییر در ترکیب نفرات اردونشین به کار خود ادامه می دهد.

چهارمین اردوی تیم ملی «ب» والیبال ایران، از شنبه هفته جاری با حضور ۱۷ بازیکن برپا شده است. محمد طاهر وادی، مصطفی باقری، فرهاد سال افزن، محمد فلاح زرچوب، علیرضا جدیدی، سعید مصطفی وند، سجاد دهنوی، ناصر رحیمی، علی حسین، فرهاد ظریف، فرهاد پیروت پور، جواد حسین آبادی، سید محمدرضا حسینی پویا، آرش کشاورزی، علیرضا نصر اصفهانی و پوریا فیاضی، بازیکنانی هستند که به اردوی تیم ملی «ب» والیبال، دعوت شده‌اند. فرهاد پیروت‌پور به دلیل غیبت، حذف و آرمین رنجبر، جایگزین وی شد. آرش کشاورزی به دلیل بیماری، حذف و سعید شیرود به جای این بازیکن به اردو دعوت شد. همچنین علیرضا نصر اصفهانی به دلیل مشکلات تحصیلی در اردو حاضر نشد و حذف شد. بازیکنان حاضر در اردوی تیم ملی «ب» والیبال، تمرینات خود را در کمپ تیم‌های ملی، زیر نظر کادر فنی تیم ملی «ب» برگزار می کنند؛ آنان صبح‌ها، کارهای تکنیکی و کار با وزنه را در دستورکار دارند و عصرها، تاکتیک‌های تیمی را مرور می کنند.

دعوت فدراسیون جهانی والیبال از داور زن ایرانی



فدراسیون جهانی والیبال، از صدیقه حاتم آبادی فراهانی، برای قضاوت در مسابقات جایزه بزرگ قهرمانی زنان جهان - ۲۰۱٤ ماکائو، دعوت کرد.

مسابقات والیبال جایزه بزرگ قهرمانی زنان جهان، از ۲۰ تا ۲۷ مرداد (۱۱ تا ۱۸ آگوست) به میزبانی ماکائو برگزار خواهد شد. فدراسیون جهانی والیبال، از صدیقه حاتم آبادی فراهانی، داور بین‌المللی والیبال ایران، برای حضور و قضاوت در این دوره از رقابت ها، دعوت رسمی کرده است.

معرفی ۲۰ فوتبالیست پردرآمد جهان

لیونل مسی، بالاتر از کریستیانو رونالدو و زلاتان ابراهیموویچ به عنوان پردرآمدترین فوتبالیست جهان معرفی شد.

لیونل مسی، ستاره آرژانتینی تیم فوتبال بارسلونا، قرارداد خود را با تیم بارسلونا تمدید کرد. این بازیکن آرژانتینی، سالانه ۲۲ میلیون یورو درآمد خواهد داشت تا پردرآمدترین بازیکن فوتبال جهان، لقب گیرد.

پایگاه اینترنتی «givemesport» در گزارشی ۲۰ بازیکن پردرآمد فوتبال جهان را معرفی کرده است که در آن، لیونل مسی بالاتر از کریستیانو رونالدو و زلاتان ابراهیموویچ، در صدر قرار دارد. در پی با ۲۰ بازیکن پردرآمد فوتبال جهان، آشنا می‌شویم.

۱- لیونل مسی ۲۲ میلیون یورو، ۲- کریستیانو رونالدو ۱۸ میلیون یورو، ۳- زلاتان ابراهیموویچ ۱۵ میلیون یورو، ٤- رادامل فالکائو ۱٤ میلیون یورو، ۵- تیاگو سیلوا ۱۲ میلیون یورو، ٦- گرت بیل ۹,۵ میلیون یورو، ۷- آندرس اینیستا ۸,۵ میلیون یورو، ۸- ژاوی ۸,۵ میلیون یورو، ۹- وین رونی ۷,٦ میلیون یورو، ۱۰- دیدیه دروگبا ۷,۵ میلیون یورو، ۱۱- روبین فان پرسی ۷,۵ میلیون یورو، ۱۲- یحیی توره ۷,۲ میلیون یورو، ۱۳- نیمار ۷ میلیون یورو، ۱٤- لوئیس سوآرس ٦,۸ میلیون یورو، ۱۵- دانیله ده‌روسی ٦,۵ میلیون یورو، ۱٦- فرناندو تورس ٦,۵ میلیون یورو، ۱۷- ادن هازارد ٦,٤ میلیون یورو، ۱۸- هالک ٦ میلیون یورو، ۱۹- جان تری ۵,۸ میلیون یورو، ۲۰- سرخیو آگروه ۵,۸ میلیون یورو

ورود بازرسی دفتر رهبری به مشکلات مدیریت گذشته سازمان میراث فرهنگی

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: «در هشت سال مدیریت دولت گذشته، خسارات جبران ناپذیری به اشیای تاریخی، اسناد و نیروی متخصص در این حوزه وارد شد که اکنون برای پیگیری خسارات، مستندات در بازرسی دفتر رهبری، دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور در حال بررسی دقیق است.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را مسعود سلطانی‌فر رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دیروز در جلسه علنی شورای شهر تهران اعلام کرد و توضیح داد: در این سازمان مشکلات بسیاری به علت به کارگیری نیروی غیرمتخصص در دولت گذشته رخ داد که از جمله آنها می توان به نابودی بسیاری از سندها و آثار تاریخی اشاره کرد که در جریان انتقال بخش صنایع دستی و کتابخانه سازمان به شهرستان‌ها، اتفاق افتاد.

او تاکید کرد: اگر دو سال دیگر تلاش کنیم فقط می توانیم به نقطه صفر و زمان پیش از این هشت سال برگردیم، چرا که اکنون سه برابر زمان پیش، نیروی انسانی در سازمان مشغول به کار است و ۸۰ درصد پرسنل را نیروی غیر متخصص تشکیل می‌دهند.

معاون رئیس جمهوری ادامه داد: توان مالی سازمان میراث فرهنگی با توجه به بناهای ثبت شده فقط به حفظ و نگاهداری پنج درصد بناها کمک می کند و بهتر است برای تامین هزینه نگاهداری بناها و کاربری اقتصادی و فرهنگی در آنها، از بخش خصوصی کمک بگیریم که اکنون نظیر این اقدام در شهر یزد در حال تحقق است، زیرا ۷۰ خانه تاریخی با کمک بخش خصوصی به هتل های ٤ و ۵ ستاره تبدیل شده است و در اختیار گردشگران داخلی و خارجی قرار می‌گیرد.

سلطانی‌فر درباره گردشگرهای خارجی به اعضای شورا توضیح داد: برخی مسئولان نگران انتقال فرهنگ و ناهنجاری‌های فرهنگی توسط این گردشگران هستند، در حالی‌که تاکنون هیچ گزارشی از این موضوع دریافت نکرده‌ایم و همه گردشگران خارجی در مدت حضورشان در ایران، شئون را رعایت می‌کنند.

او همچنین اظهار داشت: ۱۰درصد جاذبه‌های طبیعی و تاریخی دنیا در ایران است بنابراین سهم ما از گردشگران باید بسیار بیشتر از میزان کنونی باشد.

به گفته معاون رئیس جمهوری، امسال رشد گردشگری خارجی نسبت به پارسال رشد ۲/۵ برابری دارد و هتل های شهرهای تاریخی تا ۸ ماه آینده جای خالی ندارند و در عین حال، تورهای اروپایی بسیاری برای سال ۲۰۱۵ در حال ثبت‌نام هستند.

کارگروه‌مشترک

در ادامه جلسه دیروز، رئیس سازمان میراث فرهنگی پیشنهاد کرد که کارگروهی مشترک میان شورا و سازمان متبوعش برای حل مشکلات میراثی و تملک بناهای بافت تاریخی تشکیل شود. او افزود: میراث فرهنگی برای اجرای برنامه‌های خود در ۱۰ سال آینده به ۳۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد. اما بودجه کنونی ما بسیار اندک است.

احمد حکیمی‌پور مسئول کمیته میراث فرهنگی و گردشگری شورا هم درباره حکم بناهای تاریخی اظهار داشت: بناهای ثبت شده در بافت تاریخی، در مراجع قضایی از ثبت خارج می‌شوند که باید این امر مورد پیگیری قرار گیرد.

او افزود: تمامی بنای بازار ثبت جهانی است، اما اقداماتی که در آن انجام می‌شود، ضربه‌های جبران ناپذیری به بافت تاریخی‌اش وارد می کند.

محمد حقانی رئیس کمیته محیط زیست شورا هم خطاب به سلطانی‌فر از خشک شدن برخی درختان کاخ سعدآباد و ساخت و ساز بخش خصوصی در حریم این مجموعه تاریخی انتقاد کرد و افزود: به هر حال شهروند بسیاری روزانه برای بازدید به این مجموعه مراجعه می کنند که این مشکلات باید رفع شود.

رحمت‌الله حافظی رئیس کمیسیون سلامت و محیط زیست و خدمات شهری هم در زمینه میراث فرهنگی و گردشگری گفت: حوزه سلامت در تهران ظرفیت بسیار بالایی دارد و از سال‌های پیش از پیروزی انقلاب، مقصد بسیاری از مردم حاشیه خلیج فارس بود که شایسته است اکنون برای توسعه توریسم سلامت تدابیری اندیشیده‌شود.

علیرضا دبیر رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورا هم اظهار داشت: اگر کارگروهی برای حل مشکلات میراث فرهنگی تشکیل شود، بهتر است که افراد اجرایی در آن حضور یابند و علاوه بر معاون خدمات شهری، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری هم در آن فعال باشد.

او با اشاره به برنامه پنجساله شهرداری و چهار ماده میراث فرهنگی آن، ادامه داد: توجه به میراث به این میزان، در تاریخ روابط این سازمان و شهرداری، بی‌سابقه‌است.

دبیر افزود: از سازمان میراث فرهنگی درخواست می کنم که هتل‌سازی در تهران را تسهیل و در عین حال برای صدور مجوز ساختمان‌هایی که می‌خواهند تغییر کاربری دهند، سختگیری کند.

تخلف زیست محیطی

در ادامه جلسه دیروز محمد سالاری رئیس کمیسیون شهرسازی از تخلفی خبر داد که بر مبنای آن در دولت گذشته و براساس درخواست سازمان جنگل ها، پنج هکتار از اراضی فضای سبز لویزان، به بهنه مسکونی تبدیل و به بافت شهری تهران الحاق شد.

او توضیح داد: در تپه‌های سوهانک محدوده‌ای پنج هکتاری شامل درختان و گیاهان سبز وجود داشت که رئیس سازمان جنگل ها در دولت گذشته بانامه‌ای به دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری خواستار الحاق آن به تهران‌شد و این اقدام صورت گرفت که با پیگیری دفتر رهبری، مدتی بعد، شهرداری با این تخلف برخورد کرد و این محدوده از طرح تفصیلی برداشته شد.

قطع ۱٤۰ درخت

حقانی هم به قطع ۱٤۰ اصله درخت بیست ساله در محدوده فرمانیه اشاره کرد و توضیح داد: مالک این زمین حکم قلع و قمع ساختمان را از مراجع قضایی دریافت کرده بود، اما با لودر به جان درختان افتاد و آنها را قطع کرد؛ از آنجا که اجرای حکم قضایی مربوط به این ملک با نوع حکم قضایی متفاوت بود، مالک تحت پیگرد قانونی قرار دارد و من شخصاً گزارشی مستند و نامه‌ای در این زمینه تدوین می کنم تا به موضوع قطع درختان به صورت جدی رسیدگی شود.

به گفته او در محدوده نارنجستان هفتم در فرمانیه، در جوار این زمین که اکنون از درختان خالی شده‌است، پارکی به نام «نسیم» وجود دارد که در معرض همین تخلف است.

حادثه واژگونی اتوبوس

در پایان جلسه دیروز، کمیسیون عمران و حمل و نقل گزارشی از حادثه واژگونی اتوبوس در بزرگراه آزادگان ارائه و علت اصلی این حادثه مرگبار را سرعت غیرمجاز و نداشتن معاینه فنی اعلام کرد.

احمددنیامالی رئیس این کمیسیون توضیح داد: براساس اطلاعات جی.پی. اس سرعت اتوبوس بیشتر از ۵۰ کیلومتر درساعت بود، البته ما به سرعت لحظه‌ای اتوبوس درزمان حادثه دسترسی نداریم، لیکن اطلاعات هر دو دقیقه یک بار به مرکز مخابره شده‌است که سرعت بالای ۵۰ کیلومتر را می‌رساند.

او افزود: با مصدومان این حادثه مصاحبه کردیم که مشخص شد سرعت اتوبوس بیشتر از سرعت مجاز بوده و مسافران چندین بار به راننده تذکر دادند، اما او اعتنا نکرد و حتی به سرعتش افزود.

این عضو شورا ادامه داد: یکی از مسافران هم از حال نامساعد راننده سخن گفت، زیرا مکالمه او با رئیس خط اتوبوسرانی را که حال جسمی مناسبی ندارد، شنیده بود، براساس شواهد و اظهارات خود راننده (شجاعت کیانی) وی دندان درد داشت و به همین علت با سرعت بالا و در شرایط نامناسب تردد می‌کرد.

دنیامالی همچنین تأکید کرد: علاوه بر مشکلات راننده، اتوبوس‌های اسکانیا استاندارد نیستند و این موضوع بابررسی دقیق نمونه‌های مشابه‌اتوبوس آسیب‌دیده به دست آمد.

در ادامه این جلسه، معصومه آباد عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی تأکید کرد: شرکت اسکانیا محصولات مورد استفاده اسکانیا در ایران را تائید نمی کند و به رسمیت نمی‌شناسد و بهتر است خط تولید آن در کشور متوقف شود.

غلامرضا انصاری دیگر عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی هم در این زمینه گفت: صنعت اتوبوس‌سازی کشور، پیش از انقلاب بسیار پیشرفته بود تا جایی که هنوز در برخی کشورها از جمله پاکستان، از اتوبوس‌های اهدایی پیش از انقلاب استفاده می‌شود، بنابراین ما باید به فکر توسعه این صنعت در زمان حاضر باشیم و پیشنهاد می‌کنم خط تولید اسکانیا هم متوقف شود.

یک فوریت طرح حذف قوانین مغایر با اقتصاد مقاومتی تصویب شد

سرویس پارلمانی: طرح «الحاق یک بند به عنوان بند هـ به جزء یک ماده ۳ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور»، با پیشنهاد دو فوریت در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و درپی رد این پیشنهاد، نمایندگان موافقت کردند که این طرح به شیوه یک فوریتی، پس از بررسی در کمیسیون‌های مربوط در دستورکار جلسه علنی قرار گیرد.

درمورد ضرورت بررسی فوری این طرح، عبدالرضا مصری به عنوان یکی از طراحان با استناد به بیانات مقام معظم رهبری، در مورد لزوم حذف قوانین مزاحم و مغایر با اقتصاد مقاومتی، اظهار داشت: قوانین مزاحم رشد تولید و سرمایه گذاری، مانع تحقق اقتصاد مقاومتی است، از این‌رو در این طرح دستگاه‌های اجرایی تاپایان مرداد امسال فرصت دارند قوانین مزاحم اقتصاد مقاومتی را شناسایی کنند و در اختیار مجلس قرار دهند تا نسبت به حذف آن اقدام شود.

بررسی فوری طرح انعقاد قرارداد کار با بازرسان بازار

طرح «اجازه به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای انعقاد قرارداد کار معین با بازرسان شاغل در حوزه نظارت بر بازار» هم با درخواست دو فوریت در این جلسه مورد بحث قرار گرفت و پس از تصویب این تقاضا مقرر شد که این طرح، امروز (چهارشنبه) در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

مخالفت مجلس با تخصیص ۲ درصد مالیات به شورای عالی استان‌ها

طرح «الحاق یک تبصره به ماده ۳۹ قانون مالیات برارزش افزوده»، مبنی بر اختصاص ۲ درصد از درآمد مالیات برارزش افزوده به شورای عالی استان‌ها، هم در ادامه این جلسه مورد رسیدگی قرار گرفت و کلیات آن به تصویب نرسید.

در مخالفت با کلیات این طرح، گروهی از نمایندگان تصویب آن را موجب افزایش هزینه‌های دولت و مغایر با قانون اساسی و قانون برنامه پنجم توسعه دانستند و در نهایت طرح مزبور پس از رأی گیری به تصویب نرسید.

لایحه « موافقت‌نامه ایجاد راه‌اندازی بانک اطلاعاتی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) در خصوص قاچاق و تخلفات گمرکی»، دیگر دستور این جلسه بود که از تصویب نهایی گذشت.

تذکر در مورد برخورد با مفسدان اقتصادی

در ادامه این جلسه، بهرام بیرالوند نماینده بروجرد نسبت به تأخیر در طرح سئوالش از وزیر دادگستری در مورد برخورد با مفسدان اقتصادی، تذکر آیین نامه‌ای داد و دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ، گفت: قاضی سراج احکام بسیاری از مفسدان را صادر کرده و برخی از آنان محکوم به اعدام شده‌اند.

رفع موانع خرید محصولات کشاورزی باید در اولویت باشد

رئیس مجلس در دیداراعضای مجمع نمایندگان استان فارس گفت: خرید محصولات کشاورزان از اهمیت زیادی برخوردار است از این رو باید در اولویت کارها قرار گیرد تا زحمات آنان به هدر نرود.

به گزارش خانه ملت، دکتر علی لاریجانی افزود: تعاونی ها با پشتیبانی دولت می توانند محصولات کشاورزی را خریداری کرده و به فروش برسانند تا زحمات این تولیدکنندگان به هدر نرود.

رئیس مجلس با تاکید بر تشکیل کارگروهی متشکل از نمایندگان استان فارس با وزرای مربوطه، گفت: با تشکیل چنین جلساتی موضوع های مختلف دسته بندی و مکانیسم هایی لازم با توجه به شرایط موجود برای رفع مشکلات در نظر گرفته می شود.

لاریجانی با بیان این که دسته بندی کمبودها کمک به فهم بیشتر نواقص می کند، تصریح کرد: با دسته بندی موارد و مسائل می توان فهمید که کدام یک از کمبودها با کمک دولت و کدام با همراهی بخش خصوصی برطرف می شود.

رئیس مجلس با اشاره به اهمیت زمان در اجرای پروژه ها، گفت: برنامه های در حال اجرا و مصوب را مطالعه کنید و ببینید دوره مطالعاتی کدامیک به پایان رسیده است تا بتوان برای آن ها در بودجه سال آینده ردیفی مشخص کرد که البته بیشترین اعتبار این طرح ها باید از طریق فاینانس تامین شود. وی در ادامه با اشاره به معضل کمبود آب در کشور، افزود: خشکسالی گریبانگیر بیشتر استان های بزرگ کشور است و با وجود اهمیت کشاورزی در این استان ها باید زودتر راه حلی برای آن پیدا کرد.

ترحیم

اناالله و اناالیه راجعون

به مناسبت ارتحال عالم جلیل‌القدر، **حضرت آیت‌الله حاج سید محمدباقر شیرازی(ره)** که عمر پربرکت خویش را در جهت نشر معارف اهل بیت(ع) و تدریس و پرورش طلاب حوزه‌های علمیه سپری نمود، حسب نظر مراجع عظام تقلید دامت برکاتهم مجلس بزرگداشتی روز پنج‌شنبه مورخ ۱۳۹۳/۳/۱ بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد اعظم برگزار می‌گردد.
از مراجع عظام، علماء اعلام، روحانیت معظم و مردم قدرشناس دعوت می‌شود به پاس تجلیل از مقام شامخ علم و فقاهت و ابراز همدردی با بیت شریف آن مرحوم در این مراسم شرکت فرمایند.
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

با غم و اندوه فراوان درگذشت **خانم سیما مشایخی (مرعشی)** را به اطلاع دوستان و بستگان می‌رسانیم.
برای یادآوری خاطرات خوب گذشته روز پنج‌شنبه مورخ ۹۳/۳/۱ در مکان زیر گردهم آمده و یادش را گرامی می‌داریم.
خیابان شیراز جنوبی ـ خیابان علیخانی مجتمع ونک پارک برج الوند ـ طبقه ۵ واحد ۱ منزل قادری از ساعت ۴ تا ۶ بعدازظهر
شبنم قادری (محمودیان) ـ دکتر همایون مشایخی ـ زیبا مشایخی (میخچی) ـ سیروس مشایخی ـ مینا مشایخی (مهران) ـ مهندس شهباز قادری ـ شروان و شقایق قادری ـ مستانه و حسن امامی ـ مهستی و شهداد فاضلی.

اناالله و اناالیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت بانوئی متدینه و مخلصه خدمتگزار آستان مقدسه حضرت فاطمه زهرا(س) متعلقه مرحوم مغفور شادروان حاج محمود توسلی خواه **مرحومه مغفوره حاجیه خانم زهرا حاجیان** را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان و فامیل می‌رساند. مراسم یادبود آن فقیده سعیده روز جمعه ۹۳/۳/۲ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۴۵ در مسجد حضرت محمد رسول‌الله(ص) واقع در خیابان ولیعصر، بین محمودیه و پسیان برقرار می‌باشد.
تشریف‌فرمایی سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: توسلی خواه، حاجیان، غمدانی، جباری، رستا، ظریفیان، بقایی، صدوقیان‌زاده، یعقوبی، متوسلان و سایر خانواده‌های وابسته

هو
۱۲۱

کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام
با عرض تسلیت رحلت مولازاده دانا و اهل معنی شادروان **جناب آقای هادی تابنده** به محضر مبارک مولای بزرگوارمان بندگان حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده «مجذوبعلیشاه» ارواحنا فداه و بستگان صوری و معنوی ایشان و کلیه فقرا، به اطلاع می‌رساند مراسم یادبود پانزدهمین روز رحلت آن عزیز سفر کرده در محل هیئت بیدختی‌های مقیم مرکز روز جمعه مورخ ۹۳/۳/۲ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ واقع در خیابان دماوند خیابان شهید بخت‌آزاد (ارباب مهدی) کوچه شهید زارعی منعقد می‌گردد.
هیئت متوسلین به امام زمان(عج) بیدختی‌های مقیم مرکز

گفتمش نقاش را نقشی کشد از زندگی
با قلم نقش حبابی بر لب دریا کشید

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت زنده یاد **حاج عبدالحسین پرتوی** عکاس پیشکسوت مطبوعات ایران را به اطلاع کلیه دوستان و همکاران محترم می‌رساند.
بهمین مناسبت مراسم ختمی روز جمعه ۹۳/۳/۲ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار خواهد شد.
همسر: پوراندخت پرتوی
فرزندان: بهارک، سحر پرتوی
و یگانه پسرش: سیاوش پرتوی
خانواده‌های سوگوار: پرتوی ـ برمایون ـ جلالوندی ـ هاشم‌آبادی

اوست پایدار
درگذشت پیشکسوت جامعه مطبوعات ایران
عکاس، هنرمند و تصویرنگار نامدار انقلاب
زنده یاد حسین پرتوی

را به جامعه فرهنگی مطبوعاتی کشور تسلیت گفته و برای آن عزیز به حق پیوسته رحمت و آمرزش و برای جامعه عکاسان مطبوعات کشور و خانواده آن فقید سعید از درگاه حضرت حق شکیبایی خواستاریم.
شایان ذکر می‌باشد به همین مناسبت مجلس ختمی روز جمعه ۹۳/۳/۲ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
از طرف جمعی از اعضای انجمن پیشکسوتان مطبوعات ایران
محمد آقازاده ـ داریوش آرمان ـ هوشنگ اعلم ـ رضا ارژنگ ـ علی باستانی ـ محمد بلوری ـ بهروز بهزادی ـ حسن باقریان ـ فروغ بهمن‌پور ـ شاهرخ تویسرکانی ـ حسین ترکاشوند ـ سعید تقی‌پور ـ حسین جمشیدی ـ عبدا... خلیلی ـ محمد دهقانی آرانی ـ علی دامغانیان ـ اسکندر دلدم ـ منصور رهبانی ـ سید جلال سعیدنیا ـ مسعود سیفی اعلا ـ فرهاد سپه رام ـ حسین سبزواری ـ محمود شمس الواعظین ـ مهدی شرف الدینی ـ مرتضی شیرازی ـ ناصر شهلا ـ مرتضی شادمانی ـ فریدون صدیقی ـ محمد صیاد ـ حسن فتحی ـ مهدی فشنگچی ـ رضا قوی فکر ـ مریم قدرتی ـ فیروز گوران ـ بیژن گمار ـ محسن میرزایی ـ محمود مختاریان ـ مسعود مهاجر ـ محمدرضا مرادی ـ امین مریخی ـ محمود متین ـ حسین واحدی‌پور ـ هرمز هوشمندراد ـ مرتضی شاه علی

بازگشت همه به سوی اوست
باکمال تأسف و تأثر درگذشت مرحومه **خانم اعظم عاملی** را به اطلاع کلیه دوستان، بستگان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختم آن مرحومه روز پنجشنبه ۹۳/۳/۱ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجد امیر(ع) واقع در خیابان کارگر شمالی برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خواهر: اکرم عاملی و خانواده‌های وابسته

یادبود

العلماء باقون ما بقی الدهر

در هشتمین سالگرد ارتحال عالم ربانی و خدمتگزار مرحوم مغفور **آیت‌الله حاج سید محمدحسین علوی طباطبائی بروجردی** (قدس سره) یاد و خاطره آن فقید سعید، و همه بزرگ مردان دلسوخته‌ای را که در عرضه معارف اهل بیت معصومین علیهم‌السلام و خدمتگزاری مولای خویش حضرت حجة‌بن‌الحسن المهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف صادقانه تلاش کردند گرامی می‌داریم.
زمان: جمعه ۲ خرداد ۱۳۹۳ مصادف با ۲۳ رجب ۱۴۳۵ ساعت ۱۰/۳۰ صبح
مکان: حسینیه آن فقید سعید، خیابان ابوسعید، کوچه شهید بهروز
امناء و کارگزاران حسینیه علوی

سوم خرداد ماه سالروز سفر جاودانه همسری فداکار و مادری مهربان «شادروان **بانو بتول شکیبی**» را بر سر مزارش در بهشت زهرا به سوگ می‌نشینیم.
از طرف همسر و یگانه فرزندش

یادبود

اردیبهشت ماه پانزدهمین سالروز هجرت پدر گرانقدرمان **حاج اسماعیل نیک‌روش** است.
پانزده سال پر اندوه را بدون تو و مهربانی‌های تو سپری کردیم.
زندگی بی‌تو خالی است.
نگاهت، صداقت و عشقت ابدی است.
همسر و فرزندان

تسلیت

همکار ارجمند سرکار خانم ندا فرج‌پور
با تاثر و تأسف فراوان درگذشت پدر بزرگ عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن شادروان رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان گرامی صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
خانم‌ها: افشاری ـ توکلی ـ حافظی ـ رجبی ـ مریم سعیدی ـ عباسی ـ عبدی ـ عودباشی ـ علیپور ـ فریدی ـ مشکانی ـ معماری ـ نباتی ـ نقبایی ـ یوسفی
آقایان: اختری ـ احمدی‌نیا ـ الله‌یاری ـ ایپکچی ـ بابویی ـ باطبی ـ بنی‌حسینی ـ بی‌وند ـ پاشایی ـ حسینی ـ رزاقی ـ رهبری ـ رمضانی ـ شهریار راد ـ صفایی ـ صومعه‌نشین ـ ظریفی ـ علیزاده ـ فشمی ـ قاسمی ـ قیصری ـ محمدی ـ سید مجیدی ـ بهرام محسنی ـ مجاوری ـ مومن‌زاده ـ میرمیری ـ نصیری ـ نوری ـ نریمانی ـ هاشمی ـ هژبری

دوست و همکار ارجمند
جناب آقای دکتر ثابت سعیدی
در ماتم از دست دادن ناگهانی فرزند برومندتان شریکیم. تسلیت ما را بپذیرید.
از طرف همدوره‌ای‌های دانشکده پزشکی
دکتر رشیقی فیروزآبادی

همکار گرامی سرکار خانم حشمت رنجبران
درگذشت والده گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی آرزومندیم.
همکاران شما در سرپرستی
مؤسسه اطلاعات آذربایجان شرقی (تبریز)

جناب آقای محمدتقی افتخاری
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند متعال برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
مهندسین مشاور تدبیر ساحل پارس

جناب آقای مهندس احمد صفی صمغ‌آبادی
مدیرعامل محترم شرکت مهندسین مشاور زومار
بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر بزرگوارتان را تسلیت می‌گوییم. برای آن جناب و خانواده محترم صبر و شکیبایی و جهت آن مرحومه از خداوند متعال طلب آمرزش داریم.
اعضاء هیات مدیره و کارمندان
شرکت مهندسین مشاور زومار

اناالله و اناالیه راجعون
سرکار خانم دکتر پوران سلامی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نمائیم. برای آن درگذشته از درگاه الهی طلب علو درجات و برای بازماندگان و مصیبت دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
از طرف متخصصین و پرسنل بخش اطفال بیمارستان آیت ا... کاشانی

همکار گرامی
سرکار خانم مرسده محسنی
درگذشت مادر همسرتان را تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
سازمان آگهی‌ها

دوست و همکار گرامی
سرکار خانم مرسده محسنی
درگذشت مادر همسر گرامیتان را تسلیت می‌گوییم. برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان محترم صبر و سلامتی آرزو داریم.
ورودی ـ محمدیان ـ بازخو ـ جعفری ـ سیری ـ سعادتمند ـ سرافراز

سرکار خانم دکتر پوران سلامی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و غفران و برای بازماندگان صبر آرزومندیم.
غلامعلی عرشی و خانواده

شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی
مدیرعامل محترم، جناب آقای محمودیان
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته، خود را در غمتان شریک می‌دانیم.
مهندسین مشاور بندآب

جناب آقای دکتر علی حسن‌خانی
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند متعال برای آن مرحومه مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
مهندسین مشاور تدبیر ساحل پارس

هو
۱۲۱
پیشگاه مقدس مولای بزرگوار
حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده «مجذوبعلیشاه»
ارواحنا فداه
رحلت فرزند عزیز و دانا و اهل معنای آن حضرت شادروان و خلدآشیان آقای هادی تابنده موجب تأثر قلوب مؤمنین و ارادتمندان گردید.
رحلت آن فقید سعید را به حضور منور حضرت عالی و فامیل محترم و کلیه فقرای معظم تسلیت و تعزیت عرض نموده، دوام افاضات ظاهریه و باطنیه حضرت عالی را از درگاه خداوند منان خواستاریم.
فقرای نعمت اللهی سلطانعلیشاهی یزد
مهدی عرب‌پوریزدی

آگهی تغییرات شرکت تاژان سیستم سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۰۸۸۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۰۳۶۹۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال مالی ۹۱ به تصویب رسید. مسیب غفوری به شماره ملی ۱۵۳۲۰۰۷۴۴۲ به سمت بازرس اصلی و محمد شهریار چنگیزی به شماره کدملی ۰۰۶۴۰۰۵۷۱۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۱۶۴۴_۳۹۷۷۶۸۹/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تجهیزات پزشکی و خدماتی تیسفون طب سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۴۲۵۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۷۲۱۳۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سید فخرالدین نورمحمدی به شماره ملی ۲۷۰۹۷۴۱۵۱۲ و آقای رضا قلمقاش به شماره ملی ۰۰۵۵۱۲۵۳۵۲ و آقای عباس تحصیلی به شماره ملی ۴۴۳۱۹۹۱۸۰۸ آقای ابوالفضل جمال عباسی کدملی ۰۵۶۹۳۵۴۵۵۲ و آقای علی‌اصغر ظفر آسوده کدملی ۱۰۶۰۲۳۲۴۵۶ به سمت اعضای اصلی هیئت مدیره و آقای شکراله امیدی کدملی ۰۰۳۹۶۸۶۳۱۰ و خانم مژگان نصیری کدملی ۰۵۳۳۴۲۰۲۴۵ به سمت اعضاء علی‌البدل هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. آقای محمدعلی موسویان کدملی ۰۰۴۳۳۳۶۳۹۶ و آقای کیومرث احمدی کدملی ۲۱۶۲۴۵۴۳۲۷ به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت به مدت یکسال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۱۶۵۰_۳۹۸۵۱۶۵/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت بتن آهن سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۷۶۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۱۱۳۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان محمد ابراهیم جوادی به کدملی ۲۵۹۳۶۱۹۴۹۱ و بهزاد افتخاری به کدملی ۰۰۶۸۱۵۵۳۴۴ و خانم سارا جوادی به کدملی ۲۵۹۳۴۱۹۰۴۰ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۱_۳۹۴۵۴۶۱/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولیدی ارین مه باد سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۹۲۵۳۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۴۴۹۲۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: ساخت نیروگاه‌های تجدیدپذیر مشتمل بر نیروگاه‌های بادی، خورشیدی، زمین گرمایی، زیست توده (ضایعات و زائدات کشاورزی)، جنگل، زباله سوز، فاضلاب‌های شهری و صنعتی و دامی (بیوگاز و بیوماس) و نیز نیروگاه‌های آبی کوچک. طرح، ساخت، نگهداری، بهره‌برداری، تعمیرات نیروگاه و تأسیسات و خطوط انتقال برق و صادرات آن. اخذ نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی و اعطای نمایندگی شرکت در کلیه مناقصات و مزایدات داخلی و خارجی. واردات قطعات، ابزار، لوازم و ماشین‌آلات مورد نیاز. اخذ وام و تسهیلات و اعتبارات ریالی و ارزی از کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و خصوصی داخلی و خارجی.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۳_۳۹۴۹۷۸۶/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری آزمایش سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۴۱۸۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۲۵۷۸۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نام شرکت به «توسعه گسترش آزمایش» تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۲_۳۹۳۵۷۷۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولید برق ماه تاب کهنوج سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۹۸۲۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۴۳۰۳۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شروع سال مالی شرکت از اول فروردین ماه به اول بهمن ماه تغییر یافته و بند الف ماده ۱۷ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردد سال مالی شرکت روز اول بهمن هر سال آغاز می‌شود و در پایان دیماه سال بعد به پایان می‌رسد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۴_۳۹۴۹۶۸۲/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولیدی آب و برق ماهتاب سازان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۱۷۲۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۴۱۵۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سال مالی شرکت اول بهمن هر سال آغاز و پایان دی‌ماه سال بعد به پایان می‌رسد و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح صورتجلسه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۵_۳۹۴۹۴۷۳/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولید برق ماهتاب کاسپین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۸۵۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۸۴۱۴۶
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای بهمن مسعودی به شماره ملی ۰۰۴۷۴۵۳۰۰۱ به نمایندگی از شرکت توسعه و مدیریت انرژی پارسیان به سمت رئیس هیأت مدیره، آقای علی‌اکبر نادر عظیم‌زاده به شماره ملی ۲۵۹۴۰۴۶۱۹۱ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای مجید سلیمانی به شماره ۰۰۴۸۸۲۳۲۹۵ (خارج از اعضاء) به سمت مدیرعامل انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور مالی از جمله چک‌ها، بروات، سفته‌ها با امضای مدیرعامل (در غیاب مدیرعامل رئیس هیأت مدیره) به اتفاق یکی از اعضاء و به همراه مهر شرکت معتبر بوده و مکاتبات اداری با امضای مدیرعامل و یا اشخاصی که وی تعیین می‌نماید صورت می‌پذیرد. اختیارات هیئت مدیره به شرح مندرج در صورتجلسه به مدیرعامل تفویض گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۶_۳۹۴۹۲۶۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی خارک سهامی عام
به شماره ثبت ۱۱۵۶۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۵۷۴۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۷۹۵۱ صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۷۹۵۱ شرکت سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین به شناسه ملی ۱۰۴۲۰۲۰۵۶۹۵ شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۴۴۸۶۹ شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۲۰۵۴۲ به سمت اعضا جدید هیأت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۹۱_۳۹۷۲۶۷۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولید برق ماهتاب کاسپین سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۸۵۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۸۴۱۴۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شروع سال مالی شرکت از اول فروردین ماه به اول بهمن ماه تغییر یافته در نتیجه سال مالی شرکت از اول بهمن ماه هر سال شروع و در پایان دیماه سال بعد خاتمه یافته و ماده مربوطه در اساسنامه نیز اصلاح گردد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۰۸۷_۳۹۴۹۱۵۹/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت صنایع کاشی‌سازی کسری کردستان سهامی خاص به شماره ثبت ۷۴۷۱۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۹۶۱۲۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی کاشفان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۹۹۱۸۵ به‌عنوان بازرس اصلی و آقای جعفر عوض‌پور با کدملی ۱۸۱۵۲۷۲۲۲۸ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱/۱۲/۳۰ به تصویب رسید. آقایان محمد روشنفکر فلاح به‌شماره ملی ۲۶۶۹۱۷۹۱۰۱ به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل، بهروز روشنفکر فلاح به‌شماره ملی ۲۶۶۹۲۰۲۰۷۱ به سمت نایب‌رئیس و خانم فریبا سپهری به‌شماره ملی ۰۰۴۳۷۶۲۵۰۶ به سمت اعضاء برای مدت دوسال تعیین گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک محمد روشنفکر فلاح و بهروز روشنفکر فلاح همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۱۱۷۸۸ _ ۴۱۴۱۸۴۷/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت پیل‌سان تجارت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۷۷۲۴۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۶۶۵۸۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال منقسم به ۹۸۰،۰۰۰ سهم با نام و ۲۰،۰۰۰ سهم بی‌نام ۱۰،۰۰۰ ریالی تماماً پرداخت شده از محل آورده نقدی افزایش یافت و به موجب گواهی بانکی شماره ۱۰۱۵/۳۷۶ مورخ ۹۲/۰۷/۰۹ مبلغ ۹،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال نزد بانک سرمایه شعبه برج سامان پرداخت گردید. ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۲/۹/۲۷ تکمیل امضا گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۱۱۶۶۰ _ ۳۹۷۰۸۷۷/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت پروفیل‌سازان آژینه سهامی خاص به شماره ثبت ۳۴۹۹۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۴۲۸۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت. اعضاء هیئت مدیره شرکت به مدت دو سال به‌شرح زیر انتخاب شدند: آقای وحید ریاضی به شماره ملی ۲۷۵۳۶۲۲۵۷۴ خانم فاطمه رحیمی به شماره ملی ۰۰۵۱۶۵۵۳۰۶ آقای مسعود افتخار به شماره ملی ۳۵۰۰۷۲۹۶۲۲ موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اطمینان‌فرد به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۷۰۳۰ به‌عنوان بازرس اصلی و آقای مسعود وکیلی‌فرد به شماره ملی ۰۰۴۳۱۵۰۸۸۸ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۱۱۶۵۹_۳۹۷۱۰۴۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری تالار ایرانیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۹۷۴۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۵۳۱۵۷
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: خانم سحر بهلولی ک‌م ۰۰۷۶۱۱۰۳۹۷ به نمایندگی از شرکت توسعه و گسترش صنایع بسته‌بندی فلزی پارس به‌جای آقای احمد داودیان به سمت مدیرعامل و خانم عاتکه وادی خیل ک‌م ۰۰۷۳۰۲۲۲۱۷ به نمایندگی از شرکت تولید سموم علف‌کش به‌جای آقای محمدرضا پاشاآخا به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و خانم رومینا داودیان ک‌م ۰۰۱۲۵۳۸۵۲۳ به نمایندگی از شرکت توسعه و گسترش پارس بجای آقای محمدرضا ایزدی‌یار به سمت رئیس هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد شرکت از قبیل چک سفته بروات و قراردادها عقود اسلامی با امضا ثابت مدیرعامل و یک نفر از اعضا هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضا دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. اختیارات مدیرعامل بشرح ضمیمه صورتجلسه در ۱۶ بند تعیین شد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۱۱۷۸۷ _ ۴۱۳۰۰۰۴/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت انجمن سلامت خانواده ایران
موسسه غیرتجاری به شماره ثبت ۸۴۱۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۶۲۷۹۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ ـ در ماده‌های ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۲ و ۴۱ بشرح مندرج در اساسنامه تغییرات ایجاد گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۱۱۷۹۲ _ ۴۵۰۸۶۵۳/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت خدمات صنعتی و مدیریت بشری امین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۷۷۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۰۹۱۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمدرضا پیروی به شماره ملی ۱۲۶۲۵۶۶۲۷۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و جعفر سامانی به شماره ملی ۳۲۵۵۶۳۰۳۸۱ به سمت مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره و محمدتقی ارمغان به شماره ملی ۰۳۸۱۳۰۴۲۳۱ به سمت عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و درغیاب مدیرعامل با امضاء مشترک دونفر از اعضای هیئت مدیره و همراه با مهر شرکت اعتبار دارد. نامه‌های عادی شرکت با امضاء مدیرعامل و مهر شرکت اعتبار دارد.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۱ _ ۴۱۱۱۷۲۹/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت کالا گستران بهارستان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۳۰۲۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۵۲۲۲۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حامد کاظمی به شماره ملی ۴۵۶۹۳۹۹۷۳۸ بسمت رییس هیئت مدیره ـ آقای مسعود موسوی به شماره ملی ۰۰۴۳۴۰۳۶۰۳ بسمت نایب رییس هیئت مدیره ـ آقای علیرضا یزدانی به شماره ملی ۰۰۵۱۲۸۸۸۵۰ بعنوان عضو هیئت مدیره و آقای روح‌اله احمدی شهرابی به شماره ملی ۱۱۸۸۹۵۷۶۴۳ بعنوان مدیرعامل (خارج از اعضا) تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها با امضاء دونفر از آقایان حامد کاظمی و مسعود موسوی و علیرضا یزدانی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل یا یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۲ _ ۴۱۱۲۲۱۰/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور پترو هفت‌جزیره سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۴۷۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۴۵۴۲۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در تهران به: خیابان پاسداران‌شمالی، خیابان نارنجستان ششم، پلاک ۱۹ کدپستی ۱۹۵۷۹۳۴۶۱۵ تغییر یافت و ماده مربوطه به شرح فوق اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۰ _ ۴۱۱۱۵۲۰/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت توسعه تجارت آتیه البرز شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۳۶۰۷۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۵۶۵۲۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به نشانی تهران میدان ونک ـ خیابان شهید خدامی ـ پلاک ۶۲ ـ طبقات ۴ و ۵ موافقت در نتیجه ماده ۴ اساسنامه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۳ _ ۴۰۸۰۸۵۹/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت مهندسی ساختمانی بونیز سازه سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۴۰۱۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۰۹۲۲۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آدرس شرکت به تهران ـ میدان ونک، خیابان ملاصدرا، بالاتر از شیراز، پلاک ۱۵۸، طبقه سوم وکدپستی ۱۴۳۵۸۶۴۵۱۵ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۴ _ ۴۰۸۱۰۲۶/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت پارس گنایس سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۲۳۰۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۴۲۴۵۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت مدیره آقای عزت‌اله رضایی ۴۱۷۱۹۳۶۴۵۴ و رامین رضایی ۴۱۷۲۰۱۷۳۱۲ و مهدی نیک مرام ۰۰۷۵۱۹۵۲۳۲ و خانم سپیده رضایی ۴۱۳۲۱۸۴۹۳۵ برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. آقای سیدمحمود جوزی ۰۴۵۰۵۳۱۹۵۳ بعنوان بازرس اصلی و آقای داود فرمهینی فراهانی ۰۴۵۲۲۱۳۶۰۶ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۵ _ ۴۰۸۲۳۴۳/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت پارس گنایس سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۲۳۰۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۴۲۴۵۷
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای رامین رضایی ۴۱۷۲۰۱۷۳۱۲ بعنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، آقای عزت‌اله رضایی ۴۱۷۱۹۳۶۴۵۴ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای مهدی نیک‌مرام ۰۰۷۵۱۹۵۲۳۲ عضو هیئت مدیره و خانم سپیده رضایی ۴۱۳۲۱۸۴۹۳۵ عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. حق امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها و عقوداسلامی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
۱۱۲۱۲۶ _ ۴۰۸۲۲۳۸/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳
۲۱ رجب ۱۴۳۵ ـ ۲۱ مه ۲۰۱۴

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۱ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۰۷ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۲۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۱۴ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۵ دقیقه

نیروهای ویژه ارتش لیبی به ژنرال «حفتر» پیوستند

سرویس خارجی: نیروهای ویژه ارتش لیبی اعلام کردند که به نیروهای سرلشکر بازنشسته ارتش لیبی «خلیفه حفتر» ملحق شده اند. [illegible]

*مصر

نتایج اولیه آرای مصری‌های مقیم خارج در انتخابات ریاست جمهوری نشان می‌دهد که عبدالفتاح سیسی آرای بیشتری را نسبت به رقیب سیاسی خود کسب کرده است. اسامه شلتوت، سفیر مصر در خارطوم اظهار داشت که ۱۳۲۲ رای دهنده به عبدالفتاح سیسی، نامزد انتخابات مصر و در مقابل ۶۰ تن به حمدین صباحی، دیگر نامزد انتخابات این کشور رای داده و ۱۵ رای نیز باطل بوده است. کمپین انتخاباتی سیسی نیز اعلام کرد که این نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۸۵درصد آرای مصری‌های خارج نشین را به دست آورده است.

روسیه: نتیجه انتخابات ریاست جمهوری اوکراین را به رسمیت نخواهیم شناخت

سرویس خارجی: نخست وزیر روسیه گفت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری اوکراین که ۲۵ مه (٤ خرداد) برگزار می‌شود را به رسمیت نمی‌شناسیم. دیمیتری مدودف تاکید کرد ارزش و قانونی بودن انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در صورت عدم شرکت مردم این کشور در رای گیری روز ۲۵ مه، کاملا زیر سوال خواهد رفت، ضمن اینکه برگزاری این انتخابات هیچ کمکی هم به حل مشکلات اوکراین نخواهد کرد. مدودف گفت: از لحاظ حقوقی باید متوجه بود که این انتخابات در نتیجه وقوع یک کودتای دولتی برگزار خواهد شد. همه مواضع روسیه را می‌دانند، ویکتور یانوکوویچ رئیس جمهوری قانونی اوکراین از سوی پارلمان و با رای نمایندگان عزل نشد و خود نیز استعفا نداد. ما او را رئیس جمهوری قانونی اوکراین می‌دانیم. البته ما این مسئله را درک می‌کنیم که پارلمان اوکراین که نمایندگان آن به انتخاب مردم هستند، کاملا قانونی است و برگزاری انتخابات نتیجه حوادث روی داده در این کشور است ولی انتخابات در شرایط خاص کنونی اوکراین، وضعیت دشواری دارد و اگر مردم این کشور در آن شرکت نکنند، قانونی نخواهد بود. نخست وزیر روسیه افزود: البته در انتخابات ۲۵ مه بخشی از مردم اوکراین به یکی از نامزدهای ریاست جمهوری رای خواهند داد و می‌توان به این مسئله احترام گذاشت، ولی این باعث به رسمیت شناخته شدن نتیجه این انتخابات نخواهد شد. وی تاکید کرد شرایط کنونی اوکراین به شکلی نیست که ما بتوانیم اطمینان داشته باشیم این انتخابات به صورت قانونی برگزار خواهد شد. نخست وزیر روسیه گفت مسکو قصد ندارد تمامیت ارضی اوکراین را تضمین کند زیرا هیچگاه چنین تعهدی را نپذیرفته است اما معتقدیم هدف اصلی برقراری آرامش در اوکراین است. مدودف همچنین با انتقاد از رویکرد دولت اوباما در قبال مسکو اعلام کرد: آمریکا به سوی جنگ سرد دوم با روسیه حرکت می کند. وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: این احتمال وجود دارد که گاز روسیه به جای اروپا به چین صادر شود. مدودف گفت: ما ذخایر گاز فراوانی داریم و می توانیم همزمان گاز را به شرق و غرب صادر کنیم ولی به لحاظ تئوریک باید گفت در صورت بروز شرایط خاص می توان گاز صادراتی به کشورهای غربی را به چین صادر کرد. از طرفی رهبران جدایی طلبان و شبه نظامیان مخالف دولت اوکراین در بیانیه ای اعلام کردند مانع برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در مناطق دونتسک و لوهانسک خواهند شد. در بیانیه سران شبه نظامیان آمده است: در روز انتخابات ریاست جمهوری تمامی حوزه های رای گیری این مناطق بسته خواهد شد. رهبران شبه نظامیان مخالف دولت اوکراین در بیانیه خود خاطرنشان کرده اند: انتخابات ریاست جمهوری اوکراین نامشروع است و نمی تواند در مناطق لوهانسک و دونتسک برگزار شود. پاول گوبارف از سران جمهوری خودخوانده دونتسک نیز در مورد انتخابات ریاست جمهوری اوکراین گفت: این انتخابات را به رسمیت نمی‌شناسیم و اجازه برگزاری آن را در منطقه دونتسک نمی‌دهیم. دنیس پوشیلین رییس مجلس جمهوری خودخوانده دونتسک نیز گفت: در دونتسک اجازه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اوکراین داده نمی‌شود. وی گفت: در حال حاضر به تشریح وضعیت ساکنان دونتسک می‌پردازیم و حوزه های رای گیری را که ۲۵ مه باز شود، خواهیم بست. از سویی حزب کمونیست اوکراین نیز بعد از آنکه رهبر آن نامزدی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری را پس گرفت، اعلام کرد در شرایطی که ارتش در حال عملیات نظامی علیه مردم شرق کشور است، نتیجه انتخابات را به رسمیت نخواهد شناخت. الکساندر گلوب نماینده حزب کمونیست در پارلمان اعلای اوکراین اعلام کرد: ما از هیچیک از نامزدهای ریاست‌جمهوری حمایت نکرده و نتیجه این انتخابات را نیز به رسمیت نخواهیم شناخت. گفتنی است پیتر سیمونتکو رهبر حزب کمونیست اوکراین جمعه گذشته اعلام کرد حاضر به ادامه رقابت در این انتخابات نبوده و نامزدی خود را پس می‌گیرد. البته کمیسیون مرکزی انتخابات اوکراین، کناره گیری وی را قبول ندارد، چرا که به گفته آنها تنها چند روز مانده به برگزاری انتخابات، چنین اقدامی غیرقانونی است. درچنین شرایطی آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه از وی خواست به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین احترام بگذارد. جی کارنی سخنگوی دولت آمریکا نیز ضمن تهدید روسیه به تحریم‌های بیشتر، از این کشور خواست نتیجه انتخابات اوکراین را نابود نکند. درچنین شرایطی روسای جمهوری چین و روسیه در بیانیه مشترکی از تمامی طرف‌های درگیر در اوکراین از جمله اقشار سیاسی و اجتماعی درخواست کردند مذاکرات را آغاز و حقوق شهروندان را کاملا تضمین کنند. رهبران چین و روسیه همچنین نسبت به بحران سیاسی داخلی در اوکراین ابراز نگرانی کردند.

درخواست ناتو از روسیه

دبیرکل ناتو اعلام کرد ناتو به روسیه پیشنهاد برگزاری نشست شورای ناتو- روسیه در مورد بحران اوکراین را ظرف چند روز آینده داده است. این اظهارنظر آندرس فوگ راسموسن در حالی مطرح شده که یک منبع آگاه نیز اعلام کرد ناتو به روسیه پیشنهاد داده نشست شورای روسیه- ناتو ۲۷ مه (٦ خرداد) برای بررسی بحران اوکراین برگزار شود. این منبع در ناتو گفت: روس‌ها پیش از این پیشنهاد برگزاری این نشست را برای بررسی اوضاع اوکراین داده بودند. ما نیز تاریخ ۲۷ مه را پیشنهاد می دهیم و منتظر پاسخ مقامات روسیه هستیم. این درحالی است که رزمایش نیروهای ناتو با نام "تمجز-۲۰۱٤" در لتونی آغاز شد. این رزمایش در زمین، هوا و دریا برگزار می شود و بیش از ۲۲۰۰ نیروی نظامی و داوطلب در آن حضور دارند. هدف از برگزاری این رزمایش، هماهنگی میان نیروهای لتونی و قوای ناتو در شرایط اضطراری اعلام شده است. این رزمایش تا ۲۵ مه ادامه خواهد داشت و در آن نیروهای برخی کشورهای عضو ناتو از جمله آمریکا شرکت دارند. دبیرکل ناتو اعلام کرده این ائتلاف با وجود تنش با روسیه در خصوص اوکراین قصد استقرار سلاح‌های اتمی یا تعداد بسیار زیاد نیروی ضربت جدید در شرق اروپا را ندارد. ناتو در سال ۱۹۹۷ با روسیه به توافقی دست یافت که تحت آن کشورهای عضو ناتو اعلام کردند قصد استقرار سلاح‌های اتمی در خاک اعضای جدید را ندارند، یعنی کشورهایی که در سال ۱۹۹۹ پس از فروپاشی جماهیر شوروی به ناتو پیوستند. در این حال یک ناو آمریکایی با قابلیت پرتاب موشک هدایت شونده به یک ناو ناتو در شرق دریای سیاه پیوست. ناو آمریکایی "ولا گلف" در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در دریای سیاه مستقر شد. علاوه بر این انتظار می‌رود یک ناو ناتو و یک کشتی رادارگریز فرانسوی نیز بین ۲۸ تا ۲۹ مه وارد دریای سیاه شوند. همه این کشتی‌های جنگی به یک کشتی شناسایی فرانسوی در شهر بندری وارنا در بلغارستان ملحق خواهند شد. ناو "ولا گلف" که قابلیت ردیابی ارتباطات از جمله تماس‌های تلفنی و ایمیل‌ها را دارد، از ١٤ مه وارد دریای سیاه شده اما هنوز به شرق دریای سیاه محل تعیین شده برای استقرارش نرسیده است. از سویی دبیر شورای امنیت و دفاع اوکراین از رسیدن کمک‌های کشورهای عضو ناتو برای نیروهای مسلح این کشور به پشت مرزهای اوکراین خبر داد. آندری پاروبی افزود: مقامات کی‌یف روی کمک همه جانبه کشورهای اروپایی و مقامات ناتو در این راستا حساب‌ می‌کنند. این در حالی است که خبرگزاری ریانووستی روسیه از درخواست کمک تسلیحاتی اوکراین از آمریکا خبر داد. در گزارش ریانووستی خاطرنشان شده است: اوکراین از آمریکا تقاضا کرده فهرست اقلام نظامی تحویلی به این کشور را افزایش دهد و تمامی تسلیحات و وسایل نظامی را که ارتش آمریکا در افغانستان استفاده کرده در اختیار این کشور قرار دهد. در این گزارش به نقل از لئونید پولیاکف معاون سابق وزیر دفاع اوکراین و از مقام‌های کنونی این وزارتخانه گفته شده است: دولت اوکراین از آمریکا خواسته است نفربرهای زرهی و تسلیحات ویژه تجسسی و سلاح های کارکرده در افغانستان را برای حمایت از کی یف در اختیار ارتش این کشور قرار دهد. به گفته پولیاکف، بدون دریافت این تسلیحات، در صورت حمله نیروهای روسیه به اوکراین ارتش این کشور توانایی مقابله نخواهد داشت. گفته می شود ارتش اوکراین وضعیت خوبی ندارد و تسلیحات آن فقط برای محافظت از حکومت این کشور در برابر اعتراضات داخلی کفایت می کند و امکان مقابله با تهاجم خارجی را نمی‌دهد. خبر دیگر اینکه آناتولی آنتونف، معاون وزیر دفاع روسیه اعلام کرد: وزارت دفاع روسیه در حال برنامه‌ریزی برای ایجاد چندین پایگاه دریایی و پایگاه در خاورمیانه است. وی همچنین گفت: آمریکا پیشنهادات مسکو را در خصوص سپر دفاع موشکی اروپا نادیده می گیرد اما مصالحه همچنان ممکن است.

تحریم ۱۳ مقام روس

دولت سوئیس فهرست سیاه مقامات روسی مورد تحریم در رابطه با مواضع مسکو در قبال اوکراین را گسترش داد و ۱۳ تن دیگر را به آن افزود. دبیرخانه امور اقتصادی دولت سوئیس با اعلام این مطلب، توضیح داد که هدف اصلی از این اقدام، جلوگیری از دور زدن تحریم‌های بین المللی در رابطه با وخامت اوضاع اوکراین است. فهرست سیاه جدید دولت سوئیس، تکرار لیست افرادی است که هفته گذشته از سوی اتحادیه اروپا مورد تحریم قرار گرفتند. این تحریم‌ها از دیروز به اجرا گذاشته شد. این افراد تحریم روادیدی و مالی شده اند. در این فهرست اسامی برخی مقامات از جمله ویچسلاو والودین مشاور دفتر ریاست جمهوری روسیه، ژنرال ولادیمیر شامانف فرمانده نیروی زمینی روسیه و همچنین چند نماینده دومای دولتی روسیه دیده می شود. علاوه بر این اسامی ٤ تن از مقامات محلی جمهوری خودمختار کریمه و بندر سواستوپل نیز در این فهرست گنجانده شده است. این درحالی است که نخست‌وزیر روسیه اعلام کرد مسکو بسته‌ای از اقدامات تلافی جویانه علیه تحریم‌های آمریکا در دست اقدام دارد. دیمیتری مدودف گفت: با توجه به پیشرفت شرایط ما بدون تردید اقداماتی را در نظر داریم. مدودف اظهار داشت: بسته تلافی جویانه ما نه تنها شامل اقداماتی تدریجی در اقتصاد کشورمان می‌شود بلکه کشورهای خاصی را نیز هدف قرار خواهد داد. درتحولی دیگر انتخاب یک دختر جوان برای تصدی پست دادستانی کل شبه جزیره کریمه از سوی پوتین با استقبال گسترده کاربران فضای مجازی مواجه شده است. رئیس جمهوری روسیه "ناتالیا بوکلونسکایا" را برای تصدی منصب دادستانی کل شبه جزیره کریمه انتخاب کرد. ویدیوی منتشر شده از بوکلونسکایا طی چند روز ۱۰ میلیون بازدید کننده در یوتیوب داشته است. این دختر جوان در ۱۸ مارس ۱۹۸۰ در روستایی از توابع شهر لوهانسک در شرق اوکراین به دنیا آمده است. وی پس از ۱۰ سال، به همراه پدر و مادرش به کریمه رفت و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه در دستگاه‌های دادستانی کل اوکراین فعالیت کرد و از معاونت دادستانی کل به دادستان کل در کریمه ارتقا یافت.

۱۰هزار آواره

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد اعلام کرد، از شروع بحران اوکراین ۱۰ هزار نفر از مردم این کشور از خانه‌های خود آواره شده‌اند که در این میان بیشترین آسیب به جامعه تاتار کریمه وارد شده است. آدریان ادوارد، سخنگوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در این باره گفت: نقل مکان‌ها در اوکراین پیش از همه‌پرسی در کریمه آغاز شد و از آن زمان به تدریج رو به افزایش است. او به خبرنگاران گفت: بیشتر این جابه‌جایی‌ها از سوی قوم تاتار صورت گرفته است هر چند مقامات محلی اخیرا از افزایش جابه‌جایی اوکراینی‌ها گزارش داده‌اند. وی افزود: تعداد پناهجویان اوکراینی در سایر کشورها کماکان رقم اندکی است. بر اساس این گزارش، حدود ۱۰ هزار نفر در داخل اوکراین جا به جا شده و تغییر مکان داده‌اند و البته در داخل اوکراین مانده‌اند. در بخش دیگری از این گزارش آمده است: تنش میان مسلمانان تاتار کریمه که در کل حامی کی‌یف تلقی می‌شوند، با روس‌های این استان بالا گرفته است. ادوارد در این باره گفت: در میان مواردی که از افراد آواره شنیده‌ایم، آنها یا به خاطر تهدیدات مستقیم و یا ترس از ناامنی و بازجویی خانه‌های خود را ترک کرده‌اند. به گفته وی، بیشتر این ۱۰ هزار آواره به مرکز یا غرب اوکراین عزیمت کرده‌اند.

عقب نشینی نیروهای روسی از مرز اوکراین

وزارت دفاع روسیه با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد: نظامیان روسی که در رزمایش اخیر در استان های مرزی راستف، بلگرود و بریانسک با اوکراین شرکت کرده بودند از دیروز عملیات بازگشت به داخل پایگاه‌های خود را آغاز کرده اند. سرگئی شایگو وزیر دفاع روسیه دستور ترک منطقه و بازگشت نیروهای شرکت کننده در رزمایش غرب کشور را صادر کرده است. در حال حاضر پرسنل شرکت کننده در رزمایش، مقدمات ترک منطقه را فراهم کرده و برخی واحدهای نظامی هم به سوی مراکز استقرار دائمی و پادگان‌های خود حرکت کرده اند. در مجموع ٤٠ هزار نیروز روسی در این رزمایش که بیش از یک ماه به طول انجامید، شرکت کردند.

کوتاه از سراسر جهان

رئیس مجمع ملی ونزوئلا: اپوزیسیون قصد خرابکاری دارد

ایسنا: رئیس مجمع ملی ونزوئلا اعلام کرد که اپوزیسیون این کشور در روزهای آینده، قصد ایجاد یک خرابکاری در بزرگراه «واله» در کاراکاس را دارد. «دیوسدادو کابیو» در تلویزیون ملی ونزوئلا گفت: یک سند در اختیار دولت است که شامل اسامی کسانی است که این خرابکاری را راه اندازی کرده اند. وی تاکید کرد که دولت نمی تواند از اعمال غیرقانونی اپوزیسیون که در صدد سرنگون کردن «نیکلاس مادورو» است، چشم پوشی کند.

چین سفیر آمریکا را فراخواند

ایسنا: پکن، سفیر آمریکا به دنبال اقدام وزارت دادگستری آمریکا در متهم کردن پنج افسر چینی به جاسوسی اقتصادی از شرکت های آمریکایی، برای توضیح در این باره فراخواند. این اقدام در حالی صورت گرفت که «اریک هولدر» وزیر دادگستری آمریکا، تأکید کرد که پنج افسر ارتش چین از شش شرکت آمریکایی جاسوسی اقتصادی کرده اند. دولت چین این اظهارات را محکوم کرد و گفت که به هیچ عنوان در سرقت سایبری دست نداشته یا در آن شرکت نکرده است. شرکت های «وستینگهاوس»، فولاد ایالات متحده و «آلکوا» بزرگ ترین شرکت تولید آلومینیوم آمریکا، از جمله شرکت هایی هستند که دولت آمریکا تأکید دارد توسط هکرهای ارتش چین هدف قرار گرفته اند.

رئیس «اف.بی.آی»: القاعده قوی تر از چیزی است که تصور می کردم

فارس: «جیمز کامی» رئیس اداره تحقیقات فدرال آمریکا (اف.بی.آی) در گفت‌وگو با روزنامه «نیویورک تایمز» گفت تصور نمی کردم گروه‌های وابسته به القاعده تا این حد تقویت شده باشند. «جیمز کامی» می گوید واشنگتن قدرت گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده را دست کم گرفته و با وجود کشته شدن «اسامه بن لادن»، شاخه‌های این گروه در نقاط مختلف دنیا قدرت گرفته‌اند. «کامی» گفت: «هیچ وقت به اندازه دوران پس از تصدی در این سمت، تا این حد برایم ملموس نبود که این گروه‌ها تا چه حد زهرآگین شده‌اند.

سرباز آمریکایی در رزمایش اردن کشته شد

ایرنا: یک سرباز ۱۹ ساله آمریکایی در رزمایش مشترک ارتش اردن و آمریکا که در اردن برگزار می شود، کشته شد. مقامات رسمی ارتش اردن اعلام کردند «آدرین پارکینز» سرباز ۱۹ ساله آمریکایی در رزمایش مشترک ارتش اردن و آمریکا و ۲۴ کشور دیگر که با نام «شیر در کمین» شناخته می شود، کشته شده است. هنوز وزارت دفاع آمریکا گزارشی از جزئیات این حادثه ارائه نداده، اما سخنگوی گردان نظامی «فورت کارسون» که پارکینز به آن تعلق دارد، گفت: بررسی ها برای به دست آوردن جزئیات این حادثه همچنان ادامه دارد اما بر اساس اطلاعات به دست آمده هیچ نظامی اردنی در این حادثه دست نداشته است.

ترور ۸ عضو احزاب سیاسی پاکستان در کراچی

ایسنا: موج جدید ناامنی در شهر کراچی پاکستان، سبب کشته شدن هشت نفر شد که بیشتر آن‌ها از اعضای چند حزب سیاسی این کشور هستند. باوجود عملیات پاکسازی در کراچی آغاز موج جدید ترورهای هدفمند در این شهر زندگی مردم را دچار مشکلات زیادی کرده است. بر اساس گزارش ها «امین» و «امان» دو تن از اعضای حزب «شورای اتحاد سنی» در منطقه «اورنگی تاون» هدف حمله افراد مسلح قرار گرفتند و به شدت زخمی شدند و قبل از رسیدن به بیمارستان جان باختند. همچنین جسد دو نفر دیگر از اعضای یک گروه سیاسی پاکستان در منطقه «رضویه سوسائتی» کشف شده است که بر اثر اصابت گلوله کشته شده‌اند.

نشست فرماندهان ارتش پاکستان و افغانستان با فرمانده «ایساف»

ایسنا: فرماندهان ستاد مشترک ارتش پاکستان و افغانستان با فرمانده نیروهای بین المللی برای کمک به برقراری صلح و امنیت در افغانستان (ایساف) به گفتگو پرداختند. این گفتگوی سه جانبه میان جوزف دانفورد، فرمانده نیروهای ایساف در افغانستان، ژنرال راحیل اشرف، فرمانده ستاد مشترک پاکستان و ژنرال شر محمد کریمی، فرمانده کل ستاد مشترک ارتش افغانستان صورت گرفت.

ارتش تایلند حکومت نظامی اعلام کرد

سرویس خارجی: ارتش تایلند در یک اقدام غیرمنتظره با هدف برقراری ثبات در کشور، در پی شش ماه ناآرامی و خشونت‌های سیاسی، حکومت نظامی اعلام کرد؛ اگرچه ارتش، وقوع کودتا در کشور را رد کرده است. یکی از مقام‌های ارتش تایلند که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد: این حکومت نظامی به معنای کودتا نیست و تنها باعث تامین امنیت برای مردم می‌شود و آنها می توانند همچنان زندگی عادی خود را از سر بگیرند. تلویزیون ارتش تایلند نیز مساله به دست گرفتن زمام امور کشور توسط ارتش را رد کرد و از پلیس این کشور خواست باعث ایجاد رعب و وحشت نشود.

جدیدترین دور ناآرامی‌های تایلند، از نوامبر گذشته و پس از آن صورت گرفت که معترضان ضد دولتی به خیابان‌ها آمده و تلاش کردند «یینگلاک شیناواترا» نخست وزیر وقت این کشور را برکنار کنند. بیانیه ارتش از جانب «چان اوچا» فرمانده ارتش تایلند به امضا رسیده است. ارتش همچنین برای اجرای تصمیماتش، اختیارات گسترده‌ای به خود داده است. ارتش با این اقدام، کنترل امنیت در سراسر کشور را در اختیار می گیرد. مشاور ارشد امنیتی نخست‌وزیر موقت گفت که دولت از قبل، از تصمیم ارتش آگاه نشده و مورد مشورت قرار نگرفته بود. وی گفت: همه چیز عادی است، فقط حالا ارتش مسئول تمامی امور امنیتی کشور است. گزارش ها حاکیست که سربازان، مراکز حساس پایتخت، از جمله ایستگاه‌های تلویزیونی را اشغال کرده‌اند.

۵۸ کشور خواستار ارجاع پرونده سوریه به دادگاه جنایی بین‌المللی شدند

سرویس خارجی: ۵۸ کشور با پیشنهاد فرانسه مبنی بر ارجاع پرونده جنایات در سوریه به دادگاه کیفری بین‌المللی موافقت کردند. "پل سیجر" نماینده سوئیس در سازمان ملل در نامه‌ای به نیابت از این ۵۸ کشور اعلام کرد این کشورها طرح فرانسه را تایید می کنند. سیجر از شورای امنیت خواست با این طرح فرانسه و دیگر کشورهای عضو سازمان ملل موافقت کرده تا بدین ترتیب حمایت سیاسی گسترده خود را نشان دهند. وی گفت: ما بر این باور هستیم که طرح فرانسه، بعد از سه سال از شروع درگیری‌های داخلی در سوریه بهترین فرصت را برای اجرای عدالت در این کشور فراهم کرده و از وقوع جنایت‌های جدید جلوگیری می کند. گفته می شود این ۵۸ کشور از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ژاپن، کره جنوبی، تعدادی از کشورهای آمریکای جنوبی و آفریقا از شورای امنیت خواسته اند پرونده سوریه را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. این در حالی است که آمریکا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نبوده و این نامه را امضا نکرده اما حمایت خود را از این طرح اعلام کرده است. از آن جا که سوریه عضو دادگاه کیفری بین المللی نیست، این امر ایجاب می کند که شورای امنیت در خصوص ارجاع پرونده جنایت‌های صورت گرفته در سوریه به این دادگاه، قطعنامه‌ای را صادر کند. قرار است شورای امنیت فردا به این طرح رای دهد و این در حالی است که برخی دیپلمات‌ها پیش بینی می کنند روسیه و چین برای مقابله با این طرح از حق وتو استفاده کنند. بر اساس آمار جدیدی که دیدبان حقوق بشر سوریه اعلام کرده، تعداد کشته شدگان در درگیری‌های سوریه به بیش از ۱۶۲ هزار تن رسیده است. درچنین شرایطی معاون رئیس ائتلاف مخالفان سوریه اعلام کرد گروه "دوستان سوریه" تصمیمی برای سرنگونی نظام بشار اسد ندارد. عبدالحکیم بشار گفت: مخالفان تمایل دارند دولت انتقالی بدون حضور بشار اسد تشکیل شود. وی گفت: شرکت کنندگان در نشست دوستان سوریه اعلام کردند باید حمایت‌ها از مخالفان سوری افزایش یابد و سلاح‌های پیشرفته به آن‌ها ارائه شده تا توازن درگیری‌ها را تغییر دهند و بدین ترتیب نظام سوریه را وادار به پذیرش راه حل سیاسی کنند. این درحالی است که رئیس سابق ائتلاف مخالفان سوریه "دوستان سوریه" را دروغگو و منافق توصیف کرد. معاذ الخطیب گفت: کسانی که خودشان را دوستان سوریه می نامند دروغگو، حقه باز و منافق هستند. وی افزود: دوستان سوریه همان کسانی هستند که سوریه را به وضعیت کنونی رسانده‌اند و برخی طرفها نمی خواهند بحران سوریه که بیش از ۳ سال طول کشیده است، حل شود. الخطیب گفت: ما چاره‌ای جز گفتگو درباره اشتراکات و به دور از راهبردهای غربی نداریم. در چنین شرایطی سایت "ایلاف" به نقل از منبع نزدیک به سران ائتلاف مخالفان فاش کرد که سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان با احمد الجربا رئیس ائتلاف مخالفان سوریه در پاریس دیدار کرد. سعود الفیصل و الجربا در مورد نتایج سفر این ائتلاف به واشنگتن گفتگو کردند. از سویی مشاور سیاسی و رسانه‌ای بشار اسد با بیان اینکه آشتی ملی راه حل مهم و اساسی میان سوری‌هاست، گفت: اولویت‌های واشنگتن در منطقه محقق کردن منافع اسرائیل و از بین بردن مقاومت است. بثینه شعبان تأکید کرد: آشتی ملی در سوریه تنها راه حل مهم و درست میان سوری‌هاست چرا که برگرفته از نظر و دیدگاه مردم است و موجب اعتماد و اطمینان بیشتر آن‌ها می شود. وی گفت: تمامی سوری‌ها از آشتی های ملی سود می برند چرا که این آشتی ها خون شهدا و فداکاری‌های آن‌ها را گرانبهاتر می کند و سوریه را به سمت امنیت و صلح پیش می راند.

ادعای عربستان

شورای وزیران عربستان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد انتخابات ریاست جمهوری سوریه را به رسمیت نمی‌شناسد و مدعی شد انتخاباتی که قرار است از سوی دولت سوریه برگزار شود نا مشروع است. جلسه هفتگی شورای وزیران عربستان که به ریاست «سلمان بن عبدالعزیز» ولیعهد این کشور برگزار شده بود از بیانیه پایانی نشست دوستان سوریه که در لندن برگزار شده بود و بشار اسد را مسئول بحران سوریه خوانده بود، استقبال کرد. انتخابات ریاست جمهوری سوریه قرار است سوم ژوئن برگزار شود که بشار اسد، یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری است. در این حال نامزد انتخابات ریاست جمهوری سوریه ضمن تایید اقدامات بشار اسد در زمینه مبارزه با تروریسم مدعی شد که اسد در زمینه اصلاحات مدیریتی در سوریه موفق نبوده است. حسان نوری تاکید کرد: ما باید بر موضوع جامعه مدنی که نقش مهمی را در مرحله آتی خواهد داشت متمرکز شویم. همچنین مساله امنیتی باید اصلاح شود و موضوع بازداشت‌های کورکورانه نیز مورد بررسی قرار گیرد. وی افزود: دیدگاه‌های من در خصوص برخورد با موضوع اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی با دیدگاه‌های دیگر نامزدها از جمله بشار اسد تفاوت دارد. نوری مدعی شد: نظام کنونی به خاطر روی باز نشان دادن به ترکیه در زمینه اقتصادی، مرتکب اشتباهات زیادی شده است. من اقدامات بشار اسد در خصوص ریشه کن کردن تروریسم را تایید می کنم اما از نظر من وی در مساله اصلاح مدیریتی موفق نبوده است. خبر دیگر اینکه رابرت فیسک تحلیلگر مسائل خاورمیانه در مطلبی در روزنامه ایندیپندنت انگلیس با عنوان «غرب از مقوله شکست دادن بشار اسد عقب نشینی کرد» گفت: اخضر ابراهیمی به همکارانش گفته بود در صورتی که بشار اسد برای انتخابات ریاست جمهوری سوریه نامزد شود، این به معنی پایان توافق برای مرحله انتقالی است. فیسک با اشاره به اینکه بشار اسد برای شکست خوردن نمی جنگید بلکه برای پیروزی می جنگید، تصریح کرد دولت‌های غربی، تروریست‌ها و بسیاری از روزنامه‌نگاران از تحلیلشان درباره شکست بشار اسد در جنگ با مخالفان طی ۱۸ ماه گذشته دست کشیده‌اند.

وی افزود: غرب، تحلیل «اسد شکست می خورد» را کنار گذاشته است. در تحولی دیگر یک روزنامه‌نگار مشهور سوئدی با ارائه اسناد و مدارکی اعلام کرد سوئد از تروریسم و گروه‌های تروریستی در سوریه حمایت می کند. پاتریک پاولف، به اسناد و مدارکی از وزارت خارجه سوئد دست یافته است که نشان می دهد سوئد همراه با دیگر کشورهای غربی و عربی در حمایت از تروریسم و به بهانه حمایت از دموکراسی و حقوق بشر، دست داشته است. وی گفت: اموال خزانه‌داری سوئد که به کمک‌های بشردوستانه اختصاص دارد برای مخالفان مسلح در سوریه ارسال می شود. پاولف خاطرنشان کرد: اسناد و مدارک زیادی هست که نشان می دهد مسئولان کشورهای غربی می دانند که ائتلاف مخالفان سوریه از تأیید مردمی در سوریه برخوردار نیست برای همین تلاش می کنند از مخالفان مسلح حمایت مالی و تسلیحاتی به عمل آورند و این حمایت‌ها از طریق اموالی تهیه می شود که به کمک‌های بشردوستانه اختصاص دارد. برای همین دولت‌های غربی اسم این حمایت‌ها را کمک‌های بشردوستانه می گذارند تا صفت قانونی برای اقدام خود بگذارند. خبر دیگر اینکه همزمان با پیروزی های نظامی ارتش سوریه در مناطق مختلف این کشور، صدها تروریست با ابراز پشیمانی و ندامت، خود را تسلیم نیروهای دولتی کردند. به گزارش شبکه تلویزیونی فرانس ۲٤، از چند ماه پیش تاکنون صدها نفر از شورشیان مخالف حکومت بشار اسد توبه و خود را تسلیم نیروهای دولتی کرده اند. دولت سوریه همواره اعلام کرده که از بازگشت این افراد استقبال می کند.

هلاکت فرمانده نظامی «داعش» در سوریه

پایگاه خبری المیادین گزارش داد که «ابو عمر الشیشانی» فرمانده نظامی گروهک تروریستی داعش در درگیری با عناصر گروهک تروریستی «جبهه النصره» در منطقه «دیر الزور» سوریه به هلاکت رسید.

المیادین افزود: ابو عمر الشیشانی، سرکرده ارشد گروهک تروریستی داعش در سوریه که چند روز قبل در درگیری با جبهه النصره به شدت مجروح شده بود، دیشب بر اثر شدت جراحات، به هلاکت رسید.

ادامه عملیات سنگین ارتش سوریه علیه گروه های مسلح در نقاط مختلف و شکست های آنها که با عقب‌نشینی از مناطق راهبردی همراه شده، باعث تشدید جنگ میان تروریست ها شده است.

سخنگوی وزارت خارجه: مصمم به تداوم مذاکرات تا توافق نهایی هستیم

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: سخنگوی وزارت امور خارجه بر عزم ایران برای تداوم مذاکرات هسته‌ای تا به نتیجه رسیدن آن تأکید کرد و گفت: برای دست یافتن به نتیجه برد ـ برد مصمم هستیم.

به گزارش خبرنگار ما، مرضیه افخم روز گذشته در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره توقف مذاکرات و اختلاف نظر با ۱+۵، افزود: پیرو گفتگوهای قبلی، در این دور، مذاکرات رسمی بر سر موضوعاتی چون غنی‌سازی، تأسیسات اراک و تحریم‌ها صورت گرفت. وی با بیان این که مذاکرات وین سخت و پیچیده و در عین حال هوشمندانه و حرفه‌ای پیش رفت، گفت: اعلام کردیم که از حقوق هسته‌ای ایران عقب‌نشینی نمی‌کنیم و جلو زیاده‌خواهی ها می ایستیم، ولی در عین حال اعلام کردیم که بر عزم خود برای رسیدن به نتیجه برد ـ برد پایبندیم. وی با بیان این که درباره دور بعدی مذاکرات گمانه‌زنی نمی‌کنیم، تأکید کرد: گفتگوها جدی، شفاف، صریح و حرفه‌ای پیش می‌رود و ادامه می‌یابد.

افخم در پاسخ به این پرسش که آیا مذاکرات تا پایان تیرماه و دوره شش ماهه به توافق نهایی منجر می شود گفت: عزم طرفین بر به نتیجه رسیدن مذاکرات در پایان شش ماه است، ولی مسیر گفتگوها تعیین کننده است که آیا در پایان شش ماه طرفین به توافق می‌رسند یا خیر. وی افزود: در صورت نیاز، طرفین بر سر ادامه مذاکرات توافق خواهند کرد. سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسشی درباره موضع کمیته دفاعی کنگره آمریکا علیه مذاکرات هسته‌ای گفت: مهم عزم ما برای تداوم مذاکرات و به نتیجه رساندن آن است تا با گام‌های متوازن و برابر، حقوق ایران را تضمین کنیم. وی با بیان این که در این مسیر اظهارنظرها و تحرکاتی هم صورت می گیرد، ولی هوشمندی طرفین و عزم مذاکره کنندگان بخش پر لیوان است تصریح کرد: مذاکرات هسته‌ای بحثی فراجناحی و ملی است و گره زدن آن به منافع جناحی درست نیست. افخم در پاسخ به پرسشی درباره هشدار اخیر دکتر ظریف مبنی بر از دست رفتن فرصت مانند سال ۲۰۰۵، گفت: تأکید دکتر ظریف و تیم مذاکره کننده بر این است که تکرار اشتباهات گذشته و زیاده‌خواهی های طرف غربی باعث نشود مذاکرات به نتیجه نرسد. سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسشی درباره درخواست شماری از نمایندگان مجلس برای مناظره میان تیم‌های هسته‌ای فعلی و قبلی، گفت: مناظره میان مسئول مذاکره‌کننده و منتقدین عملاً منتفی است و جایگاه کار را تقلیل می دهد. طرح این مسأله، زیر سؤال بردن اصل مذاکره و شیوه‌های مذاکراتی است.

*** انتخابات عراق**

سخنگوی وزارت خارجه با تبریک برگزاری انتخاباتی باشکوه در عراق، گفت: ایران از این‌که مردم عراق گام بزرگ دیگری در صحنه سیاسی کشورشان برداشتند خرسند است. وی افزود: برگزاری انتخابات در موعد مقرر با سازوکار پیش‌بینی شده و اعلام نتایج در زمانبندی مقرر، همه نشانه موفقیت آمیز بودن انتخابات است. افخم ابراز امیدواری کرد که دولت جدید عراق با همین پشتکار راه را ادامه دهد و در مسیر انسجام ملی و تحقق خواست مردم گام بردارد و نسبت به تشکیل یک دولت فراگیر اقدام کند. سخنگوی وزارت خارجه به اخباری که پیرامون حضور علیرضا عسگری، معاون سابق وزارت دفاع در آمریکا منتشر شده است اشاره کرد و گفت: ایران نگرانی خود را نسبت به ربوده شدن علیرضا عسگری در ترکیه با مراجع بین‌المللی و دبیرکل سازمان ملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در میان گذاشته و همچنان پیگیر وضع وی است. افخم با بیان این که دعوت از دکتر ظریف برای سفر به عربستان شفاهی بوده است، گفت: سفر مقام‌های ایرانی به عربستان در دستور کار است و پس از انجام مقدمات کار انجام می‌شود. وی افزود: گفتگو و همکاری میان دو کشور آنقدر سابقه دارد که به پروتکل های ویژه‌ای برای انجام این سفرها نیاز نیست. ضمن این‌که ارتباطات و روابط دو کشور تأثیر بر حوزه روابط منطقه‌ای خواهد داشت. سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به پرسشی درباره اخبار مربوط به خرید یک واحد ویلا ۱۶ میلیارد تومانی در نروژ توسط سفیر ایران گفت: خرید مکان برای سفارتخانه و یا اقامت سفیر روال معمول است، زیرا صرفه اقتصادی در برخی کشورها حکم می کند که به جای اجاره ملک، محلی خریداری شود و تصمیم‌گیری درباره محل و نوع ساختمان هم در یک کمیته خاص انجام می گیرد. املاک خریداری شده به نام جمهوری اسلامی ایران ثبت می شود و باید متناسب با شئونات ایران باشد.

سفیر فلسطین: در ایران با صدای بلند و راستین از حقوق فلسطین سخن می گوییم

سرویس خارجی: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه کشورمان دیروز میزبان نشستی به مناسبت شصت و ششمین سالگرد فاجعه اشغال فلسطین موسوم به «روز نکبت» با حضور سفرای کشورهای عربی و اسلامی و کارشناسان وزارت امور خارجه کشورمان بود.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این نشست، «صلاح زواوی» سفیر فلسطین در تهران ضمن قدردانی از حمایت‌های بی‌دریغ ایران از حقوق ملت فلسطین، گفت: به برکت انقلاب شکوهمند ایران است که من در اینجا حضور دارم و این انقلاب به همان اندازه که از آن ملت ایران است، از آن ملت فلسطین نیز هست. این مهم است که در ایران با صدای بلند و راستین در حمایت از فلسطین سخن می‌گوییم.

وی افزود: طرح ضدصهیونیستی ما نیاز به سنگری در همین راستا دارد، از همین رو هر گونه تلاشی که در جهت یکپارچگی تلاش‌های اسلامی پیرامون فلسطین نگنجد، بیهوده خواهد بود.

زواوی گفت: از دوستان وزارت خارجه که این فرصت را در اختیار ما گذاشتند به ویژه آقایان زهرانی، صباح زنگنه، فردوسی‌پور و همچنین آقای سلطان شاهی از نهاد ریاست جمهوری که همگی در این نشست حضور دارند تشکر و قدردانی می کنم زیرا اگر شما عزیزان و امثال شماها نبودید، مسئله فلسطین تا به امروز تداوم نمی‌یافت.

وی گفت: هرگز فراموش نمی‌کنیم کمک‌های مالی و حتی شهدایی را که در این راه تقدیم کرده‌اید، از جمله شهید چمران که در جنگ عراق با ایران شهید شد. البته حمایت کشورهای عربی برادر از قضیه فلسطین را نیز هرگز فراموش نمی‌کنیم. سفیر فلسطین تصریح کرد: انقلاب اسلامی بر دو پایه اساسی اسلام و فلسطین بنا شده و هر گاه خدای نخواسته یکی از این دو پایه سست شود، مسئله فلسطین به گونه دیگری رقم خواهد خورد. زواوی افزود: همه ما یک دشمن مشترک به نام صهیونیسم داریم و من از همین رو از تلاش‌های ایران و عربستان سعودی قدردانی می‌کنم، بدون اینکه مصر، این کشور بزرگ یا سوریه عزیز را نیز فراموش کنیم. حتی کشورهای حوزه خلیج‌فارس یا موریتانی و سودان را که از مبارزه ما حمایت کرده‌اند فراموش نخواهیم کرد. سفیر فلسطین گفت: این مبارزه از نهر تا دریا است و هرکس غیر از این فکر کند گناه بزرگی مرتکب شده چون ما از آغاز مبارزه تلاش کرده‌ایم همه سرزمین فلسطین را آزاد کنیم. وی ادامه داد: سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ سرزمین فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ را به رسمیت شناخت اما این بدان معنی نیست که ما از بقیه سرزمین‌مان چشم‌پوشی کنیم.

زواوی افزود: مبارزه فلسطین دیروز آغاز نشده و ما از یکصد سال قبل مبارزه را آغاز کرده‌ایم و به کسی اجازه نمی‌دهیم خدشه‌ای به آن وارد کند.

سفیر فلسطین تصریح کرد: اگر می‌خواهیم رژیم صهیونیستی سرنگون شود باید وحدت عربی و اسلامی را حفظ کنیم و ما حمایت برادرانمان در لبنان به ویژه حزب‌الله و جنبش امل را که از ما حمایت کرده‌اند یا حتی حمایت‌های اردن را فراموش نخواهیم کرد.

زواوی درباره آشتی ملی فلسطین و توافق برای تشکیل دولت وحدت ملی نیز اظهار داشت: دولت آتی تکنوکرات است و سیاسی نخواهد بود و هدف آن دستیابی به نتایج ثمربخش خواهد بود.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: ما در مسئله فلسطین فقط به مصوبات سازمان ملل یا اتحادیه عرب اکتفا نمی‌کنیم و باید بگوییم مسجدالاقصی از آن همه است و مسئولیت آزادی آن برعهده همه است. سفیر فلسطین تاکید کرد: رژیم صهیونیستی رو به نابودی است و طرح‌های این رژیم شکست خورده است. مبارزه ما طولانی است و تا بازپس گیری آخرین وجب از خاک فلسطین، آن را ادامه می‌دهیم.

*** اظهارات نماینده حماس**

در ادامه نشست دیروز، «خالد قدومی» نماینده حماس در ایران اظهار داشت: درست است که فلسطینی‌ها مبارزه علیه اشغالگری رژیم صهیونیستی را آغاز کرده‌اند اما کشورهایی که از این مبارزه حمایت کرده‌اند، نقش اساسی در پیشبرد این مبارزه داشته‌اند. وی در خصوص آشتی فتح و حماس نیز گفت: دیگر ۸ سال اختلاف بس است و باید علیه رژیم صهیونیستی متحد شویم. از همین جا به برادرانمان در حماس به ویژه اسماعیل هنیه می گویم که نیاز به یک شبکه جهانی برای پیشبرد و گسترش مبارزه داریم. به سازمان‌های بین‌المللی هم می گویم اجازه دهید فلسطینی ها نیز مانند هر ملت آزاده دیگری در جهان، آزاد زندگی کنند. قدومی افزود: ما مدعیان صلح هستیم، نه مدعیان جنگ. وی همچنین گفت: ایران از ۳٤ سال قبل شریک مبارزه ما، علیه رژیم صهیونیستی است و باید بگویم ما یک ملت یکپارچه هستیم و به این افتخار می کنیم.

*** سخنان زهرانی**

پس از سخنان نماینده حماس، «مصطفی زهرانی» مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه که ریاست نشست دیروز را برعهده داشت به ایراد سخن پرداخت و گفت: انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ پس از یکصد سال مبارزه به وقوع پیوست که بخش عمده آن مبارزه علیه اسرائیل بوده است.

وی گفت: ملت ایران بیشترین هزینه را به دلیل حمایت از فلسطین داده و اولین هزینه این بود که اولین کشوری که انتظار داشتیم در قضیه فلسطین از ما حمایت کند، یک جنگ ۸ ساله را به ما تحمیل کرد و بدتر اینکه بسیاری از کشورهای منطقه نیز پشت سر آن قرار گرفتند. زهرانی افزود: فشار غرب علیه ایران طی این سال‌ها نیز به دلیل موضوع هسته‌ای و غیره نیست، بلکه بخاطر مبارزه با اسرائیل است و اگر همین امروز با این رژیم رابطه برقرار کنیم، همه این فشارها برداشته خواهد شد. بنابر این ما انتظار نداریم دوستانی که باید در مسئله فلسطین کنار ایران باشند، پشت ما را خالی کنند. وی گفت: نکته دردآور این است که اسرائیل در حال حاضر در ضعیف‌ترین موقعیت خود طی این سال‌ها قرار دارد، حتی در میان رهبران آمریکا وجهه‌اش خدشه‌دار شده اما در چنین شرایطی این طرف داستان که جهان عرب و اسلام باشد، هیچ اتحادی ندارند. متاسفانه در این شرایط هرجا ایران حرف می‌زند، برخی دوستان عرب بجای اینکه کنار ایران علیه اسرائیل باشند، علیه ما و همسو با اسرائیل موضع می گیرند.

*** موافقت مشروط آمریکا**

روزنامه «هاآرتص» نوشت: آمریکا با تشکیل دولت وحدت ملی فلسطین موافقت کرده به شرط اینکه این حکومت به شروط کمیته چهارجانبه صلح خاورمیانه پایبند باشد. یک مسئول آمریکایی به هاآرتص گفت: تا زمانی که دولت وحدت ملی به شروط کمیته چهارجانبه صلح خاورمیانه پایبند باشد آمریکا با آن همکاری می کند. وی افزود: دولتی فلسطینی می‌خواهیم که به این شروط پایبند باشد و چگونگی تشکیل این حکومت برای ما مهم نیست، ما خود مراقب کارکرد آن هستیم. هاآرتص در گزارش خود افزود: محمود عباس در خلال دیدارش با جان کری وزیر خارجه آمریکا و سوزان رایس مشاور امنیت ملی این کشور در چهارشنبه هفته گذشته تاکید کرد حکومت جدید پایبند خطوط سیاسی تابع کمیته چهارجانبه است و توافق با حماس به روند گفتگوها آسیبی نمی زند. درچنین شرایطی مذاکره کننده ارشد رژیم صهیونیستی در روند صلح با توجیه دیدار اخیر خود با رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین که جنجالی را در رژیم صهیونیستی ایجاد کرده بود، خواستار از سرگیری مذاکرات صلح با فلسطینی ها شد. زیپی لیونی اعلام کرد: درگیری‌ها هم‌چنان میان اسرائیل و فلسطین ادامه دارد و تحریم طرف دیگر در این خصوص کار درستی نیست. وی با اشاره به توافق و آشتی فتح و حماس و تصمیم آنها برای تشکیل دولت توافقی، گفت: نمی‌توان آشتی میان فتح و حماس را نادیده گرفت. خبر دیگر اینکه نخست وزیر رژیم صهیونیستی در واکنش به تلاش‌های کشورهای اروپایی جهت انزوای این رژیم در عرصه جهانی اعلام کرد: پاسخ ما به این اقدامات این است که روابط اقتصادی جایگزین با کشورهای دیگر برقرار کنیم.

نتانیاهو همچنین خشم خود را نسبت به مواضع اروپا که از دولت توافقی فلسطین حمایت می کند و در قبال پرونده هسته‌ای ایران انعطاف نشان می‌دهد، ابراز کرد. این درحالی است که رادیو اسرائیل اعلام کرد ناکام ماندن تلاش رژیم صهیونیستی برای عدم تشکیل دولت وحدت ملی فلسطین، اکنون اسرائیل را آماده پذیرش یک شکست دیپلماتیک در این رابطه می کند.

تجمع در حمایت از اسرای فلسطینی

در بیست و هفتمین روز اعتصاب غذای ده‌ها اسیر فلسطینی در اعتراض به بازداشت غیرقانونی خود، شماری از فلسطینی‌ها با تجمع مقابل دفتر کمیته بین المللی صلیب سرخ نجات فوری این اسیران را خواستار شدند. گروهی از فلسطینی‌ها با تجمع مقابل دفتر کمیته بین المللی صلیب سرخ در شهر "البیره" در مرکز کرانه باختری، از مجامع بین المللی خواستند برای نجات اسرای فلسطینی که با گرسنگی به جنگ رژیم صهیونیستی رفته اند، اقدام کنند. رامی الحمدالله نخست‌وزیر دولت تشکیلات خودگردان که در این تجمع اعتراض آمیز حضور داشت، گفت: تشکیلات خودگردان برای محاکمه اسرائیل به سازمان های بین المللی مراجعه خواهد کرد.

استقبال از نتایج انتخابات عراق، همزمان با تلاش‌ها برای معرفی نخست وزیر جدید

سرویس خارجی: اعلام نتایج انتخابات عراق با استقبال دبیر کل سازمان ملل، آمریکا و ایران قرار گرفت و این در حالی است که ائتلاف ملی عراق در تلاش است نخست وزیر جدید را معرفی کند. در همین رابطه، بان کی مون ضمن ابراز خرسندی نسبت به نتایج انتخابات پارلمانی عراق، از مسئولان این کشور خواست تا به روند تشکیل دولت پایبند باشند. از سویی، سفارت آمریکا در بغداد با انتشار بیانیه‌ای خرسندی خود از نتایج انتخابات پارلمانی عراق را اعلام کرد. این در حالی است که، بر این اساس اعلام کمیسیون عالی انتخابات عراق ائتلاف نوری مالکی، نخست وزیر عراق با به دست آوردن بیشترین کرسی پارلمان و پیروزی قاطع در ۱۰ استان، برنده انتخابات شد. درچنین شرایطی، کمیساریای عالی انتخابات عراق از احزاب و جریانات سیاسی عراق خواست تا نتایج انتخابات را بپذیرند و احترام بگذارند. در همین رابطه، ائتلاف «المواطن» عراق با اشاره به اینکه انتظار داشت کرسی‌های بیشتری را کسب کند اعلام کرد: به نتایج انتخابات احترام می گذارد و آن را می‌پذیرد.

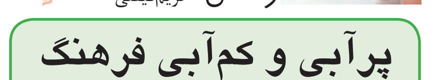
این در حالی است که، ائتلاف "المواطن" عراق به رهبری عمار حکیم اتهاماتی را علیه ائتلاف "دولت قانون" مبنی بر وجود تقلب در انتخابات پارلمانی مطرح کرد. این در حالی است که، با اعلام نتایج نهایی انتخابات پارلمانی عراق، رایزنی‌ها در ائتلاف ملی این کشور برای معرفی یک کاندیدا جهت تصدی پست نخست وزیری آغاز شده است. بر این اساس ائتلاف ملی تلاش دارد، با تشکیل بزرگ‌ترین جناح پارلمانی یک نامزد را برای تصدی پست نخست وزیر و تشکیل دولت اکثریت سیاسی معرفی کند. خبر دیگر اینکه، پارلمان منطقه کردستان عراق به نیچروان بارزانی برای نخست‌وزیری مجدد این منطقه رای داد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۷۴

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات/شماره ۲۵۸۷۸





سرسخن / کریم‌فیضی

پرآبی و کم‌آبی فرهنگ

آبی که باعث زنده ماندن انسان و کار و کوشش او شده، همان آب باعث پدید آمدن فرهنگ شده و خلاقیت‌های فرهنگی انسان را پدید آورده است. گواه این موضوع قافله دور و دراز هنر و علم و ادب در تاریخ زندگی است. در نتیجه، انسان با بهره‌مندی از آب زنده مانده و با بهره‌مندی از زندگی، فرهنگ‌آفرینی کرده است. پس بدون شک آب در فرهنگ یک عنصر کلیدی است. این موضوع را ده‌ها و شاید صدها دلیل قاطع تأیید می‌کند. نگاهی کوتاه به روند تاریخی سرزمین‌های پرآب و کم آب به وضوح نشان می‌دهد که تا چه میزان کمی و زیادی آب در نوع و نوعیت‌ها ـ نوع و نوعیت همه چیز ـ مؤثر افتاده است: از آداب و رفتارهای فردی تا منش‌ها و اخلاقیات اجتماعی و رسوم و سنن جزئی و کلی.

جالب است که با صرفنظر از تاریخ، در زندگی امروز نیز می‌توان تأثیر ویژه پرآبی و کم‌آبی را با در نظر گرفتن سال‌های خشکسالی و پر آبی و نیز تفاوت‌های محسوس کشورهای پرآب و کم‌آب بالعیان دید. متأسفانه به دلایلی که زیاد روشن نیست، این مسائل تا امروز به درستی طرح نشده و مورد کاوش های علمی و دقیق قرار نگرفته است. بنابراین، طبیعی است که سخن گفتن در این زمینه‌ها، علاوه بر ظاهر ناآشنا و بدعت آلود خویش، با فقر منابع و کمبود نمونه‌های تحقیقی هم همراه باشد و سخن را با دشواری‌هایی پیش ببرد که از نظر اهل بحث دور نیست. وقتی در بابی، سخنی به زبان و قلم نیامده، سخن گفتن از آن غیرضروری خواهد نمود و تبیین و توصیف و تشریح آن هم خالی از زحمت نیست.

باری، ما می توانیم این نتیجه را تا حد زیادی مسلم و قطعی تلقی کنیم که آب در فرهنگ دارای نوعی محوریت بوده است، از گذشته تا حال. تاریخ به ما نشان می‌دهد که انسان‌ها، هر کجا به چشمه آبی دست یافته‌اند، بار سفر بر زمین نهاده‌اند و هر کجا توانسته‌اند با حفر خاک، آبی را در زمین جاری کنند، سکنی گزیده‌اند و آن محل را به عنوان مرکز زندگی خویش و خویشان خویش برگزیده‌اند و ادامه همین روند و جریان با علت پدید آمدن روستاها و شهرها، با نوع خاص زندگی و فرهنگ آنها شده است. مطالعه در پراکندگی جغرافیایی شهرهای مختلف در کشورهای گوناگون ـ از جمله ایران ـ و تأمل در توزیع روستاها در جاهای مختلف به روشنی نشان می‌دهد که چگونه آب و جریان ضعیف و قوی آن منجر به شکل گیری زندگی در نواحی مختلف شده و سپس به آبادانی و سرسبزی و زندگی و آفرینش‌های گوناگون انجامیده است. آیا همین موضوع، کافی نیست تا بگوییم هر چاه آبی، در هر جای از زمین، فرهنگی را بنیان نهاده است؟ بگذارید سخن را اندکی محسوس‌تر و عینی‌تر کنیم.

اگر شیراز قرن هفتم را شهری بدانیم با ۵ حلقه چاه آب، این چند چاه علاوه بر اینکه موجب آبادانی یک شهر و زندگی و کار و تلاش انسان‌های آن روزگار شده، این نتیجه را در پی داشته است که چهره‌های نام‌آور و شاخصی چون سعدی و حافظ نیز پدید بیایند و به عرصه برسند و ببالند و به اوج هنری زمان و مکان و حتی ادوار بعد نیز صعود کنند. پس، ما نمی‌توانیم در شناخت و شناسایی هویت و حقیقت دو شاعر برجسته و جاودانی ایران به نام‌های سعدی و حافظ، نقش چند حلقه چاه عهد زندگی آنها را نادیده بگیریم، چرا که اگر شیراز به هر دلیلی آب نمی‌داشت، شهری نمی‌شد که مردمان در آن سکنی بگیرند و اگر سکونت و اقامتی نبود، تجمع و تمرکزی پدید نمی‌آمد تا شیرازی باشد و آنگاه اصلاً معلوم نبود که مردی که پدر حافظ و سعدی و زنی که مادر آن دو بودند، در کجا می‌بودند و آیا در شهری دیگر هم صاحب چنین فرزندانی می‌شدند.



دیپاک چوپرا؛ مثنوی پژوه و مولانا شناس

گذر به طب روحانی

آنا آریان: دیپاک چوپرا در ۲۲ اکتبر سال ۱۹٤٦ در دهلی نو به دنیا آمد. پدرش، کریشان چوپرا، پزشک کارآزمودهٔ قلب بود. همین موضوع سبب شد که تحصیلات فرزندش در حوزه پزشکی باشد و در کسوت پزشک به کار و زندگی بپردازد. چوپرا پس از پایان دوره ی پزشکی به همراه همسرش ریتا به آمریکا رفت و در یک بیمارستان آغاز به کار کرد.

او در سال ۱۹۸۱، به «دهلی نو» بازگشت و با دکتر «تریگونا» دیدار کرد. این دیدار تاثیر شگرفی روی چوپرا گذاشت و در واقع سرنوشت او را عوض کرد. چوپرا می گوید: دکتر «تریگونا»، کافی بود نبض شخص را بگیرد. بلافاصله از تاریخچه بیماریهای آن شخص در گذشته، حال و آینده آگاه می شد و همه آنها را با جزئیات بیان می کرد. او مهارتی بس شگرف در «آیورودا» (پزشکی کهن هند) داشت. تریگونا وقتی از دوستان چوپرا می شنود که او پزشکی آگاه و زبردست در آمریکاست، نبض او را با دقت می گیرد و پس از گرفتن نبضش، چنین تشخیص می دهد که چوپرا اندیشه‌های غیرضروری بسیاری در سر دارد. بنابراین، به وی پیشنهاد می کند که تغییری در زندگی اش ایجاد کند و بخصوص، زمانهای بیشتری را با خانواده‌اش سپری کند و غذایش را آرام تر از همیشه بخورد.

چوپرا قبل از آن، پشت سر هم قهوه می‌خورد و روزی یک پاکت سیگار می‌کشید. او سرانجام به دستورات و تمرینات استادش عمل کرد و دریافت که با آن کارها می‌توان به آرامش ژرفی دست یافت.

ادامه در صفحه ٤ و ٥

دکتر علی رواقی

داستان معاصر افغانستان



محمود طرزی که پدر ژور نالیزم (روزنامه‌نگاری) افغانستان لقب گرفته، در بازگشت از تبعید، باعث تحول در طرز دید شاه شد. وی که از دوران جوانی دورهٔ تبعید را با پدرش در هند، شام و ترکیه به سر برده بود، از تمام جریانات و تحولات منطقه و جهان آگاهی داشت و با برنامه‌های اصلاحی خود و قبولاندن آن بر شاه، توانست ریفرم‌های بنیادینی را در روش حکومت داری و پیشرفت فرهنگی اساس نهد. طرزی با انتشار جریدهٔ سراج الاخبار که پس از انتشار اولین شماره، به‌دلیل مخالفت دولت انگلیس از نشر بازمانده بود، باعث احیای روزنامه نگاری شد و نیز در اثر تلاش های پیگیر او بود که حبیب الله خان به تأسیس مدارس و مکاتب و چاپخانه‌ها، ایجاد نهادهای عام المنفعه و عمومی دست یازید. اما شیوهٔ استبدادی که از زمان پدرش در دستگاه حاکمیت نهادینه شده بود، چیزی نبود که به آسان کاملاً از میان برود روی هم رفته می‌توان گفت تحولات اجتماعی دورهٔ زمامداری حبیب الله خان و تأسیس مکتب حبیبیه، حرکت‌های تجدد خواهی، نشر مجدد نشریهٔ سراج الاخبار به مدیریت محمود طرزی و انتشار مقالات او دربارهٔ ادبیات شرق و غرب و نیز ترجمه‌هایش از داستان‌های ژول ورن باب جدیدی را به روی جامعهٔ ادبی افغانستان گشود. در واقع نخستین بار داستان‌نویسی از طریق ترجمه‌ها و مقالاتی که طرزی برای معرفی این نوع ادبی ارائه داد، در افغانستان شناسانده شد.

با قتل امیر حبیب‌الله قدرت به دست پسرش امان‌الله (۱۲۹۸ش./۱۹۱۹م.) افتاد. در زمان او چندین مدرسهٔ ابتدایی و عالی تأسیس شد که تعدادی از این مدرسه‌ها زیر نظر معلمان آلمانی، انگلیسی، هندی و فرانسوی بود. صدها دانش‌آموز افغانستانی به ممالک شوروی، آلمان، فرانسه، ایتالیا و ترکیه به هزینهٔ وزارت معارف اعزام شدند. ۱۳ روزنامه و جریده به هزینهٔ دولت و ۳ تا ۵ جریدهٔ آزاد در پایتخت و ولایات منتشر شد. نخستین نشریهٔ آزاد شخصی (انیس) و به دنبال آن نسیم سحر، افغان، نوروز و پشتون ژغ به انتشار پرداختند. «اکثر مشروطه‌خواهان که در رأس آن محمود طرزی نیز بود، نشریات دولتی دورهٔ امان‌الله خان را در جهت ارتقای افکار سالم مردم و بسیج نیروهای فکری در تشدید احساسات وطن‌خواهانه و استقلال‌طلبانهٔ افغان‌ها و مبارزه‌ی‌شان علیه استعمار انگلیس بسنده ندانسته خواهان به وجود آمدن مطبوعات آزاد و غیررسمی نیز بودند» (تنویر، ۱۳۷۸: ۷۵).

ادامه در صفحه۳

استاد جلال الدین آشتیانی (ره) به روایت دکتر احمد مهدوی دامغانی

حق صحبت سال‌ها





نگاه

حقیر در بزرگداشت [آری در بزرگداشت] او و امثال او مقالهٔ مفصلی سابقاً در مجله «ره‌آورد» نوشتم که دخترم فریده خانم آن را در کتاب حدیث دیگران گنجانده و خودش نیز خاطراتش را از «آتقی» بر آن افزوده است. همکار عزیز من بنده بود، به او می‌سپرد تا فقط از آن تنباکو برای ایشان در سر قلیان بگذارد و از تنباکوی بسته‌بندی شدهٔ «ادارهٔ دخانیات» برای او قلیان چاق نکند.

از بس شوق مرا به دیدار و حظ و لذت مرا در شنیدن گفتار شیرین و اصرارم را برمجالست و موانست خود می‌دید، بی‌اندازه و بیش از لیاقت من، بـه من بنده محبت می‌ورزید و فراوان مرا از نعمت مصاحبت خود بهره‌مند می‌ساخت و با دو دوست و در حقیقت دو برادری که من بنده از کودکی و دبیرستان با آنان مأنوس و رفیق یکدل شده بودم یعنی سیدحسن علی خان صارم کلالی که خدای عمرش را دراز فرماید و الهی که داغ او را چون داغ آشتیانی و نوری‌زاده نبینم و سید نورالدین نوری‌زاده سردفتر بسیار فاضل و امین و شریف دفتر ۱۳۶ تهران که ما هر سه در کمال مهر و صفا و درست پیمانی، رفیق حجره و گرمابه و گلستان بودیم، رابطه رفاقتی صمیمانه برقرار کرد. وقتی که در سال ۱۳۵۴ آقا سید نورالدین نوری‌زاده ناگهان از این دنیا رفت و به اجداد طاهرین خود پیوست، آقا جلال چنان رقیمهٔ کریمهٔ حاکی از تأثر خودش و در مقام تسلای قلب مجروح من از مشهد به من نوشت که تا مدت‌ها آن را برای دوستان عزیزی که آقانور، یعنی سید نورالدین مرحوم، را می‌شناختند می‌خواندم و افسوس که اینک نمی‌دانم آن نامه در کجا و لای چه کتابی و یا در تصرف چه کسی است. آری! آقا جلال در آن سال‌های پیش از عزیمتش به خراسان، غالب شب‌های جمعه را با مرحوم آقانور و آن سید خوش خوی خوش گوی تاجر فرش در عین حال مداح اهل بیت عترت، یعنی مرحوم ستایشگر، در مجلس ذکر و تذکر درویشانه‌ای که این جا و آن‌جا منعقد می‌شد می گذرانید و یا آن چنان با آقای سید حسن علی خان صارم کلالی شش دانگ رفیق شده بود که گاهی در مرقوماتی که از مشهد به این جا [کمبریج] برایم می‌فرستاد، از احوال آن عزیز که خودش قسم خورده است که دست به قلم نبرد و به کسی نامه ننویسد!! مرا با خبر می‌کرد این چند سطر را که از یک مرقومه‌اش مصور کرده‌ام ملاحظه می‌فرمایید.

«دقیقاً نمی‌دانم چه سالی بود که آقای آشتیانی به نجف اشرف مشرف شد. برکات جلیه‌ای را که از انفاس قدسیّهٔ عاظم علمای مقیم آن عتبهٔ علیّه که در حقیقت برای فرهنگ تشیع مظهری از کریمهٔ «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم» است، عاید او و مایه ارتقاء سطح علمی او در فقه و اصول و حکمت متعالیه گردیده است». خود آن فقید سعید در مختصر شرح حالی که از خود مرقوم فرموده است بیان کرده است: همین قدر می‌دانم که در آن ایام دو سه نامه از ایشان که توسط مسافران و زوار برایم فرستاده بود و زیارت کردم، آن نامه‌ها حالا کجا است نمی‌دانم، و «وه که به یک لحظه به تاراج رفت/آن چه به یک عمر شد اندوخته».
در طول این سی چهل سال اخیر منتهی به ۱۳۶٤ نامه‌های بسیاری از آن عزیز (از نجف و قم و مشهد خصوصا) دریافت کرده بودم و آن‌ها به ضمیمه اوراق بسیار دیگری که آن را در پرونده معینی گزارده بودم (از جمله شعرهایی از شاعران بزرگی که به خط شریف خود دستخط فرموده به یادگار به من مرحمت فرموده بودند و رحمت خدای تعالی بر روان در گذشتگان و عنایاتش بر شاعران نامدار کهن سالی که الحمدلله هنوز نعمت وجودشان باقی است مستدام باد) اما اینک به فرض بقاء وجود آن‌ها و استمرار تملکم بر آن‌ها، بدان دسترسی ندارم ولی حدود بیست مرقومه‌ای که حضرت آقاجلال از سال ۱۳٦٤ تا سال ۱۳۷۹ برایم ارسال فرموده است در نزدم موجود است و: (قصد من بر آن است که تا آخر عمر دارم از بهر شرف خط شریف او، نگاه).
و سال گذشته به خواست دوست عزیز ارجمند بزرگواری که او نیز حق معرفت نسبت به این مرد بزرگ وحید فرید زمان ما داشت و دارد، تصویری از آن را خدمتش تقدیم کرده‌ام. و اینک، هم، برای نمایاندن صفا و وفا و جوانمردی و صداقت او و دیانت و تقوی و تمسکش به ذیل مکرمت اجداد طاهرینش عموماًو به مقام ولایت عظمی، حضرت سید الاوصیاء امیرالمومنین علی ـ علیه السلام ـ خصوصاً، چند نمونه آن را تقدیم می‌دارم که آن دستخط‌های زیبا را زیب و زیور صفحات مجله بخارا بفرمایید.

تصور می‌کنم حضرت استاد دکتر مظاهر مصفا ـ ادام الله ایامه ـ اگر نه قدیم‌ترین که از قدیم‌ترین دوستان دوران جوانی علامه آشتیانی ـ طاب ثراه ـ باشند و کاش حضرت‌شان دست به قلم ببرند و از سوابق محبت و روابط مودت متقابل که با آن مرحوم داشته‌اند، خوانندگان نشریه را که خود مقتضی بدانند، مستفیض فرماید به هر حال حلقه ارتباط شدیدی که میان حضرت مستطاب سید الشعرا امیری فیروزکوهی طاب ثراه و مرحوم علامه آشتیانی قدس سره ایجاد شد به مناسبت دوستی حضرت مصفا با مرحوم آشتیانی بود. و این علاقه و ارتباط آن چنان برقرار و استوار شد که پس از عزیمت علامه آشتیانی به مشهد، برای افاضه در دانشگاه فردوسی، یکی از دواعی حضرت سیدالشعرا برای مسافرت همه ساله به مشهد مقدس علاوه بر عتبه بوسی اعلی حضرت اقدس علی بن موسی الرضا صلواه الله علیه و دیدار دختر و داماد گرامی (خود) سرکار انوشه خانم و جناب دکتر ابراهیم آریان که خداوند وجود عزیزش را برای مشهد مستدام بدارد تجدید دیدار و مصاحبت با حضرت آشتیانی بود. و مرحوم آشتیانی یک نوع ارادت و احترام و اخلاصی خاص به حضرت سیدالشعرا داشت و متقابلاً حضرت امیری فوق‌العاده شائق و علاقه‌مند به مرحوم آشتیانی بود و هنگامی که در تهران اقامت داشت علاوه بر ملاقات و مصاحبت‌های متوالی هر هفته با تلفن مدتی با هم تأنس و مکالمه می‌فرمودند. قطعه شعری هم حضرت سیدالشعرا در وصف و مدح علامه آشتیانی سروده‌اند و خوشا به حال آن دو که اینک درکنار هم در جوار اجداد طاهرین خود آرمیده و از نعم بهشتی برخوردارند.

به مقتضای «الحب و البغض یتوارثان» فرزندان گرامی حضرت سید الشعرا نیز مهر و محبت آقای آشتیانی را در دل خود محفوظ می‌دارند و می‌دانم که از جمله تشییع کنندگان معدود و محترم جنازه آن سید جلیل القدر مظلوم که با همه اظهار مرحمت رهبر معظم مملکت در اعلامیه محبت‌آمیزشان و لطف و عنایتی که مقام منیع ریاست جمهوری مستمراً به آن مرحوم مبذول فرموده‌اند، تشییع و تکریمی آن چنان که در خور مقام علمی آن مرحوم بود، از جنازه‌اش صورت نگرفته است، یکی هم سرکار سیده انوشه امیری فیروزکوهی (آریان) بوده است. باز از حضرت استاد مصفا دامت افاضاته استدعا می‌کنم، در مقام حقگزاری و رعایت دوستی و رفاقت ممتد خود با مرحوم آشتیانی، هم ایشان و هم همسر معظمه فاضله دانشمندشان سرکار علیه استاد دکتر امیربانو (کریمی) مصفا از تحریر مقاله‌ای در بیان اوصاف و احوال آن عزیز دریغ نفرمایند تا:

از برای حق صحبت سال‌ها
بازگو حالی از آن خوش حال‌ها

را رعایت فرموده باشند.

در طول سال‌های ۱۳٤۰ ـ ۱۳۳۵ علامه آشتیانی که به درجات عالیه‌ای از علم و معرفت در ادب و فقه و اصول و کلام و فلسفه و حکمت



استاد آشتیانی

متعالیه و عرفان نظری نائل شده بود، غالباً در تهران به سر می‌برد و گرچه «به هر جمعیتی سر می‌کشید و جفت بدحالان و خوش حالان می‌شد»، ولی به مرحوم سید حکماء العصر آیت‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی قدس سره که به تعبیر مرحوم آشتیانی از آن بزرگوار: «سید السادات اعاظم الحکماء است» اختصاص یافت و تشرفش به حضور آن مرد والامقام مستمر و مستدام بود، ولی بیشتر ساعات فراغت خود را با حضرت سیدالشعرا امیری می گذراند و بسیاری از روزها نیز مرا در دفترخانه‌ام سرافراز می‌فرمود با دوستانی که آن زمان در بعضی از ایام هفته به دفتر من تشریف می‌آوردند، و من بنده در مقام شاگرد خدمت آن حضرات تلمذ می‌کردم مانند: حضرات محمد ضیاء هشترودی، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی سنندجی، اکبر صیرفی داناسرشت رحمه الله علیهم اجمعین مصاحبت و به اصطلاح معهود آخوندی «گعده» می‌فرمودند و گاه مسأله‌ای از مسائل ادب یا فرعی از فروع فقهی یا مطلبی از مطالب فلسفی مطرح می‌شد و حضرات سرگرم بحث و «ان قیل و قلت»های عالمانه می گشتند و در مقام تصویب و تخطئه یکدیگر بر می‌آمدند و گاه صراحت و حقگویی آن حضرات کار را به مجادله‌ای دوستانه و شیرین و مبادله شوخی‌های لطیف ظریف نمکین می‌کشاند و بنده حقیر از خداخواسته که بحمدالله تعالی بیشتر و پیش‌تر از آن که «سردفتر» باشم طلبه و دانشجو بودم (و) از خرمن آن مباحث با لذت وافر و رضایت خاطر خوشه‌چینی می‌کردم و «قسمت یک روزه‌ای» از رشحات آن بحرهای متلاطم را که هر یک در فن خود سرآمد بود، در کوزه درک و حفظ خود می‌ریختم.

حضرت استاد دکتر سید ابوالحسن جلیلی، رئیس اسبق دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، که فی الواقع او و برادرش دکتر محمدحسن دامت عزتهما از خلق و خویی فرشته‌وار برخوردارند، در آن سال‌ها که هنوز رئیس دانشکده نشده بود و وقت آزادتری داشت چون اساسا محبت و طلب علم از خصایص ذاتی او است و به راستی از روحیه‌ای که عرفان و فلسفه و دیانت در آن با هم جمع شده است برخوردار است، گاه گاه لطف می‌کرد و در همان جلسات فوق‌الذکر شرکت (می‌کرد) و بعضا از اظهار نظرهای صحیحی که مقبول حاضران می‌افتاد خودداری نمی‌فرمود روزی به من فرمود: «تو هیچ خدمت آقای آشتیانی تلمذ کرده‌ای و متن معینی را به شاگردی از ایشان یادگرفته‌ای؟» گفتم: «ای برادر! من بدبخت کجا فرصت این کار و نیل به این سعادت را داشته‌ام و از پانزده شانزده سال پیش یعنی از سال یک هزار و سیصد و بیست و دو که در مشهد در خدمت استاد بزرگوار و دانشمند حضرت آقای اَیسی شرح منظومه را تا اوّل طبیعیّات تلمّذ کرده و سپس اکثر الهیّاتِ آن را در محضر انور حضرت آقا میرزا مهدی آشتیانی رحمه‌الله‌علیه دوباره بهره برده‌ام لای هیچ کتاب فلسفی را کَما هُوَ حقّه باز نکرده‌ام، و اگر توفیق درس خواندنی داشته‌ام در ادب و فقه و اصول بوده است. البتّه آقای دکتر ابوالحسن جلیلی بعد از تحصیل فلسفه در پاریس و مراجعتش به ایران از محضر بعضی اساتید نامدار آن ایّام، برخی متون فلسفهٔ مشائی و اشراقی و صدرایی و مباحثی از فقه و اصول بهره برد، و ضمناً مقداری اصول هم در نزد دکتر احمد فردید ـ سامحه‌الله تعالی ـ خوانده بود و تاحدّی هم به «لفّاظی»ها و حرف‌های نامربوطی که نه خودِ فردید می‌فهمید و نه دیگری، خو گرفته و شیفته شده بود! و به نظرم هنوز هم با جوانمردی و فتوّت ذاتی [ای] که دارد پُر بی‌اعتقاد به آن «صیّاد ماهر زبان‌باز» نباشد (البتّه مانند آن استاد فلسفه‌دان و همشهری گرامی‌اش آن چنان عاشق سینه‌چاکی برای فردید نیست که به رعایت هم‌گامی با «عوام» و توجه به خفقِ نِعال در دفاع و تجلیل از مرحوم فردید هی کاغذ سَیاه کند و حیثیّت علمی و مقام استادی خود را در معرض وَصْمَتِ همرنگی با جماعت قرار دهد و، کم و بیش، مثل آن نویسندهٔ کم‌سواد، ولی ساده‌دل و سلیم که برای مرحوم فردید«سلام‌الله‌علیه» نوشته بود، در مقام «تقدیس» آن مرحوم برآید).

باری یک روز حضرت دکتر جلیلی به من فرمود: «حالا که حضرت استاد آشتیانی غالباً تو را سرافراز می‌فرمایند، چطور است از حضور ایشان استدعا کنیم یا سفر نفس اسفار و یا مبدأ و معاد حضرت صدرالمتألهین ـ رضوان‌الله علیه ـ را برای، ما دو نفری تدریس فرماید، و ما هر دو با اشتیاق فراوان از حضور حضرتش این استدعا را کردیم و آن عزیز تقاضای ما را اجابت فرمود و خودشان مبدأ و معاد را انسب و اصلح دانستند و از هفتهٔ بعد هفته‌ای سه روز از آن کتاب برای ما با افاضاتی توأم با نظرات خویش با آن طلاقت لسان و فصاحت زبانی که داشتند بیان می‌فرمودند، و قریب یک ثلث از آن کتاب مستطاب را خدمت‌شان تلمّذ کردیم. اما، این دولَتِ مستعجل که برای ما بسیار مغتنم بود دیری نپایید و با انتقال حضرت استاد آشتیانی به مشهد و اشتغال‌شان در دانشگاه فردوسی، آن نعمت از ما سلب شد.

در همان ایّام بود که مرحوم مغفور استاد دکترعبدالجواد حکیمی فلاطوری رحمه الله علیه آن وجود مؤدّب مهذّب و فقیه اصولی و فلسفه‌دان متبحّر زبده، و شَاگرد نخبهٔ مرحوم حضرت آیت‌الله آقای حاج میرزا مهدی آشتیانی طاب‌ثراه برای دیدار ارحام و دوستان خود از آلمان به تهران آمد و دانشکده ادبیّات مناسب دانست که مجلس معارفه و جلسهٔ سخنرانی‌ای برای آقای دکتر فلاطوری که به استادی فلسفهٔ اسلامی در دانشگاه بُن اشتغال داشت ترتیب دهد، و چنان شد. امّا آن جلسهٔ معارفه را که به صورت مجلس معارضه درآمد آنان که اینک بحمدالله زنده‌اند و به یاد دارند، می‌دانند که به چه صورتی پایان پذیرفت و دکتر فلاطوری چه سان رنجیده گشت.

ادامه دارد



دکتر علی رواقی/ با همکاری زهرا اصلانی

داستان معاصر افغانستان

ادامه از صفحه اول


دکتر رواقی

روزنامه‌هـــا همچنـــان نقش روشـــنگری خـــود را در جامعـــه گسترده‌تر می‌ســـازند تا جایی که محمـــود طرزی «عرصـــه را برای ایجـــاد نخســـتین نشـــریهٔ زنان با عنوان ارشادالنســـوان به سردبیری زن و دخترش در زمان امان‌الله‌خان فراهم می‌کند» (سخاورز، ۱۳۸٦: ۱۸۷).

با کسب استقلال سیاسی افغانستان و پیروزی مشـــروطه‌خواهان پس از به قدرت رســـیدن شـــاه امان‌الله، فضای مناســـبی به وجود می‌آید و در سال ۱۲۹۸ ش./۱۹۱۹ م. مولوی محمدحسین، مدرس لیســـهٔ حبیبیه و یکی از فعالان جنبش مشـــروطیت رمان جهاداکبر را می‌نویسد. «این داستان در حقیقت بیانگر جهاد و مبارزهٔ ملت افغان بر ضد اشغالگران انگلیس، تحت رهبری وزیر اکبرخان است.

شـــخصیت مرکزی داســـتان مجاهد مرد دلیر، محمداکرم‌خان اســـت. داســـتان به طور نســـبی از نشـــانه‌هایی از ویژگی‌های داســـتانی و ســـاختمان درخور توجهی برخوردار اســـت اما نشانه‌هایی از روایـــات و قصـــص قدیم و آثار کهن و باســـتانی و اســـتفاده از امثله و حدیث و شعر و واژه‌های عربی نیز در آن دیده می‌شود (فخری، ۱۳۷۷: ۱٦). دومین داستان از محمدعبدالقادر افندی است به نام تصویر عبرت یا بی‌بی خوری جان (۱۳۰۱ش/۱۹۲۲م) که از اهمیت بزرگی در تاریخ داستان‌نویســـی معاصر افغانستان برخوردار است.

این داستان حول محور شخصیتی به نام بی‌بی خوری‌جـــان کـــه زن یکی از ســـرداران و درباریان اســـت، دور می‌زنـــد و همـــهٔ حوادث بـــه نحوی با این شـــخصیت پیوند می‌خورد و با مرگش داستان پایـــان می‌یابد. «داســـتان در کلیـــت خویش، چه از لحاظ قهرمان‌ســـازی و چـــه از نظر حادثه‌آفرینی و پیونـــد حـــوادث و گره زدن سلســـله‌های زنجیری آن و نیز اســـتفادهٔ بســـیار شایســـته از زبان داستانی و تصویرها و توصیف‌هـــای هنرمندانه، توانمندی آفریننـــدهٔ آن را می‌رســـاند» (بیژند، ۱۳٦۷: ســـی و هفت). کاســـتی‌های این داستان را می‌توان حضور و موضع گیری نویسنده در میان حوادث و توضیح و تصریـــح رویدادها یا جانـــب‌داری و نکوهش از برخی کارها و شخصیت‌ها، همچنین آوردن شعرها و ضرب‌المثل‌ها که سنت نثر روایتی پیشین ماست، دانست.

داستان بعدی مکالمات روحانی در خصوص حیات افغانی است که در سال ۱۳۰٤ ش./۱۹۲۵م. توســـط سلطان محمدخان نوشته شده و مکالمه‌ای بین جســـم و روح است و کمتر می‌تواند به داستان شـــباهتی داشته باشـــد. سپس داســـتان ندای طلبه معارف از غلام محی‌الدیـــن انیس، روزنامه‌نگار و بنیان‌گـــذار روزنامهٔ انیس اســـت. این اثر نیز از نگاه عناصر و شگردهای داستانی ضعیف است و بیشتر در خدمـــت هدف نویســـنده که بیـــداری جوانان افغانستان است، به کار گرفته شده است و در واقع ساختار را در راه هدف قربانی کرده است.

اثر بعدی جشـــن استقلال در بولیویا است که توســـط مرتضی احمد محمدزایی به زبان انگلیسی نوشـــته شـــده که بعداً در ســـال ۱۳۰٦ ش/۱۹۲۷م. توســـط غ.نبی ترجمه شـــد. شـــخصیت اصلی این داســـتان احمدگل، تاجر افغانی است که در بولیویا صاحب یک کارخانه است و به زنی به نام ماری‌سینا دل می‌بندد. اما رقیبی به میدان می‌آید و احمدگل را که در آن کشور غریب است، وادار به ترک آن کشور می‌کند. زیرا کشور خودش مستعمره است و بولیویا آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

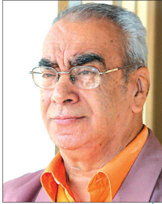
زبان فارسی افغانستان – نشر آثار

تفسیر

رایف گئورگ خوری

اهمیت علوم اسلامی در غرب

الف) اماکن تماس‌های علمی



در مقدمـــه لازم بـــه ذکـــر است که دین اسلام در عربستان توســـط حضرت محمد(ص) پایه گذاری شـــد و با رهنمودها و راهنمایـــی او، تمدنی جهانی به وجود آمد که توانســـت بعد از چنـــد قـــرن، نوابـــغ و افکار نورانی‌ای به جهان ارایه دهد و سهم بسزایی در تمدن بشری ایفا کند. به طور خلاصه باید گفت: فرهنگی که در شهر دمشق شروع شد، در دوران عباسیان در شهر بغداد و در دوره امویان در اسپانیا و در مغرب (آفریقا) به شـــکوفایی کامل رســـید و تفکر واقعی عالی‌ای از آن نضـــج گرفـــت. زبان نوشـــتاری این جنبش یعنی رنســـانس کلاسیک اسلام، زبان عربی بود و کتاب‌ها بـــه زبان عربی نگارش می‌یافتند و به این دلیل به این زبان، خصوصیت مقدس می‌بخشـــید، همان طور که این مورد برای قرون وســـطی مســـیحی و زبان لاتین هم پیش آمد. دســـتاوردهای فکری خوبی نشان داده اســـت که روح غرب مسیحی هم بســـیار از آن متاثر شـــد. حال ببینیم ســـهم فرهنگ اسلامی در رنسانس اروپا چه بوده اســـت؟ ما در اروپا در قرن ۱۳ شـــاهد رنسانسی هستیم که باعث شد با تفکرات خود، ما را به دوران تجدد هدایت کند. ما در تاریخ شاهد هستیم که قســـمت بزرگی از شرق و غرب را تمدن اسلامی در بر گرفت، چون دانشـــمندان اسلامی میراث خود را در هر جا که بودند مثل اســـپانیا و سیســـیل از خود به جای گذاشتند.

بـــا اینکـــه دانشـــمندان شـــرق و غـــرب دارای تماس‌های متنوع و وسیعی بودند، ولی مراکز مشهور مدرســـی و مطالعاتـــی آنها به عنوان اماکـــن ایده آل تماس‌های علمی مثل سالرنو، ناپل در جنوب ایتالیا، پالرمو در سیسیل و از همه آنها مشهورتر شهر تولدو در اسپانیا بودند. در این مراکز علمی، جنبش‌های علمی و مراکز ترجمه که تا آن زمان وجود نداشت، به وجود آمد که مشهورترین حامی آنها آلفونس پنجم (۱۲۸٤ـ ۱۲۵۲م) می‌باشد. نخستین مراکز ترجمه از زبان عربی در اســـپانیا در اواسط قرن دهم به وجود آمد: کارهای علمی آنها مربوط به مســـایل و دگم و دســـت کاری شـــده نبود، بلکه روی متون کتابی کار می‌کردند و از جمع آوری آن‌ها توانستند منابع علمی عربی را کامل کنند بدون آنکه نامی از مؤلف یا مترجم آنها بیاورند. برای مثال نســـخه شماره ۲۲۵ صومعه سانتاماریا (که امروز در آرشـــیو کروناآراگون موجود است) مربوط به عالی‌ترین ســـطح فرهنگی کاتالاتین در قرن دهم می‌باشد که نتیجه هجرت مسیحیان از منطقه‌ای است که در دســـت مسلمانان بوده اســـت. متن فوق‌الذکر قدیمی‌ترین ســـند موجودی اســـت که تاثیر فرهنگ اسلامی بر مغرب زمین را نشان می‌دهد. این بررسی در زمان ســـاخت اولین اسطرلاب در اسپانیا شناخته شـــد، همین مسئله در مورد دستگاهی که برای تعیین ارتفاع ســـتارگان هنگام عبـــور از نصف النهار به کار می‌رفت هم صدق می‌کند. در تمام این آثار و آثار دیگر بعد از علم ترجمه، تاثیر فرهنگ اسلامی به کمک کپی کردن، نگهداری و تجدید نظر سرعت بسیار گرفت. ولی در قرن دوازدهم، وضعیت دگرگون شـــد، چون اروپائیان علاقه بیشـــتری به مطالعه اسلام نشان دادند و اولین کسی که این علاقه را نشان داد و آن را ترویج کرد، پطرس مقدس راهب دیر کلونی (۱۱۵٦ـ۱۰۹۲) بود. این روحانی، اولین مبتکر مطالعات اســـلامی در اروپا بود: او در درجه اول در ســـالهای ۱۱٤۳ـ۱۱٤۲ قـــرآن را به زبان لاتیـــن برگرداند و بعد نیز به ترجمه آثار دیگری در مورد اسلام پرداخت که به «مجموعه تولدو» مشـــهور شـــد و در مدرســـه ترجمه‌ای که در شـــهر تولدو توسط رِیموند تاسیس شد، ترجمه و به چاپ رســـید. مسلماً این تراجم و تجدید نظرها تازه اول کار بوده و دارای اغلاط بســـیاری هم بوده است. در مورد قرآن هم به دســـتور پطرس، ترجمه‌ایِ از آن توسط روبرتوس فون کِتِنی انجام شد که مسلماً دارای اغلاطی می‌باشد.

مسئله پنهان نگهداشتن نام مؤلفین و مترجمان از قرن دوازدهم به بعد دیگر مراعات نشد. مترجمان فقط در شهر تولدو مشغول به کار نبودند، بلکه در شهرهای دیگر اسپانیا مثل بارسلوِن و تارازونا نیز مشغول به کار ترجمـــه بودند و ضمناً ضمن ترجمه از عربی به زبان لاتین به زبـــان عبری هم ترجمه می‌کردند به طوری که متون ترجمه شـــده به کاتادرال‌ها و کنیسه‌ها برده می‌شد و از آنجا نیز به قسمت‌های دیگر اروپا منتقل



می‌گشت. لازم به ذکر است که در مدرسه ترجمه‌ای که توسط ریموند، اسقف شهر تولدو (۱۱۵۲ـ۱۱۲۵ م) تاسیس شد، مترجمین زبردستی پیدا شدند که از همه آنها مشـــهورتر گرارد فون کرمونی (۱۱۸۷ـ۱۱۱٤م) میباشـــد. این مترجمین ضمن آنکه متون اصلی را از عربـــی به لاتین برمی‌گرداندند، مؤلفین آثار یونانی را هم معرفی می‌کردند. آن‌ها مدت‌ها قبل از آنکه به طور مستقیم با آثار یونانی تماس داشته باشند به ترجمه آثار یونانی از طریـــق ترجمه زبان عربی پرداختند، چون این ترجمه‌ها از نظر کیفیت بسیار بهتر از ترجمه‌های نسخه‌های یونانی بود.

۱ـ تفسیر آثار فلسفی ارسطو توسط مسلمانان

اروپایی‌ها در هنگام رشـــد فکری شان در قرون ۱۲ و ۱۳، علاقه مخصوصی به شـــرح فلســـفه ارسطو (۳۲۲ ـ ۳۸٤ ق. م) توسط مسلمانان داشتند. سه تن از مشـــهورترین شارحان مسلمان فلسفه ارسطو عبارت بودنـــد از: فارابی (۹۵۰ـ۸۷۰) ابن ســـینا (۱۰۳۷ـ۹۸۰ م) و ابن رشـــد (۱۱۹۸ـ۱۱۲٦م). آثار این فلســـفه در قرون وســـطی، کانون کارهای مکتب اسکولاســـتیک یعنی مدرســـه‌ای که تا اندازه زیادی متمایل به شرح و تفسیر آثار فلسفی ارسطو از طریق مسلمانان می‌باشد، بود. منظور از این مطالعات، بررســـی اشکال متفاوت سیستم فلسفی اساتید فلسفه در یونان و مسایل مختلف فلسفه آنها بود. کارهای دانشمندان اسلامی برای قرون وسطی اروپا بسیار معتبر بود بخصوص آثار ابن رشد کـــه متولد در قرطبـــه در دوره امویان بود. او مهمترین تفسیر ارسطویی از اسلام را ارایه کرده است. از دیدگاه او فلسفه اساتید یونان از اعتبار بسیاری برخوردار است و فقط با درک فلسفه یونانی میتوان فلسفه را فهمید و آن را تفسیر کرد. بنابراین اسلام این امکان را به اروپائیان داد تا بتوانند فلسفه ارسطویی را واضح‌تر بفهمند: بعد از ارســـطو به عنوان معلم اول، ابن رشـــد توانســـت با تفاســـیر فلســـفی اش بعد از ارسطو مطرح شود. جای دارد، فلاسفه دیگری نیز در این جا معرفی شوند، ولی متاسفانه در این مقاله کوتاه نمی‌توان به آن پرداخت.

۲ـ علوم طبیعی و پزشکی

بعد از فلسفه، علوم طبیعی برای اروپائیان قرون وســـطی از اهمیت بســـیاری برخوردار بوده اســـت. در میان علوم طبیعی، علوم پزشـــکی بدون شـــک در رأس آن قرار دارد و نقش بســـزایی هم داشـــته است و نمایندگان آن هم نزد حکام دارای احترام و منزلت والایـــی بوده‌انـــد. به این دلیل، زندگـــی آنها به اضافه آثارشان نوشته شده و به صورت کتاب به چاپ رسیده است. تحقیقات پزشـــکی موجود آنها به سرعت در اروپـــا، جای خود را باز کرد به طوری که پزشـــکانی مثل رازی و ابن سینا در اروپا به همان شهرتی رسیدند که در شـــرق داشـــتند. تا این زمان، علم پزشـــکی در اروپا پیشرفت کمی داشت. کتاب مشهور ابن سینا بنام «قانون» از جمله کتب مهم پزشکی در اروپا درآمد و قرن‌ها در آموزش و عمل پزشکی مورد استفاده قرار گرفت و در دانشـــکده‌های پزشکی تدریس می‌شد. کتاب «قانون» ابن سینا در قرن دوازدهم توسط گرارد فون کرمونی به لاتین برگرداندن شـــد. ابن ســـینا در کتـــاب «قانـــون» ضمن معرفی «جالینوس» پزشـــک یونانی به طور استادانه‌ای دروس او را تشریح و تفسیر کرده اســـت. همین کار را هم پزشکان دیگر مسلمان کردند و نظری و عمل را نیز در کتاب‌های خود به کار بردند. چون پزشـــکان مسلمان تاکید می‌کردند که راه پیشـــنهاد شده اساتید یونانی را ادامه می‌دهند، در نزد اروپائیان که مشـــتاق دنیای یونان بودند، بسیار مورد اعتماد قرار گرفتند. اروپائی‌ها نه تنها در علوم نظری پزشکی از مسلمانان بسیار چیزها آموختند، بلکه در علوم عملی هم در کلینیک بســـیار آموختند. از جمله بیمارستان‌های مسلمانان که سازمان دهی آنها بدست ایرانیان بوده است، قرن‌ها الگوی بیمارستان‌های اروپا قرار گرفت.

این بیمارســـتان‌ها ابتدا در شـــهر بغداد به وجود آمدند و بعد هم در مراکز بزرگ امپراطوری اسلامی در شرق و غرب احداث شدند. مسلمانان افتخار می‌کنند که در قرن دهم در شـــهر قرطبه تعداد بیمارستان‌های آنها به پنجاه عدد رســـیده است، یعنی بیشتر از تعداد بیمارستانهای شهر بغداد یعنی پایتخت عباسیان بود. این بیمارســـتان‌ها در زیباترین مناطق شـــهر احداث می‌شـــد و دارای حمام‌های سرد و گرم برای بیماران بود. این بیمارستان‌ها برای همه مجانی بود و خدمات خوبی هم ارایه می‌کرد. در آنها مشورت و بحث میان مدیـــران بخش، همکاران دیگر و دانشـــجویان انجام می‌شـــد و مســـایل مربوط به بیماران و تجویز دارو به آنها و همچنین نقطه نظرهای پزشـــکان درباره روش معالجه، مورد گفتگو و بحث قرار می‌گرفت.

ســـلامتی و بهداشـــت از نظر پزشکان مسلمان در درجـــه اول قـــرار داشـــت. این اشـــتباه اســـت که می‌گویند ژیمناستیک و تربیت بدنی از نوآوری‌های عصر ماســـت، نه بلکه از نوآوری‌های ژیمناســـتیکی دوره اســـلامی است. ابن سینا در کتاب «قانون» خود درباره تمرینات ژیمناستیکی سخن می‌گوید و آن را بـــرای تنفس کردن مفید می‌داند و عقیده دارد که این معالجات که با کمک تمرینات ورزشی انجام می‌شود، باید تحت نظر و کنترل پزشـــک معالج باشـــد. در این کتاب درباره اثر مفید حمام‌های آب سرد و گرم برای افراد سالم هم صحبت به میان آمده است. ابن خلدون مورخ مســـلمان در کتابش در مورد پزشـــکی طبیعی صحبت کرده است. پزشکان مسلمان دارای جراحان قابلـــی هم بودند. آنها وقتی دســـت به عمل جراحی می‌زدند که می‌فهمیدند که معالجه با دارو دیگر مفید نیست، بخصوص در بیماریهای کلیوی و.... پزشکان مسلمان از نظر مذهبی اجازه کالبدشکافی نداشتند و از پزشکان یونانیِ جلوتر رفته و نعش‌ها و اسکلت‌های انســـان را دقیقاً بررســـی می‌کردند و تجارب پزشک یونانی «جالینوس» و پیروانش را که در مورد حیوانات انجام شده بودند، تکمیل و یا تصحیح کردند.

علم فارماکولوژی به عنوان یک علم به رسمیت شناخته شـــد و در خدمت علم پزشکی قرار گرفت. پزشکان مسلمان آزمایشگاه‌های فارماکولوژی ساخته و همچنین اولین داروخانه‌ها را تاســـیس کردند و در آنها دارو می‌فروختند...(ادامه دارد)

ترجمه: شهرام تقی زاده انصاری

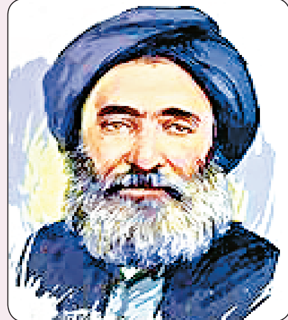
نامه وارده

نقدخاطره

غلامحسین صمیمی

دبیر محتـرم ضمیمه فرهنگـی روزنامه اطّلاعات، ضمن سـلام و احتـرام و ارادت ویـژه و آرزوی توفیق روزافزون برای جناب‌عالی و همکاران خدوم آن رسانه، اینجانب، محقّق و نویسنده تاریخ اسلام در حوزه علمیه قـم؛ از دیربـاز با روزنامه اطّلاعات به عنوان رسـانه‌ای با پیشـینه و معتدل، آشـنایی دارم، و غالبـا هم، در تهیّه شمارگان آن مقیّد می‌باشم. به حق رسانه‌ای است معقول و منطقی در مسـائل سیاسی جاری، و با این همه، دارای بعد اطّلاعات رسـانی ویـژه در زمینه علمی، تاریخی و فرهنگی، و از این حیث در میان دیگر مطبوعات کشـور که عموماً روشنگر و مفید هستند، ممتاز می‌شناسم.

از آن دسـته از مطبوعات که از بودجه رسـانه، در پیش برد اهداف شخصی و گروهی و فروکوبیدن رقیبان سیاسی بهره می‌جویند و راه اختلاف کارشکنی می‌پویند، نمی‌شـمارم. این یادداشت اشارتی اسـت کوتاه و البته انتقادی به یادداشت عزیز فرهنگی و برادرمتعهّد و ایمانی خـودم به نام «آقای کریمی» که در روزنامه چهارشـنبه مورّخه ۱۴ اسـفند ۱۳۹۲ در ضمیمه فرهنگی آن رسـانه ارزشـمند، دربـاره فـردی به نام مرحوم اسـتاد «محمّدمشکوه» در سـال ۱۳۴۲، چاپ شده است، و مرحوم مشـکوه را فردی شیرین و بذلـه گـو توصیف نمـوده که کلاس درس را بـا بذله‌گویـی و شـیرین‌کاری اداره می‌کـرده اسـت. وی که از مرحوم مشکوه بـه حضرت آیت الله نـام می‌برد، می‌نویسد: همراه دوستم درکلاس درس اسـتاد مشکوه حاضر شدم. در وسط کلاس واقعه‌ای رخ داد که هنوز برایم در عین تلخی، شیرینی دارد. بهر حال آن روز در اواسـط کلاس که اسـتاد نمرات ترم اول دانشجویان را قرائت می‌کرد، هنگامی که به نمره سطح پایین و دور از انتظار دانشـجویی رسـید و آن را بیان کرد، با اعتراض دانشـجوی مذکور مواجه شـد. تلخ‌تر آنکه آن دانشجو واژه‌ای را در برابر اسـتاد و جمع همکلاسـی‌های خود عنـوان کـرد که حکایت از جهل مرکّـب وی بود. آن به اصطلاح دانشـجو نما از اسـتاد مشکوه پرسید: «شما به چـه مجوزی»، به فتح م، وضمّ ج،به من نمره کم دادید؟ اسـتاد با عصبانیّت به طرف او رفت و سـیلی محکمی بـه گوش او نواخـت،و گفت:«با این مجوّز "!!! به ضمّ م، و فتح ج، و کسـر واو مشـدّد و سـکون»ز». بعد شنیدم آن دانشـجوی بی سـواد اخراج شـده اسـت. سپس به تعریف از مرحوم مشـکوه می‌پردازد.!!! نمی‌دانم خاطره این همکار گرامی، قصّه اسـت یـا واقعیّت. چه قصّه و چه واقعیّت، جای آن در این گونه جراید نیسـت. بویژه رسـانه‌ای با پیشـینه و حاوی مطالب محکم و متین که از وجـه و اعتبار علمی و اخلاقی برخوردار اسـت. بی شک درج چنین مطالب از سوی ضمیمه اطّلاعات بدون تأمّل در محتوای خاطره و یا قصّه، حسن تعهّد و رعایت امانت در محتوای سخن از سوی نویسندگان می‌باشد که نویسـنده محترم هم خواستار پیوست مطلب به مطالب پیشـین در پیرامون مرحوم محمّد مشـکوه بوده است. امید اسـت با همین روحیّه تعهّد و مسـئولیّت‌پذیری که در مسـئولان محترم ضمیمه فرهنگی روزنامه اطّلاعات مشـهود است، یادداشـت کوتاه بنده نیز، در نقد خاطره، یـا قصّه این همکار گرامی منـدرج گردد، تا زمینه برخی تشویش‌ها که بی شک از محتوای مطالب یاد شده به شأن روحانیّت در زمینه اخلاق در برخی خوانندگان به وجود آمده است، برطرف گردد. در قرآن کریم بیش از هر چیز، از جنبه اخلاقی رسـول گرامی اسلام (ص) سخن آمده است که بررسی همه آنها در کتابی مستقل نیز نمی‌گنجد چه رسـد به یادداشتی کوتاه، همه می‌دانیم که پروردگار متعـال بزرگترین ویژگی پیغمبـر(ص) را «رحمت» و «اخلاق نیکو» می‌شمارد[1] و مهم‌ترین بعد گرایش مردم به دین اسلام را اخلاق عظیم آن حضرت معرّفی می‌نماید[2] خود پیغمبر هم بزرگترین فلسـفه برانگیخته شدن خود را، اخلاق و گسترش آن در میان مردم می‌داند. در حدیثی که از سـوی غالب راویان نقـل و در کتب روایی وجود دارد، حدیث شریف و معروف «مکارم الاخلاق» است. ایـن مطلب بقدری مهّم اسـت که حضرت به صراحت می‌فرماید:«انّما بعثت لاتمّم مکارم الاخلاق». از سـیاق سـخن پیدا است که رشـد اخلاق در اندیشه و گفتار و رفتار انسـان‌ها و نمود آن در سـطح جامعه و در نتیجه ساختن یک جامعه بزرگ بر پایه اخلاق اسلامی و حفظ کرامت انسانی، هدف و چشم انداز ویژه آن حضرت به عنوان پیامبر بزرگ رحمت می‌باشد. داستان‌های واقعی فراوان درباره پیشـوایان پاک شیعه در مأخذهای حدیثی و تاریخی در زمینه اخلاق و بردباری دیده می‌شود. کوتاه سخن اینکه، کاظم به مفهوم چیرگی بر خشم و بردباری در مقابل مشـکلات صفت خاص پیشوای پاک هفتم به شـمار می‌آید. لذا رفتار هر فرد مسـلمان در گسـتره بی انتهای اخلاق اسـلامی و سیره نبوی ارزشیابی می‌گردد،

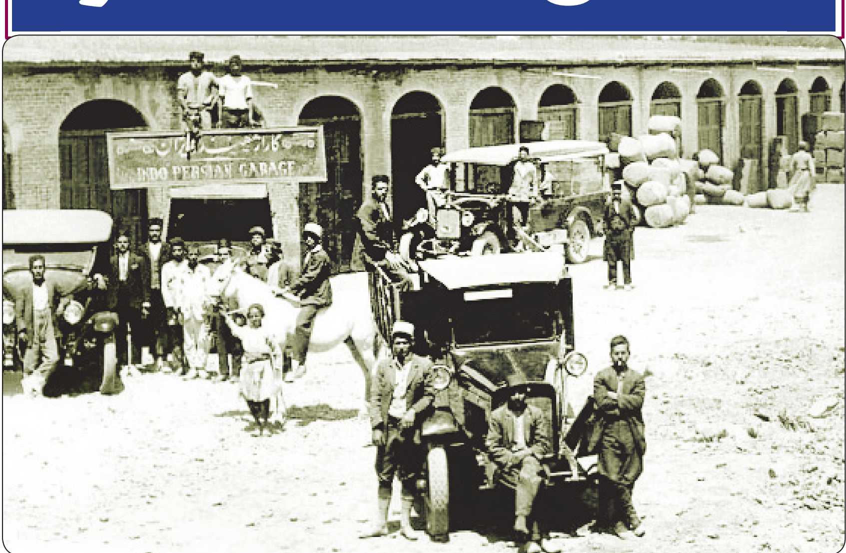


نه در وادی هوس شـخصی. استادی کـه با کوله باری از دانـش، آن هم در کسـوت لباس روحانیّت بر کرسـی تدریس شـانه می‌سـاید و با این همه، از اعتراض جوانی دانشـجو برمی‌تابد و عنـان بردباری از کف می‌اندازد و به گوش شـاگرد خود سـیلی می‌نوازد؛ نمی‌تـوان وی را اسـتاد و یا روحانی خوانـد. آدم ناخودآگاه به یاد سـخن «سـعدی» در گلستان می‌افتد. آنجا که شـیخ اجل داسـتان آن پهلوانی را باز می‌گوید که از سخن رهگذری به وی چنان بر می‌آشـوبد و بی قرار می‌شـود که به هرسـوی می‌غرّد و از دهان کف می‌ریزد. سعدی می‌گوید: گفتم:«این بی چاره روزا‌به یک صد من سنگ برمی‌دارد امّا از شنیدن سخنی این چنین بر می‌تابد؟!» استادی که در همه مدّت تدریس همواره خوش و بذله گو اسـت و کلاس درس را بدین گونه اداره می‌کند، امّا از شـنیدن سخنی مخالف آن هم از دانشجویی کم تجربه و احیاناً کم سواد، دیگر نه کنترل خشم خود را دارد و نه آبروی شاگرد را می‌پاید، و به جای پاسخی منطقی که درخور شأن یک استاد است، دسـت بـه توهین و کتک می‌یازد، نه بهـره‌ای از اخلاق اسـلامی دارد و نه احترامی برای شـخصیّت و کرامت انسانی دیگران قائل می‌باشد. بگذریم از این که نگاشتن چنین مطالب و برجسـته نمودن آن به عنوان عمل یک استاد و عالم روحانی، گسترش بی اخلاقی و فرود آوردن شـأن یک استاد فرهیخته دانشگاهی است. باید همگان در مسـیر ترویج اخلاق اسـلامی و بیان اشاعه سخن و سیره نبوی گام برداریم، و بدانیم بزرگترین تلاش دنیای غرب به ویژه آمریکا که اکنون در ورطه بی هویّتی و بی اخلاقی فرو افتاده اسـت، به خاطر ترس از روی آوردن جوانان غرب به اسـلام و دیانت و معنویّت اسـت که در گفتار و رفتار پیامبر اسلام(ص) و پیشوایان پاک آن وجود دارد، از ایـن رو اسـت که با ایجـاد و تقویت گروه‌های تکفیری و تندرو و فاقد اخلاق اسـلامی و انسانی سعی در معرّفی اسلام به عنوان دینی خشن دارد، و مسلمانان را افرادی خشونت خواه و خود رأی و بی بهره از اخلاق می‌نمایاند. خوب است قدری بیاندیشیم و در نشر مسائل با واکاوی و ژرف نگری بیشتر عمل نماییم و بدانیم چه مطلبی به سـود، و چه سـخنی به زیان اسـت. در پایان از همـکاری متعهدانه مسـئول محترم ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات سپاسگزارم.

پی‌نویس‌ها
۱– سورء انبیاء،آیهٔ ۱۰۷
۲– سوره قلم، آیهٔ ٤
مکارم الاخلاق، حدیث، ٤۹۸

بازخوانی مشروطه؛ استیون کینزر–۵

تعارض میان کهنه و نو



برخی اسـاس جنبش اصلاحات را زیر سؤال بردند: «با استفاده از دو واژه اغواکننده عدالت و شورا، طرفداران آزادی بـرادران مـا را فریـب داده و بـا بی خدایان متحد ساخته‌اند... اسلام که کامل‌ترین دین است عدالت و شورا را خود به جهان ارزانی داشته است. حال چه بر سر ما آمده که مجبوریم قوانین مربوط به اجرای عدالت را از پاریس و طرح برقراری شورا را از انگلستان وارد کنیم؟»

انعکاس این تعارض میان روحانیت و اصلاح طلبان سکولار، در تمامی ادوار تاریخ معاصر ایران شنیده می‌شود. همیـن مطلب در مورد یکی دیگر از دودسـتگی‌های آن دوران، یعنی اختلاف میان دو گروه از روحانیت نیز صادق است. برخی روحانیون به این عقیده بودند که دین اسلام با اندیشـه‌های متجدد سازگار است ولی دیگران بین این دو تعارض می‌دیدند و جنبش را محکوم می‌نمودند. این اختلاف نظرها منعکس کننده تعارضاتی قدیمی در تاریخ ایران بود: تعارض میان کهنه و نو، مذهب و سکولاریسم، و ایمان و خرد. یک مورخ در نوشته‌های خود این موضوع را چنین بیان کرده اسـت: «تعارض میان باور ایرانی‌ها به پذیرش و جذب در مقابل سنت گرایی.»

محمد علی شاه با اطمینان از اینکه اکثر رهبران کشور از وی حمایت می‌کنند، جنگ روانی علیه مجلس را آغاز نمود. در ماه ژوئن ۱۹۰۸ طرفداران وی یک دسته خیابانی تشـکیل دادند و با راه افتـادن در خیابان‌های تهران فریاد زدند: «ما پیرو قرآنیم، مشـروطه نمی‌خواهیم.» وی سپس به بریگاد سـربازان زبده قزاق که تحت فرمان وی بودند دسـتور داد سـاختمان مجلس را به توپ ببندند و به آن حمله کنند. مردم ایران در چندین شـهر به نشانه اعتراض بپاخاسـتند و بسـیاری از آن‌ها در جریـان درگیری‌های خیابانی کشـته شـدند. چنین به نظر می‌رسید که ایران در شرف یک جنگ داخلی همه جانبه است . شاه مجبور شد به ساختمان سفارت روسیه پناهنده شود.

هر دو قدرت امپریالیسـتی جهان که قصد سـلطه بر ایران را داشـتند، یعنی بریتانیا و روسـیه دریافته بودند که جنبش مشـروطه منافع سـلطه‌طلبانهٔ آن‌ها در ایران را به خطر می‌اندازد و لذا شـاه را تشـویق به مقاومت در برابر آن می‌نمودنـد. اما مجلـس هنوز به کار خود ادامه می‌داد. یکـی از مهمتریـن اقدامات مجلس، اسـتخدام مورگان شوسـتر، بانکدار آمریکایی به عنـوان رئیس خزانهٔ ایران بود. شوستر کار خود را با قدرت فراوان آغاز کرد و سیستم پیچیدهٔ معافیت‌های مالیاتی و پرداخت‌های پشـت پرده را که سـندیکاهای انگلیسی و روسـی از طریق آن ایران را چپـاول می‌کردند از هم پاشـاند. دولت هر دو کشـور انگلستان و روسیه خواهان برکناری وی شدند و در پاییز ۱۹۱۱ روس‌ها برای تحقق خواسـتهٔ خود لشـگری را به مقابله با وی فرستادند. هنگامی که مجلس از برکنار ساختن وی خودداری نمود، دربار پادشاهی که با حضور سربازان خارجی قدرت مضاعف یافته بود مجلس را تعطیل کرد و بسیاری از نمایندگان آن را بازداشت نمود. انقلاب پرفراز و نشیب مشروطه در ایران که پنج سال به طول انجامید و اولین تلاش سـازمان یافته برای ترکیب سنت‌های ایرانی با دموکراسی مدرن به شمار می‌آمد، بدین ترتیب به پایان رسید.

تجربهٔ این سال‌ها تأثیر عمیقی بر روانشناسی اجتماعی ایران به جای گذاشت. بر خلاف جنبش تنباکو، که هدف آن صرفاً مقابله با یک قانون خودسرانه بود، انقلاب مشروطه برای ایجاد یک نظم کاملاً نوین اجتماعی و سیاسی صورت گرفت. این انقـلاب با کمک فراوان قدرت‌های خارجی سرکوب شد اما این اتفاق زمانی افتاد که پایه‌های یک ایران دموکراتیک قبلاً شـکل گرفته بود. قانون اساسی تدوین و تصویب شد و طبق مفاد آن، می‌بایست انتخابات بصورت مرتب برگزار می‌شد و این خود به معنی فعالیت سیاسی و دست کم حفظ ظاهر مباحثات آزاد بود. در سال‌های پس از آن، حـکام ایـران آرای عمومی را نادیده گرفتند و علیه آن به مقابله پرداختند اما هرگز موفق نشدند این اعتقاد را در مردم از میان ببرند که حق حاکمیت از آن ملت است و هیچ حکومتی نمی‌تواند آن را سلب نماید. درس‌هایی که ملـت ایران از این انفجار عواطف اصلاح‌طلبانه آموختند، شـکل دهندهٔ انقلاب آرامی بود که محمد مصدق حدود نیم قرن بعد آن را رهبری کرد.

مـردم ایـران بدان جهـت تحت لوای دموکراسـی گردآمـده بودند که تصور می‌کردنـد برقراری حاکمیت قانون درکشـور، آنها را ازفقر نجات خواهد داد. در عین حال،آنها تحت تأثیر نیروی خشـم خود قرار داشـتند که متوجه دو هدف بود: اول، دربار قاجاریه که نماد آن محمد علی شاه مستبد و سپس فرزند وی، احمد بود که در سال ۱۹۰۹ و در سن دوازده سالگی به سلطنت رسید. کانون دوم خشم ملت، نقش ویرانگری بود که قدرت‌های خارجی – خصوصاً روسیه و بریتانیا در ایران ایفا می‌نمودند.

در جریان انقلاب مشـروطیت، اصلاح‌طلبان بارها تـلاش نمودند تا ایران را از مدار سـلطهٔ قدرت خارجی رها سازند. مجلس یکبار تا آنجا پیش‌رفت که وام اعطایی از سـوی بانکداران روسی را رد نمود. بعد، مجلس قانون تشـکیل یک بانک ملی بـا ادارهٔ خود ایرانیان را تصویب کـرد. بـا این حال، تلاش‌های مجلس در این زمینه ثمری نبخشـید. هـرچه قاجاریه به فروش دارایی‌های کشور ادامه می‌دادند، ایران بیش از پیش در گـرداب اسـارت فرو می‌رفت.

درسـال ۱۹۰۷، بریتانیا و روسیه عهدنامه‌ای را میان خود به امضا رساندند که ایران را بین آن‌ها تقسیم می‌کرد. بریتانیا طبق عهدنامه کنترل مناطق جنوبی را به دست آورد و شـمال نیز به روسـیه رسید. یک منطقهٔ بیطرف نیز بین این دو منطقه به رسمیت شناخته شد که ایرانی‌ها تا زمانی کـه علیه منافع میهمانان قدرتمند خود اقدامی نمی‌کردند می‌توانسـتند آن را در کنترل خود نگاه دارند. برای انعقاد این عهدنامه با ایران مشورت نشد و فقط پس از امضا در سـنت‌پترزبورگ، حاصل توافـق را به دولت ایران اطلاع دادند. سلطهٔ غیررسمی قدرت‌های خارجی به ایران که از مدت‌ها قبل به وجود آمده بود، با انعقاد عهدنامه رسمیت یافت و نیروهای مسلح روسیه و بریتانیا نیز ضامن اجرای آن شـدند. هنگامی که عهدنامه بـرای تصویب نهایی به پارلمان بریتانیا رفت، یکی ازمعدود نمایندگان مخالف با اظهار تأسـف گفت که این عهدنامه ایران را «بین مرگ و زندگی، مثله شـده، بی‌پناه و بی‌یاور در زیر پاهای ما قرار می‌دهد.»

بـا درگیر شـدن روسـیه در جنگ‌هـای داخلی و انقلاب، نفوذ این کشور در ایران کاهش یافت. هنگامی که بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ به قدرت رسیدند، اکثر امتیازات روسـیه در ایران را لغو نمودند و تمام بدهی‌های ایران به حکومت تزاری را بخشیدند. بریتانیا که در آن زمان در اوج اقتدار امپریالیستی خود قرار داشت به سرعت دست به کار شد تا خلاء به وجود آمده را پر کند.

موضوعی که اکنون توجه آن‌ها را جلب می‌کرد نفت بود. شرکت نفت جدیدالتأسیس انگلیس و ایران که از دل امتیاز دارسی شکل گرفت شروع به برداشت ذخایر عظیم نفت از خاک ایران نمود.

وینستون چرچیل نفت ایران را «هدیه‌ای از سرزمین پریان و فراتر از رؤیاهای ما» نامید.بریتانیا با درک اهمیت و ارزش عظیـم این منبع جدید، در سـال ۱۹۱۹ عهدنامهٔ یکطرفـه‌ای را میـان ایران و انگلسـتان بـه دولت ناتوان احمدشاه تحمیل کرد و با رشوه دادن به طرف‌های مذاکره ایرانی از پذیرش مفاد آن اطمینان حاصل کرد.

طبـق مفاد این عهدنامه، بریتانیا کنترل ارتش، خزانه، حمل و نقل و شـبکه ارتباطات ایران را به دست می‌آورد. آن‌ها برای تضمین اختیارات جدید خود، در ایران حکومت نظامی برقرار کردند و حکومت توأم با اعمال زور را آغاز نمودند. لـرد کرزن، که به عنوان وزیر خارجه از معماران اصلی این عهدنامه محسوب می‌شد، در توجیه ضرورت آن می‌گفـت که عهدنامه مزبور تبلور یک قرن سیاسـت بریتانیا در قبال ایران است:

«اگر سوال شود که چرا ما باید این کار را قبول کنیم و چرا نگذاریم ایران به حال خود بماند و به سمت نابودی پیش برود، پاسخ آن است که موقعیت جغرافیایی ایران و منافع فراوان ما در آن کشور و آینده امنیت امپراتوری شرقی، بی‌تفاوتی در قبال ایران را غیر ممکن می‌سازد، همانگونه که در پنجاه سـال گذشـته نیز هرگز برای ما امکان نداشته که نسبت به آنچه در ایران می‌گذرد بی‌اعتنا باشیم. علاوه بر آن، حال که ما در شرف به دست آوردن سلطه کامل به بین‌النهرین هستیم که ما را به مرزهای غربی آسیا می‌رساند، نمی‌توانیم اجازه بدهیم که بین مرزهای امپراتوری ما در هند و بلوچستان، و سرزمین تحت الحمایهٔ ما در بین‌النهرین، یک کشـور غرق در سوء حکومت توطئه‌های دشمنان و آشـفتگی و هرج و مرج سیاسی قرار بگیرد و بعلاوه، اگر

> **درسال ۱۹۰۷، بریتانیا و روسیه عهدنامه‌ای را میان خود به امضا رساندند که ایران را بین آن‌ها تقسیم می‌کرد**

ایران تنها گذاشـته شـود، این بیم وجود دارد که از سمت شمال تحت نفوذ بلشویک‌ها قرار بگیرد. و بالاخره، ما در جنوب‌غربی ایران از دارایی بزرگی به صورت میادین نفتی برخوردار هستیم که نیروی دریایی بریتانیا برای سلطه بر آن زحمات زیادی متحمل شده و منافع فراوانی در آن نقطه از جهان برای ما به وجود آورده است.!»

عهدنامه انگلیس و ایران آخرین نشانه‌های حاکمیت ایـران را از میـان برد اما در عین حال شـور جدیدی را در جنبـش ملی گرایان ایرانی به وجود آورد. میهن پرسـتان ایرانی از فعالیت نیروهای ضد استعماری در سایر کشورها که بسـیاری از آن‌ها تحت سلطهٔ بریتانیا قرار داشتند الهام گرفتند.انقلابیـون رادیکال در اسـتان‌های شـمالی اقدام به تأسـیس یک حزب کمونیسـت نمودند و هنگامی که نیروهای اتحاد شوروی در ساحل خزر پیاده شدند و منطقه اطراف آن را سـرزمین «جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران» اعلام نمودند، چنین به نظر می‌رسـید که به زودی جنگی بر سـر خاک ایران میان دو ابر قدرت در بگیرد. در بیشتر نقاط کشور، میلیون‌ها نفر در بدترین شرایط ممکن زندگی می‌کردند. جنبش‌های جدایی طلب در استان‌های مختلف قدرت پیدا کردند. ایران در مرز تجزیه قرار داشت. در چنیـن موقعیتی رضا خان از موقعیت اسـتفاده کرد و خود را به قدرت رسـاند؛ مردی که داستان‌های زیادی از بی‌رحمی‌های وی نقل می‌شـد که مردم را وحشت زده و البته سر به نیست می‌نمود.

در سـال ۱۹۳۵ (۱۳۱٤)، رهبران مذهبی به اعتراض علیه فرمان کشف حجاب زنان و همچنین دستور رضاشاه مبنی بر استفاده اجباری مردان از کلاه لبه‌دار که مانع سجده آن‌ها به هنگام نماز می‌شـد[!]، برخاسـتند. آن‌ها به همراه صدها تن از طرفداران خود در مسجد گوهرشاد خراسان تجمـع کردند. هنگامی که رضاخـان خبر تجمع آن‌ها را شنید به سربازان خود دستور داد که به مسجد هجوم برده معترضیـن را قتل عام نمایند. بیـش از یکصد نفر در این تهاجم کشته شدند. دیگر اعتراضی علیه اصلاحات وی در زمینه امور مذهبی صورت نگرفت؟بارها و بارها، رضاخان مسائل را با همین خشونت بیرحمانه برطرف‌نمود.

تجارت در دسـت دولت و تعداد انگشت شماری از تجار مورد وثوق دولت محدود شـد. شاه با رشوه گرفتن از بازرگانـان خارجی و باج گیری از رهبران قبایل محلی ثـروت هنگفتی به دسـت آورد. او بقدری زمین مصادره نمود که در اوج دوران اقتدارش بزرگترین ملاک کشـور به حساب می‌آمد.

یکـی از اعضای پارلمان بریتانیـا در این خصوص گفت: «رضاخان بسـاط تمام دزدان و راهزنان را از ایران برچید و به هم‌میهنان خود فهماند که از آن پس فقط با یک دزد سروکار دارند.»

در سـال ۱۹۳٤ رضاشاه برای ملاقات با آتاتورک به کشور ترکیه سفر کرد. ملاقات اولیه آن دو بسیار گرم بود اما هنگامی که آن‌ها به بازدید از نقاط مختلف ترکیه پرداختند، خان قلدر با دیدن میزان پیشرفت ترکیه به سمت تجدد و سکولاریسـم دچار یاس و افسردگی گردید. او به هنگام بازگشت به وطن مصمم بود که برنامه تغییرات در جامعه ایران را با سـرعت دو چندان دنبال نماید. او با خشـونتی که در این راه داشت، الگوهای اجتماعی سنتی و باورهای مذهبـی جامعه را بکلـی از یاد برد. او که به کلی فاقد هنر اداره دولت و مهارت سیاسـی بود، اکثر جمعیت کشور را رو در روی خود قرارمی‌داد.

رضاخان مجذوب جنبش‌های فاشیسـتی شد که در دهه ۱۹۳۰ در اروپا ظهور نموده بود. به نظر وی، موسولینی، فرانکو و هیتلر در همان راهی قدم بر می‌داشتند که وی آن را طی می‌نمود و از این طریق تلاش می‌کردند تا ملت‌های ضعیف و بی نظم خود را خلوص و اتحاد ببخشند. او برای از میان بردن هویت اقلیت‌ها، خصوصاً اقلیت کُرد و آذری، تلاش سـرکوبگرانه گسـترده‌ای را آغاز نمود و «سازمان پرورش افکار» را برای بسـط اندیشـه‌ها و بزرگ نمودن شخصیت خود بنا نهاد که عملی مستبدانه بود.

کاوش
آنا آریان

دیپاک چوپرا؛ مثنوی پژوه و مولانا شناس

گذر به طب روحانی

ادامه از صفحه اول

و چنین بود که با گذشـت دو هفته توانسـت سیگار و برخی عادات بد را کنار بگذارد.

چوپرا در سـال ۱۹۸۵، با «ماهاریشـی ماهش یوکـی»، بنیادگذار و رهبر «تی.ام» در «واشـنگتن دی سـی» دیدار کرد. چندی بعـد، اویک کلینیک پزشکی «آیورودایی» را با کمک «ماهاریشی» راه اندازی کـرد و خود، ریاسـت آن را بـر عهده گرفت. او از فروش فرآورده‌های بین المللی ماهاریشی در حوزه آیورودا، دارایی هنگفتی کسـب کرد و پس از آن، به کار نوشتن پرداخت. وی در سال ۱۹۸۹، کتاب «**شفای کوآنتومی: کاوشی در مرزهای پزشکی ذهن–بدن**» را نوشت که اثری خارق العاده بود. وی در این کتاب روشن کرد که یک بیمار از راه پرداختن مدام به تمرین هـای فکـری و روحی و در پیش گرفتـن تغذیه ای مناسـب می‌تواند بر بیماریهای گوناگون چیره شود و سبب دیرکرد فرآیند پیری گردد. چوپرا در سال ۱۹۹۱ کتابی را با نام «**زندگی بدون قید و شرط: کشف توان رسـیدن به آرزوها**» به نگارش درآورد که انقلابی در جهان روانشناسی بود و زمینه های جدی و نوین طب روحانی را به صراحت در قلب امریکا پی گذاشت.

چوپرا دو سال بعد در سال ۱۹۹۳ به همراه همسر و فرزندانش، رهسـپار کالیفرنیا شد و در آنجا مسکن گزید و یک مرکز بهزیستی را به نام خودش در زمینی بزرگ و با امکانات بسیار عالی در مرکز شهر تاسیس و افتتاح کرد و به خدمت رسـانی روی آورد. جالب است که دکتر چوپرا دارای یک شبکه تلویزیونی کابلی است که آن را "کانال جهانی شـفا" نام گذاری کرده است.

این فیلسـوف و پزشک هندی تبار کـه پشـتوانه کارهای پژوهشـی‌اش در زمینـه ارتباط جسـم بـا روح و روان و همچنین آشتی دادن و پل زدن بین آگاهی خردمندانه غربی با خرد و اندیشه شرقی است، دارای آثاری زیاد است که به بیش از چهل کتاب و صدها نوشـتار و بی شمار سخنرانی و برنامه‌های رادیو – تلویزیونی می رسد. او در عین حال، یک مولانا شناس بنام نیز هست و به تازگی در همین رابطه کتابی به نام «**سـازش، تنها راه اسـت**» منتشر کرده است. چوپرا که دوستداران و علاقمندان بسیاری در آمریـکا دارد، در آخرین کار خود از دنیایی سـخن می گوید کـه شـهروندانش، سـازش را برترین خواسته خویش می‌دانند و بـرای رقبای خود نیز ارزش و بزرگداشت بسیار دارند.

چوپرا درباره پافشاری خود بر سازش جهانی، میگوید: «اگر ما به در هم آمیختن سنت های کهن خود بـا گنجایش هـای تازه‌ی خویـش ادامه دهیم، به پیشـواز نابودی خویشـتن و جهان رفته‌ایم. مساله بشر امروز این نیست که آیا بر تروریسم، پیروز خواهد شد یا نه، بلکه این است که آیا با ادامه روند موجود، انسان امروز می‌تواند به زندگانی خود ادامه دهد یا نه.»

چوپرا همواره این باور خود را گسـترش می‌دهد که انسـانها باید رها از داوری‌های خوب و بد دیگران، آزادانـه به دنبال هـدف خویش بروند. وی از اینکه گاه او را به شـوخی، راهنمای هنرپیشـگان هالیوودی می خوانند، تنها لبخند می زند و همین لبخند بر لبان اوست، هنگامی که او را پیرو دالایی لاما و بودا و عیسی مسیح می‌خوانند. او می گوید : «من یک انسـان عادی هستم که از آنچه به اندیشـه‌ام می‌رسـد، با آهنگ بلند سخن می گویم!»

از کتابهای چوپرا می توان به کتابهای زیر اشـاره کرد:

۱– شفای کوانتومی
۲– هفت قانون معنوی کامیابی
۳– بازگشت مرلین
٤– روشهای افسونگری
۵– جاده‌ی عشق
٦– جاودانگی روزمره

روزگاران طهمورث آدمی

وزارت خارجه‌ای که من دیدم–۴

مهمانی سفیر

برخی از کارمندان بالا رتبه وزارت خارجه استقلال فکر و اندیشه و استدلال داشتند و راه خود را می‌رفتند. و همه از فضل و کمال سـنتی ایرانی و دانش اطلاعات غربی و فرهنگ پیشرفته‌برخوردار بودند. یدالله عضدی حتی خطی هم زیبا داشـت، ولـی آرام که فاقد همگی این خصال و خصوصیات بود، عمر و دفعات وزارتش طولانی‌تـر می گفتند به او وعـده داده‌اند که تا هر وقت بخواهد وزیر خارجه باقی خواهد ماند!

غلام عباس آرام در دورهٔ اول وزارتش اگر رعایت سیاستی را مدنظر داشت، سیاست انگلستان بود، و چندان از سیاسـت شـوروی طرفداری نداشت و به خصوص خاطرهٔ پیمانی که هنگام وزیر مختار خود در واشنگتن با آمریکا بسته بود یا چپ ها به او می‌بستند و می تاختند به یاد داشت. در دورهٔ دوم وزارت، او، شخصی دیگری بود و دربند عوامل سیاست شوروی گرفتار. سیاست سنتی انگلسـتان در ایران نیز این بود که هر وقت لازم داشـت حلقه‌های زنجیر مشترکی را با روسیه به هم می‌آویخت. حالا آرام در وقت دیگر خود را شـخص دیگری نشان می‌داد. هوای کار هم عوض شـده بود. نیمه نسـیمی از شمال وزیدن داشت. ردهٔ بالای وزارت خارجه از مردم فهیم و دلسوز و وطن خواه خالی بود. و صیانت از حقوق و منافع ایران دستخوش تمایل نااهلها.

مهمانی سفیر کویت

پیش از سفارت مسکو به سمت سفیرکبیری کویت منصوب و معرفی شـده بودم. یک دیدار معارفه‌ای هم من‌باب نزاکت با سفیر کبیر کویت داشتم. چند روز بعد دوسـت دیرینم عزیزالله اکبر معاون وزارت کشور تلفن کرد که به مهمانی سـفیر کویت کـه برای من می‌دهد، دعوت شـده است، تعجب کردم، که چطور سفیر کبیر کویت بدون مشـورت و اسـتصواب با من و توافق در روز و وقـت مهمانی و گرفتن صورت میهمانان من به چنین دعوتی مبادرت جسـته است. وقتی آرام را دیدم گفتم که باید مهمانی تعطیل گردد. آرام دستپاچه شد و عذر آورد که اینها یعنی کویتی‌ها تازه مستقل شده‌اند. از آداب و رسوم دیپلماسی اطلاع‌زیادی ندارند. گفتم: من یادشـان خواهم داد. و به تشریفات گفتم که آن مهمانی را وا خوانند. و واخواندند.

اتفـاق را همان روزها به سـمت سـفیرکبیر تغییر منصـب دادم، ولی بعلانیه می‌دیدم که آرام از حکومت تازه اسـتقلال یافته و هنوز دست‌آموز انگلستان مانده، حسـاب می‌برد و دفاع ناروا می‌کند. و می‌خواسـت بر رفتار غلط و بی‌رویهٔ عرب کویتی سرپوش بگذارد.

وقتی به سـفارت راهی مسکو بودم آرام به خوبی می‌دانست همه نهادهای تصمیم گیر کشور از من تقاضا داشتند که آنها را در جریان وقایع و خبرها و موضوعات و رویدادهـای شـوروی بگـذارم و در ایـن راه با هم، هم‌چشمی می‌کردند. مستمندانه تقاضا کرد که گزارشها را از او دریـغ نـدارم. تصمیم من هـم از همان قرار بود. و در یکـی دو مـاه اول نیـز به همیـن روال عمل کردم ولـی زود دریافتـم که هرچه بـه او موافقت و همراهی نشـان می‌دهم او که از بدخواهان و بداندیشـان احاطه شـده بود. توانایی رهایی از وسوسـه آنها را ندارد و راه سـلامت نمی‌گذارد و کارهای خلاف مصلحت و دور از قاعـده انجام می‌دهد. کم‌کم دریغ کردم. از نخسـتین پیشـامدها موضوع دعوت از برژنف صدر هیأت رئیسهٔ اتحاد جماهیر شوروی بود.

به آرام تلگراف کردم که دعوتنامه برژنف را بفرستد به مسکو که من تسلیم وی کنم. این درخواستی بود روا و به‌جا و به مورد. هر دولتی در این گونه موارد سعی می‌کند سفیر خودش را مصدر این گونه امور قرار دهد که خود تسهیلی در پیشبرد کار او نزد حکومت متوقف فیها است. جواب آمد که بنا به تقاضای پگف سـفیرکبیر شوروی رونوشـت دعوتنامه را دادیم بـه او! من تعجب کردم و تأسـف خوردم که چقدر رعایت خاطر سفیر شوروی برای وزیر خارجه احاطه شـده از روسوفیلها، لازم بوده است؛ که عملی بر خلاف رویه معمول و مصلحت انجام دهد. این بود که تلگراف کردم: دادن رونوشت دعوتنامه به سفیر شوروی عذوبت آن را از بین برده است و با این زبان و بیان گله‌ای به حق کردم.

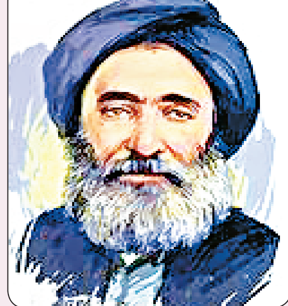
نامه وارده

نقدخاطره

غلامحسین‌صمیمی

دبیر محتـرم ضمیمه فرهنگـی روزنامه اطّلاعات، ضمن سـلام و احتـرام و ارادت ویـژه و آرزوی توفیق روزافزون برای جناب‌عالی و همکاران خدوم آن رسانه، اینجانب، محقّق و نویسنده تاریخ اسلام در حوزه علمیه قـم؛ از دیربـاز با روزنامه اطّلاعات به عنوان رسـانه‌ای با پیشـینه و معتدل، آشـنایی دارم، و غالبـا هم، در تهیّه شمارگان آن مقیّد می‌باشم. به حق رسانه‌ای است معقول و منطقی در مسـائل سیاسی جاری، و با این همه، دارای بعد اطّلاعات رسـانی ویـژه در زمینه علمی، تاریخی و فرهنگی، و از این حیث در میان دیگر مطبوعات کشـور که عموماً روشنگر و مفید هستند، ممتاز می‌شناسم.

از آن دسـته از مطبوعات که از بودجه رسـانه، در پیش برد اهداف شخصی و گروهی و فروکوبیدن رقیبان سیاسی بهره می جویند و راه اختلاف کارشکنی می پویند، نمی‌شـمارم. این یادداشت اشارتی اسـت کوتاه و البته انتقادی به یادداشت عزیز فرهنگی و برادرمتعهّد و ایمانی خـودم به نام «آقای کریمی» که در روزنامه چهارشـنبه مورّخه ۱۴ اسـفند ۱۳۹۲ در ضمیمه فرهنگی آن رسـانه ارزشـمند، دربـاره فـردی به نام مرحوم اسـتاد «محمّدمشکوه» در سـال ۱۳۴۲، چاپ شده است، و مرحوم مشـکوه را فردی شیرین و بذلـه گـو توصیف نمـوده که کلاس درس را بـا بذله‌گویـی و شـیرین‌کاری اداره می‌کـرده اسـت. وی که از مرحوم مشکوه بـه حضرت آیت الله نـام می‌برد، می‌نویسد: همراه دوستم درکلاس درس اسـتاد مشکوه حاضر شدم. در وسط کلاس واقعه‌ای رخ داد که هنوز برایم در عین تلخی، شیرینی دارد. بهر حال آن روز در اواسـط کلاس که اسـتاد نمرات ترم اول دانشجویان را قرائت می‌کرد، هنگامی که به نمره سطح پایین و دور از انتظار دانشـجویی رسـید و آن را بیان کرد، با اعتراض دانشـجوی مذکور مواجه شـد. تلخ‌تر آنکه آن دانشجو واژه‌ای را در برابر اسـتاد و جمع همکلاسـی‌های خود عنـوان کـرد که حکایت از جهل مرکـب وی بود. آن به اصطلاح دانشـجو نما از اسـتاد مشکوه پرسید: «شما به چـه مجوزی»، به فتح م، وضمّ ج،به من نمره کم دادید؟ اسـتاد با عصبانیّت به طرف او رفت و سـیلی محکمی بـه گوش او نواخـت،و گفت:«با این مجوّز"!!! به ضمّ م، و فتح ج، و کسـر واو مشـدّد و سـکون«ز». بعد شنیدم آن دانشـجوی بی سـواد اخراج شـده اسـت. سپس به تعریف از مرحوم مشـکوه می‌پردازد.!!! نمی‌دانم خاطره این همکار گرامی، قصّه اسـت یـا واقعیّت. چه قصّه و چه واقعیّت، جای آن در این گونه جراید نیسـت. بویژه رسـانه‌ای با پیشـینه و حاوی مطالب محکم و متین که از وجـه و اعتبار علمی و اخلاقی برخوردار اسـت. بی شک درج چنین مطالب از سوی ضمیمه اطّلاعات بدون تأمّل در محتوای خاطره و یا قصّه، حسن تعهّد و رعایت امانت در محتوی سخن از سوی نویسندگان می‌باشد که نویسـنده محترم هم خواستار پیوست مطلب به مطالب پیشـین در پیرامون مرحوم محمّد مشـکوه بوده است. امید اسـت با همین روحیّه تعهّد و مسـئولیّت‌پذیری که در مسـئولان محترم ضمیمه فرهنگی روزنامه اطّلاعات مشـهود است، یادداشـت کوتاه بنده نیز، در نقد خاطره، یـا قصّه این همکار گرامی منـدرج گردد، تا زمینه برخی تشویش‌ها که بی شک از محتوای مطالب یاد شده به شأن روحانیّت در زمینه اخلاق در برخی خوانندگان به وجود آمده است، برطرف گردد. در قرآن کریم بیش از هر چیز، از جنبه اخلاقی رسـول گرامی اسلام (ص) سخن آمده است که بررسی همه آنها در کتابی مستقل نیز نمی گنجد چه رسـد به یادداشتی کوتاه، همه می‌دانیم که پروردگار متعـال بزرگترین ویژگی پیغمبـر(ص) را «رحمت» و «اخلاق نیکو» می‌شمارد[1] و مهم‌ترین بعد گرایش مردم به دین اسلام را اخلاق عظیم آن حضرت معرّفی می‌نماید[2] خود پیغمبر هم بزرگترین فلسـفه برانگیخته شدن خود را، اخلاق و گسترش آن در میان مردم می‌داند. در حدیثی که از سـوی غالب راویان نقـل و در کتب روایی وجود دارد، حدیث شریف و معروف «مکارم الاخلاق» است. ایـن مطلب بقدری مهّم اسـت که حضرت به صراحت می‌فرماید:«انّما بعثت لاتمّم مکارم الاخلاق». از سـیاق سـخن پیدا است که رشـد اخلاق در اندیشه و گفتار و رفتار انسـان‌ها و نمود آن در سـطح جامعه و در نتیجه ساختن یک جامعه بزرگ بر پایه اخلاق اسلامی و حفظ کرامت انسانی، هدف و چشم انداز ویژه آن حضرت به عنوان پیامبر بزرگ رحمت می‌باشد. داستان‌های واقعی فراوان درباره پیشـوایان پاک شیعه در مأخذهای حدیثی و تاریخی در زمینه اخلاق و بردباری دیده می‌شود. کوتاه سخن اینکه، کاظم به مفهوم چیرگی بر خشم و بردباری در مقابل مشـکلات صفت خاص پیشوای پاک هفتم به شـمار می‌آید. لذا رفتار هر فرد مسـلمان در گسـتره بی انتهای اخلاق اسـلامی و سیره نبوی ارزشیابی می گردد، نه در وادی هوس شـخصی. استادی کـه با کوله باری از دانـش، آن هم در کسـوت لباس روحانیّت بر کرسـی تدریس شـانه می‌سـاید و با این همه، از اعتراض جوانی دانشـجو برمی تابد و عنـان بردباری از کف می‌اندازد و به گوش شـاگرد خود سـیلی می‌نوازد؛ نمی‌تـوان وی را اسـتاد و یا روحانی خوانـد. آدم ناخودآگاه به یاد سـخن «سـعدی» در گلستان می‌افتد. آنجا که شـیخ اجل داسـتان آن پهلوانی را باز می‌گوید که از سخن رهگذری به وی چنان بر می‌آشـوبد و بی قرار می‌شـود که به هرسـوی می‌غرّد و از دهان کف می‌ریزد. سعدی می‌گوید: گفتم:«این بی چاره روزابه یک صد من سنگ برمی دارد امّا از شنیدن سخنی این چنین بر می‌تابد؟!» استادی که در همه مدّت تدریس همواره خوش و بذله گو اسـت و کلاس درس را بدین گونه اداره می‌کند، امّا از شـنیدن سخنی مخالف آن هم از دانشجویی کم تجربه و احیاناً کم سواد، دیگر نه کنترل خشم خود را دارد و نه آبروی شاگرد را می‌پاید، و به جای پاسخی منطقی که درخور شأن یک استاد است، دسـت بـه توهین و کتک می‌یازد، نه بهـره‌ای از اخلاق اسـلامی دارد و نه احترامی برای شـخصیّت و کرامت انسانی دیگران قائل می‌باشد. بگذریم از این که نگاشتن چنین مطالب و برجسـته نمودن آن به عنوان عمل یک استاد و عالم روحانی، گسترش بی اخلاقی و فرود آوردن شـأن یک استاد فرهیخته دانشگاهی است. باید همگان در مسـیر ترویج اخلاق اسـلامی و بیان اشاعه سخن و سیره نبوی گام برداریم، و بدانیم بزرگترین تلاش دنیای غرب به ویژه آمریکا که اکنون در ورطه بی هویّتی و بی اخلاقی فرو افتاده اسـت، به خاطر ترس از روی آوردن جوانان غرب به اسـلام و دیانت و معنویّت اسـت که در گفتار و رفتار پیامبر اسلام(ص) و پیشوایان پاک آن وجود دارد، از ایـن رو اسـت که با ایجـاد و تقویت گروه‌های تکفیری و تندرو و فاقد اخلاق اسـلامی و انسانی سعی در معرّفی اسلام به عنوان دینی خشن دارد، و مسلمانان را افرادی خشونت خواه و خود رأی و بی بهره از اخلاق می‌نمایاند. خوب است قدری بیاندیشیم و در نشر مسائل با واکاوی و ژرف نگری بیشتر عمل نماییم و بدانیم چه مطلبی به سـود، و چه سـخنی به زیان اسـت. در پایان از همـکاری متعهدانه مسـئول محترم ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات سپاسگزارم.



پی‌نویس‌ها

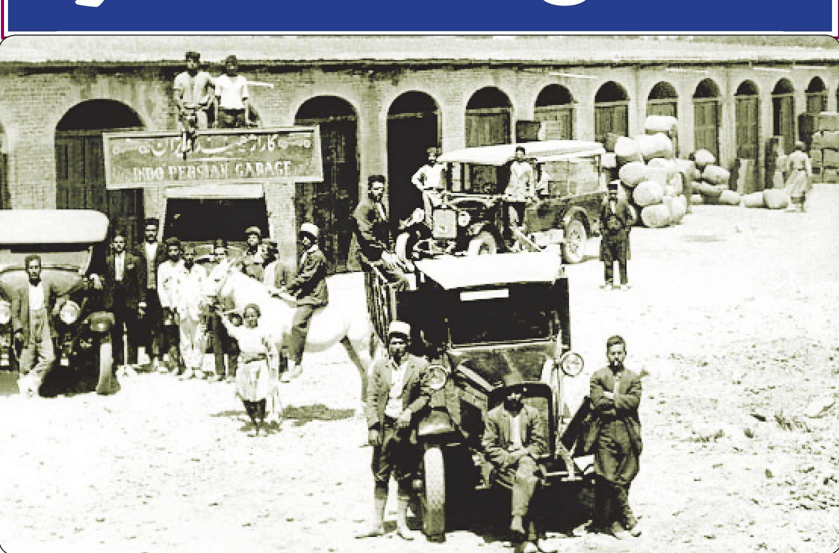
۱- سوره انبیاء،آیهٔ ۱۰۷

۲- سوره قلم، آیهٔ ۴

مکارم الاخلاق، حدیث، ۴۹۸

بازخوانی مشروطه؛ استیون کینزر-۵

تعارض میان کهنه و نو



برخی اسـاس جنبش اصلاحات را زیر سؤال بردند: «با استفاده از دو واژه اغواکننده عدالت و شورا، طرفداران آزادی بـرادران مـا را فریـب داده و بـا بی‌خدایان متحد ساخته‌اند... اسلام که کامل‌ترین دین است عدالت و شورا را خود به جهان ارزانی داشته است. حال چه بر سر ما آمده که مجبوریم قوانین مربوط به اجرای عدالت را از پاریس و طرح برقراری شورا را از انگلستان وارد کنیم؟»

انعکاس این تعارض میان روحانیت و اصلاح طلبان سکولار، در تمامی ادوار تاریخ معاصر ایران شنیده می‌شود. همیـن مطلب در مورد یکی دیگر از دودسـتگی‌های آن دوران، یعنی اختلاف میان دو گروه از روحانیت نیز صادق است. برخی روحانیون به این عقیده بودند که دین اسلام با اندیشـه‌های متجدد سازگار است ولی دیگران بین این دو تعارض می‌دیدند و جنبش را محکوم می‌نمودند. این اختلاف نظرها منعکس‌کننده تعارضاتی قدیمی در تاریخ ایران بود: تعارض میان کهنه و نو، مذهب و سکولاریسم، و ایمان و خرد. یک مورخ در نوشته‌های خود این موضوع را چنین بیان کرده اسـت: «تعارض میان باور ایرانی‌ها به پذیرش و جذب در مقابل سنت‌گرایی.»

محمدعلی شاه با اطمینان از اینکه اکثر رهبران کشور از وی حمایت می‌کنند، جنگ روانی علیه مجلس را آغاز نمود. در ماه ژوئن ۱۹۰۸ طرفداران وی یک دسته خیابانی تشـکیل دادند و با راه افتـادن در خیابان‌های تهران فریاد زدند: «ما پیرو قرآنیم، مشـروطه نمی‌خواهیم.» وی سپس به بریگاد سـربازان زبده قزاق که تحت فرمان وی بودند دسـتور داد سـاختمان مجلس را به توپ ببندند و به آن حمله کنند. مردم ایران در چندین شـهر به نشانه اعتراض بپاخاسـتند و بسـیاری از آن‌ها در جریـان درگیری‌های خیابانی کشـته شـدند. چنین به نظر می‌رسید که ایران در شرف یک جنگ داخلی همه جانبه است. شاه مجبور شد به ساختمان سفارت روسیه پناهنده شود.

هر دو قدرت امپریالیسـتی جهان که قصد سـلطه بر ایران را داشـتند، یعنی بریتانیا و روسـیه دریافته بودند که جنبش مشـروطه منافع سـلطه‌طلبانهٔ آن‌ها در ایران را به خطر می‌اندازد و لذا شـاه را تشـویق به مقاومت در برابر آن می‌نمودنـد. اما مجلـس هنوز به کار خود ادامه می‌داد. یکـی از مهمتریـن اقدامات مجلس، اسـتخدام مورگان شوسـتر، بانکدار آمریکایی به عنـوان رئیس خزانهٔ ایران بود. شوستر کار خود را با قدرت فراوان آغاز کرد و سیستم پیچیدهٔ معافیت‌های مالیاتی و پرداخت‌های پشـت پرده را که سـندیکاهای انگلیسی و روسـی از طریق آن ایران را چپـاول می‌کردند از هم پاشـاند. دولت هر دو کشـور انگلستان و روسیه خواهان برکناری وی شدند و در پاییز ۱۹۱۱ روس‌ها برای تحقق خواسـتهٔ خود لشـگری را به مقابله با وی فرستادند. هنگامی که مجلس از برکنار ساختن وی خودداری نمود، دربار پادشاهی که با حضور سربازان خارجی قدرت مضاعف یافته بود مجلس را تعطیل کرد و بسیاری از نمایندگان آن را بازداشت نمود. انقلاب پرفراز و نشیب مشروطه در ایران که پنج سال به طول انجامید و اولین تلاش سـازمان یافته برای ترکیب سنت‌های ایرانی با دموکراسی مدرن به شمار می‌آمد، بدین ترتیب به پایان رسید.

تجربهٔ این سال‌ها تأثیر عمیقی بر روانشناسی اجتماعی ایران به جای گذاشت. بر خلاف جنبش تنباکو، که هدف آن صرفاً مقابله با یک قانون خودسرانه بود، انقلاب مشروطه برای ایجاد یک نظم کاملاً نوین اجتماعی و سیاسی صورت گرفت. این انقـلاب با کمک فراوان قدرت‌های خارجی سرکوب شد اما این اتفاق زمانی افتاد که پایه‌های یک ایران دموکراتیک قبلاً شـکل گرفته بود. قانون اساسی تدوین و تصویب شد و طبق مفاد آن، می‌بایست انتخابات بصورت مرتب برگزار می‌شد و این خود به معنی فعالیت سیاسی و دست کم حفظ ظاهر مباحثات آزاد بود. در سال‌های پس از آن، حـکام ایـران آرای عمومی را نادیده گرفتند و علیه آن به مقابله پرداختند اما هرگز موفق نشدند این اعتقاد را در مردم از میان ببرند که حق حاکمیت از آن ملت است و هیچ حکومتی نمی‌تواند آن را سلب نماید. درس‌هایی که ملـت ایران از این انفجار عواطف اصلاح‌طلبانه آموختند، شـکل دهندهٔ انقلاب آرامی بود که محمد مصدق حدود نیم قرن بعد آن را رهبری کرد.

مـردم ایـران بدان جهـت تحت لوای دموکراسـی گردآمـده بودند که تصور می‌کردنـد برقراری حاکمیت قانون درکشـور، آنها را ازفقر نجات خواهد داد. در عین حال،آنها تحت تأثیر نیروی خشـم خود قرار داشـتند که متوجه دو هدف بود: اول، دربار قاجاریه که نماد آن محمد علی شاه مستبد و سپس فرزند وی، احمد بود که در سال ۱۹۰۹ و در سن دوازده سالگی به سلطنت رسید. کانون دوم خشم ملت، نقش ویرانگری بود که قدرت‌های خارجی ـ خصوصاً روسیه و بریتانیا در ایران ایفا می‌نمودند.

در جریان انقلاب مشـروطیت، اصلاح‌طلبان بارها تـلاش نمودند تا ایران را از مدار سـلطهٔ قدرت خارجی رها سازند. مجلس یکبار تا آنجا پیش‌رفت که وام اعطایی از سـوی بانکداران روسی را رد نمود. بعد، مجلس قانون تشـکیل یک بانک ملی بـا ادارهٔ خود ایرانیان را تصویب کـرد. بـا این حال، تلاش‌های مجلس در این زمینه ثمری نبخشـید. هـرچه قاجاریه به فروش دارایی‌های کشور ادامه می‌دادند، ایران بیش از پیش در گـرداب اسـارت فرو می‌رفت.

درسـال ۱۹۰۷، بریتانیا و روسیه عهدنامه‌ای را میان خود به امضا رساندند که ایران را بین آن‌ها تقسیم می‌کرد. بریتانیا طبق عهدنامه کنترل مناطق جنوبی را به دست آورد و شـمال نیز به روسـیه رسید. یک منطقهٔ بیطرف نیز بین این دو منطقه به رسمیت شناخته شد که ایرانی‌ها تا زمانی کـه علیه منافع میهمانان قدرتمند خود اقدامی نمی‌کردند می‌توانسـتند آن را در کنترل خود نگاه دارند. برای انعقاد این عهدنامه با ایران مشورت نشد و فقط پس از امضا در سـنت‌پترزبورگ، حاصل توافـق را به دولت ایران اطلاع دادند. سلطهٔ غیررسمی قدرت‌های خارجی به ایران که از مدت‌ها قبل به وجود آمده بود، با انعقاد عهدنامه رسمیت یافت و نیروهای مسلح روسیه و بریتانیا نیز ضامن اجرای آن شـدند. هنگامی که عهدنامه بـرای تصویب نهایی به پارلمان بریتانیا رفت، یکی ازمعدود نمایندگان مخالف با اظهار تأسـف گفت که این عهدنامه ایران را «بین مرگ و زندگی، مثله شـده، بی‌پناه و بی‌یاور در زیر پاهای ما قرار می‌دهد.»

بـا درگیر شـدن روسـیه در جنگ‌هـای داخلی و انقلاب، نفوذ این کشور در ایران کاهش یافت. هنگامی که بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ به قدرت رسیدند، اکثر امتیازات روسـیه در ایران را لغو نمودند و تمام بدهی‌های ایران به حکومت تزاری را بخشیدند. بریتانیا که در آن زمان در اوج اقتدار امپریالیستی خود قرار داشت به سرعت دست به کار شد تا خلاء به وجود آمده را پر کند.

موضوعی که اکنون توجه آن‌ها را جلب می‌کرد نفت بود. شرکت نفت جدیدالتأسیس انگلیس و ایران که از دل امتیاز دارسی شکل گرفت شروع به برداشت ذخایر عظیم نفت از خاک ایران نمود.

وینستون چرچیل نفت ایران را «هدیه‌ای از سرزمین پریان و فراتر از رؤیاهای ما» نامید.بریتانیا با درک اهمیت و ارزش عظیـم این منبع جدید، در سـال ۱۹۱۹ عهدنامهٔ یکطرفـه‌ای را میـان ایران و انگلسـتان بـه دولت ناتوان احمدشاه تحمیل کرد و با رشوه دادن به طرف‌های مذاکره ایرانی از پذیرش مفاد آن اطمینان حاصل کرد.

طبـق مفاد این عهدنامه، بریتانیا کنترل ارتش، خزانه، حمل و نقل و شـبکه ارتباطات ایران را به دست می‌آورد. آن‌ها برای تضمین اختیارات جدید خود، در ایران حکومت نظامی برقرار کردند و حکومت توأم با اعمال زور را آغاز نمودند. لـرد کرزن، که به عنوان وزیر خارجه از معماران اصلی این عهدنامه محسوب می‌شد، در توجیه ضرورت آن می‌گفـت که عهدنامه مزبور تبلور یک قرن سیاسـت بریتانیا در قبال ایران است:

«اگر سوال شود که چرا ما باید این کار را قبول کنیم و چرا نگذاریم ایران به حال خود بماند و به سمت نابودی پیش برود، پاسخ آن است که موقعیت جغرافیایی ایران و منافع فراوان ما در آن کشور و آینده امنیت امپراتوری شرقی، بی‌تفاوتی در قبال ایران را غیر ممکن می‌سازد، همانگونه که در پنجاه سـال گذشـته نیز هرگز برای ما امکان نداشته که نسبت به آنچه در ایران می‌گذرد بی‌اعتنا باشیم. علاوه بر آن، حال که ما در شرف به دست آوردن سلطه کامل به بین‌النهرین هستیم که ما را به مرزهای غربی آسیا می‌رساند، نمی‌توانیم اجازه بدهیم که بین مرزهای امپراتوری ما در هند و بلوچستان، و سرزمین تحت الحمایهٔ ما در بین‌النهرین، یک کشـور غرق در سوء حکومت توطئه‌های دشمنان و آشـفتگی و هرج و مرج سیاسی قرار بگیرد و بعلاوه، اگر ایران تنها گذاشـته شـود، این بیم وجود دارد که از سمت شمال تحت نفوذ بلشویک‌ها قرار بگیرد. و بالاخره، ما در جنوب‌غربی ایران از دارایی بزرگی به صورت میادین نفتی برخوردار هستیم که نیروی دریایی بریتانیا برای سلطه بر آن زحمات زیادی متحمل شده و منافع فراوانی در آن نقطه از جهان برای ما به وجود آورده است.!»

> **درسال ۱۹۰۷، بریتانیا و روسیه عهدنامه‌ای را میان خود به امضا رساندند که ایران را بین آن‌ها تقسیم می‌کرد**

عهدنامه انگلیس و ایران آخرین نشانه‌های حاکمیت ایـران را از میـان برد اما در عین حال شـور جدیدی را در جنبـش ملی گرایان ایرانی به وجود آورد. میهن پرسـتان ایرانی از فعالیت نیروهای ضد استعماری در سایر کشورها که بسـیاری از آن‌ها تحت سلطهٔ بریتانیا قرار داشتند الهام گرفتند.انقلابیـون رادیکال در اسـتان‌های شـمالی اقدام به تأسـیس یک حزب کمونیسـت نمودند و هنگامی که نیروهای اتحاد شوروی در ساحل خزر پیاده شدند و منطقه اطراف آن را سـرزمین «جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران» اعلام نمودند، چنین به نظر می‌رسـید که به زودی جنگی بر سـر خاک ایران میان دو ابر قدرت در بگیرد. در بیشتر نقاط کشور، میلیون‌ها نفر در بدترین شرایط ممکن زندگی می‌کردند. جنبش‌های جدایی طلب در استان‌های مختلف قدرت پیدا کردند. ایران در مرز تجزیه قرار داشت.

در چنیـن موقعیتی رضا خان از موقعیت اسـتفاده کرد و خود را به قدرت رسـاند؛ مردی که داستان‌های زیادی از بی‌رحمی‌های وی نقل می‌شـد که مردم را وحشت زده و البته سر به نیست می‌نمود.

در سـال ۱۹۳۵ (۱۳۱۴)، رهبران مذهبی به اعتراض علیه فرمان کشف حجاب زنان و همچنین دستور رضاشاه مبنی بر استفاده اجباری مردان از کلاه لبه‌دار که مانع سجده آن‌ها به هنگام نماز می‌شـد[!]، برخاسـتند. آن‌ها به همراه صدها تن از طرفداران خود در مسجد گوهرشاد خراسان تجمـع کردند. هنگامی که رضاخـان خبر تجمع آن‌ها را شنید به سربازان خود دستور داد که به مسجد هجوم برده معترضیـن را قتل عام نمایند. بیـش از یکصد نفر در این تهاجم کشته شدند. دیگر اعتراضی علیه اصلاحات وی در زمینه امور مذهبی صورت نگرفت؟بارها و بارها، رضاخان مسائل را با همین خشونت بیرحمانه برطرف‌نمود.

تجارت در دسـت دولت و تعداد انگشت شماری از تجار مورد وثوق دولت محدود شـد. شاه با رشوه گرفتن از بازرگانـان خارجی و باج‌گیری از رهبران قبایل محلی ثـروت هنگفتی به دسـت آورد. او بقدری زمین مصادره نمود که در اوج دوران اقتدارش بزرگترین ملاک کشـور به حساب می‌آمد.

یکـی از اعضای پارلمان بریتانیـا در این خصوص گفت: «رضاخان بسـاط تمام دزدان و راهزنان را از ایران برچید و به هم‌میهنان خود فهماند که از آن پس فقط با یک دزد سروکار دارند.»

در سـال ۱۹۳۴ رضاشاه برای ملاقات با آتاتورک به کشور ترکیه سفر کرد. ملاقات اولیه آن دو بسیار گرم بود اما هنگامی که آن‌ها به بازدید از نقاط مختلف ترکیه پرداختند، خان قلدر با دیدن میزان پیشرفت ترکیه به سمت تجدد و سکولاریسـم دچار یاس و افسردگی گردید. او به هنگام بازگشت به وطن مصمم بود که برنامه تغییرات در جامعه ایران را با سـرعت دو چندان دنبال نماید. او با خشـونتی که در این راه داشت، الگوهای اجتماعی سنتی و باورهای مذهبـی جامعه را بکلـی از یاد برد. او که به کلی فاقد هنر اداره دولت و مهارت سیاسـی بود، اکثر جمعیت کشور را رو در روی خود قرارمی‌داد.

رضاخان مجذوب جنبش‌های فاشیسـتی شد که در دهه ۱۹۳۰ در اروپا ظهور نموده بود. به نظر وی، موسولینی، فرانکو و هیتلر در همان راهی قدم بر می‌داشتند که وی آن را طی می‌نمود و از این طریق تلاش می‌کردند تا ملت‌های ضعیف و بی نظم خود را خلوص و اتحاد ببخشند. او برای از میان بردن هویت اقلیت‌ها، خصوصاً اقلیت کُرد و آذری، تلاش سـرکوبگرانه گسـترده‌ای را آغاز نمود و «سازمان پرورش افکار» را برای بسـط اندیشـه‌ها و بزرگ نمودن شخصیت خود بنا نهاد که عملی مستبدانه بود.

کاوش

آنا آریان

دیپاک چوپرا؛ مثنوی پژوه و مولانا شناس

گذر به طب روحانی

ادامه از صفحه اول

و چنین بود که با گذشـت دو هفته توانسـت سیگار و برخی عادات بد را کنار بگذارد.

چوپرا در سـال ۱۹۸۵، با «ماهاریشـی ماهش پوکـی»، بنیادگذار و رهبر «تی.ام» در «واشـنگتن دی سـی» دیدار کرد. چندی بعـد، او یک کلینیک پزشکی «آیورودایی» را با کمک «ماهاریشی» راه اندازی کـرد و خود، ریاسـت آن را بـر عهده گرفت. او از فروش فرآورده‌های بین المللی ماهاریشی در حوزه آیورودا، دارایی هنگفتی کسـب کرد و پس از آن، به کار نوشتن پرداخت. وی در سال ۱۹۸۹، کتاب «**شفای کوآنتومی: کاوشی در مرزهای پزشکی ذهن-بدن**» را نوشت که اثری خارق العاده بود. وی در این کتاب روشن کرد که یک بیمار از راه پرداختن مدام به تمرین هـای فکـری و روحی و در پیش گرفتـن تغذیه ای مناسـب می‌تواند بر بیماریهای گوناگون چیره شود و سبب دیرکرد فرآیند پیری گردد. چوپرا در سال ۱۹۹۱ کتابی را با نام «**زندگی بدون قید و شرط: کشف توان رسـیدن به آرزوها**» به نگارش درآورد که انقلابی در جهان روانشناسی بود و زمینه های جدی و نوین طب روحانی را به صراحت در قلب امریکا پی گذاشت.

چوپرا دو سال بعد در سال ۱۹۹۳ به همراه همسر و فرزندانش، رهسـپار کالیفرنیا شد و در آنجا مسکن گزید و یک مرکز بهزیستی را به نام خودش در زمینی بزرگ و با امکانات بسیار عالی در مرکز شهر تاسیس و افتتاح کرد و به خدمت رسـانی روی آورد. جالب است که دکتر چوپرا دارای یک شبکه تلویزیونی کابلی است که آن را "کانال جهانی شـفا" نام گذاری کرده است.

این فیلسـوف و پزشک هندی تبار کـه پشـتوانه کارهای پژوهشـی‌اش در زمینـه ارتباط جسـم بـا روح و روان و همچنین آشتی دادن و پل زدن بین آگاهی خردمندانه غربی با خرد و اندیشه شرقی است، دارای آثاری زیاد است که به بیش از چهل کتاب و صدها نوشـتار و بی شمار سخنرانی و برنامه‌های رادیو-تلویزیونی می رسد. او در عین حال، یک مولانا شناس بنام نیز هست و به تازگی در همین رابطه کتابی به نام «**سـازش، تنها راه اسـت**» منتشر کرده است. چوپرا که دوستداران و علاقمندان بسیاری در آمریـکا دارد، در آخرین کار خود از دنیایی سـخن می گوید کـه شـهروندانش، سـازش را برترین خواسته خویش می‌دانند و بـرای رقبای خود نیز ارزش و بزرگداشت بسیار دارند.

چوپرا درباره پافشاری خود بر سازش جهانی، میگوید: «اگر ما به در هم آمیختن سنت های کهن خود بـا گنجایش هـای تازه‌ی خویـش ادامه دهیم، به پیشـواز نابودی خویشـتن و جهان رفته‌ایم. مساله بشر امروز این نیست که آیا بر تروریسم، پیروز خواهد شد یا نه، بلکه این است که آیا با ادامه روند موجود، انسان امروز می‌تواند به زندگانی خود ادامه دهد یا نه.»

چوپرا همواره این باور خود را گسـترش می‌دهد که انسـانها باید رها از داوری‌های خوب و بد دیگران، آزادانـه به دنبال هـدف خویش بروند. وی از اینکه گاه او را به شـوخی، راهنمای هنرپیشـگان هالیوودی می خوانند، تنها لبخند می زند و همین لبخند بر لبان اوست، هنگامی که او را پیرو دالایی لاما و بودا و عیسی مسیح می‌خوانند. او می گوید : «من یک انسـان عادی هستم که از آنچه به اندیشـه‌ام می‌رسـد، با آهنگ بلند سخن می گویم!»

از کتابهای چوپرا می توان به کتابهای زیر اشـاره کرد:

۱- شفای کوانتومی

۲- هفت قانون معنوی کامیابی

۳- بازگشت مرلین

۴- روشهای افسونگری

۵- جاده‌ی عشق

۶- جاودانگی روزمره

وزارت خارجه‌ای که من دیدم-۴

مهمانی سفیر

برخی از کارمندان بالا رتبه وزارت خارجه استقلال فکر و اندیشه و استدلال داشتند و راه خود را می‌رفتند. و همه از فضل و کمال سـنتی ایرانی و دانش اطلاعات غربی و فرهنگ پیشرفته‌برخوردار بودند. یدالله عضدی حتی خطی هم زیبا داشـت، ولـی آرام که فاقد همگی این خصال و خصوصیات بود، عمر و دفعات وزارتش طولانی‌تـر می گفتند به او وعـده داده‌اند که تا هر وقت بخواهد وزیر خارجه باقی خواهد ماند!

غلام عباس آرام در دورهٔ اول وزارتش اگر رعایت سیاستی را مدنظر داشت، سیاست انگلستان بود، و چندان از سیاسـت شـوروی طرفداری نداشت و به خصوص خاطرهٔ پیمانی که هنگام وزیر مختار خود در واشنگتن با آمریکا بسته بود یا چپ ها به او می‌بستند و می‌تاختند به یاد داشت. در دورهٔ دوم وزارت، او، شخصی دیگری بود و دربند عوامل سیاست شوروی گرفتار. سیاست سنتی انگلسـتان در ایران نیز این بود که هر وقت لازم داشـت حلقه‌های زنجیر مشترکی را با روسیه به هم می‌آویخت. حالا آرام در وقت دیگر خود را شـخص دیگری نشان می‌داد. هوای کار هم عوض شـده بود. نیمه نسـیمی از شمال وزیدن داشت. ردهٔ بالای وزارت خارجه از مردم فهیم و دلسوز و وطن خواه خالی بود. و صیانت از حقوق و منافع ایران دستخوش تمایل نااهلها.

مهمانی سفیر کویت

پیش از سفارت مسکو به سمت سفیرکبیری کویت منصوب و معرفی شـده بودم. یک دیدار معارفه‌ای هم من‌باب نزاکت با سفیر کبیر کویت داشتم. چند روز بعد دوسـت دیرینم عزیزالله اکبر معاون وزارت کشور تلفن کرد که به مهمانی سـفیر کویت کـه برای من می‌دهد، دعوت شـده است، تعجب کردم، که چطور سفیر کبیر کویت بدون مشـورت و اسـتصواب با من و توافق در روز و وقـت مهمانی و گرفتن صورت میهمانان من به چنین دعوتی مبادرت جسـته است. وقتی آرام را دیدم گفتم که باید مهمانی تعطیل گردد. آرام دستپاچه شد و عذر آورد که اینها یعنی کویتی‌ها تازه مستقل شده‌اند. از آداب و رسوم دیپلماسی اطلاع‌زیادی ندارند. گفتم: من یادشـان خواهم داد. و به تشریفات گفتم که آن مهمانی را وا خوانند. و واخواندند.

اتفـاق را همان روزها به سـمت سـفیرکبیر تغییر منصـب دادم، ولی بعلانیه می‌دیدم که آرام از حکومت تازه اسـتقلال یافته و هنوز دست‌آموز انگلستان مانده، حسـاب می‌برد و دفاع ناروا می‌کند. و می‌خواسـت بر رفتار غلط و بی‌رویهٔ عرب کویتی سرپوش بگذارد.

وقتی به سـفارت راهی مسکو بودم آرام به خوبی می‌دانست همه نهادهای تصمیم گیر کشور از من تقاضا داشتند که آنها را در جریان وقایع و خبرها و موضوعات و رویدادهـای شـوروی بگـذارم و در ایـن راه با هم، هم‌چشمی می‌کردند. مستمندانه تقاضا کرد که گزارشها را از او دریـغ نـدارم. تصمیم من هـم از همان قرار بود. و در یکـی دو مـاه اول نیـز به همیـن روال عمل کردم ولـی زود دریافتـم که هرچه بـه او موافقت و همراهی نشـان می‌دهم او که از بدخواهان و بداندیشـان احاطه شـده بود. توانایی رهایی از وسوسـه آنها را ندارد و راه سـلامت نمی‌گذارد و کارهای خلاف مصلحت و دور از قاعـده انجام می‌دهد. کم‌کم دریغ کردم. از نخسـتین پیشـامدها موضوع دعوت از برژنف صدر هیأت رئیسهٔ اتحاد جماهیر شوروی بود.

به آرام تلگراف کردم که دعوتنامه برژنف را بفرستد به مسکو که من تسلیم وی کنم. این درخواستی بود روا و به‌جا و به مورد. هر دولتی در این گونه موارد سعی می‌کند سفیر خودش را مصدر این گونه امور قرار دهد که خود تسهیلی در پیشبرد کار او نزد حکومت متوقف فیها است. جواب آمد که بنا به تقاضای پگف سـفیرکبیر شوروی رونوشـت دعوتنامه را دادیم بـه او! من تعجب کردم و تأسـف خوردم که چقدر رعایت خاطر سفیر شوروی برای وزیر خارجه احاطه شـده از روسوفیلها، لازم بوده است؛ که عملی بر خلاف رویه معمول و مصلحت انجام دهد. این بود که تلگراف کردم: دادن رونوشت دعوتنامه به سفیر شوروی عذوبت آن را از بین برده است و با این زبان و بیان گله‌ای به حق کردم.

روانکاوی
اروین یالوم

شوپنهاور، فیلسوف مضطرب- ٤

کتاب «دربارهٔ خودم»

شوپنهاور همچنین نظرات تندی دربارهٔ پزشکان دارد. زمانی یادآوری کرد پزشکان دو گونه می‌نویسند، گونه‌ای بد خط و ناخوانا برای نسخه‌ها و گونه‌ای خوش خط و خوانا برای صورتحساب‌ها!

نویسنده‌ای که در سال ۱۸٤٦ شوپنهاور پنجاه و هشت ساله را هنگام صرف ناهار ملاقات کرده بود، او را این گونه توصیف کرده است:

خوش ترکیب... همواره خوش لباس، اما لباس‌هایی از مد افتاده... قد متوسط با موهای نقره‌ای رنگ و کوتاه... چشمانی آبی و بسیار هوشمند و حاکی از رضایت که مجموعاً فردی درونگرا را به نمایش می‌گذاشت... و وقتی با سبک نامنظم و پر زرق و برق خود صحبت می‌کرد، مواد اولیه طنز روزانه همنشین‌های سطح پایین دور میز غذا را به مقدار قابل ملاحظه‌ای فراهم می‌کرد. بدین ترتیب اغلب این ناراضی مضحک، اما در واقع بی‌آزار و مهربان زمخت وسیلهٔ خنده و شوخی افراد بی‌قدری می‌شد که مرتباً اگر چه بدون سوءنیت، او را دست انداخته و مسخره می‌کردند.

شوپنهاور پس از صرف ناهار، طبق عادت پیاده روی طولانی انجام می‌داد و اغلب با صدای بلند سگ خود را مورد خطاب قرار داده یا با او گفتگو می‌کرد و این اسباب هو کردن بچه‌ها بود. شب‌ها در آپارتمان خود در تنهایی مطالعه می‌کرد و هرگز ملاقات کننده‌ای را نمی‌پذیرفت. هیچ مدرکی دال بر روابط عاشقانهٔ او در طی سالهای زندگی در فرانکفورت وجود ندارد و در سال ۱۸۳۱، در سن چهل و سه سالگی در کتاب «درباره خودم» می‌نویسد: «امکان زندگی کردن بدون شغل و بر پایهٔ درآمدی اندک فقط از عهدهٔ فردی مجرد بر می‌آید.»

او هرگز مادرش را پس از آن قطع ارتباط در سن سی و یک سالگی، ملاقات نکرد، اما دوازده سال بعد، در سال ۱۸۳۱ آنها شروع به تبادل تعداد معدودی نامهٔ تجاری کردند که تا زمان مرگ جوآنا در سال ۱۸۳۸ ادامه داشت. زمانی وقتی آرتور بیمار بود، مادرش در اظهار نظری شخصی برایش نوشت: «پسرم، دوماه در اتاق خود ماندن بدون دیدن حتی یک نفر خوب نیست. این موضوع مرا غمگین می‌کند. یک مرد نمی‌تواند و نباید خود را به این صورت منزوی کند.»

گاه به گاه نامه‌هایی بین آرتور و خواهرش آدل رد و بدل می‌شد که در آنها بارها و بارها سعی کرد به برادرش نزدیکتر شود و در تمام مدت به او اطمینان خاطر می‌داد که هرگز تقاضایی از او نخواهد داشت. اما آرتور مکرراً عقب می‌کشید. آدل هرگز ازدواج نکرد و در ناامیدی شدید زندگی را گذراند. وقتی آرتور دربارهٔ نقل مکان خود از برلین برای فرار از وبا با آدل مکاتبه کرد، او در پاسخ نوشت از ابتلا به وبا استقبال خواهد کرد، چرا که به بدبختی‌های او پایان خواهد داد. اما آرتور او را بیشتر از خود راند و مطلقاً نپذیرفت که پایش به زندگی و افسردگی باز شود. پس از آن که آرتور برلین را ترک کرد، آنها فقط یک بار یکدیگر را در سال ۱۸٤۰، کوتاه و بدون خرسندی ملاقات کردند و نه سال بعد آدل چشم از جهان فروبست.

پول، همواره منشاء نگرانی شوپنهاور در سراسر زندگی بود. مادرش ملک کوچک خود را برای آدل به ارث گذاشت و آدل تقریباً بدون هیچ دارایی از دنیا رفت. آرتور بیهوده سعی کرد تا به عنوان مترجم شغلی به دست آورد و تا سال‌های پایانی زندگی‌اش کتاب‌هایش فروش نرفته و مورد نقد و بررسی قرار نگرفتند.

خلاصه، آرتور بدون بهره از راحتی یا پاداش زندگی کرد، اگر چه فرهنگ وی آن را برای حفظ تعادل و حتی بقا ضروری می‌دانست. اما چگونه با این کاستی کنار آمد، چه بهایی برای آن پرداخت؟ این موضوعات، همان طور که خواهیم دید، اسراری هستند که شوپنهاور در کتاب «دربارهٔ خودم» بیان کرده است.

شرح

به قلم: محمد مسعود/ ۲

مرگ از نزدیک

در میان شاگردان هم کلاس من پسری هم سن خودم بود که به دخترها بیشتر شباهت داشت تا به پسر؛ صورتی ظریف و رنگی سرخ و سفید و موهائی لطیف و خرمایی رنگ داشت.

اسم او احمد بود، و گذشته از همکلاس بودن، همسایه ما هم بود. عصرها با هم از مدرسه خارج شده و صبحها با هم به مدرسه می‌رفتیم.

با هم قرار گذاشتیم که برای تشریفات عزاداری آن سال لوازم برپا نمودن تعزیه مفصلی را جمع آوری و خریداری نماییم. دو سه ماه به ماه عزاداری مانده بود که این فکر را با حلبی ساز محله که مردی متدین و مقدس و دائم الصلوه بود، به میان گذاشتیم. به شیر پاک مادرمان که سبب بروز این گونه نیات حسنه و اعمال طیبه است صدها رحمت فرستاده، و به اجرای این تصمیم با هزاران زبان تشویق و ترغیبمان نمود.

قرار شد احمد و من هر روز پول جیب خود را مرتباً و هر چه از گوشه و کنار به دست می‌آوریم، نامرتب، تحت نظر استاد حلبی ساز به مصرف تهیه بیرق و علم و کلاه خود و شمشیر -که بنا بود با حلبی ساخته شود- و سایر لوازم عزاداری برسانیم. قریب یک ماه بماه عزاداری مانده بود که احمد مریض شد و در بستر بیماری افتاد. کسالت ناگهانی او به طوری مرا افسرده و آزرده نمود که به کلی از خواب و خوراک افتادم، روزها، اول آفتاب به جای رفتن به مدرسه یکسر به بالین او رفته و تا آخرین ساعتی که خانواده او بیدار بودند، پهلوی بستر او نشسته با او راز و نیاز می‌نمودم. بیماری او روزبروز سخت‌تر و مرضش دائماً رو به شدت می‌رفت، به طوری که پس از دو هفته حواس خود را به کلی از دست داده از شناسائی اشخاص عاجز بود!

من و مادرش همیشه بالای سر او نشسته مراقب کوچکترین حالت او بودیم و برای شفای او همه گونه نذر و نیاز می‌نمودیم. یک روز صبح همین که نزدیک خانه احمد رسیدم، دیدم جمعیت زیادی درب خانه ایستاده و صدای شیون و زاری از خانه بلند است. پشت خانه تابوت کوچکی به دیوار تکیه داده بودند و چند روضه خوان به نوبت از الاغهای خود پیاده شده، در خانه احمد داخل و خارج می‌شدند. زانوهای من دیگر قوت پیش رفتن نداشت، من به این اوضاع به خوبی آشنا بوده و مصرف آن جعبه دراز چوبی را که به دیوار تکیه داده شده بود، به خوبی می‌دانستم!

بغض به قدری گلویم را فشار می‌داد که نزدیک بود خفه شوم. دنیا در نظرم تیره و تار شده بود، و به کلی سرگردان و متحیر مانده بودم که در این حال چه کار کنم؟!

بیشتر بچه‌های محله هم دور هم جمع شده بودند، بعضی با رنگهای پریده و بعضی به طور ساده و عادی به یکدیگر خبر مرگ احمد را می‌دادند.

احمد مرده بود، احمد برای همیشه مرا ترک کرده و از آمدن با من به مدرسه الی الابد امتناع نموده بود. درست است که من تا آنروز صدها تابوت و مرده به چشم دیده و نعش‌های زیادی تماشا کرده بودم، ولی موضوع مرگ تا آن وقت به هیچوجه در ذهن من خطور نکرده و در مورد آن کوچکترین تفکر و تعمقی نکرده بودم. این اولین مرتبه‌ای بود که من معنی مرگ را می‌فهمیدم و تفاوت مرده و زنده را به طور واضح و آشکار تشخیص می‌دادم.

تمام مرده‌هائی که من تا آنروز دیده بودم، همه بیگانه بودند و مقایسه آنها با حیاتشان در ذهن کودکانه من امکان پذیر نبود. من بدون اینکه فکر کنم مرده‌هائی که می‌دیدم همه را از بدو خلقت به همان حال خشک و صامت تصور نموده از بی‌حرکتی و بی‌جانی آنها به هیچوجه در تعجب و شگفت نبودم.


قم قدیم

این اولین مرتبه‌ای بود که در عمر کوتاه خود، تفاوت مرگ و حیات را احساس نموده و فرق بین مرده و زنده را تشخیص می‌دادم! احمد مرده بود. او دیگر نمی‌توانست کیف چرمی خود را به دوش گرفته، خنده‌کنان و پای‌کوبان عازم دبستان گردد، او دیگر قادر نبود با دستان ظریف خود موهای لطیف و خرمائی سر را از جلوی چشمان جذاب


محمد مسعود

خود پس نموده و اصول و فروع دین را با صدای ظریف و کودکانه خود برای معلم، شمرده شمرده شرح دهد. اگر اشکم سرازیز نشده بود، قطعاً بغض خفه‌ام می‌کرد و احمد عزیزم تنها نمی‌ماند، لیکن سیلاب اشکم ناگهان مانند باران بهاری رخسار و دامنم را تر نمود و آتش سوزان قلب که روحم را مشتعل ساخته بود، تخفیف داد. نزدیک منزلمان مزرعه وسیعی بود که در آن جو و گندم کاشته بودند.

گندمها نزدیک درو بود و جوها را خرمن کرده بودند، احمد و من در موقع سبز شدن آنها تا هر روز ساعتی در کنار این مزرعه با هم به سر برده و دروس مدرسه را با هم خوانده و حفظ کرده بودیم. من برای جستجوی احمد به طرف مزرعه رفتم و در جائی که هر روز کنار نهر آب با هم می‌نشستیم، به انتظار او نشستم، بچه‌ها از دور آواز می‌خواندند، مثل اینکه صدای آنها از قبرستان شنیده می‌شد و در میان آن صداها صدای احمد از همه روشن‌تر و واضح‌تر بود!

صدای آواز آنها با سرعت عجیبی دور و نزدیک می‌شد، گاهی مثل اینکه از اعماق قبرها شنیده شود به قدری دور و مبهم بود که یک کلمه از گفته‌های آنها را نمی‌فهمیدم و گاهی بقدری نزدیک می‌شد که می‌خواست پرده گوشم را پاره‌پاره نماید!

ما بین آن زمزمه دور و همهمه نزدیک، فقط صدای احمد بود که از همه روشن‌تر و شمرده‌تر می‌شنیدم. احمد شعر مضحکی که غالباً ورد زبانش بود با صدائی که ارتعاشش تا اعماق روحم نفوذ می‌کرد، مرتب و لاینقطع می‌خواند.

حاجی لک‌لک به هوا زنگوله بپاش بود
رفتیم خونشون دیدیم عزاش بود!

چند روز بعد از این واقعه وقتی که به استاد حلبی‌ساز برای پس گرفتن پول‌هائی که ذخیره مخارج عزا شده بود رجوع کردم، اظهار کرد همه پولها و مبلغی هم از خود برای آمرزش روح احمد به فقرا داده است!

هنوز تابستان ۱۹۱٤ تمام نشده بود که آتش جنگ جهانی سراسر دنیا را فراگرفت و حرارت آن تا شهر کوچک و قبرستان بزرگی که محل نشو و نمای من بود، و دور افتاده‌ترین نقاط به نظر می‌آمد، تأثیر و نفوذ نمود. قریب یک‌سال از مرگ احمد که تا آنروز جانسوزترین واقعه عمر کوتاه من بود می‌گذشت و رفته‌رفته چهره جذاب او در سایه فراموشی تاریک و محو می‌گردید.

من پانزدهمین مرحله عمر را می‌پیمودم و از این معبر پرخطر و مرموزی که مابین صباوت و دوران شباب واقع شده با حالت ارتعاش و حیرت عبور می‌نمودم. ستاره طفولیت در آسمان چهارده عمرم غروب می‌کرد و آفتاب جوانی از افق نورافشان پانزده مشغول طلوع کردن بود.

من دیگر طفل معصوم نبودم، میدان جولان افکار و احساساتم دیگر به حدود درس و بازی محدود نمی‌شد و فضای پهناور و پروسعت دیگری را جستجو می‌نمود. اخلاق و رفتار من مولود ساختمان فیزیکی و شیمیائی وجودم بود و هیچ کس و هیچ چیز جز همان خدا و طبیعت نمی‌توانست در آن تغییر و تبدیل محسوسی به عمل آورد. معتقدات و معلومات و آداب و رسومی که تا آنروز کسب کرده بودم عقاید و علوم و عادات محیطی بود که در آن نشو و نما نموده بودم.

به من گفته بودند خدا یکی است و شریک ندارد. من هم معتقد بودم که خداوند واحد و بی‌شریک است. به من گفتند زمین گرد است مانند گلوله من هم زمین را گرد و مانند گلوله می‌شناختم، حال اگر گفته بودند زمین دراز است مثل شاخ گاو البته زمین در نظر من شکل شاخ گاو را پیدا می‌کرد. والدین من جاهل‌تر از آن بودند که برای اطفال شخصیتی قائل شده و عالم مرموز کودکانه مرا درک نموده تربیتم را با تمایلات و استعدادهای طبیعی و موروثی وفق داده برای آینده حاضر و آماده‌ام نمایند.

معلمین ما بیچاره‌ترین و بدبخت‌ترین مردم جامعه بودند، آنها که متأهل بودند، از کثرت پریشانی و دستتنگی همیشه چشمشان به دست اطفال و والدین آنها دوخته بود، همیشه مقروض و مدیون اولیاء ما بودند و از ما پول جیب و سفره نانمان را به هر وسیله و عنوانی بود می‌ربودند و با وجه مختصری که از ما می‌گرفتند، از تمام قیود مدرسه معافمان می‌داشتند، و این بهترین شانس و اقبال ما بود. علوم ما یک سلسله مهملاتی بود که از گردی زمین و درازی چنار و سه گوشی مثلث و شلی آب و سفتی یخ ترکیب شده بود و طرز آموزش آن از عهد دقیانوس اقتباس شده بود. مربیان ما به قدری از اصول تربیت بی‌بهره بودند که تا روز آخر تحصیلات ما حتی تا امروز هم ندانسته‌اند که هدف زندگانی ما چیست و برای چه کار ما را تربیت می‌کردند.

مادرم گفته بود که تکلیف شده‌ام، باید از این به بعد تمام واجبات اعمال مذهبی را به جا آورده و از منهیات اجتناب نمایم، زنها حتی نزدیکترین اقوام روی خود را از من پوشانیده نامحرمم می‌دانستند. کشتی وجود من بیش از همه چیز احتیاج به ناخدایی داشت که او را از این گرداب مهلک و طوفان بلائی که در سرحد دریاچه آرام و زیبای کودکی و اقیانوس متلاطم و پهناور جوانی واقع شده نجات داده، در دریای بیکران حیات راهنمائی و هدایت نماید.

ادامه دارد

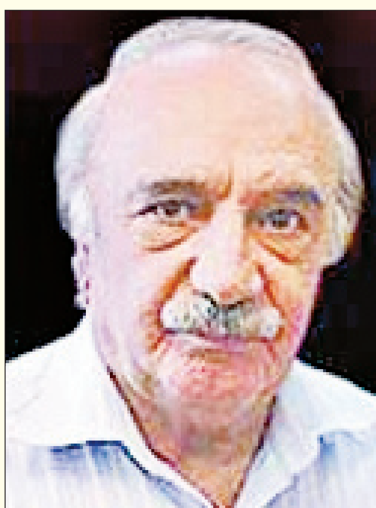
ادب

زندگی خودنوشت: دکتر حسن انوری/ ۳

روزگار درس‌آموزی

عبدالله در شــور ایمان و روشنای عقل همراه من بود. اما روشنای عقل من براثر مطالعه روزبه‌روز فزونی می‌گرفت و نتیجه آن شد که راهی پیدا کنم که به متون اصلی مذهبی راهی یابم. از این‌رو به فکر افتادم عربی بخوانم و چه کسی بهتر از حسن نوعی می‌توانســت. به من عربی یاد بدهد. حسن نوعی، معلم کلاس پنجم ابتدایی در دبستان محمدیه بود. تنها دبستان تکاب که من گواهی‌نامه ششم ابتدایی را از آن گرفتــه بودم. مردی بود بســیار مهذّب در ظاهر و باطن پاک. ایمان مجسم بود. هرگز به پول دســت نمی‌زد. ســال‌های بعد که با او همکار شده بــودم، می‌دیــدم که چگونه حقوقــش را دریافت می‌کند. در آن اوقات بانک در تکاب نبود و حقوق کارمندان ادارات را ادارهٔ دارایی می‌داد. نوعی وقتی می‌خواســت حقوق بگیرد، از جیب خود کاغذی درمی‌آورد و روی لیست حقوق قرار می‌داد و با قلم خود لیســت را امضا می‌کرد. نمی‌خواست دستش با لیســت اداره تماس پیدا کند. آنگاه کیف خود را در مقابــل کارمند دارایی باز می‌کرد. کارمند پول را می‌شمرد و در کیف وی قرار می‌داد. حقوقی که در سال ۱۳۳۲ می‌گرفت صدوپنجاه تومان در ماه بود. نوعی کیف را می‌بســت و در جیب خود می‌نهاد. هر وقت می‌خواســت چیزی بخرد کیف را مقابل فروشــنده باز می‌کرد. فروشنده پول را برمی‌داشت و اگر بقیه داشــت آن را در کیف نوعی قرار می‌داد. این مرد همان اندازه که در ظاهر پاک بود در باطن هم وارسته بود، با قناعت زندگی می‌کرد. در عمرم شــخصی با ایمان‌تر از او ندیــده‌ام. اهل تبریز بود و بــرای معلمی به تکاب فراخوانده شــده بود. کم و بیش عربی می‌دانســت. آمــوزش عربی را پیش او شــروع کــردم. متن، کتابی بود بــه نام الدروس العربیــه چاپ بیروت. بعد از نماز مغرب و عشــا به خانــه‌اش می‌رفتم. اغلب وقتی می‌رســیدم که در فقرات آخر نماز بود. اگر زمســتان بود در کنار کرسی می‌نشستیم و دیگر غیرفصل سرما بود کنار تشکچه‌اش می‌نشســتم. متن را یک بار می‌خواند و توضیح می‌داد و چون همســرش وسایل شام را آمــاده می‌کرد، باید اجازه رفتــن می‌گرفتم. بعدها دروس عربــی را پیش دو تن از آخوندهای محلی ادامه دادم. با انموذج، صمدیه و سیوطی ادامه دادم و مدتی نیز به دروســی که در اصطلاح حوزه‌های علمیه «سطح» نامیده می‌شــود، پرداختم. معالم را پیش شــیخ عزیزالله خســروی (که از سوی آیت‌الله بروجردی به تکاب فرستاده شده) توانستم در شکل اصلــی بخوانم. میــان کتاب‌هایی کــه خوانده بودم بینوایان ویکتور هوگو شــور ایمانی از نوع دیگر در من انگیخته بود و بعد با خواندن آثار تولســتوی و رومن رولان آن را تقویت کرده بود.

انتخابات مجلس بود. فتحعلی افشار ملقب به «ساعد سلطان» کاندیدا شده بود. رعایا را از روستاها آورده بودند که رأی بدهند. اما آنها معنی رأی دادن را نمی‌دانســتند. از چند نفرشان پرسیدم برای چه شما را به تکاب آورده‌اند؟ گفتند آورده‌اند رضایت خودمــان را از اربابمان به صندوق بیندازیم! گفتم رضایت را خودتان می‌نویســید؟ گفتند ما که سواد نداریم، کاغذی به دســت مــا می‌دهند که آن را به صندوق بیندازیم و ســجل‌مان را مهر می‌کنند. این مهر نشانهٔ این است که ما از اربابمان راضی هستیم. در آن اوقات زنان حق رأی نداشتند. در روزنامه‌ها


دکتر انوری

می‌خواندم که در تهران زنانی هستند که تحصیلات دانشگاهی دارند اما نمی‌توانند در انتخابات شرکت کننــد. انتخابات در تکاب مطابق یادداشــتی که از آن اوقات دارم روز بیســت و ســوم مهرماه ۱۳۲۸ انجام گرفت.

در این ســال‌ها رادیو به تــکاب راه یافته بود. برق نبود اما عده‌ای رادیو باطری‌دار داشــتند. سابقاً در اوان جنــگ جهانی دوم دو رادیو به تکاب آمده بود. یکی از سردار افشار و دیگری از دکتر قازاریان آورده بــود. از جمله کســانی کــه رادیو باطری‌دار آندریــا خریده بودند یکی شــوهر عمــه من بود. زرین‌تــاج کوچکترین عمه من بود کــه از مادر با پدرم خواهر بود. از پدری دیگر بود. عمه و شوهر عمه رادیوشان را برمی‌داشتند و به خانه ما می‌آمدند. مراســم شب عروسی محمدرضاشاه پهلوی با ثریا را از رادیو شــوهر عمه شــنیدیم. ســال ۲۸ بود و وضع اقتصادی منطقه به‌خصوص براثر خشکسالی خوب نبود. انتقاد مردم برانگیخته شده بود که مردم از گرسنگی می‌میرند و شاه برای خودش عروسی مفصل گرفته است. عروســی شــاه با ثریا بختیاری روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۹ بود.

در اواخر ســال ۱۳۲۹ ابوالحســن هاشــمی به عنوان شــهردار تکاب انتخاب شــده بود. او هم صاحــب امتیــاز مدرســه و هم مدیــر و هم معلم کلاس ششــم ابتدایی بود. مدرســه شــش معلم و یک خدمت‌گزار داشــت. کارهای دفتری را خود معلم‌ها انجام می‌دادند. یک معلم با رفتن هاشــمی به شــهرداری، کم شده بود. در تعطیلات عید سال ۳۰ حسن نوعی مرا صدا کرد و گفت تو را به عنوان معلم می‌خواهیم به مدرســه ببریم. من در آن موقع چند روز بود که هفده ســالگی را پشت‌سر گذاشته بــودم. گویا قبلاً با پدرم هــم صحبت کرده بودند. اول کلاس چهــارم و بعد کلاسِ ســه ابتدایی را به من سپردند. آقای نوعی (که قبلاً معلم کلاس پنجم بود) رفت به کلاس ششم و نیز مدیریت مدرسه را برعهــده گرفت. آقای مینایی، معلم کلاس چهارم، رفــت به کلاس پنجم، معلم کلاس ســوم رفت به کلاس چهــارم، من رفتم به کلاس ســوم، معلمان کلاس اول و دوم ســرجای خود ماندند. من که به دروس کاملاً مســلط بودم خوب از عهده تدریس برآمدم. چون روحیهٔ خشــن نداشتم و ندارم و آدم با اعتدالی در همه امور هســتم، معلمی با روحیه‌ام ســازگار آمد. بچه‌ها را دوســت داشتم، بچه‌ها نیز به من محبت پیدا کرده بودند. درس فارســی را با طمأنینه برای بچه‌ها می‌خواندم و می‌خواستم آنها هم چند بار بخوانند. در تدریس انشــا و حســاب می‌خواستم ابتکاراتی از خود به خرج دهم.

بهار به زودی به پایان رسید. امتحانات برگزار شد. به مدیر مدرسه ثابت شده بود که معلم خوبی هستم. حقوق ســه ماه را یک‌جا دادند، دویست و چهل تومان شــده بود. ماهی هشــتاد تومان. چهل تومان خودم برداشتم و دویست تومان به پدرم دادم که به آن نیاز داشت. دکان به کلی دچار رکود شده بود. جز جایی که وقتش را در آن بگذراند و بعضی از دوستان به سراغش بروند و اختلاط کنند، مفهوم دیگری نداشت. تابستان سال ۳۰ با همکلاسی‌های ســابق که برای تحصیل به شهرهای اطراف گسیل شــده بودند و برای گذرانــدن تعطیلات به تکاب آمده بودند، بیشــتر وقت گذراندم و از برنامه‌های تحصیلی‌شــان اطلاعاتی به دست آوردم و فهمیدم که در برنامه تحصیلات دبیرســتانی دروسی به نام فیزیک، شــیمی، جبر و زبان خارجه هســت. و در روزنامه‌ها هم اعلان آموزشــگاه‌ها را که در تهران جوانان را برای تحصیلات متفرقه ســوم متوسطه آماده می‌کردند با حسرت و تأسف می‌خواندم. آتش شــوق تحصیل روز به روز در سینه‌ام بیشتر شعله می‌کشــید. تابستان بیشتر در مطالعه رمان گذشت. مهرماه ۳۰ را با آموزگاری ادامه دادم اما برای تابستان حقوقی به من پرداخت نکردند، شاید برای آن بود که تمام ســال تحصیلی را تدریس نکرده بودم. از اول مهر ۳۰ دوباره آموزگاری را از ســر گرفتم. به طور جدی به فکر درس خواندن افتادم. چیزی که آتش شــوق مرا شعله‌ورتر کرد، خواندن کتابی بود به نام اعتماد به نفس. این کتاب را یک انگلیسی به نام دکتر اســمایلز در ۱۹۰۵ تألیف و علی دشتی در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۵ ترجمه کرده است.

کتاب شرح حال کسانی است که با فقر و فاقه و دست خالی توانسته‌اند بر اثر کوشش و پشتکار و راه ندادن یأس و ناامیدی به خود در مقابل مصائب و موانع پایداری کنند و سرانجام به مقصود برسند. ســال‌های بعد کــه در تهران کارشــناس و مأمور تألیف کتاب‌های درســی بودم درسی از این کتاب در یکی از کتاب‌های درسی درج کردم و عنوانش را گذاشتم «بخواه، یاد بگیر، امتحان کن» و این سخن ناپلئون که یکی از کســانی است که قدرت اراده به وجه نمایان و خارق‌العاده در وجود او نمایان شده است. نوشــته‌اند که بدترین کلمه‌ها در گوش وی «نمی‌توانم، نمی‌دانم و نمی‌شود» بود و در پاسخ این سه کلمه می‌گفت: بخواه، یاد بگیر و امتحان کن. از بزرگان ایرانی که شرح قدرت اراده او و عشقش را بــه آموزش در آن درس آوردم یکی میرزاتقی خان امیرکبیر بود.

میرزاتقی خان در کودکی در آشــپزخانهٔ قائم مقام فراهانی کار می‌کرد. او موظف بود که هر روز به هنگام ناهار غذای فرزندان ارباب را از آشپزخانه بــه مکتب ببرد و پــس از ناهار ظرف‌های خالی را برگردند. تقی در دقایقی که در پشت در اطاق درس منتظــر می‌ماند، آنچه را آموزگار می‌گفت به خاطر می‌سپرد و پیش خود تکرار می‌کرد.

روزی قائم‌مقــام برای امتحــان فرزندانش به مکتــب خانه رفــت. مطلبی از آنان پرســید که در پاسخ درماندند. تقی از بیرون اطاق اجازه خواست تا پاســخ گوید. آنگاه که این اجازه به وی داده شد، به درستی به همه پرسش‌ها پاسخ گفت. قائم مقام پرسید: تقی! تو کجا درس خوانده‌ای؟ تقی ماجرا را بیان کرد که چگونه به هنگام آوردن غذا و انتظار در پشت در آنچه را می‌شنیده به خاطر می‌سپرده است. قائم‌مقــام او را انعامی داد. اما تقی آن را نپذیرفت و تقاضا کرد به او اجازه دهند در مکتب‌خانه بنشــیند و به درس آموزگار گوش‌فرا دهد. از آن پس تقی، شــاگرد آشــپزخانه، از هر فرصتی برای آموختن و برای پــرورش نیروی ذهنی خود بهره‌جســت تا کارش به آنجا رســید که امروز تاریخ‌نگاران نام او را در ردیف مــردان بزرگ روزگار جای می‌دهند. نتیجهٔ مطالعهٔ این کتاب این بود: بدون معلم درس خواهــم خواند. در درجهٔ اول یک دورهٔ کتاب اول دبیرستان (هفتم) لازم بود.

بچه‌های ابراهیم‌خان، مالک ده‌همپا در همدان درس می‌خواندند. خردادماه ۳۱ که برای تعطیلات بــه منطقه برمی‌گشــتند و طبق معمــول در فاصله همــدان تا دره تکاب در خانهٔ ما اتراق می‌کردند. از پســر بزرگتر سلیمان‌خان خواستم یک دوره کتاب هفتم، از کتاب‌هایی که خود در دبیرســتان خوانده و کنار گذاشته‌اند، به من بدهد و او این کار را کرد. کار را با کتاب هندسه شروع کردم.

ادامه دارد

زبانزد/ جلال دری



«ص»

صد رحمت به نادر قلی افشار!

*صحبت نیکان بدان را از بدی بازآورد
*صحبت نیکانت از نیکان کند
*صحبت نیکان طلای احمر است
*صحبت نیک را از دست مده
*صحرا پرنعنا، چوبش مال ما
*صحرا و باغ زنده‌دلان کوی دلبر است
*صــدای پــوَل [برای بعضی] از صــدای پر جبرئیل خوش نواتر است!
*صدای دُهُل از خالی بودن شکم است
*صدای مرغ به تخمی نیرزد
*صد باد صبا این جا بی سلسله می‌رقصند
*صدبار گز کن یک بار بُبّر
*صدبلا در هر نفس این جا بوَد
*صد پُتک زرگر یک پُتک آهنگر
*صد پیک دوانید و یکی باز نیامد
*صد تا پسر بزایی یکیش آقا رضا نمی‌شود
*صد تا چقوک [گنجشک] با پرّ و بالش نیم من است
*صد تازی و یک شکار!
*صد تا سُرناچی برای یک کاسه کاچی
*صد تومان می‌دادم پســرم شب بیرون نمانه، حالا که ماند چه یک شب چه هزار شب !
*صدجان فدای آن که دلش با زبان یکی است
*صدجان فدای یار نصیحت نیوش کن
*صدچاقو بسازد یکیش دسته ندارد
*صد درد را خدا به دعایی دواکند
*صد دوست کم است و یک دشمن بسیار
*صد در شود گشاده چو بسته شود دری
*صد دینار جگرک سفره قلمکار نمی‌خواهد
*صددینار داده‌ام، فینش را هم من بکنم؟
*صددینار می‌گیرد سگ عمل می‌کند، یک عبّاسی می‌دهد حمّام می‌رود
*صد رحمت به آب حمّام!
*صد رحمت به چرخ چاه
*صد رحمت به حکم قاضی سدوم
*صدرحمت به دیوان بلخ!
*صد رحمت به فیل کوچکه!
*صد رحمت به کفن دزد اوّلی
*صد رحمت به نادر قلی افشار!
*صد زبان‌گر با شدت چون مردمک خاموش باش
*صدرهر جا که نشیند صدر است
*صد سال است گدایی می‌کند هنوز شب جمعه را نمی‌داند
*صد سر را کلاه است و صد کور را عصا!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۳، (برابر با ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۹٤، ۲۱ مه ۱۹۷٤) نقل شده است

اجرای طرحهای افزایش تولید گوشت

سه طرح وسیع به منظور افزایش تولید دام، طیور، علوفه و تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در رشته دامداری و دامپروری مدرن اجرا شد.

مدیریت این طرحها با سازمان دامپروری کشور است. طرح‌ها علاوه بر توسعه عملیات دامپروری و اصلاح نژاد دامهای کشور، افزایش تولید علوفه را نیز شامل می‌شود.

به موجب طرح اول، یک واحد مرغداری مدرن که یکصد میلیون ریال در آن سرمایه‌گذاری شده در کرج شروع به فعالیت میکند. این واحد سالیانه چهار هزار تن مرغ گوشتی به بازار عرضه خواهد کرد. طرح دوم شامل ایجاد یک مرکز پرورش مرغ مادر است که هر سال ٤ هزار و ۶۰۰ قطعه مرغ مادر تولید می کند.

بانک «اطلاعات» تأسیس میشود

بر اساس لایحه تأسیس وزارت اطلاعات و جهانگردی که امروز تقدیم قوه مقننه شد، بانک اطلاعات تشکیل میشود و در این بانک اطلاعات و اخبار، تصاویر، مدارک، فیلم، کتاب و سایر انتشارات مربوط به ایران، آمار و اطلاعات مستند و انواع انتشارات مربوط به جهانگردی جمع‌آوری شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می گیرد.

فعالیت‌های خانه‌های ایران در خارج کشور نیز پس از تصویب این لایحه تحت نظر وزارت اطلاعات و جهانگردی در می‌آید و این خانه‌ها به صورت شرکت‌های سهامی اداره خواهند شد.

ایجاد، توسعه و بهسازی شبکه‌های رادیو تلویزیونی کشور تهیه و اجرای برنامه‌های انتشاراتی و آگاه‌سازی مردم کشور از رویدادهای ایران و جهان، مطالعه دربارن نحوه استفاده از سیستم‌های ارتباطات ماهواره‌ای، اشاعه و شناساندن تمدن و فرهنگ ملی در وظایف این وزارتخانه منظور شده است.

مذاکرات اقتصادی ایران و مصر آغاز شد

دکتر عبدالعزیز حجازی نایب اول نخست‌وزیر وزیر دارایی و اقتصاد و بازرگانی خارجی مصر صبح امروز در کاخ اقتصاد با هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی و دارایی و فرخ نجم‌آبادی وزیر صنایع و معادن ملاقات کرد و درباره روابط تجاری و اقتصادی ایران و مصر مذاکراتی انجام داد.

مذاکرات ایران و مصر پس از این ملاقات با شرکت مقامات و کارشناسان دو کشور ادامه یافت.

دور نهایی مذاکرات ایران و مصر بعد از ظهر فردا انجام خواهد شد و از هم‌اکنون پیش‌بینی میشود که پروتکل مهمی بین دو کشور در پایان مذاکرات امضاء شود. قرار است بعد از امضاء پروتکل حجازی در یک مصاحبه مطبوعاتی نتایج مذاکرات را برای نمایندگان مطبوعات تشریح کند.

ایران تهدید به خروج از کمیسیون آتش‌بس کرد

سایگون، خبرگزاری فرانسه ـ از یک منبع موثق در سایگون کسب اطلاع شد که هیئت نمایندگی ایران تهدید به خارج شدن از کمیسیون بین‌المللی کنترل آتش‌بس کرده است. همین منبع تصریح کرد که هیئت نمایندگی ایران ضمن نامه‌ای که به عنوان وزارت خارجه ویت‌نام شمالی فرستاده، نوشته است که اگر دولت هانوی به اتهامات نادرست و بی‌اساس خود پایان ندهد در شرکت خود در کمیسیون بین‌المللی تجدید نظر خواهد کرد.

این نامه در پاسخ اعتراض مورخ ۱۰ مه وزارت امور خارجه ویتنام نسبت به ابتکار یکجانبه هیئت‌های نمایندگی ایران و اندونزی برای تحقیق درباره بمباران یک مدرسه در منطقه «لتا» نوشته شده.

شانس ورود به دانشگاه‌ها کم شد

تعداد تقاضانامه‌های داوطلبان کنکور سراسری از

مرز یکصد هزار گذشت و بدینسان از شانس داوطلبان برای ورود به دانشگاه‌ها، کاسته شد. با افزایش تعداد داوطلبان، امسال نیز رکورد جدیدی به جای گذاشته شد زیرا سال گذشته نود هزار نفر در این کنکور اسم نوشتند.

امروز فرصت ثبت‌نام کنکور سراسری پایان یافت و کسانی که تا امروز نتوانستند مدارک خود را پست کنند، از شرکت در کنکور سراسری محروم شدند. با این حال، هنوز برای آنان فرصت‌های دیگری وجود دارد.

پیش‌بینی می‌شود که تعداد داوطلب این کنکور بزرگ، از ۱۱۰ هزار نیز تجاوز کند. بدین ترتیب، حدود بیست تا ۲۵ هزار داوطلب بیش از سال گذشته در کنکور سراسری شرکت خواهند جست. سال گذشته، از هر هشت نفر شرکت‌کننده، یک نفر وارد دانشگاه‌ها و مدارس عالی دولتی می‌شد، ولی امسال از هر سیزده تا چهارده نفر، یک نفر بخت راه یافتن به مؤسسات آموزشی عالی دولتی را خواهد داشت.

قاب امروز



سه چرخه دست ساز مرد نیجریه ای ـ ابوجا / منبع: تلگراف

داستان کوتاه

نگهبان محله

نیمه‌های شب بود که صاحبخانه دزد را دید که از بالای دیوار به حیاط پریده است. با شتاب به سمت پنجره رفت و نگهبان محله را که در کوچه پرسه می‌زد و سوت می کشید، خبر کرد. از طبقه فوقانی ساختمان در حیاط را با فشردن شاسی اف اف بر روی او باز کرد و به سمت تراس آمد و ندا داد که: برو به انبار زیر زمین.

نگهبان پیر، به سمت انبار رفت. نور چراغ قوه را انداخت و بانگ برآورد: کسی نیست آقا.

صاحبخانه گفت: برو شوفاژخانه. نگهبان با چراغ قوه روشن به سمت شوفاژخانه رفت: در شوفاژخانه نیست آقا. صاحبخانه گفت: شاید در گلخانه باشد.

نگهبان به آن سو رفت. نور چراغ قوه را چرخاند. پرده گلخانه را کنار زد. دزد قوی هیکلی دید با سبیل چخماقی و با قداره‌ای در دست. از وحشت نزدیک بود قالب تهی کند، پیر بود و ناتوان؛ اما دزد جوان و تنومند. یاد زن و بچه اش افتاد که در انتظار لقمه‌ای نان بودند. پرده انداخت و بانگ برآورد: گلخانه را هم گشتم آقا. نبود!

عبدالحمید حسین نیا

پند بزرگان

● محبت همه چیز را شکست می دهد و خود شکست نمی‌خورد.

تولستوی

● لبخند بیش از چند لحظه دوام ندارد ولی خاطره آن جاودانی است.

آبراهام لینکلن

سرایه

چون بخت به تدبیر نکو نتوان کرد
بیفایده سعی و گفت و گو نتوان کرد
گفتم بروم صبر کنم یک چندی
هم صبر برو که صبر ازو نتوان کرد

سعدی

امروز در تاریخ

شاه شدن «پوراندخت»، به روایت رویدادنگاران کلیسای قسطنطنیه

رویدادنگاران کلیسایی قسطنطنیه ۲۱ ماه می سال ٦٣٠ میلادی را روزی نوشته اند که درجریان زوال حکومت ساسانیان، پوراندخت دختر خسروپرویز، شاه ایران شد. حال آنکه سایر مورخان نوشته اند که پوراندخت در سال ٦٣٠ و چند هفته پس از قتل سپهبد شهربراز بر تخت شاهی ایران تکیه زد. شهربراز نهم ژوئن سال ٦٣٠ میلادی در تیسفون به قتل رسید. دوران سلطنت پوراندخت بیش از ١٦ ماه طول نکشید.

پس از برکناری خسروپرویز و سپس قتل او، ظرف چند سال ده پادشاه بر ایران حکومت کردند. با قتل یزدگرد سوم دهمین شاه این دوران بحرانی، حکومت دودمان ساسانی و همچنین عمر امپراتوری ایران باستان که در معرض حملات نظامی اعراب مسلمان قرار گرفته بود به پایان رسید.

درگذشت روزبهان فسایی

برخی از کرونیکل های رویدادهای جهان، فوت ابو محمد روزبهان فسایی را پس از تطبیق تقویم ها، ۲۱ ماه می سال ۱۲۰۹ میلادی ذکر کرده اند. این عارف و اندیشمند ایرانی درشیراز درگذشت. تالیف مهم او «لطائف البیان» عنوان دارد.

پیشنهاد تقسیم ایران از سوی داماد چرچیل!

۲۱ ماه می ۱۹۵۲ (اردیبهشت ۱۳۳۱ و ١٤ ماه پس از ملی شدن نفت ایران) دانکن سندز (ساندز) سیاستمدار، دولتمرد انگلیسی و داماد وینستون چرچیل نخست وزیر وقت پیشنهاد کرد که آسانترین راه حل مساله ای به نام «ایران» که به وجود آمده این است که ایران باردیگر میان دولت های لندن و مسکو قسمت شود!. وی که در پارلمان انگلستان سخن می گفت، اضافه کرده بود: «محاصره اقتصادی ایران موثر واقع نخواهد شد. مروری بر تاریخ ایران نشان می دهد که چگونه ایرانیان یاد گرفته اند که در جریان سختی ها خودرا با هر وضعیت روز تطبیق به زندگانی عادی ادامه دهند. آنان بدون صادرات و واردات هم می توانند دوام یابند؛ به همان گونه که در یک سال اخیر (سال ۱۹۵۱) زندگانی عادی خودرا ادامه دادند و ...» سندز افزوده بود: «مشاهده درهم شکسته شدن ناسیونالیسم ایرانی؛ آرزوی مشترک ما (لندن) و مسکو (شوروی) است و آسانترین راه وصول به آن، مذاکره با کرملین برای تقسیم مجدد ایران، میان ما دو دولت به دو منطقه نفوذ است، تقریبا با همان فرمول ۱۹۰۷ (قرارداد سن پترز بورگ) یا هر شکلی دیگر و....».

دیگر رویدادهای ۲۱ می

۸۷۸: شهر سیراکوز در جزیره سیسیل (ایتالیا) به دست الغالبه (مسلمانان شمال آفریقا) افتاد.

۱۵۰۲: پرتغالی ها در اقیانوس اطلس به جزیره ای رسیدند که نامش را سِنت هلنا گذاردند. این جزیره که بعدا به دست دولت لندن افتاد در دهه های دوم و سوم قرن ۱۹ تبعیدگاه ناپلئون بناپارت شد و همین جا درگذشت.

سودوکو ۱۰۶۵

	۸		۹		۱			
	۴	۳	۶			۹		۱
		۱					۸	
۵				۳	۹		۲	
	۹						۳	
	۳		۸	۲				۹
	۵					۳		
۸		۹			۶	۴	۱	
			۴		۲		۵	

۹	۷	۱	۳	۴	۵	۸	۶	۲
۸	۶	۲	۹	۷	۱	۳	۴	۵
۳	۴	۵	۸	۶	۲	۹	۷	۱
۱	۹	۷	۵	۲	۳	۴	۸	۶
۴	۳	۸	۱	۹	۶	۵	۲	۷
۵	۲	۶	۷	۸	۴	۱	۹	۳
۶	۱	۹	۴	۵	۷	۲	۳	۸
۷	۸	۳	۲	۱	۹	۶	۵	۴
۲	۵	۴	۶	۳	۸	۷	۱	۹

حل ۱۰۶۴

۳۵۷۸ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

				شهری در فارس	دانش / تذکر		مربی جدید آث میلان	مشق شب
						تصدیق روسی / پیامبر	۱	از سنگهای قیمتی / جوان
				استان عراق				
ستایش کننده	نخست وزیر پروس		سخنرانی					فقدان
			شهری در یزد / چند رأی					روش و طریقه / فلز سرخ
						جمع یاقوت / دریغا		
		پسوند شباهت / ستاره شناسی			آب شرعی / محل گریز			
				کم خونی / صوت تحسین				خون بها / سوچشم
			نیروی زندگی				و	سردار انوشیروان
			دعای زیر لب					
			شهر کعبه					اخگر و جرقه / رای فقیه

حل ۳۵۷۷

				صندلی راحتی	سزای عمل / موقعیت مساعد	ج	نوشت افزار	وادار کردن
				م	ا	ز	ل	ا
				ب	ک	ا	و	ک
				ل	ا	زانو ترسان / پایان	ا	ستارگان / پارچه فروش
				آیین ها	ز	ا	ز	ب
شبکه جهانی ارتباطات	آکروباسی	س	آب فروش	ر	ی	خ	م	صاحب اختیار
ا	ب	ق	نوعی بالا پوش / ایتالیای قدیم	س	و	ر	ا	کالا / گشودن معما
ی	ن	ا	ر	و	ن	درخشان / حس بساوایی	ل	ح
ن	د	رود آرام / استواری	و	م	درخت انگور / از نام های پسرانه	ل	ت	ه
ت	ب	ث	م	مقابل منفی / قوت لایموت	م	ا	ح	مهمانخانه / پسر حضرت نوح (ع)
ر	ا	ب	محموله	ن	ا	م	ر	داستان و قصه
ن	ز	و	سنگینی	ا	ن	س	ی	ا
ت	ی	ت	مخترع آمریکایی بمب	ن	ی	ه	ر	خبرگزاری دانشجویان / در گرو چیزی